

سالنامه توده

بمناسبت پنجاهمین سال
تأسیس حزب کمونیست ایران
و سی امین سال تأسیس
حزب توده ایران

۱۳۴۹

چند تصحیح لازم

با پوزش از خوانندگان گرامی تقاضا داریم چند اشتباه ذیل در این سالنامه را به شرح زیر تصحیح فرمایند :

صفحه ۱۵ ، سطر ۱۲ از پائین بجای سال ۱۳۲۹ ، سال ۱۳۴۹ خوانده شود .

در صفحه ۱۳۶ مقاله « شمه‌ای در باره جنبشهای اجتماعی و انقلابی در ایران » از رفیق ا . گویا است

در صفحه ۱۷۲ شعر « ای شاعری که شمع جوانیت شد خموش » به شاعر شهید مرتضی گویان مربوط است .

به صفحه ۱۸۸ اضافه میشود :

۱۸ سرداد ۱۳۲۴

جبهه متحد احزاب آزادیخواه که بنا به ابتکار و دعوت حزب توده ایران با شرکت حزب ایران تشکیل گردید .

در صفحه ۱۸۴ مسئله پیوستن احزاب به جبهه «توافق احزاب آزادیخواه» مربوط به

آبان سال ۱۳۲۵ است و نه ۱۳۲۴

سالنامهٔ توده

بمناسبت پنجاهمین سالگرد حزب کمونیست ایران

و

سی‌امین سالگرد حزب توده ایران

از انتشارات حزب توده ایران

سال ۱۳۴۹

سالنامهٔ توده

سالنامه ی توده به مناسبت پنجاهمین سال تأسیس حزب کمونیست ایران و سی‌امین سال تأسیس حزب توده ی ایران منتشر میشود.*

ماکوشید ه ایم در این سالنامه یک سلسله اطلاعات فاکتوگرافیک و آماری در بارهٔ جنبش‌های انقلابی در ایران، تاریخ حزب کمونیست ایران و حزب توده ی ایران و جنبش ملسی کردن نفت و نیز در باره ی وضع اقتصادی و اجتماعی کشور در شرایط کنونی بدست دهیم - یعنی اطلاعاتی که برای مجاهدان حزبی و همه ی مبارزان شد رزیم ضد ملی و ضد دموکراتیک کنونی دانستن آنها سودمند است.*

بویژه تنظیم تقویم زندگی حزب توده ی ایران که برای اولین بار باین وسعت انجام میگردد از مزایای مسلم این سالنامه است.*

مادراین جزوه از قهرمانان و شهیدان حزب و نهضت یاد کرده ایم و مستخرجاتی از اسناد مهم سیاسی و اشعار و سرودهای اجتماعی و انقلابی درج نموده ایم و تا حد امکان این جزوه را با عکسهای لازمه آراسته ایم.*

انتشار این سالنامه طبق تصمیم پلنومهای ۱۲ و ۱۳ کمیته ی مرکزی حزب توده ی ایران که پیشنهاد شعبه ی تبلیغات و تعلیمات حزب را در زمینه تهیه کرده است، انجام میگردد.*

امید است کاران انجام یافته بتوانند نقش خود را در فعالیتهای تبلیغاتی و تعلیماتی حزب ما ایفا کنند.*

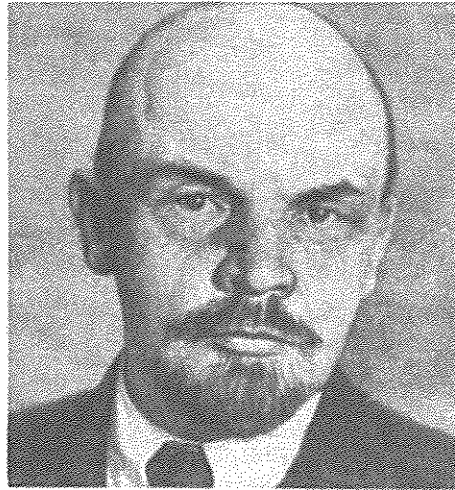
ما از خوانندگان ارجمند سالنامه سیاست‌گذار خواهیم شد اگر نظریات انتقاد ی و تکمیلی خود را برای ما ارسال دارند تا در کتابهای مادراین زمینه مورد استفاده قرارگیرد.*

شعبه ی تبلیغات و تعلیمات حزب توده ی ایران

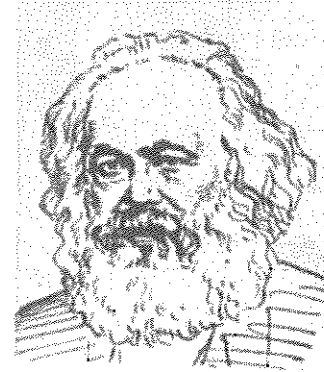


فريدريش انگلس

پيشوايان سترک پرولتاريای جهانسی
و بنياد گزاران آموزش مارکسيسم — لنینيسم



ولاد يميز ايلچ لنین



کارل مارکس

پيروزياد مارکسيسم — لنینيسم — جهان بينی انقلابی حزب تودک ایران

سیمای واقعی اقتصاد ایران

در این بخش سالنامه به بررسی مختصر وضع اقتصاد ایران میپردازیم و میکوشیم ضمن ارائه اطلاعات فشرده ای درباره ی اقتصاد کشور، تحلیلی واقع بینانه مبتنی بر ارقام و واقعیت ها نیز از آن بعمل آوریم. بدیهی است تحلیل ما جنبه ی کلی دارد و فقط به برخی مسائل عمده خواهیم پرداخت.

در بیان مطالب، از لحاظ حجم حتی الامکان رعایت تناسب شده است. درباره ی معدودی از مسائل که تاکنون مطبوعات ما با آنها نپرداخته اند به تفصیل بیشتر سخن خواهد رفت. علاوه بر این بخش، نوشته های دیگری در این سالنامه درباره ی وضع کشاورزی و پایگاههای امپریالیسم در ایران و غیره وجود دارد که مکمل مطالبی است که در این بررسی می آید.

۱- اوضاع طبیعی ایران

ایران کشوریست وسیع که در جنوب غربی آسیایان ۴۴ تا ۶۳ درجه طول شرقی و ۲۵ تا ۴۰ درجه عرض شمالی قرار گرفته است. مساحت ایران در حدود ۱۳۵۵ هزار کیلومتر مربع است. ایران بتنهائی بیش از مجموعه ی انگلستان و فرانسه و سوئیس و بلژیک و هلند و اسپانیا و پرتغال وسعت دارد.

جمعیت ایران اکنون به ۲۸ میلیون نفر بالغ میشود. در هر کیلومتر مربع آن در حدود ۱۷ نفر زندگی میکنند. بنابراین تراکم جمعیت در ایرا کم است (در سراسر زمین ۲۶ نفر، در آسیا ۴۷ نفر). جمعیت ایران سالانه در حدود ۲٫۸ درصد افزایش مییابد که تقریباً برابر میزان افزایش جمعیت در کشورهای پیشرفته ی صنعتی است. آهنگ رشد جمعیت در شهرهای ایران سریعتر از آهنگ رشد در مناطق روستائی است. مهاجرت به شهرها طت اصلی است.

ایران در حدود ۸ هزار کیلومتر مرز دارد که یک سوم آنرا مرزهای دریائی تشکیل میدهد. ایران از لحاظ ارتباط با سایر کشورهای جهان از موقعیت مناسبی برخوردار است.

سرزمین ایران قسمت بزرگی از پشته یانچد ایران را تشکیل میدهد. ایران کشوریست کوهستانی و $\frac{3}{4}$ سطح آنرا پستی و بلندی مناطق کوهستانی فرا گرفته است و جز در سواحل دریای خزر و خلیج فارس و بحر عمان بیش از هزار متر از سطح دریا ارتفاع دارد. مناطق کوهستانی ایران بطور عمده شامل سلسله کوههای البرز و زاگرس است. کوههای البرز از شمال غربی کشور آغاز میشود، پس از دوزدن سواحل جنوبی خزر بسوی شرق امتداد مییابد و به کوههای افغانستان می پیوندد. داموند بلندترین قله ی البرز است و ۵۶۰۴ متر ارتفاع دارد.

کوههای زاگرس از آذربایجان آغاز میشود، ابتدا بسمت جنوب و سپس در جهت جنوب شرقی امتداد می یابد، بتدریج از ارتفاع خود میگذارد و سرانجام به خاک پاکستان داخل میشود. در داخل ایران نیز چند رشته کوه وجود دارد که بنام کوههای مرکزی ایران شهرت دارند. این کوهها در واقع شعبات سلسله کوههای زاگرس هستند.

در شرق ایران نیز کوههای منفردی وجود دارد که کوه تفتان با قله ی ۴۰۴۲ متری خود بلندترین آنهاست. قسمتهای داخلی این کوهها راهمواریهای بی آب و غلف و شوره زار دشت کویر و دشت لوت در بر گرفته است.

با آنکه ایران در منطقه ی معتدله ی شمالی قرار دارد وضع آب و هوای آن پیش از آنکه برحسب موقعیت جغرافیائی کشور تعیین شود، تحت تاثیر پستی و بلندیهای نجد ایرانست. بطوریکه ایران در مقایسه با کشورهای نظیر یونان و ایتالیا و هند و برمه و غیره که از لحاظ جغرافیائی همعرض ایران هستند، آب و هوای کاملاً متفاوتی دارد.

کوههایی که ایران را همچون حصار از چهار سمت احاطه کرده اند، مانع نفوذ جریانهای هوائی خارج به داخل کشور میگرددند. مثلاً سلسله کوههای البرز مانع دخول جریانهای نمناک اقیانوس اطلس و دریای خزر به داخل کشور میشود. این جریانها فقط بسواحل خزر و دامنه های شمالی البرز و تا حدودی به نواحی کوهستانی شمال غرب و دامنه های غربی زاگرس نفوذ میکنند و یا کوههای جنوبی ایران مانع دخول باد های سوزان صحرائ عربستان بنواحی مرکزی ایران میگردد.

نرسیدن جریانهای هوایی اقیانوس ها و دریاها به داخل کشور باعث شده است که نواحی مرکزی ایران دارای اقلیم خشک و کاملاً بستی باشد. بخصوص در نواحی کویر و لوت منطقه ای کاملاً مستقل و جدا شده ای از محیط اطراف بوجود میآید که در اثر تابش شدید آفتاب فضای بستی انداز گرم و خشک در آن پدید میآید. درجهی حرارت در این نواحی در فصل مختلف و حتی در شبانه روز بشدت تغییر می یابد. چنانکه اختلاف درجهی حرارت در برخی نقاط حتی به ۴۰ درجه میرسد.

هوای ایران بطور کلی گرم است. در بعضی نواحی حد اکثر حرارت در تابستان به بیش از ۵۰ درجه و حتی در زمستان تا ۲۰ درجه بالا میرود. حد اقل حرارت در اکثر نقاط ایران پائین تر از صفر است و گاه به ۳۵- تا ۳۰- درجه زیر صفر میرسد.

وجود کوهها و چین خوردگیهای فراوان باعث شده است که در نواحی مختلف ایران و حتی در داخل منطقه ای کوچکی شرایط اقلیمی کاملاً متفاوت پدید آید. هنگامیکه مثلاً در آذربایجان جوانه های گندم هنوز زیر برف است، در نواحی جنوبی ایران کار درو و خرمن کوبی آغاز میشود و نقاط سرد سیر و گرمسیر چندان در هم میآمیزند که باطنی چند کیلومتر آه می توان از گیاههای سرد سیری به گیاهان گرمسیری رسید. این وضع امکانات وسیعی برای تولید انواع محصولات کشاورزی خاص مناطق حاره و معتدله و مناطق مدیترانه ای در ایران فراهم آورده است. تنوع پوشش گیاهی و وجود انواع حیوانات و پرندگان که بر حسب شرایط خاص نواحی مختلف ایران بطور طبیعی پرورش یافته اند، گواه بر این امر است. در ایران بیش از ۱۰۰۰ نوع گیاه، در حدود ۷۰۰ نوع حیوانات ذوقار، بیش از صد نوع حیوانات پستاندار و ۴۰۰ نوع پرنده وجود دارد.

بارندگی در ایران مجموعاً کم است و میزان آن در نواحی مختلف کاملاً متفاوت است. چنانکه در سواحل خزر میزان نزولات آسمانی بیش از ۱۰۰۰ میلیمتر و در سیستان کمتر از ۱۰۰ میلیمتر در سال است. میزان سالانه ای بارندگی در ایران بطور متوسط ۳۰۰ میلیمتر است (در سراسر کشور) زمین بطور متوسط ۸۱۰ میلیمتر و در خشکیها ۱۶۰ میلیمتر بارندگی میشود. در ایران مجموعاً ۵۰۰ - ۴۵۰ میلیارد متر مکعب بارندگی میشود.

در ایران رود بزرگ کم است. آب رودهای ایران یا از بارانهای موسمی، یا از آبهای زیرزمینی (چشمه سارها) و یا از برفها و یخهای کوهستانی تأمین میشود. در ایران فقط رود کارون قابل کشتیرانی است. در کارون نیز فقط در طول ۳۰۰ کیلومتر (در بخش سفلی آن) میتوان کشتیرانی نمود.

رودهای ایران از لحاظ حوضه ای آبریز به سه قسمت میشوند: ۱- حوضه ای آبریز دریای خزر، ۲- حوضه ای خلیج فارس و دریای عمان و ۳- حوضه ای داخلی که شامل رود های است که به دریاهای داخلی میزنند و یا در باتلاقها و ریزگرها فرو میروند. آب بسیاری از رود های ایران گل آلود بوده. اکثراً با املاح سولفات و کلرات توأم است.

در رود های ایران در حدود ۱۰۰ نوع ماهی زندگی میکنند و بخصوص رود های حوضه ای دریای خزر از لحاظ ماهی غنی هستند. در رود های ایران سالانه در حدود ۱۱۷۵ میلیارد متر مکعب آب جاریست که فقط از ۳۹ میلیارد متر مکعب آن بهره برداری میشود و باقی بدهی آنکه مورد استفاده قرار گیرد به دریاها و دریاهای باتلاقها و شزارها وارد میشود. از ۳۹ میلیارد متر مکعب مورد بهره برداری نیز فقط ۱۷- ۱۶ میلیارد متر مکعب به مصرف نهائی میرسد و بقیه ای این آبها نیز بهد ریبرود. در صورت ایجاد سد های مخزنی و انحرافی و کانال کشی و بکار بردن شیوه های علمی آبیاری میتوان از هدر رفتن این همه آب گرانبها در کشور جلوگیری نمود.

از لحاظ خاک شناسی ایران وضع کاملاً متنوعی دارد. تنوع در وضع پستی و بلندی، آب و هوا، پوشش گیاهی، وضع زمین شناسی و وجود رسوبات مختلف موجبات این تنوع را فراهم آورده است. با اینهمه خاکهای ایران بیشتر از نوع خاکستری است. وفور مواد قلیائی، قلت مواد آلی و کثرت سنگلاخها از مشخصات خاک ایران است. با اینجهت فقط

با اصلاح خاک (بکار بردن مواد شیمیائی ، پاک کردن زمین از سنگ ، استعمال کود و آبپاری و غیره) میتوان بنحوی شایسته از زمینهای ای — ران بهره برداری نمود .

در باره ی معادن ایران (جز نفت) هنوز بررسی دقیق و همه جانبه ای انجام نگرفته است . سرزمین ایران از این لحاظ هنوز ناشناخته است . ولی وجود چین خوردگیها و قشر بندیها و مواد آتشفشانی و رسوبات تمام ادوار زمین شناسی — از مرحله ی کمبرین اذوران پالئوزوئیک گرفته تا آخرین مرحله ی دوران کاینوزوئیک — وجود انواع مواد معدنی را در ایران به ثبوت میرساند . کشف انواع مواد معدنی ضرور — فلزات سیاه و رنگین ، شیشه فلزات ، نفت ، سنگها و خاکهای ساختمانی و آبهای معدنی — که از دیر زمان برائرمساعی مردم ایران و یاد رسالهای اخیر در نتیجه ی بررسی های مقدماتی سازمانهای دولتی و موسسات خصوصی انجام گرفته ، مؤید آنست که اگر در ایران بررسیهای دقیق علمی بعمل آید ، ذخایر معدنی عظیم بدست خواهد آمد . نقشه ی معادن مکشوفه ی ایران امکانات وسیع کشور را از لحاظ تنوع مواد معدنی بخوبی آشکار میسازد (رجوع به صفحه ی بعد) .

معادن

از سند تحلیلی حزب :

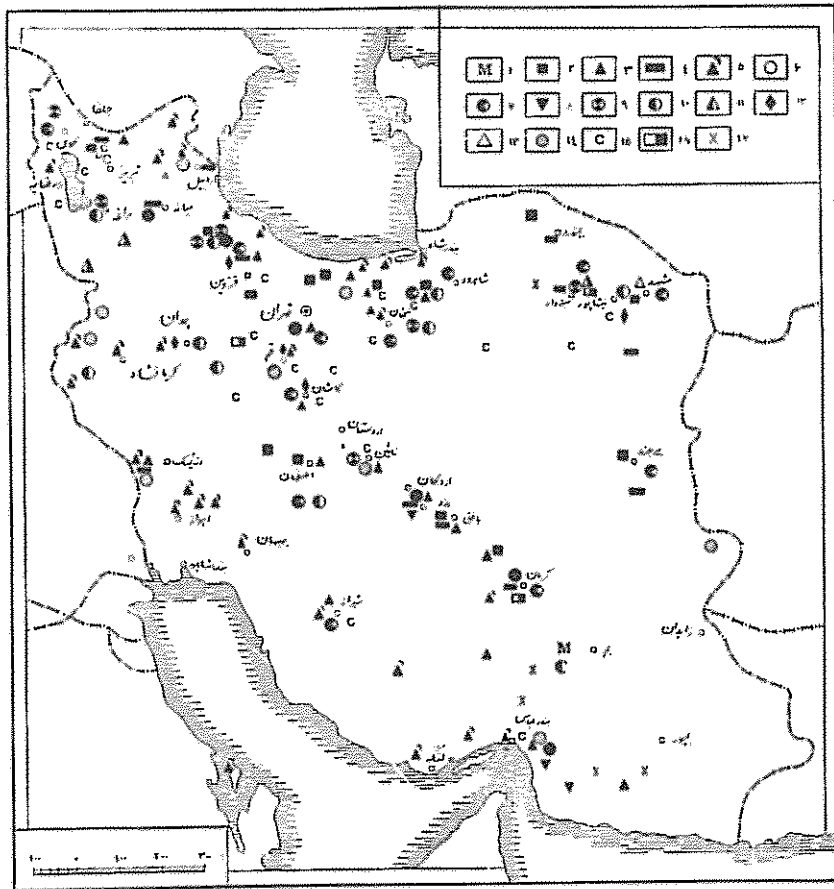
مضمون تحولات سالهای اخیر کشور

طی ده سال اخیر در اوضاع اقتصادی و اجتماعی کشور تحولاتی روی داد که مضمون اساسی آن ، چنانکه بارها حزب توده ی ایران اعلام داشته ، مبارزه است از بسط مناسبات سرمایه داری در شهر و ده و زوال تدریجی مناسبات فئودالی .
تحولات مزبور ناگزیر ساختمان جامعه ی نیمه فئودال ایران را نیز دستخوش تغییراتی ساخته است که انجام یافتن و شکل گرفتن نهائی آن بادرجه ی سرعت نفوذ و محق رسوخ مناسبات تولیدی جدید بستگی تام دارد . به همین جهت میتوان گفت که جامعه ی ایران اکنون یک دوران انتقالی را طی میکند .
اقدامات اقتصادی و تدابیر اصلاحی رژیم ، بجزیره طی سالهای اخیر معطوف به برانگیختن وساطتی بمنظور تسریع این پروسه ی گذار ، در عین حال حفظ منافع اساسی طبقات و قشرهای استثمارگر داخلی و سرمایه — داری خارجی بوده است .

از سند اصلی جلسه ی مشاوره ی احزاب برادر :

شیوه های نو استعماری

در مبارزه علیه جنبش آزاد بیخش ملی ، امپریالیسم از یکسویا سرسختی از بازمانده های استعمار دفاع میکند و از سوی دیگر کوشاست با شیوه های نو استعماری راه ترقی اقتصادی و اجتماعی را بر کشورهای رشد یابنده ، بر کشورهاییکه حاکمیت ملی کسب کرده اند ، ببندد . بدین منظور از محافل ارتجاعی حمایت میکند ، از لغو نظامهای اجتماعی عقب مانده جلو میگیرد و میکوشد بر سر راه رشد نسبی سوسیالیسم بسا راه ترقی و غیر سرمایه داری که در نفعای سوسیالیستی میگشاید ، ایجا د موانع و دشواری کند .
امپریالیستها بر این کشورها قرارداد های اقتصادی و پیمانهای نظامی — سیاسی ناقصی حق حاکمیت آنها تحمیل مینمایند ، از طرف صد و سرمایه داری شرایط نابرابر در بازرگانی ، بازی قیمتها و کسورس ارزها ، وامها ، از طریق گوناگون با اصطلاح " کمک " و ترضیقات سازمانهای مالی بین المللی ، این کشورها را استثمار میکنند .



- ۱ - مویذن
- ۲ - زغال سنگ
- ۳ - آهن
- ۴ - مس
- ۵ - نفت
- ۶ - منگنز
- ۷ - سرب
- ۸ - نیکل
- ۹ - انواع فلزات
- ۱۰ - طلا
- ۱۱ - جیوه
- ۱۲ - گرافیت
- ۱۳ - طلق نموز
- ۱۴ - گوگرد
- ۱۵ - نمک
- ۱۶ - فیروزه
- ۱۷ - کرم

۲- مشخصات عمومی اقتصاد ایران

ایران از لحاظ اقتصاد ی کشور یست عقب مانده . تولید ناخالص ملی سرانه در ایران در حدود ۳۰۰ دلار یعنی ۶- ۵ بار کمتر از سطح متوسط کشورهای پیشرفته ی صنعتی است .
 چونکی توزیع نیروی کار میان رشته های مختلف و ترکیب تولید ملی ایران حاکی از عقب ماندگی اقتصادی این کشور و همچنین بین عدم تناسب کامل میان رشته های مختلف فعالیت تولیدی کشور است .

عقب ماندگی
اقتصادی

توزیع نیروی کار و ترکیب تولید ملی ایران در پایان برنامه ی سوم (۱۳۴۶) *

تولید ناخالص ملی بقیمت جاری	تعداد شاغلین (۱۳۴۵)			
	میلیارد ریال	%		هزار نفر
۲۳٫۳	۱۲۸٫۳	۴۶٫۲	۳۱۶۹	کشاورزی
۰٫۳	۱٫۷	۰٫۳	۱۹	محصولات معدنی
۱۳٫۱	۷۲٫۲	۱۷٫۹	۱۲۳۱	محصولات صنعتی
۱۳٫۲	۷۳٫۰	۰٫۶	۴۴	نفت (سهم ایران)
۵٫۱	۲۸٫۵	۷٫۴	۵۱۰	ساختمان
۱٫۴	۷٫۹	۰٫۷	۵۲	آب و برق
۴٫۹	۲۷٫۰	۳٫۳	۲۲۴	حمل و نقل و ارتباطات
۳٫۰	۱۶٫۱	۰٫۵	۳۴	بازنگاری و بیمه گری
۱۰٫۲	۵۶٫۲	۷٫۶	۵۱۸	بازرگانی
۱۰٫۷	۵۸٫۹	۷٫۸	۵۳۳	خدمات دولتی
۹٫۷	۵۲٫۳	۵٫۸	۳۹۶	خدمات خصوصی (شامل کرایه)
-	-	۱٫۹	۱۲۸	فعالیتها روشن نشده
-	-	-	-	اشتباهات آماری
-	-	-	-	خالص مالیاتهای غیر مستقیم
-	-	-	-	خالص درآمد عوامل تولید از خارج
۱۰۰-	۵۴۹٫۴	۱۰۰-	۶۸۵۸	جمع

* از آنجا که با پایان سال ۱۳۴۶ مرحله ی معینی از رشد اقتصاد ی ایران (برنامه ی سوم) پایان می یابد و همچنین از آنجا که آمارهای مربوط باین دوره کاملترین آمارهایی منتشره در ایران بوده و آمارهای مربوط به سالهای بعد اغلب جنبه ی تخمین دارد . در این بررسی بطور عمد به آمارهای این دوره استناد خواهد شد .

کشاورزی هم از لحاظ نیروی کار شاغل در آن و هم از لحاظ تولید ملی بزرگترین سهم را در فعالیت اقتصادی کشور دارد. بیش از ۶۶ درصد شاغلین کشور در رشته ی کشاورزی فعالیت میکنند و ۱۳٫۲ درصد تولید ملی را ایجاد میکنند. سهم کشاورزی در تولید ملی که ۵۰ درصد سهم آن از لحاظ نیروی کار است، در حین حال عقب ماندگی کامل کشاورزی ایران را نشان میدهد.

صنایع نفت که ۱۳٫۲ درصد تولید ناخالص ملی را تأمین میکند، مقام دوم را در اقتصاد کشور دارد. این امر حاکی از رشد یکجانبه ی اقتصاد صنعتی ایران و تسلط صنایع استخراجی در آنست.

صنایع تبدیلی از لحاظ نیروی کار مقام دوم (۱۷٫۸ درصد) و از لحاظ تولید مقام سوم (۱۳٫۱ درصد) را در اقتصاد کشور اشغال میکنند. مقایسه ی این دو رقم بارز و ناچیز این رشته ی حیاتی و بنابراین عقب ماندگی آنرا به ثبوت میرساند. اکثریت مطلق کسانیکه در صنایع فعالیت میکنند تولیدی مشغولند، در کارگاههای کوچک و بزرگ با ابزار دستی بتولید میپردازند و سهم نسبتاً ناچیزی در تولید ملی دارند.

خدمات دولتی ۸٫۷ درصد شاغلین کشور را در خود متمرکز ساخته است و سهم آن در تولید ملی به ۱۰٫۷ درصد میرسد. خدمات دولتی از لحاظ نیروی کار مقام سوم و از لحاظ "تولید ملی" مقام چهارم را در کشور دارد. این ارقام حاکی از بیوریکراتیزه و میلیتاریزه شدن بخش بزرگی از فعالیت اجتماعی کشور در سایه ی تسلط رژیم کنونی است.

بنابراین اقتصاد ایران، اقتصاد پست عقب مانده و مسخ شده: تولید کشاورزی در آن تسلط دارد، صنایع استخراجی (فقط نفت) در آن رشد یکجانبه یافته است، در راه صنعتی شدن کشور گامهای اولیه برداشته میشود، بیوریکراتیسم و میلیتاریسم از مشخصات آنست.

اقتصاد ایران، اقتصاد پست وابسته به اقتصاد کشورهای امپریالیستی و این وابستگی عامل عمده ی عقب ماندگی و مسخ شدن اقتصاد کشور است.

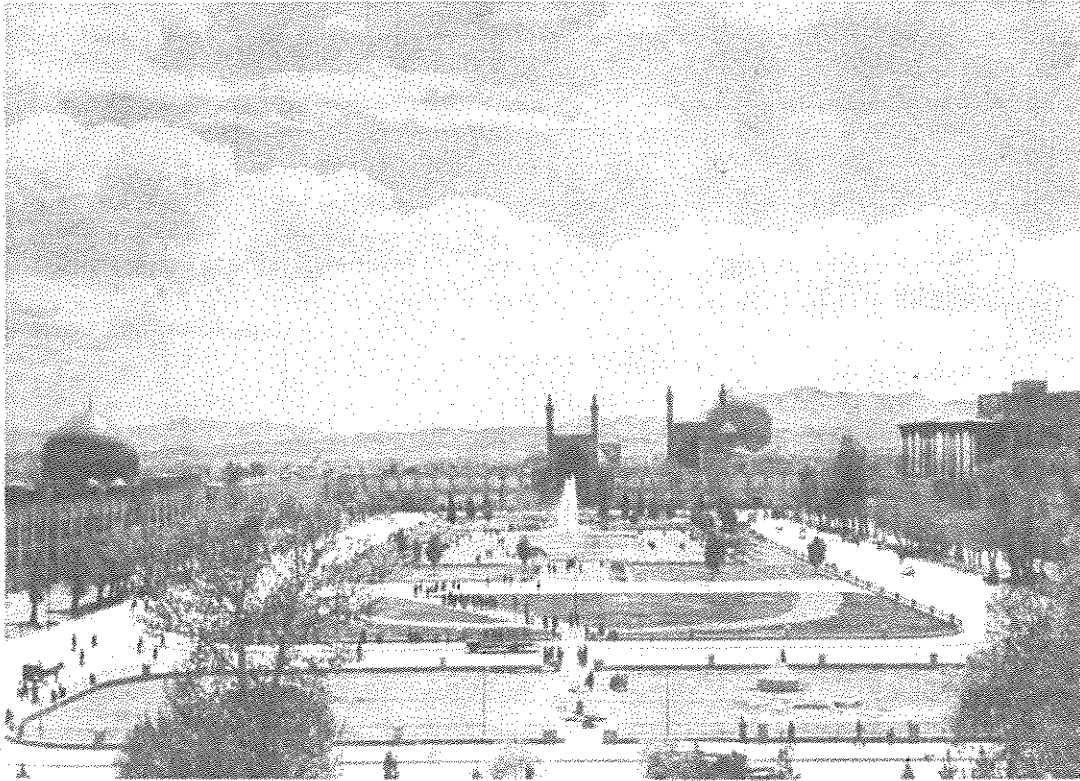
وابستگی
اقتصادی

سرنوشت تولید و فروش نفت، پرارزشترین منابع طبیعی کشور میهن ما که سالانه در حدود ۲۱ درصد تولید داخلی کشور ما را تشکیل میدهد (***)، در دست انحصارهای نفتی جهان سرمایه دار است. برای واگذاری سایر منابع طبیعی کشور ما از قبیل معادن مس و منابع جنگلی و زمینهای بکر و آبهای سد های ساخته شده به انحصارهای کشورهای امپریالیستی اقدامات وسیعی از طرف رژیم کنونی بعمل میآید.

نفوذ امپریالیسم در سایر رشته های تولیدی از قبیل صنایع و کشاورزی در حال افزایش است. خالص سرمایه گذارها و وامهای خصوصی انحصارهای خارجی از سال ۱۳۴۵ تا نیمه ی دوم سال ۱۳۴۸ به ۶۴ میلیون دلار بالغ شده است که تقریباً برابر خالص سرمایه گذارهای خصوصی خارجی طی ۶ سال قبل از ۱۳۴۵ میباشد. اکنون در راه تشکیل کنسرسیومی از بزرگترین انحصارات امریکا برای سرمایه گذاری در رشته های پر درآمد نامهای علی برداشته شده است. انحصارات خارجی و رژیم کنونی میخواهند با استفاد از منابع غنی، مواد اولیه ی فراوان، نیروی کار ارزان، بهای نازل حمل و نقل در ایران (وابسته "ثبات" سیاسی منگی به سرنیزه |) ایران را به پایگاه بورس اقتصادی به کشورهای همجوار مبدل سازند. گفته میشود این کنسرسیوم در نظر دارد یک میلیارد دلار در ایران سرمایه گذاری کند. برای پی بردن به اهمیت این رقم کافیست گفته شود که سرمایه گذارهای مستقیم بخش خصوصی ایالات متحده ی امریکا در سراسر آسیا تا سال ۱۹۶۷ برابر ۴٫۳ میلیارد دلار و در سراسر

(*) خدمات دولتی نیز مانند برخی خدمات دیگر، رشته ی مولد نیست. ملاحظه برای نمایش وضع کنونی اقتصاد کشور باین ارقام استناد میوزیم.

(**) با تولید ملی اشتباه نشود. تولید داخلی از جمله شامل تمام ارزش افزوده ی نفت است. ولی تولید ملی فقط شامل سهم ایران از درآمد نفت است.



میدان نقش جهان اصفهان

افریقا ۲۳ میلیارد دلار بود. میزان این سرمایه‌گذارها در آلمان غربی تا سال ۱۹۹۸ برابر ۳٫۸ میلیارد دلار، در فرانسه ۱٫۹ و در ایتالیا ۱٫۳ میلیارد دلار بود.

عده‌ترین کشورهای سرمایه‌داری بیش از ۷۷ درصد بازاریارواری ایران را در دست دارند. از ویژگیهای وابستگی بازرگانی خارجی ایران در سالهای اخیر اینست که این وابستگی که در سابق بطور عمدتاً مربوط به کالاهای مصرفی بود، اکنون به وابستگی کامل رشته‌های تولیدی انجامیده است. رشته‌های تولیدی از لحاظ ماشین‌آلات و تجهیزات و حتی در مواردی از لحاظ مواد اولیه وابسته به صنایع کشورهای امپریالیستی هستند. در سال ۱۳۴۶ از ۲۲٫۱ میلیارد ریال بهای ماشین‌آلات و لوازم صنعتی و معدنی که در ایران سرمایه‌گذاری شد، ۲۱٫۶ میلیارد ریال یا تقریباً ۹۸ درصد آن از طریق واردات تأمین گردید. اکنون رشته‌های تولیدی در ایران بیش از پیش به زائد می‌تولید کشورهای امپریالیستی بسدل میشود و تجدید تولید کشور از قبیل تجدید تولید انحصارهای خارجی انجام میگردد.

علاوه بر آنکه وابستگی‌های اقتصادی، سیستم پولی ایران را تابع سیستم ارزی بزرگترین کشورهای امپریالیستی نموده است، به دامنه‌ی فعالیت سرمایه‌های خارجی در حیات مالی کشور نیز افزوده شده است. سرمایه‌های خارجی از طریق ایجاد بانکهای مختلط در رشته‌های مالی و پولی کشور نفوذ کرده‌اند و تا ۴۹ درصد سرمایه‌ی این بانکها در دست سرمایه‌گذاران خارجی است. بانکهای مختلط ۱۰ درصد سرمایه‌های پرداخت شده‌ی تمام بانکهای ایران را در دست دارند، ولی میدان عمل آنها وسیعتر از حد و سرمایه‌گذاری آنهاست. زیرا مثلاً در سال ۱۳۴۶ در حدود ۱۳ درصد تمام دارائیها و ۱۲ درصد اعتبارات بخش خصوصی را در دست خود متمرکز ساخته بودند.

بودجه‌ی دولت که بخش عظیمی از درآمد ملی را مصرف میکند، بصورت مختلف وابسته به کشورهای امپریالیستی است. در برنامه‌ی چهارم از ۱۴۴ میلیارد ریال درآمد سازمان برنامه ۷۶ میلیارد ریال (۵۳ درصد) از محل درآمد‌های نفت که سرنوشت آن در دست کارتهای نفتی است، تأمین خواهد شد و بیش از ۳۳ میلیارد (۲۳ درصد) نیز از طریق وامهای خارجی. یعنی ۷۶ درصد بودجه‌ی عمرانی کشور باید از قبیل "مراحم" کشورهای امپریالیستی تأمین گردد. وامهای خارجی دولت ایران از کشورهای امپریالیستی سال بسال افزایش مییابد. دولت ایران از سال ۱۳۴۵ تا نیمه‌ی دوم سال ۱۳۴۸ جمعا ۱۲۲۸ میلیون دلار وام دراز مدت دریافت داشته است که بیش از ۷۰ برابر تمام وامهایی است که طی ۱۲ سال قبل از ۱۳۴۵ دریافت داشته بود.

اکنون وابستگی اقتصادی کشور به دول امپریالیستی بحدی افزایش یافته که علاوه بر سرنوشت تمام اقتصاد و برنامه‌های ایران بدست کشورهای امپریالیستی افتاده است. تلاشهای پرتب و تاب محافل اقتصادی رژیم درمذاکرات آشکار و پنهان با محافل نفتی و مؤسسات مالی کشورهای امپریالیستی برای بالا بردن میزان درآمد نفت و اخذ وامهای دولتی و جلب سرمایه‌های خصوصی وابستگی مطلق کشور را به انحصارهای خارجی به ثبوت میرساند.

نتیجه‌ی مستقیم این وابستگی، ثابت درآمد ملی ماست. مطابق آمارهای رسمی فقط طی سالهای ۱۳۴۶-۱۳۴۱ یعنی در ظرف شش سال مبلغ ۲۱۷ میلیارد ریال از درآمد ملی ما بصورت مختلف بدست انحصارهای خارجی از کشور ما خارج شده است. این رقم بیش از ۸ درصد تولید داخلی کشور ما، ۲۵ درصد بیش از سرمایه‌گذارهای ثابت بخش دولتی و تقریباً ۵۰ درصد تمام سرمایه‌گذارهای ثابت داخلی کشور در این مدت است. حال چگونه میتوان از نتایج مثبت اینگونه مناسبات اقتصادی و بازرگانی یا عبارت دقیقتر اینگونه وابستگی برای رشد اقتصادی کشور صحبت داشت؟

نتیجه‌ی مستقیم دیگر این وابستگی اقتصادی، وابستگی سیاسی کشور به سیاست‌ها و استراتژی جهانی کشورهای عمده‌ی امپریالیستی است. شرکت در پیمانهای نظامی، همکاری با امپریالیسم و همکاری با آنتی‌کمونیسم بین‌المللی از مشخصات سیاست خارجی دولت ایرانست که به پیروی از

استراتژی جهانی دولت امپریالیستی و برای حفظ منافع رژیم کنونی و پایگاه‌های اجتماعی آن اعمال می‌کند.^{*}
 البته، ایران اکنون دیگر فقط آماج سیاست‌های امپریالیستی نیست، بلکه رژیم حاکم بر آن خود در اجرای استراتژی جهانی کشورهای
 عده‌ای امپریالیستی هم در داخل کشور و هم در خارج از مرزهای آن نقش فعال بعهده گرفته است. و این امر خلط شد ملی و ارتجاعی سیاست
 خارجی رژیم را شدیدتر می‌کند (*).

میلیتاریزه شدن اقتصاد ایران را نباید به معنای کلاسیک آن فهمید. سطح رشد صنایع ایران چنان نیست که بتواند
 میلیتاریزه با توسعه‌ی صنایع نظامی اقتصاد خود را میلیتاریزه کند. میلیتاریزه شدن اقتصاد ایران از طریق افزایش بودجه‌ی
 نظامی دولت که از لحاظ مالی نیرومندترین بخش اقتصاد کشور بوده و در حدود ۴۰ درصد تولید ملی را بصورت مختلف
 در دست خود متمرکز کرده است، انجام می‌گیرد. و این امر از عواقب وابستگی اقتصادی و سیاسی رژیم کنونی —
 امپریالیسم جهانی است. از ۱۴۱ میلیارد ریال بودجه‌ی عادی کشور در سال ۱۳۴۹ در حدود ۵۱ میلیارد ریال یعنی بیش از ۳۶ درصد
 صرف امور نظامی خواهد شد. بودجه‌ی نظامی ایران بیش از ۶ درصد تولید ملی کشور است. برای مقایسه، ذکر این نکته را لازم میدانیم که هزینه‌ها
 نظامی تمام کشورهای رشد یافته‌ی جهان سرمایه‌داری ۶۱ درصد تولید ملی آنانست و از جمله در اروپای غربی ۴۳ درصد و در ایالات متحده‌ی
 آمریکا ۸۵ درصد. در ارتش ایران در سال ۱۳۴۷ در حدود ۲۲۱ هزار نفر خدمت می‌کردند (در نیروهای زمینی ۲۰۰ هزار نفر، در نیروی هوایی
 ۱۵ هزار نفر و در نیروی دریائی ۶ هزار نفر).

علاوه بر هزینه‌های مستقیم نظامی، بخش بزرگی از هزینه‌های دیگر دولت، خصوصاً هزینه‌های سنگین آن در رشته‌ی حمل و نقل و ارتباطات
 در راه امور نظامی مصرف می‌شود. ایجاد شبکه‌ی وسیعی از فرودگاه‌های بزرگ و دستگا‌های نیرومند مخابراتی و ارتباطی بطور عمده برای ایجا
 د انفراساخت‌های نظامی انجام می‌گیرد.

نظامی کردن اقتصاد دولت فقط بمنظور سرکوب جنبشهای داخلی نیست، بلکه هدفهای وسیعتری از جمله مقاصد سیطره‌جویانه در خلیج
 فارس، کمک به تحکیم مواضع امپریالیسم در این منطقه بدست نیروهای محلی و مقابله با جنبشهای آزاد بیخشم ملی در کشورهای همجوار را نیز
 تعقیب میکند.

اقتصاد ایران در راه سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم رشد میکند. این راهیست که هم منافع رژیم کنونی و طبقات و
 راه رشد
 قشرهای حاکم بر ایران و هم منافع اقتصادی و استراتژیک امپریالیسم جهانی را تأمین میکند. تمام سیاست اجتماعی
 اقتصاد ایران
 و اقتصادی و مالی دولت در چند سال اخیر در جهت تسریع رشد سرمایه‌داری و پیوند دادن منافع سرمایه‌داری آن
 بزرگ داخلی با منافع انحصارهای خارجی عمل کرده است.

اصلاحات ارضی نخستین گام بزرگ اجتماعی برای تسریع رشد سرمایه‌داری در ایران بود. در روستای ایران طبرختم تسلط مناسبات ارباب — رعیتی و
 حتی تا حدی در ریزتو این مناسبات قشرهای نسبتاً وسیع و نیرومندی از بورژوازی خرد و متوسط و کلان بوجود آمده بود که فقط از طریق استثمار
 کارگران روستائی فاقد وسائل تولید میتوانستند به بهره‌برداری از زمینهای تحت اختیار خود بپردازند. مطابق آمارهای تخمینی سال ۱۳۳۹، در
 آستان اصلاحات ارضی خانوارهایی که بیش از ۱۰ هکتار زمین در اختیار داشتند ۱۸ — ۱۷ درصد تمامی خانوارهای بهره‌بردار بازمین رانگی
 میدادند و در حدود ۶۰ — ۵۵ درصد تمام اراضی مورد بهره‌برداری را در اختیار داشتند. باید یادآور شویم که حق بهره‌برداری از زمین بمعنای

(* در زمینه‌ی همین بحث رجوع کنید به بررسی مربوط به پایگاه‌های امپریالیسم در ایران در همین سالنامه.

مالکیت برآن نیست. چنانکه اتمام زمینهای مورد بهره برداری فقط ۲۸ درصد تحت مالکیت بهره برداران بوده و مابقی بصورت مزارعه و یا اجاره ی عادی در دست بهره برداران قرار داشت (۶۱۳ درصد بصورت مزارعه و ۹ درصد بصورت اجاره ی عادی). این قشرهای پربروزتریده مناسباً مبتنی بر مزارعه و اجاره ی عادی راهم بعلت پرداخت بهره ی مالکانه که بخشی از درآمد آنانرا نصیب مالک زمین میکرد و هم بعلت وجود مالکیت های بزرگ اربابی و تسلط حق نسق که شکل حقوقی سنتی برای بهره برداری از زمین اربابی بود و مانع انتقال آزاد تر و وسیع تر زمین به آنها میگردد ، سد راه پیشرفت سریع خود میدانستند. خواسته های سود جو یانه ی این قشرها با تقاضاهای طبیعی و مبارزات حقه ی اکثریت مطلق دهقانان کم زمین (۷۲-۷۱ درصد تمام خانوارهای بهره بردار زمین) و یاکارگران کشاورزی فاقد زمین (که تعداد آنان در سال ۱۳۴۵ به بیش از ۷۹۰ هزار نفر بالغ میگردد) برای بدست آوردن قطعه ی کوچکی زمین و همچنین مقتضیات رشد سرمایه داری در شهرکه امکان و توان بیشتری برای توسعه یافته بود و قشرهای معینی از سرمایه داران را برای توسعه ی بازار داخلی در برانداختن نظام کهنه در روستا ذینفع میساخت ، همراه با مجموعه ی اوضاع اجتماعی و سیاسی داخلی و عوامل سیاسی و اقتصادی خارجی موثر در ایران مسئله ی پایان دادن به نظام ارباب - رعیتی را در دستور روز قرار داده بود. برانداختن نظام فئودالی یا نیمه فئودالی از وظایفی است که سرمایه داری همیشه در پیازود ناگزیر به انجام آن بوده است. در شرایط مآلجه داری اهمیت اساسی است، برانداختن این قبیل مناسبات نیست، بلکه چگونگی مناسباتی که جانشین مناسبات کهنه میگردد ، حفظ اهمیت عدل است. رژیم کنونی نظام منحوس سرمایه داری را جانشین نظام پوسیده ی ارباب - رعیتی میسازد.

اقدامات ناپیگیر و مخدوش دولت در راه اصلاحات اداری و آموزشی و بهداشت و برخی اصلاحات اجتماعی د بگرهنگی بمنظور ایجاد شرایط اجتماعی مساعد تر برای تسریع رشد سرمایه داری در ایران انجام میگردد.

در زمینه ی اقتصادی نیز دولت بوسایل گوناگون به بسط سرمایه داری و ویژه به تقویت پیش از پیش سرمایه داری بزرگ و وابسته به امپریالیسم کمک میکند. ایجاد شرکت های سهامی زراعی و واحد های کشت و صنعت در روستا، تشویق سرمایه گذارهای بزرگ از راه تشکیل شرکت های سهامی و بخصوص شرکت های سهامی عمومی، تشویق و جلب سرمایه های خصوصی خارجی برای ایجاد مؤسسات مختلف ایرانی و خارجی (که برادر ویر کردن صنایع داخلی) ، اقدام اطراف های بازرگانی و صنایع و معادن برای ایجاد هماهنگی میان این دو بخش رقیب و اقدامات دیگری که در این زمینه انجام میگردد همگی در جهت اجرای این سیاست استراتژیک دولت است. بودجه ی چند میلیاردی دولت در خدمت این هدف قرار گرفته است. اعطای اختیارات و وام های بزرگ دراز مدت، قائل شدن امتیازات مالیاتی و بخشودگیهای گهرگی، فراهم آوردن تسهیلات فراوان برای شرکت های سهامی بزرگ، دادن کمکها و راهنمایی های فنی، ایجاد شرایط مساعد بی نظیر برای سرمایه های خارجی و غیره اقدامات و تدابیر مشخصی است که دولت برای توسعه و پیشرفت سرمایه های بزرگ داخلی و خارجی در ایران انجام میدهد.

نقش اقتصاد
دولتی

سرمایه داری دولتی در ایران نقش بزرگی در اقتصاد کشور دارد. طی ۸ سال ۱۳۴۵-۱۳۳۸ میزان سرمایه گذاری - های ثابت بخش دولتی ۱۹۳ میلیارد ریال یا بیش از ۳۵ درصد مجموع سرمایه گذارهای ثابت کشور بود. در برنامه ی چهارم از ۸۱۰ میلیارد ریال سرمایه گذارهای ثابت ۴۴۳ میلیارد یا تقریباً ۵۵ درصد از طرف دولت

انجام خواهد گرفت.

ولی نقش دولت در تولید مادی متناسب با میزان سرمایه گذارهای آن نیست. زیرا قسمت عظیم سرمایه گذارهای دولت برای ایجاد انفراساختیور انجام میگردد. سرمایه گذارهای دولت بیشتر در رشته های است که برای پیشرفت کار بخش خصوصی ضروری بود. ولی اقدام بدان فعلاً بهره ی سرمایه داران خصوصی نیست. مقایسه ی چگونگی سرمایه گذارهای بخش خصوصی و بخش دولتی در رشته های مختلف طی برنامه ی چهارم این حقیقت را نشان میدهد.

سرمایه گذاری ثابت بخش‌های خصوصی و دولتی طی برنامه چهارم
(به میلیارد ریال)

جمع	بخش دولتی	بخش خصوصی	
۲۱۱	۲۵۰	۴۱	کشاورزی
۲۰۷۰	۸۶۷	۱۲۰۳	صنایع و معادن
۹۴۱	۴۲۳	۵۲۳	نفت و گاز
۹۹۶	۹۸۴	۱۲	آب و برق
۱۰۵۵	۸۵۵	۲۰۰	ارتباطات و حمل و نقل
۲۷۸	۲۷۸	-	مخابرات
۳۱۱	۲۵۸	۵۳	عمران دهات و شهرها
۸۶۵	۲۰۱	۶۶۴	ساختمان و مسکن
۹۱۸	۳۱۹	۵۹۹	سایر سرمایه گذاریها
۸۱۰۰	۴۴۳۵	۳۶۶۵	جمع کل

بطوریکه ارقام مندرج در جدول نشان می‌دهد، دولت در رشته‌های پر هزینه‌ای مانند ارتباطات و حمل و نقل و مخابرات و عمران دهات و شهرها و آب و برق که در عین حال شرایط مساعد برای فعالیت بخش خصوصی فراهم می‌آورد ۲۳۷۵ میلیارد ریال (بیش از ۵۳ درصد تمام سرمایه گذاریهای دولت) سرمایه گذاری خواهد کرد. سرمایه گذاری دولت در رشته‌ی کشاورزی نیز بطور عمدی برای ایجاد شرایط لازم برای سرمایه‌گذاریهای خصوصی خواهد بود و نه برای شرکت مستقیم در تولید کشاورزی.

علاوه بر این میزان سرمایه گذاریهای دولتی بحالت سنگینی هزینه‌های نظامی و اداری و کذب‌های مالیاتی ب سرمایه داران، کمتراز امکانات واقعی آنست. چنانکه از ۲۷۲ میلیارد ریال بودجه‌ی عادی و عمرانی دولت در سال

۱۳۲۹ فقط ۱۴۴ میلیارد ریال سهم سازمان برنامه خواهد بود که تازه ۴۲٫۴ میلیارد ریال آن از طریق وام‌های خارجی و ۳۲٫۷ میلیارد ریال نیز از راه وام‌های داخلی تأمین خواهد شد. یعنی در واقع دولت فقط ۷۸ میلیارد ریال از محل درآمد‌های واقعی خود که ۷۶ میلیارد آن نیز از محل درآمد نفت است، صرف سرمایه گذاری و امور عمرانی خواهد کرد. در عین حال هزینه‌های اداری و نظامی دولت به ۷۷ میلیارد ریال بالغ می‌گردد که در حد هزینه‌های اقتصادی کشور است. در واقع اگر دولت از درآمد نفت بهره‌مند نبود، برای سرمایه گذاری دولتی هیچگونه امکانی در دست نداشت. بطوریکه میدانیم در کشورهای نظیر هند وستان که از درآمد‌های استثنائی نظیر درآمد نفت محروم هستند، دولت سالانه مبلغ هنگفتی از درآمد‌های عادی خود را سرمایه گذاری میکند و بخش دولتی در آنها بزرگ قابل ملاحظه‌ای بدست آورده است.

پائین بودن سطح مالیاتهای مستقیم در ایران که فقط به ۱٫۷ درصد تولید ملی بالغ میشود و در واقع کشتی بسپود درآمد‌های بزرگ میباشد یکی دیگر از عواملی است که امکان دولت را در سرمایه گذاری محدود می‌سازد. مالیاتهای مستقیم یکی از منابع عمده‌ی درآمد دولت در کشورهای پیشرفته‌ی صنعتی است. این نوع مالیاتها به ۱۹ درصد تولید ملی در آمریکا، ۱۷ درصد تولید ملی در انگلستان و ۱۶ درصد تولید ملی در فرانسه بالغ میشوند. فقط دسترسی به منابع استثنائی درآمد نفت باعث شده است که دولت ایران از یکی از منابع عادی درآمد‌های دولتی کشورهای سرمایه‌داری بفتح ثروتمندان آن کشور تقریباً چشم‌پوشد.

شرکت مستقیم دولت در راه تولید بی‌غلی الاصول در رشته‌هاییست که بخش خصوصی قادر و یا بحملی مایل ب سرمایه گذاری در آن نباشد.

سیسر مسایه گذاری نسبتاً هنگفت دولت در رشته‌ی صنایع و معادن در برنامه‌ی چهارم به طت ایجاد صنایع سنگین از قبیل ذوب آهن و ماشین سازی و پتروشیمی است که بخش خصوصی فعلاً از عهد ه‌ی آن برنمی‌آید.

دولت ایران حتی از سال ۱۳۴۱ بفروش کارخانه‌های موجود خود اقدام نمود. رژیم کنونی برای تقویت بیشتر بخش خصوصی در اوایل خسر سال ۱۳۴۸ تصمیمات تازه‌ای اتخاذ کرد که مطابق آن "دولت جز در موارد معین مستقلاً سرمایه‌گذاری نخواهد کرد". سرمایه‌گذارهای صنعتی دولت مشترکاً با بخش خصوصی انجام خواهد گرفت" و "در این سرمایه‌گذارها اکثریت سهام به بخش خصوصی واگذار خواهد شد".

دولت ایران با سیاست اقتصادی و مالی و همچنین از طریق سرمایه‌گذارهای مستقیم خود نقش مؤثری در رشد نقش ارشادی اقتصادی کشور ایفا می‌کند. اکنون برای هماهنگ ساختن فعالیت‌های اقتصادی و مالی دولت و ارشاد مجموعه‌ی اقتصاد و امور مالی کشور برنامه‌هایی تنظیم و به مرحله‌ی اجرا گذارد و میشود.

برنامه‌های صرانی که شامل خطوط کلی جوانب کیفی رشد اقتصاد کشور و پیش بینی مشخص جوانب کمی برخی از عوامل این رشد است، منعکس کننده‌ی اهداف‌های اقتصادی و اجتماعی و شیوه‌های ارشادی دولت در نیل به این هدف‌هاست.

برنامه‌ی ریزی در ایران مراحل چندی را طی کرده است. برنامه‌های اول و دوم که شامل بخش خصوصی نبود و به مسائل عمومی اقتصاد کشور توجه نداشت، فقط مشخص طرح‌های معینی بود که با سرمایه‌گذاری دولت میبایست به مرحله‌ی اجرا درآید.

برنامه‌های سوم و چهارم تمام اقتصاد کشور و از جمله بخش خصوصی را در بر میگردد و از سال ۱۳۴۴ در کار تنظیم بود چه نیز تغییرات جدی بعمل آمد و نحوه‌ی تنظیم بودجه با حواشی برنامه‌ریزی هماهنگ شده است. در تنظیم برنامه‌ی سوم اولین بار از الگوهای آکونومیتری ساده و ابتدائی

هارود - دوما برای تعیین تناسبات لازم میان نرخ انباشت، ضریب سرمایه، آهنگ رشد جمعیت و آهنگ رشد درآمد ملی استفاده شده بود. ولی در این برنامه مسئله‌ی اساسی ایجاد تعادل و هماهنگی میان رشته‌های تولیدی و توزیع نیروی انسانی مورد توجه قرار گرفته بود. در برنامه‌ی

چهارم که بر پایه الگوهای بخرن جتری تنظیم شده و از محاسبات مربوط به تعادل نهائی مصرف و پس انداز و غیره و ضریب کشش تقاضاهای کالاها و خدمات مختلف استفاده گردید، میزان رشد و چگونگی تناسبات میان رشته‌های مختلف تولیدی و توزیع نیروی کار نیز پیش بینی شده است.

اکنون برای استفاده از جدول روابط میان رشته‌ها و بخش‌های تولیدی که به جدول صادرات و واردات و یا جدول داده‌ها و ستاد‌های لئونتیف شهرت دارد و در بهبود کار برنامه‌ریزی مؤثر است، کوشش‌های پراکنده‌ی بعمل می‌آید. ولی بهبود تکنیک ریزی و استفاده از فرمول‌های ریاضی،

هر قدر هم به استحکام برنامه‌ها و دقت ریاضی آنها بیفزاید، تا میرچند آن در عملی بودن این برنامه‌ها نخواهد داشت، زیرا رمز اساسی در شرایط اجتماعی اجرای این برنامه‌ها نهفته است و نه در دقت ریاضی تنظیم آنها.

با اینکه برنامه‌های ایران بتصویب قوای مقننه میرسد، یعنی جنبه‌ی قانونی و حتی الاجرا پیدا میکنند، جز در بخش دولتی که تا حدودی این برنامه‌ها جنبه‌ی درک تئوری دارند، فقط خصلت راه‌نما و ارشادی و با اصطلاح اقتصاد دانان بجزواتی جنبه "اندیکاتیو" دارند. زیرا بخش

خصوصی را نمیتوان با اجرای این یا آن طرح موظف ساخت. دولت فقط با استفاده از اهرم‌های اقتصادی نظیر سیاست‌های مالیاتی و گمرکی و اعتباری و پولی و بانک‌های مستقیم و با سرمایه‌گذارهای خود میتواند بخش خصوصی را بطور غیرمستقیم در جهت مورد نظر خود سوق دهد و نتایج این کار نیز

نسبی است.

دولت ایران برای انتظام امور اقتصاد بخش خصوصی به برخی تدابیر صرفاً اداری نیز متوسل میشود که اجازه‌ی صدور پروانه‌ی تأسیسات و یا پروانه‌ی بهره‌برداری از آنها و نیز ایجاد آزادی و یا ممنوعیت‌های قانونی برای وارد کردن برخی کالاها از اهم این تدابیر است. ولی

نتایج مثبت احتمالی این قبیل تدابیر اداری نیز در اثر تضاد‌های موجود میان صاحبان صنایع و بازرگانان واردکننده و وارد اخل هر یک از این

رشته ها که بصورت مختلف در دستگاهاهای دولتی نیز منعکس میشود و بصورت تصمیمات خلق الساعه و متضاد و تغییرات دائمی در این تصمیمات متظاهر میگردد، تاحدود زیادی خشنی میگردد. این عامل ذهنی نه تنها به هرج و مرج و تضادهای ناشی از قوانین رشد اقتصادی سرمایه داری پایان نمی بخشد، بلکه خود تاحدودی شدت آن می افزاید.

پیش بینی های برنامه ها در مورد بخش دولتی نیز همیشه در جهت مورد نظر دولت قابل اجرا نیست، زیرا سرمایه گذارهای دولت به میزان زیاد به وامهای داخلی و خارجی و بطور کلی بوضع عمومی اقتصاد کشور وابسته است. در ماهها و سالهایی که در نتیجه ی تشدید فعالیت بخش خصوصی آثار تورمی پدید می آید، دولت از میزان سرمایه گذارهای خود میکاهد و برعکس در دوران تخفیف فعالیت بخش خصوصی برای ایجاد تحرك بیشتر در اقتصاد سرمایه گذارهای خود میافزاید. یعنی سرمایه گذارهای دولت عملاً تابعی است از وضع عمومی اقتصاد کشور و بویژه از فعالیت بخش خصوصی. و این یکی از مشخصات عمومی برنامه ریزی در کشورهای سرمایه داری است. تنظیم اقتصاد کشور زمانی انجام میگردد که رشد ادواری اقتصاد یکی از مراحل نهایی خود - رکود یا رونق تهدید کنند و نزدیک شد باشد.

تغییرات مکرری که در برنامه های دوم و سوم وارد شد و با افزایش سرمایه گذارهای بخش خصوصی تاد و برابر میزان پیش بینی شد و نه برنامه ی سوم حاکی بر این امر است.

با اینهمه نباید از اهمیت علی برنامه ریزی در ایران کاست. این برنامه ها حائز ارزاشن هدف و کوشش در راه رسیدن باین هدف است و دولت نیز با استفاده از امکانات مالی و اهرمهای اقتصاد خود میتواند مجموعه ی اقتصاد کشور را بواجود نوسانات و ناهماهنگی های گاه شدیده گساة خفیف در جهت مورد نظر خود سوق دهد.

اقتصاد ایران در سالهای اخیر از تحرك نسبتاً قابل ملاحظه ای برخوردار است. تولید ناخالص ملی در دوره ی برنامه آهنگ رشد سوم بطور متوسط ۸ درصد در سال افزایش یافته و در سالهای بعد نیز آهنگی بیش از ۸ درصد در سال داشته است.

افزایش تولید ملی در دوره ی اول بحساب افزایش درآمد نفت (۱۳ درصد در سال) و خدمات دولتی (۸ درصد در سال) و مالیاتهای غیر مستقیم (۱۳ درصد در سال) انجام گرفته است.

افزایش سریعتر درآمد نسبت به تمام اقتصاد کشور وابستگی میهن مارا به اقتصاد نفت و بالتبع به انحصارهای امپریالیستی افزایش داده است. سهم درآمد نفت در تولید ناخالص ملی از ۱۳٪ در آغاز برنامه ی سوم به ۱۵٫۲ درصد در پایان آن افزایش یافت.

افزایش سریع خدمات دولتی و مالیاتهای غیر مستقیم نیز که بمعنای افزایش تولید مادی جامعه نیست حاکی از تورم دستگاها اداری نظامی و تشدید فشار بر توده های زحمتکش است.

رشد کشاورزی ایران با آهنگی سریع انجام نمیگردد. چنانکه در دوره ی برنامه ی سوم بطور متوسط ۴٫۱ درصد در سال افزایش داشت که کمتر از میزان پیش بینی شد و در برنامه بود.

صنایع دارای رشد نسبتاً سریعی است و آهنگ سالانه ی آن طی برنامه ی سوم ۱۱٫۳ درصد بود، و در سالهای بعد نیز بطور متوسط رشدی بیش از ۱۰ درصد داشت. رشد صنایع ایران تاکنون بطور عمده بحساب صنایع تولید کننده ی وسائل مصرفی انجام گرفته است.

آب و برق از متحرك ترین رشته های اقتصاد کشور است. آهنگ متوسط رشد آن طی برنامه ی سوم تقریباً ۳٫۴ درصد در سال بود. طی این برنامه وزن مخصوص این رشته از ۷٫۰ درصد به ۱۷٫۰ درصد بالا رفت.

بانکداری و بیمه گری نیز در این مدت از رشد سریع برخوردار بود (۱۳٫۲ درصد در سال). سایر رشته های فعالیت اقتصادی جز حمل

و نقل از رشدی در حدود مجموعه‌ی اقتصاد ملی برخوردار بود. رشد متوسط رشته‌ی حمل و نقل ۳۶ درصد در سال بود که بارشد تولید ناخالص ملی (۸ درصد در سال) متناسب نیست. علت اصلی این امر آنست که خدمات دولتی و مالیاتهای غیرمستقیم، بطوریکه در بالا اشاره کردیم، در افزایش تولید ملی سهم قابل توجهی داشته‌اند و چون این دو در تولید مادی شرکت ندارند، لذا در افزایش حجم کاروساکن نقلیه نمیتوانسته‌اند موثر باشند.

اقتصاد ایران با آهنگی ناموزون رشد مییابد. چنانکه طی برنامه‌ی سوم رشد سالانه‌ی تولید ناخالص ملی میان ۴ درصد و ۱۲ درصد نوسان داشت. این ناموزونی زبان جدی به اقتصاد کشور وارد میسازد.

رشد نسبتاً سریع اقتصاد ایران در سالهای اخیر معلول افزایش سریع سرمایه‌گذاریهای کشور بود. سرمایه‌گذاریهای ثابت از ۳۱ درصد تولید ناخالص ملی در آغاز برنامه‌ی سوم به ۲۲٫۳ درصد آن در پایان دوره‌ی برنامه رسید. در برنامه‌ی چهارم نیز که رشدی برابر ۹ درصد برای مجموعه‌ی اقتصاد کشور پیش بینی شده است، میزان سرمایه‌گذاریها به ۲۵ درصد تولید ملی افزایش خواهد یافت.

افزایش سریع میزان سرمایه‌گذاریها که در عین حال توأم با افزایش سریع هزینه‌های مصرفی دولت بود (۱۵٫۴ درصد در سال) باعث گردید که سهم هزینه‌های مصرفی خصوصی از ۷۱٫۶ درصد تولید ملی در سال ۱۳۴۱ به ۶۴٫۸ درصد آن در سال ۱۳۴۶ کاهش یابد. در جامعه‌ی طبقاتی ایران این کاهش بدون شك بحساب توده‌های زحمتکش بوده است. در برنامه‌ی چهارم نیز این گرایش حفظ خواهد شد. یعنی از رشد نسبی اقتصاد ایران در وهله‌ی اول طبقات و قشرهای ثروتمند کشور بهره‌میرند و سهم ناچیزی از آن نصیب زحمتکشان ایران میگردد.

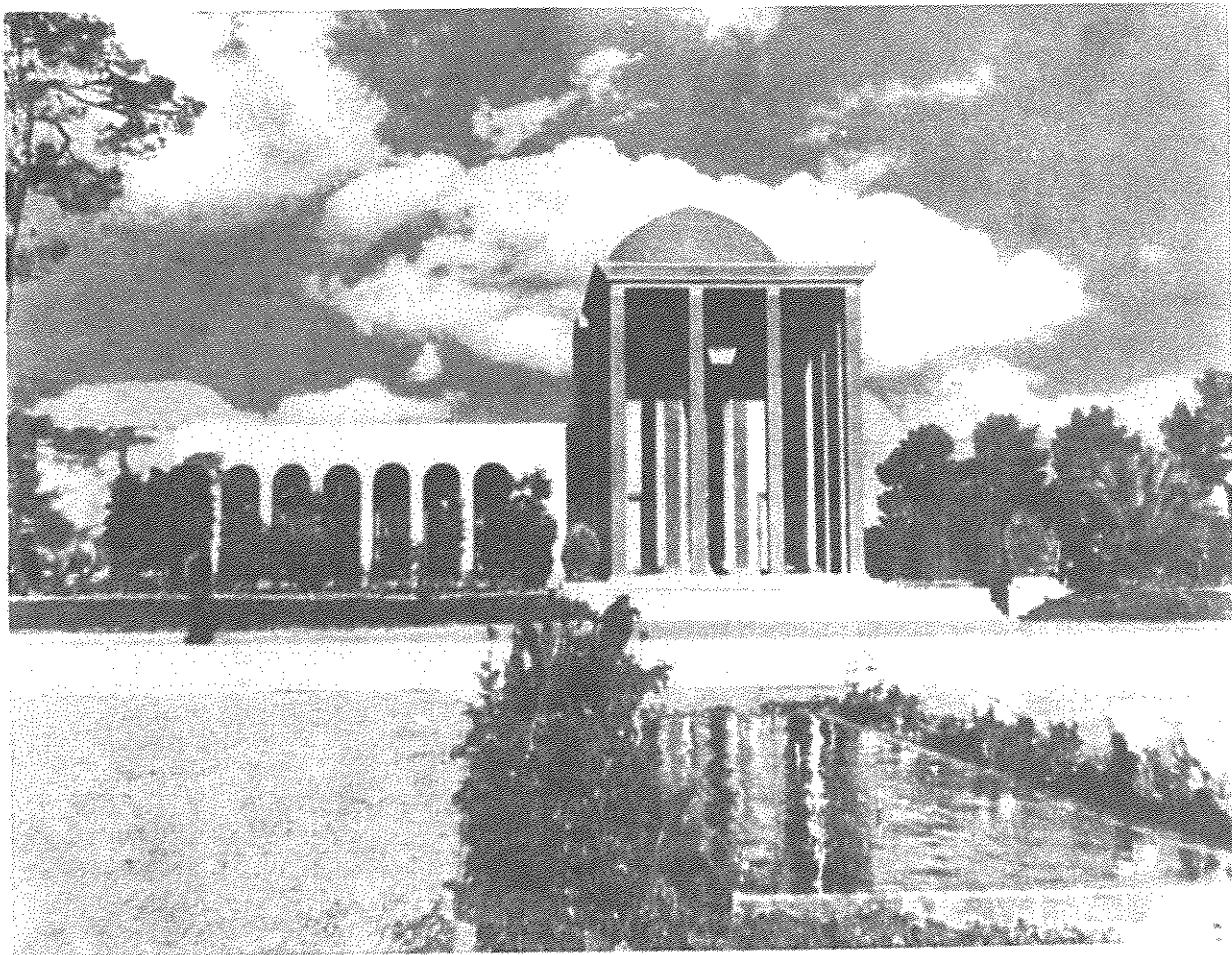
ایران برای رشد سریعتر و همه‌جانبه و هماهنگ اقتصاد خود امکانات وسیعی در اختیار دارد. غارت منابع طبیعی ما بوسیله‌ی امپریالیسم هزینه‌های سنگین اداری و نظامی، توزیع غیرعادلانه‌ی درآمد ملی که مشوق مصارف تجلی‌اقلیت ناچیز ثروتمندان بزرگ میگردد - عوامل عدلی‌ای هستند که مانع استفاده از امکانات واقعی کشور برای رشد سریعتر اقتصاد و اجتماعی بسود زحمتکشان ایران میگردد.

بسط روابط بازرگانی کشورهای سوسیالیستی با ایران و بی‌بهره‌گسترش دامنه‌ی کمکهای اقتصادی و فنی این کشورها و نقش کشورهای
سوسیالیستی در رد رجه‌ی اول اتحاد شوروی به ایران تحولی کیفی در چگونگی روابط بازرگانی و اقتصادی ایران با کشورهای خارجی و مرحله‌ی نوینی در رشد اقتصاد کشور پدید آورد.

مناسبات اقتصادی و بازرگانی کشورهای سوسیالیستی با ایران، برخلاف مناسبات کشورهای امپریالیستی بر پایه‌ی برابری حقوق، احترام بحق حاکمیت و عدم مداخله در امور داخلی کشور مبتنی است و با قید و شرط‌های سیاسی و نظامی و اقتصادی همراه نیست. این مناسبات از لحاظ اقتصادی نیز کاملاً بصره‌ی ایرانست. زیرا برخلاف بازارهای کشورهای امپریالیستی، بازاری وسیع و استوار و مصون از نوسانات دائمی بازار جهان سرمایه‌داری برای کالاهای ایران فراهم میآورد.

اعتبارات مالی ناشی از این مناسبات با شرایط بسیار سهل و در رجه‌ی اول با بهره‌ی نازل و اگزار می‌شود (۲-۳ درصد). با زبرد ااصل و بهره‌ی و امپا به ارز داخلی و آنهم بوسیله‌ی فروش کالا انجام میگردد. بهره‌ی دریافتی کشورهای سوسیالیستی بابت وامهای اعطایی آنان از ۳ درصد در سال تجاوز نمیکند. میزان این بهره برابر با رقمی است که چند سال پیش در کنفرانس ژنو بتصویب تمام کشورهای "جهان سوم" و کشورهای شرکت کننده در این کنفرانس رسید و فقط ایالات متحده‌ی آمریکا بآن را می‌مخالفت داد. کشورهای اروپایی غربی و "نمایندگان" کره‌ی جنوبی و ویتنام جنوبی به را می‌منتفع اکتفا کردند.

بهره‌ی دریافتی کشورهای سوسیالیستی هرگز بمعنای بهره‌کشی و نزول خواری نبود، بلکه کاملاً ناشی از مکانیسم درونی پروسسه‌های اقتصادی است. مثلاً اتحاد شوروی طی سالهای ۱۹۶۵-۱۹۵۸ در برابر هر روبل سرمایه‌گذاری در داخل کشور خود سالانه در حدود ۱۵٪ روبل



به درآمد ملی خود افزود است. یعنی سرمایه‌گذارهای داخلی شوروی عملاً ۲۵٪ بهره* نصیب زحمتکشان این کشور کرد است. اعطای بدون بهره*ی هر روبل وام بایران (بایه هر کشور دیگر) بمعنای گذشتن مردم شوروی از ۵٪ روبل درآمد ملی خود خواهد بود. و اگر استهلاك این سرمایه را ده سال فرض کنیم، در این صورت مردم شوروی باید سالانه از ۲٪ درصد بهره*ی این سرمایه‌گذاری چشم‌پوشند. و چون بخش معینی از سرمایه‌گذارهای اتحاد شوروی در رشته‌های غیرمولد (خانه‌سازی و ایجاد مؤسسات فرهنگی و بهداشتی و غیره) اشتغال می‌گیرند، عملاً بهره*ی یک روبل سرمایه‌ی مولد به ۲٪ درصد در سال بالغ می‌شود. بنابراین، این نوع بهره* در واقع بمعنای جبران بخشی از ارزش‌نویی است که زحمتکشان شوروی تولید می‌کنند. دولت شوروی نه فقط به برخی از کشورهای نظیر هند و چین و غیره اعتبارات بدون بهره واگذار می‌کند، بلکه وسایل مادی و مالی فراوان به صورت کمک‌های بلاعوض در اختیار این قبیل کشورها می‌گذارد.*

کشورهای سوسیالیستی در مالکیت و سوزم‌مؤسساتی که بکسک آنان ایجاد می‌شود، شرکت ندارند. بنابراین اعتباراتی که این کشورها به دولت ایران واگذار می‌کنند، هرگز خصلت سرمایه‌گذاری و سودجویی ندارند (گو اینکه تقسیم‌کار بین المللی مبتنی بر اصول علمی در موارد معینی همکاری نزدیکتر بر پایه‌ی سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری مشترک از مؤسسات تولیدی را در واقع بین المللی اجاب می‌کند).*

همکاریهای اقتصادی و فنی کشورهای سوسیالیستی در هله‌ی اول متوجه ایجاد رشته‌های تولیدی و بخصوص صنایع سنگین در ایرانست. بنیادگذاری صنایع بزرگ تولیدکننده‌ی وسایل تولید در ایران که استرکتور صنایع و مجموعه‌ی اقتصاد کشور را متحول می‌سازد، فقط در پرتو همکاری کشورهای سوسیالیستی انجام گرفت. همکاری کشورهای سوسیالیستی بر این اندیشه‌ی تبهکارانه‌ی محافظ امپریالیستی و مدافعین داخلی آنان که گویا ایران نمیتواند و نباید در راه صنعتی شدن واقعی گام بردارد، خط بطلان کشید و راه تازه‌ای برای پیشرفت اقتصادی کشور ما گشود.*

تاسیس مجتمع صنایع فلزسازی در اصفهان، فراهم آوردن وسائل بهره‌برداری از معادن آهن و زغال سنگ در کرمان، ایجاد کارخانه‌های ماشین‌سازی و تراکتورسازی در تبریز و اراک، احداث سد و نیروگاه برآرس، همکاری نزدیک در ساختمان شاه‌لوله‌ی گاز ایران، کمک‌های فنی و مالی برای بهره‌برداری از منابع جنگلی کشور، همکاری مؤثر در اکتشاف معادن، اعطای اعتبارات دراز مدت با شرایط مساعد و بی‌سابقه برای ایران، خرید گاز و نفت و محصولات صنعتی که تحویل در راسترکتور صادرات ایران بوجود می‌آورد و بسیاری اقدامات و کمک‌های دیگر برای بهره‌برداری شریک از صنایع طبیعی و نیروهای انسانی کشور - همگی هدف و سمت این روابط را بخوبی آشکار می‌سازند.*

کشورهای سوسیالیستی با ارائه‌ی نمونه‌های زنده و مشخص از چگونگی مناسبات کشورهای سوسیالیستی با کشورهای در حال رشد جبهه‌ی تازه‌ای برای نبرد جهانی با امپریالیسم گشودند. کشورهای سوسیالیستی برای تحقق این اندیشه‌ی لنینی که سوسیالیسم به نیروی سیاست اقتصاد‌ی خویش تا* نیرسد، ی خود را در سیر انقلاب جهانی اعمال می‌کنند. گام‌های جدی برداشته‌اند. کشورهای سوسیالیستی یا همکاریهای خود به تسلط مطلق انحصارهای امپریالیستی در کشورهای* جهان سوم* پایان می‌بخشند و برای برانداختن نفوذ امپریالیسم در این کشورها شرایط مادی و محیط مساعد بوجود می‌آورند. برانداختن نهائی تسلط امپریالیسم در هر کشور، بیش از همه وظیفه‌ی مبارزان انقلابی این کشورهاست.*

۳- وضع رشته های اساسی فعالیت اقتصادی کشور

اینک پس از تشریح اجمالی مشخصات عمومی اقتصاد کشور به بررسی مختصر برخی از رشته های اساسی فعالیت اقتصادی میپردازیم*
کشاورزی بزرگترین و در عین حال عقب مانده ترین رشته ی تولیدی در اقتصاد کشور است* ۴۶٪ شاغلین کشور در رشته ی کشاورزی فعالیت میکنند و در حدود ۲۳٪ تولید ناخالص ملی در این رشته ایجاد میشود*
در آمار ایران به پیروی از طبقه بندی رشته های تولیدی از طرف سازمان ملل، کشاورزی شامل زراعت، دامپروری، جنگلداری و ماهیگیری میشود* سهم هر یک از این گروهها در ارزش افزوده ی رشته ی کشاورزی بشرح زیر است:

ارزش افزوده ی فرآورد های کشاورزی در سال ۱۳۴۶
(به قیمت جاری)

درصد	میلیارد ریال	
۵۸٫۸	۶۹٫۱	زراعت
۴۰٫۱	۵۸٫۰	دامپروری
۰٫۸	۰٫۸	جنگلداری
۰٫۳	۰٫۴	ماهیگیری
۱۰۰-	۱۲۸٫۳	جمع

بطوریکه از ارقام جدول برمیآید، زراعت و دامپروری بخش عمده ی تولید کشاورزی را تأمین میکنند و جنگلداری و ماهیگیری با وجود امکانات وسیع سهم ناچیزی در تولید ملی دارند*
در آغاز برنامه ی چهارم در ایران تقریباً ۷ میلیون هکتار زمین زیر کشت وجود داشت که ۴ میلیون هکتار آن دیم و مابقی آبی بود* سطح کشت و میزان فرآورد های زراعتی در جدول زیر نشان داده میشود:

سطح کشت و میزان فرآورده های زراعی در سال ۱۳۴۶

	سطح کشت (هزار هکتار)		میزان محصول
	از جمله آبی	هزار تن	
گندم	۴۰۱۲	۱۴۱۴	۲۲۲٫۶
جو	۱۱۹۳	۳۱۴	۴٫۵
برنج	۳۵۰	۳۴۷	۱۰٫۸
حبوبات	۲۰۰	۱۱۰	۲٫۵
پنبه	۳۶۰	۲۶۰	۴٫۷
چغندر قند	۸۲٫۵	۸۲٫۵	۳٫۱
نشکر	۴٫۴	۴۵۲	۰٫۶
چای	۲۶	۱۳	۱٫۲
توتون و تنباکو	۲۰	۱۰	۱٫۱
دانه های روغنی	۲۶٫۲	۲۵	—
سیب زمینی، جالیز، سبزی	۲۱۰	۱۱۱	—
میوه	۳۶۰	۲۸۰	—
طوفه (پونجه، شدر، اسپرسو و غیره)	۱۳۴٫۴	۱۱۰٫۲	—
جمع	۶۹۷۸	۳۰۶۸	۸۴٫۲

چگونگی تقسیم زمینهای زیرکشت میان فرآورده های کشاورزی و همچنین میزان برداشت محصول از واحد زمین عقب ماندگی کامل کشاورزی ایران را نشان میدهد. در حدود ۸۰ درصد زمینهای زیرکشت به غلات تخصیص یافته است و از این زمینها فقط ۴۴ درصد ارزش محصولات زراعی کشور بدست میآید. نباتات صنعتی سهم ناچیزی در زراعت ایران دارند. میزان برداشت محصول از واحد زمین در ایران ۲-۳ بار کمتر از میانگین کشورهای پیشرفته است.

در سالهای اخیر چغندر کاری و برنج کاری از رشد سریع برخوردار بودند (به ترتیب ۲۷ و ۱۰ درصد) اقدامات دامنه داری از طرف بخش خصوصی برای توسعه ی کشت دانه های روغنی بعمل میآید. چنانکه در اثر اقدامات شرکت سهامی توسعه ی کشت دانه های روغنی که بوسیله ی صاحبان کارخانه های تولید روغن نباتی تأسیس شد، سطح کشت دانه های روغنی از ۶۰۰ هکتار در سال ۱۳۴۶ به ۴۷۵۰۰ هکتار در سال ۱۳۴۸

افزایش یافته است و در سال ۱۳۴۹ به ۹۰ هزار هکتار خواهد رسید.

با اینهمه اقتصاد کشاورزی ایران مجموعاً رشد قابل توجهی ندارد. آهنگ متوسط رشد کشاورزی طی برنامه ی سوم ۴٫۱ درصد در سال بود که کمتر از میزان پیش بینی شده در این برنامه است.

مصرف کود های شیمیایی در ایران بسیار کم است و میزان آن در پایان برنامه ی سوم فقط ۱۳۰ هزار تن بود و طبق پیش بینی در پایان برنامه ی چهارم به ۳۵۰ هزار تن خواهد رسید.

تعداد تراکتور در سراسر کشور از ۱۸-۱۷ هزار دستگاه تجاوز نمی کند و بهر ۴۰۰ یا ۵۰۰ هکتار زمین بطور متوسط فقط یک تراکتور می رسد. برای مکانیزه کردن کشاورزی اقلاً باید تعداد تراکتورهای مشغول بکار را به ۱۰ برابر افزایش داد.

بذر مرغوب و نهال اصلاح شده در دسترس اکثر کشاورزان نیست. برای مبارزه با آفات و اصلاح خاک اقدام جدی بعمل نیامده است. در اکثر واحدهای کشاورزی از شیوه های علمی تولید استفاده نمی شود.

در ایران که میزان و فصل بارندگی در اکثر نواحی مساعد برای زراعت دیم نیست، فقط ۳ میلیون هکتار کشت آبی وجود دارد. پیش از اجرای برنامه های عمرانی اراضی قریب ۲ میلیون هکتار بود. اکنون پس از اجرای چند برنامه ی هفتساله و پنجساله و صرف ۴۲ میلیارد ریال فقط ۵۰۰ هزار هکتار به کشت های آبی افزوده شده است.

در ایران اکنون در حدود ۷ میلیون هکتار زمین زیر کشت وجود دارد و در حدود ۱۲ میلیون هکتار نیز سالانه بصورت آیش خارج از بهر بهره برداری قرار می گیرد. یعنی علاوه بر ۴٪ مساحت کل کشور بهره برداری زراعی می شود. طبق برآورد های موجود، علاوه بر زمینهای آیش زیر کشت کنونی، پیش از ۳۰ میلیون هکتار زمین قابل کشت در ایران وجود دارد. برای توسعه ی کشاورزی باندازه ی کافی زمین در اختیار داریم.

با آنکه میزان و فصل بارندگی در ایران، جز در نواحی معین (اکثر در ساحل دریای خزر) برای کشاورزی دیم مناسب نیست، ولی این واقعیت هرگز بمعنای کمبود آب برای کشاورزی نیست. بارندگی در ایران برای ایجاد سیستم آبیاری مصنوعی نسبتاً کافی است. میزان بارندگی در ایران را ۵۰۰-۴۵۰ میلیارد متر مکعب تخمین میزنند که ۶۰٪ آن تبخیر و تعریق می شود، ۱۵٪ بر زمین نفوذ میکند و ۲۵٪ در سطح زمین جاری می شود. حتی اگر از ۵۰٪ آبهای جاری و تحت الارضی برای مصارف کشاورزی استفاده شود (۱۰۰ میلیارد متر مکعب)، علاوه بر زمینهای قاریاب موجود، ده میلیون هکتار زمین جدید را نیز میتوان آبیاری کرد (حد ای معتقد ندکه حتی ۲۰ میلیون هکتار زمین جدید را میتوان آبیاری نمود).

تنوع شرایط اقلیمی نیز که قبلاً بدان اشاره کردیم، برای رشد کشاورزی در ایران امکانات وسیع فراهم می آورد. بنابراین از لحاظ شرایط طبیعی ایران استعداد کافی برای رشد سریع کشاورزی دارد و فقط عوامل اجتماعی مانع این رشد است.

وضع د امپوری نیز که ۴۰ درصد ارزش افزوده ی کشاورزی را تولید میکند، بهتراز وضع زراعت نیست.

طبق آمارهای موجود اکنون در حدود ۳۱ میلیون گوسفند، ۱۳ میلیون بز، ۶ میلیون گاوگاو میش، ۲ میلیون الاغ، ۱۰۰-۵۰۰ هزار اسب و قاطر، ۲۵۰ هزار شتر، ۶۰-۵۰ هزار خوک و ۲۵-۲۴ میلیون طیور خانگی در ایران وجود دارد. چنانکه می بینیم با آنکه هر ساله تعداد کثیری از دامهای ایران در اثر بیماری و سرما و خشکسالی تلف میشوند، هنوز هم برای رشد همه جانبه ی دامپوری تعداد کافی دام در ایران وجود دارد. ارزش فرآورده های دامی در پایان برنامه ی سوم جمعاً ۱۱۵ میلیارد ریال بشرح زیر بود:

گوشت قرمز	۲۰۱	میلیارد ریال	گوشت مرغ و شکار	۲۵	میلیارد ریال	تخم مرغ	۱۸	میلیارد ریال
شیر	۱۵۳	میلیارد ریال	عمل	۱۰	میلیارد ریال	انواع پرورشی پشم و پشمه	۴۹	میلیارد ریال
کود حیوانی	۷۱	میلیارد ریال	کار دام	۲۳	میلیارد ریال	از یاد دام	۲۵	میلیارد ریال

تعریف دامهای ایران بطور عمده در مراتع طبیعی انجام میگیرد. پنجاه درصد دامها تمام سال و ۵۰ درصد دیگر ۷ ماه از سال را در مراتع چرانی میکنند. موافق ارقام ارائه شده از طرف مقامات رسمی ۸۰ درصد محصول گوشت و لبنیات کشور را عشاير تا زمین میکنند. مساحت مراتع ایران را ۴۰-۵۰ میلیون هکتار قید کرده اند که از آن فقط ۱۰ میلیون هکتار مرتع مرغوب است و مابقی از مراتع جنگلی و یا مراتع دارای پوشش گیاهی ضعیف هستند. چون مراتع عمده ترین منبع تغذیه دامها هستند، فشار زیادی بر آنها وارد میآید. مطابق محاسبه‌ی بعضی از متخصصین، مراتع ایران قدرت تغذیه‌ی ۴۰ میلیون رأس واحد گوسفندی را دارند و حال آنکه اکنون در حدود ۷۰ میلیون واحد گوسفندی در آنها چرانی میکنند. بنابراین سال بسال از قدرت و مرغوبیت مراتع ایران کاسته میشود. کشت طیفه‌های دامی باندازه‌ی کافی انجام نمیگیرد (چون کشت یونجه و سایر طیفه‌های دامی گسه گیاهان چند ساله هستند، ایجاد حق ریشه برای دهقانان میگرد، مالکین از توسعه‌ی این کار جلوگیری میگردند) *

مرکز و میرناشی از بیماری و سرما و خشکسالی، فقدان راههای مناسب، نبودن سیلو و کشتارگاه و سردخانه‌ی «جهیز» تسلط واسطه‌ها (امانت فروش و کاروانسرا دار و دلال و چوپان و غیره) از موانع رشته‌ی دامپروری در ایران هستند.

در ایران در حدود ۱۸ میلیون هکتار جنگل وجود دارد که انواع درختهای قیمتی مانند شمشاد، آزاد، گردو، بلوط ایرانی و درختهای کم ارزش ترد یگر مانند افرا، اوجا، نمدار، توسکا، انجیلی، توت، سپیدار و غیره در آنها میروید. بسیاری از این جنگلها به علت بهره برداری بیبرحمانه (برش و زغالسوزی) و عدم مراقبت بوضع اسف آوری درآمده است. طبق محاسبه‌ی برخی از متخصصین فقط از جنگلهای شمال ایران بایبهره‌داری صحیح هم اکنون میتوان سالانه بیش از ۵ میلیارد ریال بهره برداری نمود (بارقم ۸۰ میلیارد کنونی مقایسه شود) *

اکنون اقداماتی برای حفظ منابع جنگلی ایران بعمل میآید. قراردادهایی با رومانی و بلغارستان برای ایجاد صنایع مجتمع خوب در رنگسای مازندران و صنایع شیمیائی خوب در جنگلهای اسالم گیلان منعقد شده است. تراز ادبی با شرکت مهندسان مشاور اتیشی بمنظور مطالعه صنایع جنگلهای شمال که به ۳۰ میلیون هکتار بالغ میگردد (بیش از تمام جنگلهای اتیش) برای ایجاد صنایع جنگلی (کاغذ سازی و فیبر والوار و غیره) منعقد شده است.

از ماهی و سایر منابع دریائی ایران نیز بهره برداری لازم انجام نمیگیرد. در آبهای شور و شیرین ایران انواع ماهیهای خوراکی بعمل میآید. در آبهای جنوبی کشور علاوه بر این ماهی میگو نیز صید میشود. در صورت بهره برداری صحیح از این منابع درآمد هنگفتی عاید کشور خواهد شد. برای تکثیر ماهی در ایران، بانکهای فنی و مالی اتحاد شوروی حوضچه‌هایی در حوالی رشت در دست ساختمانست که سالانه ۷ میلیون تخم ماهی در آنها پرورش داده خواهد شد.

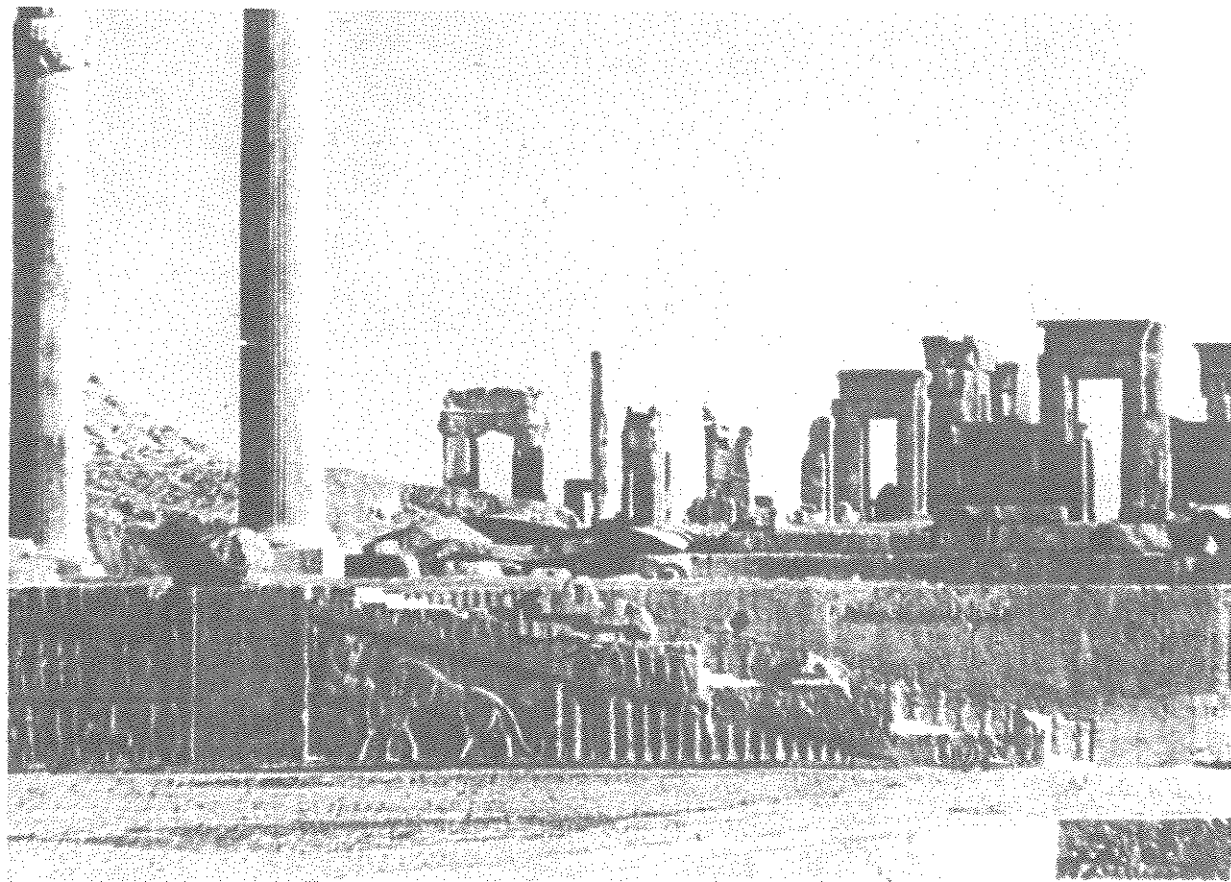
عقب ماندگی کشاورزی در ایران باعث شده است که برای وارد کردن گوشت و غله و دانه‌های روغنی و غیره سالانه مقدار هنگفتی ارز از کشور خارج شود. طی پنج سال ۱۳۴۶-۱۳۴۱ در برابر ۳۶ میلیارد ریال صادرات کشاورزی که تقریباً ۲۲ میلیارد آن صادرات سنتی پنبه و خشکبار بود، در حدود ۱۸ میلیارد ریال واردات کشاورزی داشته ایم. و این وضع کشور است که اکثریت ساکنین آنرا روستائیان تشکیل میدهند.

در رشته‌های صنعتی ایران کمتر از ۲۰ درصد شاغلین کشور فعالیت میکنند و سهم آن در تولید ناخالص ملی بسیار

۲۶۱ درصد بالغ میشود.

صنایع و معادن

در آغاز برنامه‌ی چهارم وضع صنایع از لحاظ ارزش افزوده بدینقرار بود:



ارزش افزوده ی رشته های اساسی صنایع در سال ۱۳۴۶
(به قیمت جاری)

میلارد ریال	درصد	
۱۷	۰٫۹	معادن
۱۱۷	۶٫۱	نفت
۷۳۰	۳۸٫۱	از جمله سهم ایران
۷۲۲	۳۷٫۷	صنایع تبدیلی
۱۹۱۴	۱۰۰٫۰	جمع

ارقام این جدول نشان میدهد که در میان رشته های صنعتی ایران صنایع استخراجی وزن مسلط دارد و این امر نتیجه ی وجود صنایع نفت در کشور است. مطابق آمار رسمی از هر ۱۱۷ میلیارد ریال ارزش افزوده ی صنایع نفت در سال ۱۳۴۶ فقط ۷۳ میلیارد ریال سهم ایران بود و مابقی نصیب انحصارهای نفتی شده است.

ارزش افزوده ی صنایع تبدیلی فقط ۳۷٫۷ درصد مجموع ارزش افزوده رشته های صنعتی را تشکیل میدهد و این دلیل عقب ماندگی رشد صنایع در ایران است.

صنایع تبدیلی ایران شامل صدها هزار کارگاه کوچک متکی به کار دستی کم بهره ایست که در سراسر کشور پراکنده است. جدول زیر تصویر روشنی از وضع صنایع ایران بدست میدهد:

تعداد کارگاهها و کارکنان صنایع تبدیلی (بایرک و گاز) و ارزش افزوده ی آنها در سال ۱۳۴۶

ارزش افزوده		تعداد کارکنان		تعداد کارگاهها		
%	میلارد ریال	%	هزار نفر	%	هزار واحد	
۹٫۲	۷٫۲	۴۸٫۹	۶۵۳٫۷	۷۱٫۰	۲۹۱٫۵*	صنایع در دهات
۹۰٫۸	۷۰٫۶	۵۱٫۱	۶۸۱٫۳	۲۹٫۰	۱۶۰٫۷	صنایع در شهرها از جمله :
۳۲٫۹	۲۵٫۶	۳۴٫۳	۴۵۸٫۹	۲۸٫۲	۱۵۶٫۲	- دارای کمتر از ۱۰ نفر کارکن
۲۰٫۴	۱۵٫۹	۴٫۸	۶۵٫۳	۰٫۷	۳٫۹	- دارای ۱۰ تا ۵۰ نفر کارکن
۳۷٫۴	۲۹٫۱	۱۲٫۰	۱۵۷٫۱	۰٫۱	۰٫۱	- دارای بیش از ۵۰ نفر کارکن
۱۰۰٫۰	۷۷٫۸	۱۰۰٫۰	۱۳۳۵٫۰	۱۰۰٫۰	۵۵۲٫۲	جمع

* ۱۳۴۵

در آمار ایران کارگاههای دارای بیش از ۱۰ نفر کارگر کارگاههای بزرگ نامیده میشوند. اغلب این کارگاهها در واقع کارگاههای کوچک و متوسط هستند. از ۴۵۰۰ کارگاه بزرگ فقط درصد ۶۰۰ کارگاه بیش از ۵۰ نفر کارگر دارند. این کارگاهها با آنکه از ۰٫۰ درصد مجموع کارگاههای صنعتی کشور را تشکیل میدهند ۱۲ درصد کارکنان و کارمندان و بیش از ۳۷ درصد ارزش افزوده ی صنایع را در اختیار دارند. اگرچه کارگاههای بزرگه بیش از ۱۰ نفر کارگر دارند بطورکاملا مشروط کارگاههای صنعتی واقعی فرض کنیم در اینصورت سهم صنایع واقعی کشور در تولید ملی از ۸ - ۷ درصد تجاوز نخواهد کرد.

وضع صنایع ایران از لحاظ ترکیب داخلی خود نیز کاملاً حاکی از عقب ماندگی این رشته می‌باشد. جدول زیر که ترکیب داخلی صنایع ایران را در سال ۱۳۴۶ نمایش می‌دهد، موید این امر است:

وضع رشته های مختلف صنایع در مناطق شهری در سال ۳۴۴
تعداد کارگاهها

تعداد کارگاهها	تعداد کارکنان		ارزش افزوده		
	هزار نفر	%	میلیارد ریال	%	
۲۱۸۶۶	۱۲۲۲۲	۱۷٫۹	۱۴٫۲	۲۰٫۱	صنایع مواد غذایی
۵۸	۳٫۱	۰٫۴	۰٫۷	۰٫۹	صنایع آشامیدنیها
۳	۳٫۹	۰٫۵	۵٫۵	۷٫۷	صنایع خانیاث
۲۸۲۱۰	۱۸۲۴۴	۲۶٫۷	۱۳٫۳	۱۸٫۸	صنایع نساجی و گلیم و قالی
۴۳۰۳۶	۱۰۷۰۵	۱۵٫۷	۶٫۹	۹٫۸	صنایع پوشاک و لوازم پارچه ای
۱۵۵۳۸	۴۱۰۵	۶٫۹	۲٫۲	۳٫۱	صنایع چوب و مبیل
۲۸۱	۲٫۸	۰٫۴	۰٫۷	۰٫۹	صنایع کاغذ و مقوا
۱۲۲۰	۶٫۵	۰٫۹	۰٫۸	۱٫۱	صنایع چاپ و صحافی
۱۳۴۴	۵٫۸	۰٫۸	۰٫۳	۰٫۴	صنایع چرم و پوست
۱۰۶۱	۸٫۳	۱٫۲	۱٫۵	۲٫۱	صنایع لاستیک و کائوچو
۸۶۵	۹٫۸	۱٫۴	۳٫۰	۴٫۲	صنایع شیمیایی
۷	۰٫۶	۰٫۱	۰٫۳	۰٫۴	صنایع نفت و زغال سنگ
۴۴۷۲	۳۸۰۹	۵٫۷	۵٫۹	۸٫۳	صنایع محصولات معدنی غیر فلزی
۱۵۴۸	۶٫۴	۰٫۸	۱٫۴	۲٫۰	صنایع فلزات اساسی
۱۹۳۷۸	۵۸۰۶	۸٫۶	۳٫۹	۵٫۵	صنایع محصولات فلزی
۱۸۲۸	۷٫۹	۱٫۱	۰٫۴	۰٫۵	صنایع ماشین آلات غیر الکتریکی
۳۸۵۳	۱۶۰۲	۲٫۳	۲٫۶	۳٫۶	صنایع ماشین آلات و وسایل الکتریکی
۱۰۰۰۴	۳۴۰۳	۵٫۰	۴٫۰	۵٫۶	صنایع وسائط نقلیه
۵۶۸۳	۱۶۰۵	۲٫۴	۰٫۸	۱٫۱	صنایع متفرقه
۴۵۸	۸٫۱	۱٫۲	۲٫۱	۲٫۹	صنایع تولید برق و گاز
۱۶۰۷۲۳	۶۸۱۳	۱۰۰٫۰	۷۰٫۶	۱۰۰٫۰	کل کارگاهها از جمله:
۱۵۶۲۲۳	۴۵۸۰۹	۶۷٫۴	۲۵٫۶	۳۶٫۳	— کارگاههایی که تا ۱۰ نفر شاغل بکار دارند
۳۹۱۴	۶۵۰۳	۹٫۶	۱۵٫۹	۲۲٫۵	— کارگاههایی که بین ۱۰ تا ۵۰ نفر شاغل بکار دارند
۵۸۶	۱۵۷۰۱	۲۳٫۰	۲۹٫۱	۴۱٫۲	— کارگاههایی که بیش از ۵۰ نفر شاغل بکار دارند

بررسی این جدول نشان می‌دهد که صنایع ایران بطور عمده از صنایع تولیدی هستند و مسائل مصرف تشکیل یافته است. بیش از ۱۰ درصد کارکنان صنایع مناطق شهری در تولید مواد غذایی و آشامیدنیها و دخانیات و نساجی و قالی‌بافی و پوشاک متمرکز شده است و سهم این رشته‌ها در ارزش افزوده ی صنایع نیز بیش از ۵۷ درصد است.

گروه صنایع محصولات فلزی، ماشین‌آلات و وسائل الکتریکی و غیرالکتریکی و وسائط نقلیه نه فقط سهم ناچیزی در مجموع صنایع کشور دارند (مجموعاً ۱۷ درصد کارگران و کارمندان و ۱۵ درصد ارزش افزوده ی صنایع شهری)، بلکه این صنایع نیز اولاً بطور عمده تولیدکننده ی و مسائل مصرف هستند و ثانیاً اکثر نیازکننده ی قطعات وارداتی.

صنایعی که از آنها تحت عنوان ظاهر فریب "صنایع محصولات فلزی" یاد میشود و شامل تقریباً نیمی از کارکنان و ۴ درصد ارزش افزوده ی تمام صنایع این گروه میباشد، مرکب از بیش از ۱۹ هزار کارگاه است که هر کدام بطور متوسط ۴-۲ نفر کارگر و کارمند دارند. یعنی در واقع اکثر کارگاه‌های کوچک آهنگری و حلبی‌سازی هستند. حتی کارگاه‌های بزرگ این رشته نیز کارشان بطور عمده ساختن در و پنجره و میز و صندلی فلزی و انواع ظروف و سماور و بخاری و آبگرمکن و چراغ و از این قبیل اشیاء است.

فقط در سالهای اخیر برای تأسیس برخی رشته‌های صنایع سنگین اقدام بعمل آمده که مهمترین آنها صنایع ذوب آهن اصفهان، ماشین‌سازی اراک، تراکتورسازی و ماشین‌سازی تبریز است که بکمک اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی احداث میگردد (کارخانه‌ی تراکتورسازی بکار پرداخته است).

از سال ۱۳۴۶ کارخانه ی نورد ایران که ب سرمایه ی داران خصوصی ایران و آمریکا و آلمان فدرال تأسیس شده در شهر اهواز بکار برداخته است. این کارخانه انواع پروریل‌های سبک ساختمانی تولید میکند (۱۵۰ هزار تن در سال). همچنین به مشارکت سرمایه‌های خصوصی کشورهای امپریالیستی رشته‌های پتروشیمی در آبادان و شاهپور و خارک و آلومینیوم در اراک بوجود می‌آید.

برای اینکه تصویری روشن‌تر از وضع صنایع ایران داشته باشیم، فهرستی از نوع و میزان تولید بعضی از صنایع بزرگ ایران را می‌آوریم:

(رجوع به صفحه بعد)

از سند اصلی جلسه مشاوره احزاب برادر

همبستگی با احزاب کمونیستی و کارگری که زیر فشار قرار دارند

جنبش کمونیستی - بخش لاینفک جامعه‌ی معاصر و فعالترین نیروی آنست. از نیرو غیرقانونی کردن احزاب کمونیست و کارگری سوادسی است به حقوق دموکراتیک و مصالح حیات خلقها. شرکت کنندگان در کنفرانس بدون استثناً از تمام احزاب کمونیست جهان که در راه شرکت طنی در زندگی سیاسی کشورخویش مبارزه میکنند، پشتیبانی مینمایند. ما باخشم و نفرت، تضییقات خونین و ترویری راکه هزاران و هزاران کمونیست، دموکرات و دیگر انقلابیون در اندونزی، اسپانیا، پرتغال، یونان، بولیوی، برزیل، کلمبیا، مکزیک، ونزوئلا، پاراگوئه، گواتمالا، آفریقای جنوبی، تایلند، هائیتی، مالانیا، ایران، فیلیپین و برخی دیگر کشورهای آمریکای آن شده اند محکوم میکنیم. ما همبستگی خود را با هم‌زمانان که در سیاه جالهای رژیمهای فاشیستی و دیکتاتوری و در زندان‌های کشورهای سرمایه‌داری بزن‌جیر کشیده شده‌اند، اعلام میداریم و در راه آزادی آنها مبارزه میکنیم.

میزان تولید بعضی از صنایع بزرگ ایران

افزایش درصد	۱۳۴۶	۱۳۴۵	واحد	
۵۶٫۶	۵۴۲	۳۴۶	هزارتن	قند و شکر
۱۸٫۱	۱۲۴	۱۰۵	هزارتن	روغن نباتی
۱۵٫۲	۱۱۲۷۱	۹۷۹۰	هزار بطر	مشروبات الکلی (با استثنای آبجو)
۱۹٫۰	۲۶	۲۱	میلیون بطر	آبجو
۷٫۸	۱۸۰	۱۶۷	میلیون بطر	مشروبات غیرالکلی
-۱۷٫۲	۱۳۱۵۴	۱۵۸۹۴	تن	چای
۸٫۲	۳۵۷	۳۳۰	میلیون متر	منسوجات پنبه ای و الیاف مصنوعی
-۳٫۵	۵	۵٫۷	میلیون متر	منسوجات پشمی
۰٫۹	۱۱۳	۱۱۲	هزارتن	پنبه ی تصفیه شده
۴۶٫۵	۸۱۳	۵۵۵	تن	دستمال کاغذی
۱۷۸٫۱	۱۰۴۲۳*	۳۷۴۸	دستگاه	اتومبیل سواری
۷۱٫۶	۱۲۰۵۷۶	۷۰۵۲۸	دستگاه	پنجچال
۱٫۸	۲۹۲۴۲	۲۸۷۰۷	دستگاه	آبگرمکن
۶۵٫۸	۳۳۴۵۶	۲۰۱۶۵	دستگاه	اجاق گاز
۷٫۶	۷۵۶۴۴	۷۰۳۰۰	عدد	بخاری مبله
۵۵٫۱	۱۷۹۰۷۹	۱۱۵۴۴۵	عدد	بخاری دستی
۱۸٫۶	۴۹۶	۴۱۸	هزار حلقه	انواع لاستیک
۱۳٫۲	۱۵۴۸	۱۳۶۷	هزارتن	سیمان
۳٫۵	۲۲۸۵	۲۶۰۶	میلیون عدد	آجر
-۰٫۶	۱۰۰۹۲	۱۰۱۵۰	میلیون عدد	سیگار
۲۹٫۸	۱۸۲۶	۱۴۰۷	میلیون کیلووات ساعت	برق
۱۵٫۹	۱۱۵۹۹	۱۰۰	%	شاخص کل

* تولید اتومبیل‌های سواری در سال ۴۷ به ۲۲ هزار دستگاه رسید و در سال ۸۱ پیش‌بینی می‌شد در حدود ۳۵-۳۲ هزار دستگاه ساخته شود.
 در پایان برنامه ی چهارم (۱۳۵۱) در ایران باید ۴۹۷۰۰ دستگاه اتومبیل سواری، در حدود پنج هزار دستگاه اتوبوس و پنج هزار کامیون و پیش از آن هزار سائو سائل نقلیه یعنی جمعاً ۷۰ هزار دستگاه اتومبیل ساخته شود.

با افزایش تولید برخی کالاها مانند قند و شکر و لاستیک و وسائط نقلیه و منسوجات و روغن نباتی و رادیو و تلویزیون و غیره سال به سال از میزان واردات آنها کاسته میشود.

توزیع جغرافیائی صنایع ایران کاملاً ناموزون انجام گرفته است. جدول زیر ناموزونی فوق العاده ی توزیع جغرافیائی صنایع ایران و وضع اسف آور نواحی عقب مانده ی کشور را بخوبی نمایش میدهد:

توزیع جغرافیائی صنایع بزرگ ایران در سال ۱۳۴۵ (بدون نفت و گاز)

	جمعیت (هزار نفر)	تعداد کارگاهها	تعداد کارکنان	ارزش افزوده (میلیون ریال)	تولید سرانه ی ارزش افزوده		
					برای میان	چند برابر استان سیستان و بلوچستان	
۱	استان مرکزی	۴۹۷۹	۱۴۱۶	۱۱۰۱۶۳	۳۱۹۸۹	۶۴۲۴	۱۴۰
۲	استان اصفهان و یزد	۱۷۰۴	۳۱۵	۳۰۴۱۸	۲۴۶۱	۲۰۳۱	۴۴
۳	استان مازندران و گرگان	۲۰۴۹	۱۵۸	۱۳۶۵۷	۱۷۲۸	۸۴۳	۱۸
۴	استان کردستان	۶۲۰	۱۴	۴۴۸	۳۲۰	۵۱۶	۱۱
۵	استان کرمان	۱۱۰۸	۷۰	۴۶۹۳	۵۶۵	۵۰۰	۱۱
۶	استان خوزستان و لرستان	۲۷۲۳	۱۸۵	۶۹۸۱	۱۲۸۰	۴۷۰	۱۰
۷	استان گیلان	۱۷۵۳	۱۸۹	۶۷۶۶	۸۱۷	۴۶۶	۱۰
۸	استان خراسان	۲۴۹۸	۲۶۹	۱۱۵۷۷	۱۱۵۶	۴۶۲	۱۰
۹	استان فارس و بنادر	۱۶۹۲	۱۲۳	۴۷۷۹	۶۵۵	۳۸۷	۸
۱۰	استان آذربایجان شرقی	۲۵۹۶	۷۰۴	۱۹۵۳۰	۸۸۵	۳۴۴	۷٫۵
۱۱	استان آذربایجان غربی	۱۰۸۷	۶۳	۱۸۲۷	۲۰۱	۱۸۴	۴
۱۲	استان کرمانشاهان	۱۸۱۵	۱۳۷	۳۲۸۸	۲۰۸	۱۱۴	۲٫۵
۱۳	استان سیستان و بلوچستان	۴۵۵	۱۸	۱۸۰	۲۱	۴۶	۱
	جمع کل	۲۵۰۷۹	۳۶۶۱	۲۱۴۳۰۷	۴۳۳۸۷	۱۷۲۶	۳۷٫۵

نگاهی اجمالی به ستون آخر این جدول وضع اسف آور ایران را از لحاظ توزیع جغرافیائی صنایع نشان میدهد. تولید سرانه ی صنایع بزرگ در استان مرکزی ۱۴۰ برابر عقب مانده ترین استانها (سیستان و بلوچستان) و بیش از ۳ برابر استان اصفهان است که از لحاظ سطح رشد صنعتی مقام دوم را در کشور اشغال میکند. بدیهی است توزیع جغرافیائی صنایع و بطور کلی تمام رشته های تولیدی هرگز نمیتواند در سراسر یک کشور کاملاً موزون باشد. شرایط طبیعی و تاریخی و غیره در توزیع جغرافیائی رشته های تولیدی تأثیر دارند. ولی آنچه که ما در ایران می بینیم، فقط و

نقطه زائید هـی نظام اجتماعی ایران از یکسو سیاست اقتصادیه و اجتماعی رژیمهای حاکم بر ایرانست که خود عاملی برای اجرای سیاست های دول امپریالیستی در ایران بود و هستند*

باآنکه مقامات اقتصادیه ایران مدتهاست میگویند که یا ایجاد قطب های صنعتی در برخی از نواحی کشور (اصفهان ، اهواز ، تبریز ، شیراز ، کرمان ، قزوین ، رشت ، مشهد ، اراک) میخواهند تعدیلی در وضع کنونی فراهم آورند ، ولی هنوز اصلاحیه در وضع موجود نشده است . چنانکه از ۴ میلیارد ریال سرمایه گذاری صنعتی در کارگاههایی که در سال ۱۳۴۶ پروانه ی بهره برداری اخذ کرده اند ۱٫۱ میلیارد ریال بایبیش از ۳۶ درصد مربوط به استان تهران بود و در سال ۱۳۴۷ سهم تهران باز افزایش یافته و تقریباً به ۵۰ درصد بالغ گردید . بهره برداری از معادن ایران ، جز در مورد نفت ، در سطح بسیار نا زلی قرار ارد و سهم آن در تولید ملی فقط ۰٫۳ درصد است .

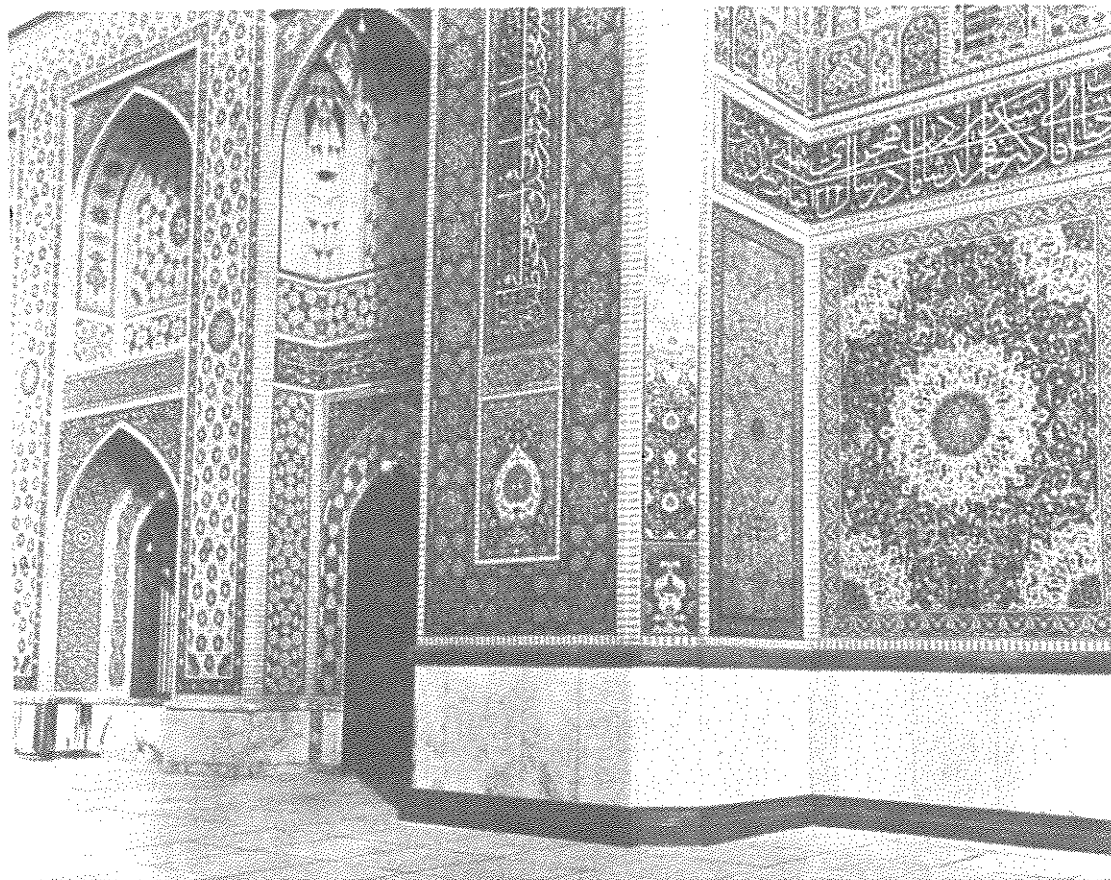
اکنون غیر از معادن سنگهای ساختمانی (مرمر و تراورتن و سنگ کج و کوارتزیت و شن و ماسه و غیره) که در سراسر کشور پراکنده است ، از معادن آهن (استانهای مرکزی و کرمان) ، زغال سنگ (در نواحی جبال البرز و کرمان) ، روی (در نواحی مرکزی) ، زرنیک (آذربایجان و خراسان) ، سرب (در استان مرکزی و اصفهان) ، سرب و روی (اصفهان و خراسان) ، کائولین (استانهای مرکزی و آذربایجان و خراسان) ، کرومیت (خراسان و جنوب) ، گل سفید (استانهای خراسان و اصفهان) ، گوگرد (سمنان) ، مس (آذربایجان و خراسان و اصفهان و استان مرکزی) ، منگنز (استانهای مرکزی و خراسان و اصفهان و کرمان) ، بنت (در تمام کشور) ، زاج ساربتین (استانهای مرکزی و مشهد هم) ، طلا (گلپایگان) و غیره نیز بهره برداری میشود .

بخش بزرگی از فرآورده های معدنی ایران (سنگ روی آهن و کرومیت و منگنز و سرب و روی) یا بهمان صورت اولیه و یا پس از تصفیه و تخلیظ مقدامتی بخارج صادر میشود .

منابع معدنی ایران بطور کلی مورد بررسی و اکتشاف قرار نگرفته است . فقط در سالهای اخیر با شرکت متخصصین خارجی برای کاوش و ارزیابی ذخایر معدنی ایران اقدامات نسبتاً قابل توجهی بعمل آمده است . کشف معادن بزرگ سنگ آهن و زغال سنگ مناسب برای تک کردن و ذخایر عظیم معادن مس در سرچشمه ی کرمان (۳۰۰ میلیون تن قطعی و یک میلیارد تن احتمالی) و در ناحیه چهارگجه ی کرمان (بوسیله ی کارشافت یوگسلاوی) از نتایج اولیه ی این اقداماتست . کشورهای سوسیالیستی در این کار کشفهای بزرگی انجام داده و میدهند . برای مطالعه ۲۷۰ هزار کیلومتر مربع نواحی شرقی ایران (از خراسان تا سواحل عمان) با ۷ موزه ی مشاور خارجی قرارداد منعقد شده است .

باآنکه منابع معدنی ایران ملی اعلام شده است بهره برداری از تمام معادن طبقه ی اول (سنگهای ساختمانی) و طبقه ی دوم (فلزات و شبه فلزات) به بخش خصوصی واگذار میشود و فقط معادن طبقه ی سوم (نفت و مواد رادیواکتیو) بوسیله ی دولت بهره برداری میشود (سهم بدست خارجی) . کشف معادن جدید در ایران نظر از معدن امپریالیستی را بسوی خود جلب کرده است . انحصارات آمریکا و انگلستان و آلمان غربی و فرانسه هم اکنون دست خود را روی معادن مکشوفه ی مس گذاردند و گفته میشود از طرف این انحصارات کنسرسیومی برای بهره برداری از این معادن تشکیل شده است . دولت در نظر دارد بهره برداری از این معادن را به بخش خصوصی داخلی و سرمایه های خارجی محول کند .

در رشته ی حمل و نقل بیش از ۳ درصد شاغلین فعالیت میکنند و سهم آن در تولید ناخالص ملی در حدود پنج درصد است . در ایران در حدود ۳۰ هزار کیلومتر راه شوسه ی درجه ی ۱ و ۲ ، ۱۶ هزار کیلومتر راه آسفالت و بیش از ۲۵۰۰ کیلومتر راه آهن ایجاد شده است . ظرفیت بنادر ایران به ۳٫۸ میلیون تن در سال رسیده و در بسیاری از شهرها فرودگاه ساخته شده است . در ایران بیش از ۳۸۰۰ کیلومتر لوله کشی نفت انجام گرفته و کار احداث خط اصلی شاه لوله ی گاز بطول ۱۱۰۶ کیلومتر میان بید بلند و آستارا برای انتقال گاز آغاز جاری و مارون به شیروی و برخی شهرهای کشور در شرف پایان است . برای ایجاد



کاشی‌کاری‌های زیبای مسجد شاه اصفهان

لوله ی نفت اهواز - اسکندرون بطول ۱۷۰۰ کیلومتر برای تغذیه ی پالایشگاه ازمیر و تحویل نفت به کشورهای سوسیالیستی اروپای شرقی اتمام میشود. ساختمان راه آهن اصفهان - کرمان برای اتصال منابع سنگ آهن و زغال سنگ به کارخانه ی ذوب آهن و نیز کاراتصال راه آهن ایران از طریق تبریز - شرقخانه - قطریه راه آهن اروپا دردست انجام است.

درسال ۱۳۴۱ درایران بیش از ۱۶۵ هزار اتوموبیل سواری، ۳۷ هزار بارکش و ۱۱ هزار دستگاه اتوبوس مشغول کار وجود داشت. هواپیمائی ملی ایران که درسال ۱۳۴۱ تأسیس شد، اکنون دارای ۴ فروند جت ۷۲۷، دو فروند جت ۷۰۷ و دو فروند هواپیمای عا دی است. هواپیماهای ایران میان ۱۵ نقطه ی کشور و ۱۴ نقطه ی خارج کشور در پروازند. هواپیمائی ملی از بدو تا تأسیس خود تا پایان سال ۱۳۴۸ جمعا ۱۳۶۶ میلیون کیلومتر نفر و ۲۵۳ میلیون تن کیلومتر بار و پست حمل کرده است.

شرکت ملی نفتکش ایران که درسال ۱۳۳۴ با سرمایه ی شرکت ملی نفت ایران و بنیاد پهلوی تشکیل گردید (به نسبت ۵۰ - ۵۰) دارای چهارکشتی نفتکش اقیانوس پیما جمعا بظرفیت ۱۸۰ هزارتن است. این شرکت همچنین ۳ کشتی کوچک جمعا بظرفیت ۳۱۰۰ تن برای تسامین نفت سواحل ایران در اختیار دارد.

درسال ۱۳۴۱ شرکت سهامی کشتیرانی ایران "آریا" با سرمایه ی خصوصی و بکمک دولت تأسیس شد. این شرکت اکنون صاحب پنج کشتی اقیانوس پیما بظرفیت بیش از ۶۰ هزارتن است که میان آبهای ساحلی ایران و اروپا در حرکتند. چندی پیش میان ایران و ایالات متحده ی آمریکا نیز خط سیر جدیدی دایر شد. این شرکت ۶ کشتی بظرفیت هر یک ۱۶ هزارتن به بلژیک سفارش داد و بود که یک فروند آنرا تحویل گرفته است. علاوه بر اینها شرکت سهامی کشتیرانی ایران صاحب ۳ کشتی کوچک برای آبهای خلیج فارس است و ۱۲ کشتی نیز بصورت اجاره در بست (چارتر) در اختیار دارد. شرکت سهامی کشتیرانی ایران تا اوایل سال ۱۹۶۹ نمیتوانست کالاهای وارداتی ایران را از اروپا بکشور حمل کند، زیرا حمل و نقل دریائی خلیج فارس در انحصار "کنفرانس خطوط کشتیرانی اروپا و مدیترانه" است. ایران فقط ضمن قرارداد ای که درسال ۱۳۴۷ با این "کنفرانس" منعقد نمود، این حق را بدست آورد که از ژانویه ی سال ۱۹۶۹ درحد و د

مطابق آماروزارت اقتصاد میزان کارکرد انواع وسائط نقلیه ی ایران درسال ۱۳۴۴ بشرح زیر بود:

میزان کارکرد (میلیارد ریال)	میزان کارکرد (%)	
۲۳۰	۵۰٫۰	کامیون شهری و بیابانی
۸۳	۱۸٫۰	اتوبوس شهری و بیابانی
۶۸	۱۴٫۷	تاکسی و کرایه
۳۹	۸٫۴	راه آهن
۱۳	۲٫۸	هوائی و کشتیرانی
۱۲	۲٫۸	اتوبوس رانی شرکت واحد
۸	۰٫۹	سه چرخه ی باری
۱	۰٫۲	سایروسائط نقلیه
۴۵۹	۱۰۰٫۰	جمع

۲۵٪ کل بارهای وارد به خلیج فارس و با ۵۰٪ کل بارهای وارد به ایران را با کشتیهای خود حمل نماید. بنابراین ایران اکنون نیز حق ندارد بیش از ۵۰٪ کالاهای وارداتی خود را از اروپا بوسیله کشتیهای خود به کشور حمل کند. تقسیم بار نیز میان کشتیهای ایرانی و کشتیهای "کنفرانس" طور بیست که فقط ۴۰ درصد کرایه ی بارها بدست شرکت ایرانی میرسد. رشته های مختلف حمل و نقل ایران در سالهای اخیر رشد کاملاً متفاوتی داشته اند. چنانکه از سال ۱۳۴۰ تا سال ۱۳۴۶ نه تنها با حجم کارکرد راه آهن افزوده نشد، بلکه از آن کاسته شد. میزان کارکرد راه آهن ایران در سال ۱۳۴۰ برابر ۱۸۸۸ میلیون تن کیلومتر و ۱۴۹۶ میلیون نفر کیلومتر بود، ولی در سال ۱۳۴۶ به حدود ۱۳۰۰ میلیون تن کیلومتر و ۱۱۲۰ میلیون نفر کیلومتر کاهش یافت. آهنگ رشد رشته های مختلف حمل و نقل حاکی از تغییر استراتژی کارکرد سیستم نقلیه ی ایران است.

آهنك متوسط رشد سالانه ی فعالیت حمل و نقل
در سالهای ۱۳۴۶-۱۳۴۰

رشته های حمل و نقل	آهنك متوسط رشد (درصد)
کامپون داری	+ ۲۰
راه آهن	- ۱
هواپیمائی	+ ۲۱
اتوبوسهای شهرستانی	+ ۵۶
اتوبوسهای تهران و حومه	+ ۱۰۹
تاکسیرانی	+ ۵۲
بناد رو کشتیرانی	+ ۷۰
سایر رشته های حمل و نقل	- ۷
تمام رشته ها	+ ۳۸

میزان حمل نفت با انواع وسایل نقلیه (میلیون تن کیلومتر)

سال ۱۹۶۸ نسبت به سال ۱۹۶۱ (به درصد)	۱۹۶۸	۱۹۶۱	
۳۱۴	۵۲۰۰	۱۶۵۵	خطوط لوله
۸۷	۸۸۲	۱۰۰۴	راه آهن
۲۳۲	۹۶۲	۴۱۴	نفت کشهای پیمانی
۱۱۸	۱۶۴	۱۳۸	نفت کشهای شرکت ملی نفت ایران
۲۵۰	۶۵	۲۶	وسایل دریائی
۲۲۴	۷۱۷۳	۳۲۳۷	جمع

بطوریکه ارقام جدول نشان میدهد در ظرف ۷ سال میزان حمل نفت با خطوط لوله بیش از سه برابر و با نفت کشهای پیمانی بیش از ۲ برابر شده و در مقابل از میزان حمل نفت بوسیله ی راه آهن ۱۲٪ کم شده است.

علاوه بر اینکه رقابت رشته های اتوبوسرانی و هواپیمائی باره آهن باعث جلب بیشتر مردم به مسافرت با اتوبوس و هواپیما گردیده ، احداث خطوط لوله ی نفت و رقابت اتوموبیلهای نفت کش خصوصی نیز در تقلیل کارکرد راه آهن ایران تا ۳۰ درصدی داشته است.

در بانکداری و بیمه گری ۵۰ درصد شاغلین کشور فعالیت دارند و ۳ درصد تولید ملی در این د ورشته تولید میشود . شریانیهای پولی کشور در اختیار ۲۶ بانک دولتی و خصوصی است . يك سوم این بانکها دولتی است و يك سوم بـا سرمایه های خصوصی داخلی و يك سوم د بگرمایه های خصوصی داخلی و خارجی (مختلط) تشکیل شده است .

بانکداری و بیمه گری

بانک مرکزی ایران بانک بانکهاست . این بانک مجری سیاست پولی و اعتباری کشور ، حافظ ارزش پول ایران و بانک ملی کشور است . ذخایر رسمی طلا و ارز کشور در این بانک نگاهداری میشود . بانک مرکزی در حین حال محل تمرکز حسابها دولتی است یعنی تمام دریافتها و پرداختها ی دولت بوسیله ی این بانک انجام میگردد . بانک مرکزی به دولت اعتبار و وام میدهد و سپرده های بانکی سایر بانکها را نگاهداری میکند .

برخی از بانکهای ایران فقط به امور تخصصی میپردازند (بانک اعتبارات صنعتی ، بانک تعاون کشاورزی و غیره) ، عده ای از بانکها نیز

صورت بانک واقعی نداشته و علاوه بر امور صرافیه و نزیل خواری میرد ازند • اکنون صحبت از ادغام این بانکها در میانست •
 بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران که در سال ۱۳۳۸ با سرمایه اولیه ی ۴۰۰ میلیون ریال تشکیل شد و اکنون سرمایه ی خود را به
 ۹۶۰ میلیون ریال افزایش داده است • بصورت بانک سرمایه گذاری عظیمی در آمد ه است که از طریق واگذاری وامها و اعتبارات صنعتی دراز مدت
 و میانه مدت و یا شرکت مستقیم در سرمایه گذاری بیش از پیش شان صنایع کشور را بدست میگیرد و در واقع مظهر سرمایه ی مالی (در آمیختگی سرمایه ی
 بانکی با سرمایه ی صنعتی) در ایرانست •

سیستم بانکی ایران در سالهای اخیر رشد سریع داشته • جدول زیر افزایش قدرت مالی بانکهای ایران را در نه سال اخیر نشان میدهد •

(ارقام به میلیارد ریال)

میزان افزایش به درصد	اذرماه ۱۳۴۸	۱۳۳۹	
۱۷۸	۳۱۶	۱۷۷٫۸	سرمایه ی پرداخت شده
۳۴۰	۴۲۸٫۲	۱۲۶٫۱	دارائیهها
۴۲۸	۵۴۱	۱۲٫۶	سپرد ه های مدت دار
۱۳۳	۶۱۵	۴۶٫۱	سپرد ه های دیداری
۷۵۴	۵۵۱	۷٫۳	پس انداز
۴۲۸	۱۸۰٫۴	۴۲٫۱	اعتبارات اعطائی به بخش خصوصی
۳۳۲	۷۷٫۴	۲۳٫۳	اعتبارات اعطائی به بخش دولتی و اوراقیهها

بطوریکه دیده میشود میزان سرمایه های پرداخت شده ی بانکها در این مدت در حدود ۸۰ درصد افزایش یافته است • ولی قدرت
 عمل این بانکها با سرعت به مراتب بیشتری بالا رفته است • چنانکه دارائیههای بانکها تقریباً ۳ برابر و میزان اعتبارات پرداختی به بخش خصوصی
 بیش از ۴ برابر و به بخش دولتی ۳٫۳ برابر شده است • همچنین میزان پولی که بانکها بصورت مختلف (سپرده های دیداری و مدت دار و پس -
 انداز) در دست خود متمرکز کرده اند از ۱۶ میلیارد ریال در سال ۱۳۳۹ به بیش از ۱۷۰ میلیارد ریال بایبیش از ۴ برابر افزایش یافته است •

با آنکه بانکهای دولتی از لحاظ میزان سرمایه ی پرداخت شده به مراتب نیرومندتر از بانکهای خصوصی (اعم از داخلی و مختلط) هستند •

ولی دامنه ی عمل و میزان کارکرد بانکهای اخیر به مراتب بیشتر از سهم آنها در سرمایه گذاری است •

جدول زیر چگونگی فعالیت این بانکها را نمایش میدهد :

سهیم بانکهای دولتی و خصوصی و مختلط در فعالیت های بانکی در سال ۱۳۴۶ (به درصد)

شبکه بانکی	پس انداز	سپرده های مدت دار	سپرده های دیداری	انتخابات بخش خصوصی	دارائیهها	سرمایه ی پرداخت شده	
۷۱٫۳	۴۷٫۸	۴۱٫۳	۴۰٫۹	۳۲٫۶	۳۷٫۰	۱۶٫۵	(۱) بانکهای خصوصی جمعا
۶۸٫۳	۴۴٫۰	۱۹٫۱	۳۴٫۰	۲۲٫۲	۲۵٫۷	۹٫۲	- با سرمایه ی داخلی
۳٫۰	۳٫۸	۲۲٫۲	۶٫۹	۱۰٫۴	۱۱٫۳	۷٫۳	- با سرمایه ی مختلط
۲۸٫۷	۵۲٫۴	۵۸٫۳	۵۸٫۹	۶۶٫۷	۶۱٫۶	۸۲٫۳	(۲) بانکهای دولتی جمعا
۲۸٫۳	۵۲٫۰	۵۶٫۸	۵۷٫۷	۶۵٫۴	۶۰٫۷	۸۱٫۲	- با سرمایه ی داخلی
۰٫۴	۰٫۳	۱٫۵	۱٫۲	۱٫۳	۰٫۹	۱٫۱	- با سرمایه ی مختلط
-	-	۰٫۴	۰٫۲	۰٫۷	۱٫۴	۱٫۲	(۳) بانکهای خارجی *
۱۰۰٫۰	۱۰۰٫۰	۱۰۰٫۰	۱۰۰٫۰	۱۰۰٫۰	۱۰۰٫۰	۱۰۰٫۰	جمع

* بانک ایران و روس تنها بانک خارجی در ایران است که بطور عمده با سرمایه مربوط به بازرگانی میان ایران و شوروی میپردازد.

بطوریکه دیده میشود بانکهای خصوصی فقط ۱۶ درصد سرمایه ی پرداخت شده ی بانکها را تامین کرده اند، ولی ۳۷ درصد دارائیه ها، در حدود ۳۳ درصد انتخابات بخش خصوصی، ۴۱ درصد سپرده های دیداری، بیش از ۴۱ درصد سپرده های مدت دار، در حدود ۴۸ درصد پس انداز و بیش از ۷۱ درصد شبکه ی بانکی را بخود تخصیص داده اند.

بانکهای دولتی وضع کاملاً معکوس دارند. با آنکه بیش از ۸۲ درصد سرمایه های بانکی متعلق به آنهاست، فقط ۶۰-۵۰ درصد فعالیت های بانکی بوسیله ی آنها انجام میگردد.

بانکها از فعالیت های خود منافع سرشار بدست میآورند. سود ویژه ی بانکهای ایران از ۱۱ میلیارد ریال در سال ۱۳۴۱ به ۳ میلیارد ریال در سال ۱۳۴۶ افزایش یافت، یعنی بیش از ۳ برابر شد. جالب آنکه میزان سود نسبی بانکهای خصوصی بهر تریب بیش از سود بانکهای دولتی است. برای نمونه وضع چند بانک دولتی و خصوصی و مختلط را از لحاظ میزان سود در اینجا ذکر میکنیم :

سود ویژه و نسبت آن به سرمایه ی پرداخت شده ی برخی از بانکها
در سال ۱۳۴۷ (به میلیون ریال)

نسبت سود ویژه به سرمایه ی پرداخت شده	سود ویژه	سرمایه ی پرداخت شده	
۲٫۲	۲۱۷٫۸	۹۵۳۴	بانکهای دولتی :
۸٫۴	۱۵۱٫۷	۱۷۹۸	— بانک کشاورزی
۷٫۰	۲۸٫۲	۴۰۰	— بانک اعتبارات صنعتی
			— بانک بیمه ی ایران
			بانکهای خصوصی :
۱۹٫۷	۱۷٫۸	۹۰	— بانک ایرانیان
۱۲٫۰	۱۲۰	۱۰۰۰	— بانک صادرات ایران
			بانکهای مختلط :
۲۳٫۸	۴۷٫۷	۲۰۰	— بانک اعتبارات ایران
۱۴٫۲	۲۸٫۴	۲۰۰	— بانک ایران و هلند

در میان بانکهای خصوصی، بانک توسعه ی صنعتی و معدنی ایران از موقعیت ممتازی برخوردار است. سهام آن ۱۳۴۰ ریال در بورس تهران خرید و فروش میشود. امور بیمه گری ایران در دست ۱۱ مؤسسه ی بیمه متفرقه شده است: یک مؤسسه ی دولتی (شرکت سهامی بیمه ی ایران)، ۸ شرکت بیمه ی خصوصی داخلی و دو نمایندگی بیمه ی خارجی. شرکتهای خارجی، برخلاف رشته های بانکی، در امور بیمه گری ایران به سرمایه - گذارهای وسیع و مستقیم نپرداخته اند. این امر ناشی از محدودیتهای است که بموجب تصویب نامه ی هیئت وزیران (سال ۱۳۳۱ از زمان نخست وزیری دکتر مصدق) برای فعالیت شرکتهای بیمه ی خارجی در ایران بوجود آمده. ولی این محدودیت ها باعث شده که شرکت های بیمه ی خارجی از طریق بیمه های انکائی یحسی بطور غیرمستقیم در بازار بیمه ی ایران نفوذ کنند.

کار بیمه گری در ایران به علت محدود بودن بیمه های اجتماعی دامنه ی وسیعنداشته و بیشتر بیمه هائی از قبیل بیمه ی بازرسی و آتش سوزی و بیمه ی اتومبیل راد برمیگردد. بیمه ی عمر که یکی از منابع عمده ی درآمد شرکتهای بیمه ی کشورهای سرمایه دار است (۵۰ - ۴۰ درصد کل حق بیمه ی وصولی این شرکتهار تشکیل میدهد) در ایران توسعه نیافته است. میزان حق بیمه ی دریافتی شرکت های بیمه ی ایران در سال ۱۳۴۴ این واقعیت را نشان میدهد.

(ارقام به میلیون ریال)

شرکت سهامی بیمه ایران	شرکتهای بیمه ی خصوصی	جمع	%
۲۴۸٫۰	۳۲۰٫۰	۵۶۸٫۰	۴۸٫۴
۱۹۳٫۸	۱۲۸٫۹	۳۲۲٫۷	۲۷٫۵
۷۰٫۳	۱۰۹٫۱	۱۷۹٫۴	۱۵٫۲
۴۰٫۱	۱۲٫۵	۵۲٫۶	۴٫۵
۵۱٫۸	—	۵۱٫۸	۴٫۴
۶۰۴٫۰	۵۷۰٫۵	۱۱۷۴٫۵	۱۰۰٫۰

بیمه های دریافتی در کشورهای پیشرفته ی صنعتی به ۸ - ۶ درصد درآمد ملی آنان بالغ میشود و حتی در کشوری نظیر هندوستان بیش از یک درصد درآمد ملی است. ولی در ایران از ۴ - ۳ درصد درآمد ملی تجاوز نمیکند.

ترکیب صادرات ایران در سال ۱۳۴۶

کالاها	میلیون دلار	درصد
فرش پشمی دستیافت	۴۹٫۶	۲۷٫۳
پنبه	۳۷٫۹	۲۰٫۸
میوه های تازه و خشکبار	۲۱٫۴	۱۱٫۸
پوست و چرم و مصنوعات آن	۱۱٫۹	۶٫۵
گلخانه های کانی فلزی	۷-	۳٫۹
خاویار	۴٫۱	۲٫۳
کتیرا	۳٫۵	۱٫۹
پشم و کرک و مو	۳٫۲	۱٫۸
زیره ی سیاه و زیره ی سبز	۳٫۰	۱٫۶
روده	۲٫۰	۱٫۱
انواع نخله	۱٫۷	۰٫۹
دانه ی گیاههای دارویی صنعتی	۱٫۴	۰٫۸
سیمان	۰٫۸	۰٫۴
سایر کالاهای	۳۴٫۳	۱۸٫۹
جمع	۱۸۱٫۸	۱۰۰٫۰

درآینده ی نزدیک گاز یکی از بزرگترین اقلام صادراتی ایران را تشکیل خواهد داد و میزان آن به ۶۶ میلیون دلار در سال بالغ خواهد شد.

در توزیع جغرافیایی صادرات ایران تغییرات معینی پدید آمده است. علاوه بر اتحاد شوروی که مقام اول را در صادرات ایران دارد کشورهای دیگری از اردوگاه سوسیالیستی نیز مقام قابل ملاحظه ای در صادرات ایران بدست آورده اند. در جدول زیر فهرست ده کشوری که در سال ۱۳۴۶ به ترتیب مقام اول تا دهم را در صادرات ایران داشتند، آورده میشود.

توزیع جغرافیایی صادرات ایران در سال ۱۳۴۶

کشورها	میلیون دلار	%
۱ اتحاد شوروی	۳۰٫۰	۱۶٫۶
۲ آلمان فدرال	۲۷٫۴	۱۵٫۱
۳ ایالات متحده ی آمریکا	۱۰٫۶	۱۱٫۴
۴ انگلستان	۹٫۷	۵٫۳
۵ چکسلواکی	۷٫۳	۴٫۰
۶ لهستان	۵٫۵	۳٫۰
۷ رومانی	۴٫۴	۲٫۴
۸ فرانسه	۴٫۲	۲٫۳
۹ ژاپن	۳٫۶	۱٫۹
۱۰ ایتالیا	۳٫۴	۱٫۸
۱۱ سایر کشورها	۶۵٫۷	۳۶٫۲
جمع	۱۸۱٫۸	۱۰۰٫۰

در سال ۱۳۴۶ - ۲۷٫۹ درصد صادرات ایران به کشورهای سوسیالیستی انجام گرفت، ۲۲ درصد به کشورهای عضو بازار مشترک و ۱٫۴ درصد به ایالات متحده ی آمریکا.

در ترکیب کالاهای وارداتی ایران تغییرات محسوسه ی بوجود آمده است. در اثر تحرکی که در اقتصاد بویژه در رشد صنایع کشور پدید آمده از سهم کالاهای مصرفی کاسته میشود و به سهم کالاهای واسطه و کالاهای سرمایه ای افزیده میگردد. چنانکه در سال ۱۳۴۶ کالاهای مصرفی ۱۲٫۶ درصد کل واردات ایران را تشکیل میدادند و سهم کالاهای واسطه و کالاهای سرمایه ای به ترتیب ۵۹٫۷ و ۲۷٫۷ درصد بود. این گرایش در آینده نیز حفظ خواهد شد. باید خاطر نشان ساخت که قسمت اعظم کالاهای

واسطه و کالاهای سرمایه ای برای تولید وسایل مصرف است و بسیاری از کالاهای مصرفی مانند اتومبیل سواری، یخچال و رادیو تلویزیون و غیره که در گذشته بصورت ساخته و آماده وارد کشور میشد، اکنون بصورت قطعات منفصله تحت عنوان کالاهای واسطه و کالاهای سرمایه ای وارد کشور میگردد.

در توزیع جغرافیایی واردات ایران تغییر محسوسی حاصل نشده است. واردات ایران از کشورهای مختلف در سال ۱۳۴۶ گواه بر اینست.

توزیع جغرافیایی واردات ایران در سال ۱۳۴۶

کشورها	میلیون دلار	%
۱ آلمان فدرال	۲۷۵۰۳	۲۳٫۲
۲ ایالات متحده ای آمریکا	۲۱۲٫۴	۱۷٫۹
۳ انگلستان	۱۳۹٫۴	۱۱٫۷
۴ ژاپن	۹۱٫۷	۷٫۷
۵ فرانسه	۶۵٫۰	۵٫۴
۶ ایتالیا	۶۰٫۱	۵٫۱
۷ هلند	۴۸٫۳	۴٫۰
۸ شوروی	۳۳٫۳	۲٫۸
۹ هندوستان	۲۲٫۶	۱٫۸
۱۰ بلژیک	۱۹٫۸	۱٫۶
۱۱ سایر کشورها	۲۲۲٫۴	۱۸٫۸
جمع	۱۱۹۰٫۳	۱۰۰٫۰

بطوریکه از رتبه اول برمیآید عددترین کشورهای آمریکایی بیش از ۷۰ درصد بازاری وارداتی ایران را در دست دارند. کشورهای عضو بازار مشترک ۳۹ درصد، ایالات متحده ای آمریکا ۱۷٫۹ درصد، انگلستان ۱۱٫۷ درصد واردات ایران را بخود تخصیص داده اند. سهم کشورهای سوسیالیستی در واردات ایران فقط ۶٫۳ درصد است که حتی کسری از سهم ژاپن بنشانی است (۷٫۷ درصد).

بازرگانی خارجی مستقیم ایران (بدون نفت) متعادل نیست. در سال ۱۳۴۶ واردات ایران ۶٫۵ برابر صادرات آن بود. واردات ایران از کشورهای بازار مشترک تقریباً ۱۲ برابر صادراتش باین کشورها بود، امریکاد ۵٫۵ برابر بیش از واردات خود از ایران، باین کشور کالاهای صادر میکند (باآنکه صادرات ایران باین کشور بسیار جزئی است و از این لحاظ بهانه ای مثلاً مانند ژاپن در دست ندارد)، صادرات انگلستان بایران ۱۴ برابر و ژاپن تقریباً ۳۰ برابر واردات این کشورها از ایران است.

ایران صادرات کننده ای مواد خام کشاورزی و نفت است و واردکننده محصولات صنعتی. تغییر قیمت این کالاها در بازار جهانی بزمان کالا-های صادراتی ایران هر ساله زبان فراوانی به اقتصاد کشور وارد میسازد.

فقط در سالهای اخیر در نتیجه توسعه روابط اقتصادی و بازرگانی ایران با کشورهای سوسیالیستی امکانات معینی برای صدور محصولات صنعتی ایران بوجود آمده است که در صورت توسعه این روابط امکانات بازرگانی بیشتری برای کشور ما فراهم خواهد آمد.

دولت ایران بزرگترین واردکننده ای کالا در کشور است و در سالهای اخیر وزن واردات آن بشدت افزایش یافته است. در سال ۱۳۳۹ از ۵۰۴٫۷ میلیون دلار ارزی که برای وارد کردن کالا و خدمات ب فروش رسید، ۸۶ میلیون دلار یاد رحدود ۱۷ درصد آن سهم دولت بود. در سال ۱۳۴۶ سهم دولت از این باب به ۴۰ درصد افزایش یافت و سهم بخش خصوصی متقابلاً از ۸۳ درصد به ۶۰ درصد پائین آمد. سازمان برنامه بزرگترین موسسه ای واردکننده ای کالا و خدمات دولتی از خارج است. ولی در نتیجه تغییراتی که قرار است در وظایف این سازمان داده شود و کارهای اجرائی برنامه ها بسایر سازمانهای دولتی محسول گردد، سازمان برنامه این نقش خود را از دست خواهد داد.

بوده و دولتی

بوده که ی دولت شامل بخش عظیمی از تولید ملی ایرانست و سال به سال بوزن ان افزوده میشود چنانکه
 بود که ی عمومی و عمرانی کشور در سال ۱۳۴۲ برابر ۱۸٫۲ درصد تولید ناخالص ملی بود و در سال ۱۳۴۱ به
 ۲۵٫۰ درصد ان رسید و در سالهای بعد افزایش بازهم بیشتری یافته است *
 درآمد بود که ی کشور (همه جا بود که ی عمرانی و عمومی مورد نظر است) از منابع مختلف تأمین میشود *
 این منابع در جدول زیر منعکس شده است *

ترکیب درآمد های بود که ی عمومی و عمرانی کشور

	۱۳۴۹		۱۳۴۲*		۱۳۴۱*		
	میلیارد ریال	%	میلیارد ریال	%	میلیارد ریال	%	
مالیاتهای مستقیم	۲۵٫۳	۹٫۸	۱۰٫۷	۷٫۷	۵٫۹	۸٫۸	
مالیاتهای غیرمستقیم	۴۹٫۱	۱۹٫۱	۲۹٫۶	۲۱٫۳	۱۵٫۵	۲۳٫۲	
نفت	۹۴٫۷	۳۶٫۸	۵۴٫۰	۳۸٫۹	۲۷٫۷	۴۱٫۴	
وامهای داخلی	۳۹٫۷	۱۵٫۵	۲۱٫۰	۱۵٫۱	۵٫۱	۷٫۶	
وامهای خارجی	۳۳٫۴	۱۲٫۸	۷٫۳	۵٫۳	۱٫۱	۱٫۶	
سایر منابع	۱۵٫۵	۶٫۰	۱۳٫۴	۹٫۷	۱۱٫۶	۱۷٫۴	
جمع	۲۵۷٫۷	۱۰۰٫۰	۱۳۸٫۸	۱۰۰٫۰	۶۶٫۹	۱۰۰٫۰	

* بردهم عمل شده

نفت عمده ترین منبع درآمد دولت است و در سال ۱۳۴۹ تقریباً ۳۷ درصد درآمد بود که ی کشور را تشکیل خواهد داد * از ارقام جدول
 فوق چنین برمی آید که سهم نفت در تأمین درآمد دولت نسبت به سال ۱۳۴۲ کاهش نسبی یافته است (در سال ۱۳۴۲ برابر ۴۸٫۸ درصد و در سال ۱۳۴۹
 ۳۶٫۸ درصد) ولی این فقط ظاهر مسئله است ، زیرا کاهش نسبی سهم نفت معلول افزایش فوق العاده ی وامهای دولتی و بی بهره وامهای
 خارجی دولت است * بطوریکه ارقام جدول نشان میدهد ، وامهای خارجی در سال ۱۳۴۲ فقط ۱٫۶ درصد درآمد های دولت را تأمین میکردند
 و این رقم در سال ۱۳۴۱ به ۷٫۳ درصد و در سال ۱۳۴۹ به ۱۲٫۸ درصد افزایش یافت * اگر در سال ۱۳۴۲ نفت و وامهای خارجی — د و
 عامل وابستگی اقتصاد دولت به انحصارهای خارجی — ۴۳ درصد درآمد های دولت را تأمین میکردند ، در سال ۱۳۴۱ یعنی در پایان برنامه ی
 سوم آری ۴۱٫۶ درصد و در سال ۱۳۴۹ در حدود ۵۰ درصد درآمد های دولت از این دو منبع تأمین میشد *

مالیاتهای غیرمستقیم دومین منبع عمده ی تأمین درآمد های دولت است و کاهش نسبی آن نیز مانند کاهش وزن مخصوص درآمد نفت ،
 معلول افزایش سهم وامهای خارجی و داخلی در درآمد دولت است * مالیاتهای غیرمستقیم نه تنها با سرعتی بیش از مجموعه ی درآمدهای دولت ،

بلکه با سرعتی بیش از تولید ملی افزایش یافته است. آهنگ افزایش سالانه ی مالیاتهای غیرمستقیم، درآمد های دولت و تولید ناخالص ملی طی برنامه ی سوم به ترتیب از این قرار بود (بقیمت های جاری): ۱۸٫۴، ۱۴٫۶ و ۹٫۶ درصد. افزایش مالیاتهای غیرمستقیم تقریباً دو بار سریعتر از تولید ملی است. و این بمعنای فشار روز افزون بودجه ی دولتی بر دوش زحمتکشانش است. اگرچه تا حد ودی به سهم مالیاتهای مستقیم در بودجه دولت افزودن شده است، ولی هنوز هیچگونه تناسبی با مالیاتهای غیرمستقیم ندارد و میزان آن در سال ۱۳۴۹ تقریباً ۵۰٪ مالیاتهای غیرمستقیم پیش بینی شده است. علاوه بر اینها بیش از ۳۰ درصد مالیاتهای مستقیم از حقوق و دستمزد زحمتکشانش دریافت میشود.

برخی اقلام عمده ی هزینه های بودجه ی عمومی و عمرانی کشور در جدول زیر منعکس است

۱۳۴۹		۱۳۴۶*		۱۳۴۲*		
%	میلیارد ریال	%	میلیارد ریال	%	میلیارد ریال	
۱۰۰٫۰	۲۵۷٫۷	۱۰۰٫۰	۱۳۸٫۸	۱۰۰٫۰	۶۶٫۹	کل هزینه مستمر
۴۳٫۸	۱۱۳٫۰	۴۵٫۰	۶۲٫۵	۲۷٫۸	۱۸٫۶	از جمله: هزینه های عمرانی و عمرانی
۵۶٫۲	۱۴۴٫۷	۵۵٫۰	۷۶٫۳	۷۲٫۲	۴۸٫۳	هزینه های جاری
						از جمله: وزارت جنگ، ژاندارمری و شهرداری
۲۶٫۷	۶۹٫۱	۲۶٫۷	۳۷٫۱	۲۵٫۱	۱۶٫۸	فرهنگ و بهداشت
۱۴٫۰	۳۶٫۲	۱۲٫۰	۱۶٫۷	۱۴٫۶	۹٫۸	

* برده شده

هزینه های عمرانی دولت سریعتر از هزینه های جاری آن افزایش می یابد. چنانکه وزن مخصوص این هزینه ها از ۲۷٫۸ درصد در سال ۱۳۴۲ به ۴۳٫۸ درصد در سال ۱۳۴۹ بالا رفت. این افزایش معلول صرفه جویی دولت در هزینه های ژاندارمری است، بلکه تماماً بحساب افزایش میزان وامهای داخلی و خارجی انجام گرفته است. وزن مخصوص این وامها در همین مدت از ۹٫۲ درصد به ۲۸٫۳ درصد افزایش یافته است. مقایسه ی بودجه های نظامی و دستگاههای فشار و اختناق نیز با بودجه ی فرهنگ و بهداشت شایان توجه است. در حالیکه وزن مخصوص بودجه های وزارت جنگ و ژاندارمری و شهرداری از ۲۵٫۱ درصد هزینه های در سال ۱۳۴۲ به ۲۶٫۷ درصد آن در سال ۱۳۴۹ بالا رفته است. سهم فرهنگ و بهداشت در همین مدت از ۱۴٫۶ درصد به ۱۴ درصد کاهش یافته است. با آنکه بودجه ی کشور در سالهای اخیر ظاهر متعادل است، ولی این "تعادل" بحساب وامهای داخلی و خارجی تأمین میشود. طی برنامه ی سوم علاوه بر ۱۵ درصد هزینه های دولت از طریق وامهای داخلی و خارجی تأمین شد و در سال جاری بیش از ۲۸ درصد آن از همین راه تأمین خواهد شد.

بودجه ی دولت نه از لحاظ منابع درآمد و نه از لحاظ موارد مصرف بهیچوجه منعکس کننده ی منافع و مصالح مردم ایران نیست، بلکه وسیله ی احاطه آزاد ی، تشدید استثمار و یکی از وسایل تشدید وابستگی کشور به انحصارات خارجی است.

* * *

ایران سرزمینی است غنی که مردمی فقیر در آن زندگی میکنند. نظام اجتماعی حاکم در ایران، رژیم سیاسی مسلط بر آن، منافع اقتصادی انحصارات خارجی و مصالح سیاسی امپریالیسم جهانی مانع بهره برداری از این ثروت عظیم برای تأمین رفاه و پیشروزی مردم ایرانست. از نتایج تحرک نسبی سالهای اخیر دستگاههای اعمال قهر رژیم و قشر معدودی از ثروتمندان بهره میبرند و فقط سهم ناچیزی از آن به بهای کار طاقت فرسا و استثمار شدید و از دست دادن آزادی نصیب زحمتکشانشان میگردد. باید مالیاتهای غیرمستقیم را طی برنامه ی سوم از ۱۵۰ میلیارد ریال به ۲۹۶ میلیارد ریال بالا برد تا بتوان میزان هزینه های نظامی رژیم را از ۱۶۸ میلیارد ریال به ۳۷۱ میلیارد ریال افزایش داد. میزان مصرف روستائینان را باید از ۳۱ درصد تولید ملی به ۲۷ درصد آن تنزل داد و برای بالا بردن سطح ناچیز مصرف مردم به آهنگ قلیل ۳ درصد در سال اکتفا نمود تا بتوان آهنگ سرمایه گذاریها را به بیش از ۱۷ درصد در سال بالا برد. صنایع ایران سالانه ۱۱ درصد رشد می یابد ولی سرمایه داران بزرگ برای فروش کالاهای خود در داخل کشور بازار پدیدست نمی آورند و در فکر بازاریابی در خارج از مرزهای کشور هستند. تولید برای کیفیت و برای چیست ؟

وابستگی اقتصادی و مالی ناهنجاری تولید و اقتصاد کشور باید نیال در ارد و این ناهنجاری بشدت وابستگی میافزاید. زمانی امپریالیسم از صنعتی شدن و پیشرفت اقتصادی ایران جلوگیری کرد تا کشور ما را بازار فروش کالاهای خود و عرصه ی غارت نفت ماکرند و اکنون رژیم حاکم بر ایران برای صنعتی کردن کشور و پیشرفت اقتصادی بدامن همان امپریالیسم می آویزد و برای تبدیل ایران به بازار صد و سرمایه و غارت بیشتر نفت و حراج تمام منابع طبیعی ما خود بجان زدن میبرد از دست مردم ایران تشنه ی پیشرفت مستقل، دموکراتیک و سریع بسود اکثریت مطلق زحمتکشانشان کشور خود هستند. و ایران پرا ی چنین پیشرفتی از تمام امکانات طبیعی و انسانی و مالی بحد کافی برخوردار است. فقط رژیم کنونی و امپریالیسم جهانی سد راه تحقق آرمانهای واقعا ملی و دموکراتیک مردم ایران هستند.

مسعود

سرهنك من چه گفتم ؟ فرموده اید تیمسار
 با انضباط کامل با احتیاط بمیسار
 فردا هجوم آرند لشکر بیه حزیب تود ه
 از چار سمت ببنند این عده را برگیسار
 تا قطع و قمع گردد جمال و پرتغالی
 ثابت شود که ارتش دارد مقام عالی
 سرهنك ، يك مسلسل در بارگه مجلس
 آتش دهد چپ و راست بر چار راه مجلس
 با توپ و تانك ببندید این راه را بمادا
 زحمتكشان در آیند اندر پناه مجلس
 ماكرده ایم از اول این خانه را قبایسه
 آسان نمیتوان داد بر صاحبش احواله
 سرهنك ، بله قربان ، ما بیم نسل د ا را
 افتاده در خطر سخت هم کارخانه هم ده
 باید بفتح اشراق خوا باند این صصدا را
 تا زیدال گردد سرسینه ها مزین
 محفوظ ماند ایران یعنی مناقع من
 با انقلاب اکتبر ما را چکار ، سرهنك
 سمش پاشی است اینکار در این دربار ، سرهنك
 عاقل نشسته بر شاخ هرگز نمیبرد بسن
 باید کشید از اینها محکم مهسار ، سرهنك
 او باید ار گردد ما پای دار گردیم
 او استوار گردد ما تار و مار گردیم
 سرهنك ، اگر کردم سرباز با گمروهبان
 این زادن فعله این بچه های دهقان
 آنهاکه غیر ما یند از استوار و افسر
 باتوده هرکه آمیخت فی الفور تیسر با ران
 فرماندهان قسمت باید نجیب زاده
 فرمانبران قسمت بایست بی اراد
 سرباز فعله زاده گردد اگر خبردار
 کز جان و مالیاتش مسا را بود نگهدار
 شلیك کی نماید امثال خوبشتمن را
 پیوند خود بچوید با یسار خود شود یار
 فی القور با عقب گردد ما راه هدف نماید
 این گرگ زاده آخر با گرگ همزه آید
 ای حاکم نظامی ، سرهنك نقش حماس
 کن سو* استفاده از این مقام و این نام
 تابلو بدزد از حزب ، یال ودمی بجنبان
 روز قیام توده دست فند چسود ر دام
 چون احمدی بگوئی ما مور بود و معذور
 جلاد هم بگوید معذور دار ما مور

ما

را

چکار

سرهنك

دهقان ایرانی

من که بینی بچوانی شده ام
موسسیدی که رش خم گشته ،
هستم از بزرگان و طانت
عرصه ی جور د ماد م گشته

چاره ی جله ی مردم ازماست
لیک خود خون جگر و بیچاره ،
کلیه از خاک ولیکن ویران
جامه کرباس ، ولیکن پاره



مائیانشها بسرا از من نیست
گوسفندان بچرا از من نیست
چارایان بسحرارفته ،
باهیاهییوی دراز من نیست

مالك از خون دل گلرنگم
خانه راساحت گلشن کرده ،
خرشم را ببرد هرنانگس
جز من دانه بخرم کرده

میکشم بهرتشاط دگران
آنقدر رنج که مد هوش شوم ،
لیک چون نویت پاداش رسد
من آزرد ه فراموش شوم*



اصلاحات ارضی رژیم

آمار مربوط به عملکرد قوانین و مقررات اصلاحات ارضی

۱- اراضی غیرمشمول

- دهاتی که دارای زراعت کانیزه هستند
- دهاتی که باغستان تشخیص شده اند
- دهاتی که در محدوده شهرها قرار دارند
- دهاتی که بابت تشخیص داده شده اند
- مالکینی که شخصا زراعت میکنند

قریه ۶۷۴۲
نفر ۷۷۹۰

۲- اراضی مشمول مرحله ی اول (آغاز ۱۹۰۱ تا ۱۳۴۰)

دهات خرید آری شده (مشمول ، داوطلب ، خالصه ، بنیاد پهلوی	۱۵۸۳۴ قریه و ۸۰۱ مزرعه
تعداد خانوار زارع مشمول	۷۳۵٫۷۰۹ خانوار خریدار
تعداد عائله ی زارعین مشمول	۳٫۵۹۰٫۸۳۸ نفر
بهبای املاک خرید آری شده که باید به مالکین پرداخت شود	۹٫۷۷۱٫۹۵۴ ریال
پرداختی وزارت اصلاحات ارضی بابت قسط اول به مالکین	۱۲۳٫۰۴۹ ریال
خرید آری شالیزارهای گیلان و مازندران مازاد بر حد نصاب سی هکتار	۱۶٫۷۶۵ هکتار

۳- اراضی مشمول مرحله ی دوم (آغاز ۱۲۲۳ تا ۱۳۴۳)

پایان یافته در ۵۴٫۲۷۹ قریه و ۱۹٫۹۱ مزرعه ، در شرف اتمام در ۴۵٫۱ قریه و ۱۹۷ مزرعه .

شق اجاره :

املاک موقوفه ی عام	۹٫۸۲ قریه (حدود ۲ هزار تولیت) ۹۹ ساله به	۱۳۱٫۱۰۵	زارع مستاجر
املاک موقوفه ی خاص	۹۸۵ قریه (حدود ۲ هزار تولیت) سی ساله به	۲۲٫۸۸۱	زارع مستاجر
عده ی مالکینی که اجاره داده اند	۲۱۰٫۱۷ نفر	۱۵۱٫۰۷۱	زارع مستاجر

شق فروش :

مالکینی که بتراضی ملك خود رافروخته اند	۳٫۷۹ نفر به	۵۶٫۲۰۵	زارع خریدار
مالکینی که حق ریشه ی زارع را خریدند	۷٫۸۲۱ نفر از زارعینی که نسق خود رافروختند	۱۶٫۸۷۵	زارع فروشنده

شق تقسیم :

به نسبت بهره ی مالکانه بین	۱۷٫۶۸۲ مالك و	۱۵۴٫۳۹۵	زارع
----------------------------	---------------	---------	------

واحد سهامی زراعی :

به نسبت عوامل سابق زراعی و بر اساس هزاره تشکیل شده در ۵٫۶۰۳ قریه
تعداد سهامداران (زارع و مالك) ۱۷۴٫۶۲۹ نفر

توضیحات درباره‌ی آمار عملکرد اصلاحات ارضی

ارقام مستخرجه از گزارش وزارت اصلاحات ارضی بمناسبت هشتمین سال اصلاحات ارضی ۱۸ دی و ۲۱ دی ۱۳۴۸ - مصاحبه‌ی وی با روزنامه‌ند ایران نوین ، ۲۷ آذر ۱۳۴۸

در این آمار ، ارقام مربوط به مقدار زمین مشمول هر شق یا میزان اراضی هر گروه دهقانی بطور متعلق یا نسبی و حتی عددی دهات هر شق به هیچوجه معلوم نیست .

وسعت اراضی مالکینی که اراضی خود را مکانیزه معرفی کرد ، یا باغ قلم داد ، یا در محدوده‌ی شهر قلمداد کرد ، یا اسم بایر بر آن گذاشته یا زراعت شخصی نامیده اند و همچنین وسعت اراضی مالکینی که حنی ریشه‌ی زارع را خرید و دهقانان را بجزد و ریدل کرده اند و وسعت اراضی که در شق تقسیم به نسبت بهره‌ی مالکانه سابق ، سهم مالک شده معلوم نیست . در حالیکه برای ارزیابی درست دامنه و عقب اقداسات رژیم ، حتی از همان جنبه‌ی تحدید مالکیت های بزرگ ، و نسبت اراضی دهقانان صاحب زمین شده این ارقام ناگزیر لازم است .

در باره اراضی مکانیزه و باغ جداگانه توضیحاتی داد و ایم . مقدار اراضی واقع در محدوده‌ی شهرها ، یعنی مرغیترین املاک از نظر قیمت محصول و بازار فروشش معلوم نیست . اینگونه اراضی طبق ماده‌ی ۴۳ آئین نامه مصوب ۲ مرداد ۱۳۴۳ از شمول قانون معاف شد و اند . اعلامیه وزارت اصلاحات ارضی ۲۷ خرداد ۱۳۴۸ این معافیت را تأیید و تسجیل کرد .

در رقم دهات خریداری شده در مرحله‌ی اول نه فقط وسعت اراضی معلوم نیست بلکه رقم داد و شده اعم از ششده انگ و کمتر از ششده انگ است و گویای دامنه و اهمیت و نسبت دهات خریداری شده در مجموع دهات نیست .

فهرین آفرز : * از آنجاکه اکثر دهات مشمول قانون ششده انگ نیست تعد ادکل دهاتی را که بد دهقانان فروخته شد ، میتوان تقریباً بالغه بر پنجهزار ده کامل و یا بعبارت دیگر ۱۰٪ تعد ادکل دهات ایران دانست . * (نقل از باختر امروز شماره ۳ رار ۱۳۴۵)

چند مثال تفکیکی بین دهات ششده انگ و کمتر از آن از چند منطقه برای نمونه و نسبت آنها :

نام منطقه	جمع قرا* خریداری شد* مرحله‌ی اول	ششده انگ	کمتر از ششده انگ
شهرستان زنجان	۱۰۲۱	۵۹۵	۴۲۶
استان تهران	۱۰۰۶	۲۳۹	۷۱۷
استان آذربایجان شرقی	۱۲۹۲	۴۴۹	۸۴۳

بجز راههای قانونی* فرار از قانون که در این آمار منعکس است ، کلاههای شرعی و عرفی مالکان و همچنین نتایج تحول بعدی در

اینجاد ید ه میشود.

* نقل وانتقال املاک بفرزند ان و خوشایند ان ، ارائه وقف نامه های نوظهور، تظاهر به مکانیزه کردن اراضی و غیره کلاماً مانور هائیکست در جهت متوقف ساختن قانون.*
* ۰۰۰ در رساله های بعد تعدادی از دهقانان مواضع مادی خود را تسلیم رباخواران شهری و استثمارگران ده نمود و مجدداً بصورت کارگر مهاجر درآمدند.* (مجله ی ثروت ملل ، اول آذر ۱۳۴۶)

درباره ی اراضی مکانیزه

— کلیه ی اراضی که در تاریخ تصویب قانون اصلاحی (دیماه ۱۳۴۰) از طریق زراعت مکانیزه بوسیله ی کارگر کشاورزی مورد بهره برداری واقع شده باشد از شمول قوانین مقررات اصلاحات ارضی خارج بود و در این زمینه علاوه برآنکه تکلیف تازه ای برای این قبیل مالکان ارضی تعیین نخواهد کرد ، دولت نیز با استقاده از امکانات خود تسهیلات لازم را برای بهره برداری بیشتر این قبیل مالکین فراهم مینماید.* (ولیان وزیر اصلاحات ارضی — اطلاعات ۲۸ آبان ۱۳۴۷)

— * دادن اطمینان خاطر بصاحبان باغات و اراضی مزروعی مکانیزه نسبت بآینده و حمایت هائی که از ایشان با شرط ادامه ی اسلوبهای فنی و زراعت بعمل خواهد آمد ، از اقداماتی است که در راه تحقق هدفهای اصلاحات در حال اجراست و البته میباید درآینده هر چه بیشتر و بهتر عملی گردد.* (شاه — پیام بناسبت هفتمین سال اصلاحات ارضی)

— ماده ی ۲ از قطعنامه ی کنفرانس اطافهای بازرگانی منعقد ه در تبریز ؛ "بخش خصوصی آمادگی خود را برای سرمایه گذاری در رشته های کشاورزی مکانیزه در طول مدت برنامه ی چهارم اعلام میدارد.*" (تهران اکونومیست ، ۱۸ شهریور ۱۳۴۶)

— از ۶ میلیون هکتار اراضی زیرکشت فقط یکصد هزار هکتار آن مکانیزه است . اما مساحت اراضی که در کشور با تراکتور شخم میشود بین ۲ تا ۳ میلیون هکتار است.* (مجله ی تلاش ، شماره ۱۳ آذر ۱۳۴۷)

— گزارش ینگاه دولتی ماشینهای کشاورزی ایران ؛ مقدار شخم سالیانه توسط ماشینهای کشاورزی در حدود ۲ میلیون هکتار ، هر تراکتور بطور متوسط ۲۰۰ هکتار در سال ۰۰۰.* (مجله ی فردوسی ۱۲ فروردین ۱۳۴۸)

— پروفیسور دنس انگلیسی در سمینار تحقیقات روستائی ؛ مالکین زیرک تشویق شده اند تا منابع خود را در مزارع مکانیزه بکارند ازند.* (آگهی دولتی ، مجله ی سپید و سیاه ، ۲۵ آذر ۱۳۴۸)

— سناتور جفودی در جلسه ی سنا ؛ یکی از راههای منطقی اقتصادی اصلاحات ارضی ، مستثنی کردن واحدهای مکانیزه و بساغات

بود* (سحر، ۱۴ بهمن ماه ۱۳۴۷)

— از موقعی که قانون اصلاحات ارضی و زراعت مکانیزه اعلام گردیده، بر میزان ماشین آلات افزوده گردیده* (تهران اکونومیست، ۷ بهمن ماه ۱۳۴۷)

— پیشرفت کشاورزی ماشینی بویژه بعد از انقلاب شاه و مردم و ایجاد مزارع بزرگ و ماشینی شدن امور کشاورزی در گوشه و کنسار کشور* (مجله کارگران، ۴ دیماه ۱۳۴۸)

— مالکان بزرگ با سو* استفاد و از مادی مربوط به معافیت اراضی مکانیزه توانستند با خرید يك تراکتور زمینهای پهنای را از شعول قانون خارج کرده و برای خود نگاه دارند* (ماهنامه ی مردم، اسفند ۱۳۴۷)

در باره ی باغات

— کلیه ی باغات میوه و باغات چای و قلمستانهاکه عرصه و اعیانی آنهاکلا متعلق به مالک باشد باحقیقهی معموله کماکان در ید مالکین مربوطه باقی خواهد ماند و نه تنهاتخییری در وضع آنان ایجاد نخواهد شد، بلکه در آیند که کمبهای نیز باین دسته میشود* (ولیان، وزیر اصلاحات ارضی، اطلاعات ۲۸ آبان ۱۳۴۷)

— در کرانه های بحر خزر نهضت تازه ای در زمینه باغ سازی بوجود آمد و است* هم اکنون در سرتاسر شمال باغهای تازه ای ساخته میشوند که صاحبان آنها اکثرا تهرانی میباشند و جالب است که اکثر کسانی که میخواهند بکار باغد اری بپردازند از رجال قدیمی یا افسران بازنشسته هستند* (سپید و سیاه، ۲۶ تیرماه ۱۳۴۷)

د و نمونه از اراضی باغ معرفی شده و خارج از شعول قانون که در اواسط اردیبهشت ۱۳۴۸ بفروش رفته :

— در شهر یارمزرعه ای با مساحت یک هزار هکتار، درختان و باغ انگور و سه رشته قنات و ۱۵ سنگ آب و تراکتور و ۳۰۰ گوسفند — مربعی ۲۵ ریال،

— در دهکده ی جلیل آباد ورامین باغ سه هزار متر مربع باحقیقه از رودخانه — ۹۰۰ هزار ریال (تهران اکونومیست ۸ اردیبهشت ۱۳۴۸)

— در یکی دو سال گذشته که باغ پسته مشمول قانون اصلاحات ارضی نشد در زمینها را دیوار کشیدند و درخت پسته کاشتند (در رفسنجان) * اینست که تعداد باغها دام بیشتر میشود و تعداد درختان که حالا سربه چند ملیون میزند بالاتر میرود* (کیهان

۲۰ خرداد ۱۳۴۸)

— در گزارش رسمی وزارت اصلاحات ارضی مهرماه ۱۳۴۴ هنگامیکه فقط مرحله ی دوم در ۳۶ هزارده اجرا شده بود تعداد دهاتی که کلا باغ تشخیص داده شده و از شمول قانون خارج گردیدند ۷۸۹ قریه ذکرگردیده است. در همین گزارش تعداد قسرا* شده انگلی که دارای زراعت مکانیزه تشخیص داده شده و معاف شدند ۱۲۸۲ ذکرشده است (تامهرماه ۱۳۴۴).

آیندگان * در روستاجان خداوندان زمین حيله ای بکاربرده اند و آن اینکه هنگام اجرای قانون اصلاحات ارضی ناآنچکه مقدور بود زمینهای زراعی را به باغ پسته تبدیل کردند و از تقسیم زمین بین زارعین جلوگیری کردند. طبیعی است که فریاد زارعین هم بجائی نرسید.* (نقل از خواندنیها، ۲۶ مهرماه ۱۳۴۷)

— "یکی از صاحبان باغ مرکبات، صد هکتار باغ پرتقال با آخرین اصول علمی در اردک هر سال فقط دهها هزار تومان خرج سم پاشی و کود آن میشود.* (سپید و سیاه، اول دیماه ۱۳۴۶)

درباره ی قانون فروش و تقسیم اراضی استیجاری به زارعین مستاجر

بازرسی دهقانان و ندادن اجاره بها یکی از علل عمده ی تصویب این قانون بود که خود از هنگام تسلیم به مجلس (۲۴ مهر ۱۳۴۷) تا تصویب آن (۲۴ دی ۱۳۴۷) تغییرات زیادی بخواست مالکان و بسود اینان یافت. علاوه بر یک سلسله طولانی تسهیلات و مزایا و تضمین ها که برای مالکان در نظر گرفته شده است (اطلاعات، کیهان، پیغام امروز ۲۵ مهر ۱۳۴۷، مواد الحاقی — روزنامه های عصر ۷ آبان ۱۳۴۷، مواد الحاقی دیگر روزنامه های عصر ۱۵ آبان) * لایحه که اول بشکل اجبار فروش کلیه ی اراضی استیجاری بد دهقانان مستاجر طبق نسق آنان بود، تغییر شکل ماهوی داد. این تغییر مهم و کیفی شکل مواد مربوط به تقسیم اراضی استیجاری بر اساس بهره ی مالکانه ی قبلی (نه واگذاری کلیه ی زمینها بد دهقانان) طبق خواست و باختیار مالک است (روزنامه های عصر آبان، روزنامه های صبح ۳۰ آبان ۱۳۴۷) * یعنی این اراضی بد لخواه مالک یا نسبت به بهره ی مالکانه تقسیم خواهد شد (مثل شق سوم مرحله ی اول) و یا به اقساط ۱۲ ساله فروخته میشود (مثل شق دوم) *

از بین مالکان اراضی استیجاری:

۲۳۲۸۸ مالک اظهارنامه برای فروش دادند در حال اراضی اینها با اقساط ۱۲ ساله فروخته میشود.
۸۰۵۲۱ مالک از نقدیم اظهارنامه خود داری کردند
۱۸۲۰۸۴ مالک تقاضای تقسیم به نسبت بهره ی مالکانه کرد و اند

(ندای ایران نوین، ۶ مرداد ماه ۱۳۴۸)

* قانون تکلیف ۲۶۳ هزار مالک (اجاره دهند و یاداری واحد سهامی) را روشن میکند.* (ولیان ۱۵ آبان ۱۳۴۷)

دهقانان شامل قانون عیارتند از:

دهقان مستاجر ارباب	۱۰۷۱۰۱۵۱
دهقان در واحد سهامی ارباب	۱۲۱۱۶۹۸
دهقان در موقوفات خاص	۲۲۸۸۸۶

این امر که چه اندازه اراضی اربابی و بعد استیجاری همچنان در دست مالکان باقی خواهد ماند بستگی دارد به عدّه ای که سانیکه راه تقسیم را برگزیده اند (یعنی ۱۸۱۲۰۸۴ مالک) و اینکه ملک هر یک چه اندازه وسیع بوده و با لآخره باینکه بهره ی مالکانه ی سابق بچه نسبتی باشد. بخصوص که در جریان اجرا طبق تبصره ی یک ماده ی اول قانون، زارعین مکلف به تبعیت از نظر مالک خواهند بود. یعنی مثل مرحله ی اول (فروش زیاد به پرداخت نصاب) مرغوبترین و حاصلخیزترین اراضی نزدیک جاده و دارای آب برای مالک میماند و قطعات در افتاده و سنگسلاخ ناهموار و بی آب برای دهقانان زحمتکش.

جمعیت عمومی از آمار عملکرد قوانین اصلاحات ارضی

دهقانانی که صاحب زمین شده یا خواهند شد (یامسای نسق سابق و یا کمتر از آن بر حسب بهره ی مالکانه ی سابق)

خانوار از مرحله ی اول	۷۳۵۷۰۹	(۱)
خانوار از شق فروش مرحله ی دوم	۵۶۲۰۵	(۲)
خانوار از شق تقسیم مرحله ی دوم	۱۵۴۳۹۵	(۳)
خانوار از قانون فروش و تقسیم اراضی استیجاری (اجاره مالکی - موقوفه خاص - واحد سهامی)	۱۳۰۵۷۱۵۵	(۴)

مسای نسق قبلی میخورد. گروه نسبت بهره ی مالکانه تقسیم شده. ۱۸۵۹۹۲ مالک بودند تنها قبلی خواهند خرید. بقیه گسه در از نسق سابق و به نسبت بهره ی

اراضی موقوفه ی عام *

موقوفه ی عام در جنب شرکتهای (۵۳)



تبصره: گروه اول و دوم همزارع سوم زمین کمتر از نسق قبلی است چون به از گروه چهارم که اجاره داران در املاک دهقانان ۱۰۳۹۰۹ مالک، مطابق نسق اراضی ۱۸۲۰۸۴ مالک زراعت میکردند کمتر مالکانه ی گذشته.

دهقانانی که اجاره دار باقی میمانند: ۱۲۱۶۹۸ خانوار - مستاجر ۹۹ ساله ی

تبصره: در مواردی که اراضی

سهامی زراعی باشد احتمالاً شرکت طبق قانون میتواند آن قطعه را تبدیل پل به احسن کند.

د هقانی که بدون زمین هستند :

حدود ۸۰۰۰۰ ر ۸۰۰ خانوار د هقانان بدون نسق ، خوش نشینها که هیچگونه نصیبی نبرده اند*
* در وضع د هقانی که بصورت مزد ورکار میگردند هیچگونه تغییری حاصل نمیشود* (ثروت ملل اول آذر ۱۳۴۶)

مالکینی که زمین ارباقی مانده و در روستاها اراضی وسیعتری دارند :

— صاحبان اراضی مکانیزه احتمالاً در حدود ۲۰۰ قریه
— صاحبان باغات و قلمستانها احتمالاً در حدود ۱۰۰ قریه
— صاحبان اراضی نزدیک شهرها

— مالکینی که حق ریشی زراعت را خریدند ۷۸۲۱ ر مالک (طبق شق فروش مرحله دوم)
— مالکینی که به نسبت بهره ی مالکانه ،

ملک برای خود نگاه داشته اند ۱۷۶۸۲ مالک (طبق شق تقسیم مرحله دوم)
— مالکینی که طبق قانون تقسیم اراضی

استیجاری برای خود ملک نگاه داشته اند ۱۸۲۰۸۴ مالک (راه تقسیم را در این قانون برگزیده اند)
— زمینداران جدید ، اغلب صاحب نفوذ و ثروت فراوان که کشاورزی و دامداری مدرن برشالوده ی سرمایه داری پراهمند اخته اند یا میبندند*
(در آمار رسمی همچنین یک رقم ۷۸۷۹۴۰ خانوار که شخصاً زراعت میکنند و بعد از آن از دهقان کم زمین ، ریزه مالک ، خسرده مالک و دیگران یافت میشود* مطالعه ی دقیق تر و جزئی تر این رقم بزرگ نیز برای درک جای طبقاتی هر یک از آن ضرور است*)^۱

تاریخچه ای از اصلاحات ارضی رژیم

قانون اصلاحات ارضی و تحدید مالکیت های بزرگ خصوصی زمین در ۱۶ اردیبهشت ماه ۱۳۳۹ تصویب شد .
حد تصاحب مالکیت برای هر شخص ۴۰۰ هکتار زمین آبی و یا ۸۰۰ هکتار زمین دیم بود . هر مالک میتواندست ظرف دو سال از تاریخ تصویب قانون یک برابری نیم این مقدار زمین را بپوراث قانونی خویش منتقل کند . هر مالک حق داشت هر مقدار از اراضی خود را که میل داشت بدیگران انتقال داده و در مقابل مبلغی بچنان عنوان بدولت بپردازد .

قانون اصلاحی قانون اصلاحات ارضی در ۱۹۰۱۰۱۹۰۱۳۴۹ تصویب شد .

حد تصاحب مالکیت برای هر شخص در تمام ایران یک ده شد . آنکه ، بقیه میبایستی از جانب دولت خریداری و با قسط بپسند . دهقانان صاحب نسق واگذاشته شود (مرحله ی اول اصلاحات ارضی) . ارزیابی بهای دهاات اضافی بر مبنای مالیات پرداختی

بود يك دهه برای خود نگاهد ارد. اما فشار سیاسی
 و فرزند ان مالکان رانیز مجاز بحفظ يك دهه برای
 از اجرای قانون محرز بود و باشد. اگر صورت
 شد يد ترمیید* (فورین آفرز - باخترا امر و ز ،



معین و اراضی معانی، میبایست یکی از شقوق ؛
 انتخاب شید (مرحله ی دوم اصلاحات ارضی) -

(اریایی و وقف خاص) و واحد سهامی زراعی

ملغی میشود و با اختیار مالک ، اراضی یا با قسط ۱۲ ساله - مساوی اجاره بهای سالیانه - بزارعین فروخته میشود و پایه نسبت بهره ی مالکانه ی
 سابق بین مالک و زارع تقسیم میشود*.

برنامه ی آینده یا مرحله ی سوم ؛

انقلاب کشاورزی از طریق ماشینی کردن و نوساختن سیستم کشاورزی (آیندگان ، ۶ بهمن ۱۳۴۸) یعنی استقرار شیوه ی تولید سرمایه
 داری در کشاورزی ویژه از در راه اساسی ؛

- شرکتهای کشت و صنعت - شکل خاص بهره کشی سرمایه داری آمیخته با سرمایه های خارجی ، وابسته به نواستعمار
 - شرکتهای سهامی زراعی - راه تبدیل تدریجی و طولانی اکثریت دهقانان عضو به افراد بدوین سهم و کارگر شرکت در خدمت اقلیتی
 صاحب سهم کافی و با بنیه ی قوی*.

* از این پس شکل حقوقی کشاورزی ایران فقط بد و صورت شرکتهای سهامی زراعی و شرکتهای کشت و صنعت خود نمایی خواهد کرد و هرگونه
 زراعی یا شکل دیگر از زمین خواهد رفت* (منصور روحانی وزیر آب و برق در مراسم آغاز کار نخستین واحد کشت و صنعت) (آیندگان ،

نقشه ی عددی رژیم در مورد کشاورزی رسوخ ، تقویت
 واستقرار مناسبات سرمایه داری در کشاورزی ایرانست

— روحانی وزیر آب و برق : * مسئله برای ماکه يك کشور در حال توسعه هستیم اولاً مربوط میشود به تبدیل سیستم از يك اقتصاد کشاورزی سنتی بیک اقتصاد کشاورزی پیشرفته ی تجارتی بر مبنای صنعت و مکانیزاسیون کامل و ثانیا مربوط است بوجود يك سیستم اقتصادی بازار آزاد * (از سمپوزیوم بازاریابی وزارت تولیدات کشاورزی — آیندگان ۲۷ آبان ۱۳۴۷)

— هوید انخست وزیر : * دولت بواحدهای کشاورزی مکانیزه در هر سطح و مساحتی که هستند مثل واحدهای کشاورزی در گران و دشت نهایت مساعدت و پشتیبانی را بعمل میآورد و خواهد آورد . از اقدامات ارزنده ی دولت در زمینه ی کشاورزی : اجرای برنامه ی احیای اراضی زبرسدها ، توسعه ی مناطق کشت ماشینی گرگان ، حمایت از کشاورزانی که کشت آنها مکانیزه است و تشکیل صندوق توسعه ی کشاورزی * (یعنی درست اقدامات در زمینه ی حمایت از سیستم سرمایه داری کشاورزی) . (همان سمپوزیوم — پامشاد ۲۸ آبان ۱۳۴۷)

— محمد رضاشاه پهلوی : * کشاورزی ایران باید مکانیزه شود . قطب های کشاورزی در جاهائی که زمین خوب هست و آب هست ایجاد شود و بهمان نسبت بلکه بیشتر باید به تعداد کارگران مملکت افزود . شون و از افرادی که در امور کشاورزی سرگرفتند کاسته شود * . (اراده ی آذربایجان ، ۱۵ اردیبهشت ۱۳۴۸)

— دکتر زاهدی رئیس وقت بانک کشاورزی (وزیر فعلی کشور) :
 * مسئله ی مهمی که در رساله های آیند ه برای کشور مطرح است تجدید شکل کشاورزی بصورت يك کشاورزی ماشینی و تجارتی است * . (در کنفرانس اطاقهای بازرگانی در تبریز — تهران اکتومبست ۱۸ شهریور ۱۳۴۶)

— دکتر زاهدی وزیر وقت کشاورزی (وزیر فعلی کشور) :
 * ... ایمان صاحبان سرمایه و بخش خصوصی به نتیجه ی انقلاب سفید شاهنشاه آیامهر در اجرای برنامه های اساسی کشاورزی و دامداری است * . (آیندگان ۱۷ فروردین ۱۳۴۸)

— پیغام امروز ، سرمقاله ی ۲ اردیبهشت ۱۳۴۳ :

* این تصویر که جامعه ی بی طبقات میتواند وجود داشته باشد خیال است و باطل * نزدیکترین طبقه ای که مسالمت آمیز میتواند جای طبقه ی برکنار شد ه — عنصر مالک بزرگ — را بگیرد طبقه ایست که با سرمایه

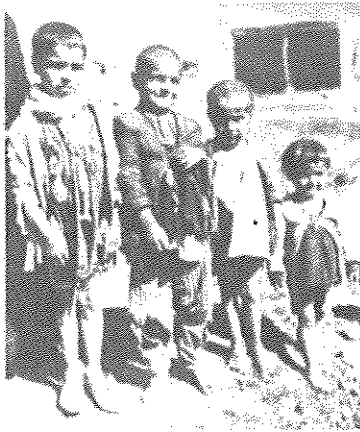
سرکار دارد *

— پیام امروز، سرمقاله ی ۲۵ مرداد ۱۳۴۵ :

* در اقتصاد دگرگون شده ی کشاورزی کشور جای بزرگی خالی است که سرمایه های خصوصی در این میدان وسیع فرصت فعالیت دارند. بیش از هر طبقه در کشور ما سرمایه های خصوصی و صاحبان سرمایه هستند که باید از تحولی که پدید آمده استقبال کنند *

— اطلاعات، سرمقاله ی ۲ مرداد ۱۳۴۷ :

* در رژیم نوین روستائی ایران که سیستم ارباب — رعیتی را منسوخ کرد و لاجرم بر روی اراضی زراعی د و طبقه بیشتری باقی نمیمانند و همکاری این دو طبقه صرفاً بر مبنای روابط کارگر و کارفرما امکان پذیر است و لاغیر



چند نمونه از شرکت های سهامی سرمایه داری که در سال ۱۳۴۸ برای سرمایه گذاری در امریکا توری و د امپوری و غیره داری و کانیزه کردن عملیات زراعی تشکیل شده است

نام شرکت	سرمایه بریال	تاریخ تشکیل	برخی ملاحظات
توباک سعدت تبرهان چچا بنیمه ی کرمان گلستان تولید مرکبات هورش مغان	۵۰۰۰۰۰ ۱۷۰۰۰۰۰ ۲۰۰۰۰۰۰ ۱۰۰۰۰۰۰ ۱۰۰۰۰۰۰ ۱۰۰۰۰۰۰ ۱۰۰۰۰۰۰ ۲۰۰۰۰۰۰	فروردین * * * * * * اردیبهشت خرداد	محل سرمایه گذاری در یکی از قبایع همدان دروگز تجاره باغ مرکبات و دانه های روغنی از این رقم ۹۰ میلیون ریال برای دوظیفی اراضی مشغول اندک د برلوچستان است و فقط ۵۰ هزار ریال نقد د روزگرتوجه : دانه های روغنی از سرمایه ۵۰۰۰۰۰۰ ریال جسی و غیرمغول است یعنی املاک اربابان سابق فعلی سرمایه گذار گزاران و دشت عرضی اساسی جولان زمین ازان موجب سرمایه است از سرمایه گذاران : کلاوس لوهمان و جیب دادفر شهریور * * شهر آذر * * گی
پیمان دشت مرغ اری ایران آلمان زراعی تربت جام پوشه زار دشت طوسی د هیان سیمغ کی کار	۱۰۰۰۰۰ ۴۰۰۰۰۰۰ ۳۰۰۰۰۰۰ ۱۰۰۰۰۰۰ ۲۰۰۰۰۰۰ ۱۰۰۰۰۰۰ ۱۰۰۰۰۰۰ ۲۰۰۰۰۰۰	* * * * * * * *	مدیر عامل : والا کبر شبرام پهلوی (پسرانوف) وی مانند میراد ران و سایر اقوام شاه شرکت های متعدد سرمایه داری در دست کرده و اراضی وسیع کانیزه یا کارگزاران روزی میرا ه انداخته از سرمایه ۵۰۰۰۰۰۰ ریال نقد ، ۵۰۰۰۰۰۰ ریال از سرمایه ۵۰۰۰۰۰۰ ریال نقد ، ۵۰۰۰۰۰۰ ریال نقد است در رابطه گروه هینه - گلشهر در ساوج لاغ کرخ متعلق برلتر بازنشسته حسن ارفع د اداری ، آموزش طیور
غذایی روزانه د شستان گنا وزنی د امپوری لارک حشم	۱۵۰۰۰۰۰ ۵۰۰۰۰۰۰ ۲۰۰۰۰۰۰ ۴۸۰۰۰۰۰	* * * استفاد	

شرکتهای کشت و صنعت

شکل خالص کشاورزی سرمایه داری، با کارگر کشاورزی و سرمایه ی کلان، آمیخته با سرمایه های خارجی یکی از دو شکل اصلی اجرای سیاست کشاورزی رژیم است*

از نظر فنی: ایجاد واحدهای بزرگ کشاورزی و صنایع وابسته بدان، در مرغوبترین و حاصلخیزترین اراضی وسیع، بویژه در اراضی زیرسردها دارای آب دائم و شبکه ی آبیاری و برق و جاده، بازار فروش تأمین شده، و مسائل مدرن کشت و برداشت و امکان تولید عمیق*

در آغاز تکنیکرتهای رژیم این قطب هارا بشکل مؤسسات دولتی با سرمایه ی اصولا دولتی در نظر میگرفتند:

— منصور روحانی وزیر آب و برق: تا آخر برنامه ی چهارم قریب سیصد هزار هکتار اراضی زراعتی و مخصوص اراضی زیرسردها را تحت قطبهای منطقه ای کشاورزی در میابیم بازراعت مدرن با سرمایه ی دولت و سیستم جدید کشت* (۲۴ مهر ۱۳۴۶)

— اطلاعات: بمنظور ایجاد قطبهای جدید کشاورزی، شرکتهای کشاورزی دولتی تأسیس میشود* (۱۶ مهر ۱۳۴۶)

ولی بتدریج صحبت از سرمایه ی افراد و بخش خصوصی ۰۰۰ داخلی و خارجی ۰۰۰ و بالاخره تنها خارجی*

— پیغام امروز: "۰۰۰ تشکیل شرکتهای کشت و صنعت با اصول بازرگانی با سرمایه ی دولت یا با سرمایه دولت و افراد ۰۰۰ و دادن اجازه ی بهره برداری از منابع آب و زمین زیرسردها با شرکتهای داخلی و خارجی ۰۰۰" (۹ آذر ۱۳۴۶)

— همان آقای روحانی وزیر آب و برق: برای ایجاد تأسیسات کشت و صنعت ۰۰۰ از سرمایه گذاری های خارجی و کارگران متخصص و کارشناسان خارجی استفاده خواهد شد* (تهران اکونومیست، ۹ آذر ۱۳۴۷)

ایرج وحیدی وزیر کشاورزی:

* واحدهای کشت و صنعت یعنی روش نوین کشاورزی عبارتست از سرمایه گذاری کافی در واحد سطح، استفاده از تجربیات کارشناسان، مدیریت و تکنولوژی جدید* (آیندگان ۱۲ مهر ۱۳۴۸)

— تهران اکونومیست:

* این واحدها به سرمایه های کلان و اطلاعات کافی احتیاج دارد که هر دو در آمریکا پرفورمست و آمریکائیان میتوانند قیافه ی کشاورزی ایران را عوض کنند. تصور میرود که شرکتهای سرمایه داران آمریکائی که چند سال است در این مورد مطالعه میکنند پس از مسافرت شاهنشاه مصمم گردند و اقدام نمایند* (۳ آبان ۱۳۴۸)

فرصت برای سرمایه گذاران ۰۰۰* (سرمقاله ی روزنامه ی اقتصاد ی پورس، ۲۶ فروردین ۱۳۴۸)

سودی حتی بالاتر از صنعت برای سرمایه داران ایرانی ۰۰۰* (سرمقاله ی مجله ی تهران اکونومیست، ۳ آبان ۱۳۴۸)

* با اجرای قانون کشت و صنعت ۰۰۰ سرمایه داران بخش خصوصی اعم از داخلی و خارجی بمقیاس بزرگ تشویق بمسرمایه گذاری خواهند شد* (تهران آگنومیست ، ۱۷ اسفند ۱۳۴۷)

* شاهنشاه مقرر فرموده اند که کشاورزی ایران در قطب های وسیعی که امکانات زراعت بحد فزونی در آنها وجود دارد گسترش یابد و این روشی است که توأم باتکنولوژی جدید ، کشاورزی ایران را در مرحله ی نوینی از تحول قرار میدهد*
(آقای منصور روحانی وزیر آب و برق در مراسم آغازکار نخستین واحد کشت و صنعت - آیتدگان ۲۲ آذر ۱۳۴۸)

۱۳ دیماه ۱۳۴۶ لایحه ی تأسیس شرکتهای بهره برداری از اراضی زیرسدها یا شرکتهای کشت و صنعت تسلیم سنا شد*
برخی مواد :

کمترین وسعت اراضی هر شرکت ۰۰۰ هکتار (ماده ی ۲)
اجاره به مؤسسات داخلی یا خارجی (ماده ی ۳)
قیمت گذاری و خرید مزارع اشخاص که در زیرسده قرار دارد (ماده ی ۴)

(پینجام امروز ، ۶ دی ۱۳۴۶)

* وزارت آب و برق ایران ، زمین ، آب ، برق ، بازار داخلی ، جاده ، نیروی انسانی لازم راتا مین خواهد کرد* (اطلاعات ۲۳ دی ۴۶)
* ممکن است سرمایه گذاری در این واحدهای بزرگ در برده امر بشرکتهای خارجی واگذار شود* (خوشه ، اول دی ۱۳۴۷)
* ۱۶ نفر نمایندگان کمپانیهای معروف امریکائی براهنمائی آقای وارن رئیس اصل چهار سابق برای سرمایه گذاری در کشت و صنعت وارد ایران میشوند* (اطلاعات ۲۳ دی ۱۳۴۶)
* مذاکره برای تأسیس قطبهای کشاورزی و بررسی امکانات همکاری بخش خصوصی با سرمایه گذاران امریکائی در اطاق صنایع و معادن (اطلاعات ، ۲۷ دی ۱۳۴۶)
- اولین واحد کشت و صنعت در آذرماه ۱۳۴۸ افتتاح شده صاحب آن هاشم نراقی سرمایه دار امریکائی ، صاحب بزرگترین بادام زار عالم در کالیفرنیا و دارندة ی ۳۵ هزار هکتار زمین در آنجا ، بیلیارد در در رأس یک گروه سرمایه گذاران امریکائی بایران آمد.
- مرحله ی اول پنج هزار هکتار ، توسعه در مرحله ی دوم در سه سال تا ۱۸ هزار هکتار .
- ۱۵ میلیون دلار سرمایه گذاری ، ۲۵۰ دستگاه ماشین آلات مختلف در روز افتتاح ، ۵۰۰ هکتار کشت مارچوبه ، ۱۲ هزار نهال ...

مردمباریز :

در هر هکتار از اراضی زیرسده سرمایه گذاری باید ۱۵ هزار تومان سرمایه گذاری کند ، نیمی برای کشت نیمی برای فعالیتها ی صنعتی*

از هر هکتار زمین هفت هزار تومان سود عاید سرمایه گذار میشود* (نقل از خواندنیها، ۱۸ مرداد ۱۳۴۸) *

روحانی در مراسم افتتاح نخستین شرکت :

* از هر هکتار میتوان سالانه در حدود ۸۰ هزار ریال محصول تولید کرد* (۱۳۴۸ آذر ۱۳۴۸)

آیندگان ، ۲۷ آذرماه ۱۳۴۸) :

* واحد های بزرگ کشت و صنعت کشاورزی را برای نخستین بار بصورت يك بازرگانی (بیژنس) بزرگ در ایران در میآورد*

هویدا - نطق در مجلس بمناسبت تقدیم بودجهی سال ۱۳۴۹ :

* دولت در زیرساخت ها سرمایه گذاری را در مناطق وسیع کشاورزی تشویق میکند*

بهار ایران - دکترود یعنی استاد دانشگاه :

* هرآنچه آمدی در این قلعرو زیرساخت سودبخشتر است * زمین پاک رانفته و میخ طلا را کوفته میبیم *
* * * طبیعی است که مورد استقبال هر سرمایه دار علاقمند است و لابد چنان سود آور و پسر بازده که از آنسوی کره ی زمین هم میتوان بداند ست زد* (نقل از خواندنیها ۱۸ آذر ۱۳۴۸)

شرکتهای سهامی زراعی

اگزایی د ولتیان از شرکتهای سهامی زراعی

- شاه : * این تجربه ی کاملاً جدید است و ما بآن امید زیادی داریم * * * ما خود را اسپر ایسم هانیکنیم* (مصاحبه با ایران تریبون - پیغام امروز، ۴ خرداد ماه ۱۳۴۷)

- اطلاعات : * * * * وسیله هدفهای مهم انقلاب از قبیل تغییر سیستم کشاورزی به مدرن ترین شکل آن * تشکیل این شرکتهای شکلی نو به کشاورزی ایران خواهد بخشید* (سرمقاله ی ۷ آذر ۱۳۴۶) *

- ولیان : * بین مکتب سرمایه داری و کمونیسیم ، بایستکار شاهنشاه ، مکتب تازه ای که عمارت از انتقال حق زراعت زمینها به شرکتهای سهامی زراعی است و در دنیا سابقه ندارد ، بوجود آورد * ایم* (سحر، ۱۷ دیماه ۱۳۴۶ - از سخنان ولیان وزیر اصلاحات ارضی در سمینار کتاب انقلاب سفید)

- شاه در مراسم افتتاح مجلسین : * تشکیل این شرکتهای مهم ترین عامل ایجاد یک کشاورزی صنعتی مدرن برای حد اکثر بهره برسد اری (۶۱)

کشاورزان از زمینهای مزروعی است. این ابتکار است برای نخستین بار در کشور ما* (اطلاعات، ۱۴ مهرداد ۱۳۴۷)

نحوه ی کار شرکتها

از مواد قانون مربوطه (مصوب د ی ۱۳۴۶) :

- هدف : افزایش درآمد کشاورزان ، بکار بردن ماشین آلات ، اصول جدید کشاورزی ، استفاده از نیروی اضافی انسانی ، جلوگیری از خرد شدن زمینها (ماد ۱ ی اول) .
 - اعضای شرکت : زارعان زمین خرید ، یا مستاجر ، بزرگران ، خرد مالکان مشمول شی تقسیم مرحله ی دوم ، کشاورزان و خرد مالکان غیر مشمول (ماد ۲ ی دوم) .
 - اگر ۵۱٪ این اشخاص در دره منطقه قبول کنند شرکت تشکیل میشود ، بقیه اجباری (ماد ۳ ی ششم) .
 - صاحبان اراضی مکانیزه و سایر شرکتها و واحد های کشاورزی يك منطقه میتوانند تقاضای شرکت سهامی زراعی بکنند (ماد ۴ ی چهارم) .
 - زائد ابروی مکلف با اجرای تصمیمات هیئت اوزارت اصلاحات ارضی در مورد این شرکتها (ماد ۸۵^{ست})
 - اقساط بدهی زارعین (خرید ارا^ن زمین) و اجاره بها (از مستاجرین زمین) از حساب این سهامد ارا^ن کسر و به مالک یاد ولت پرداخت میشود (ماد ۵ ی دوازدهم) .
 - سهم مالکانه ی مالک یا مالکان اراضی که توسط بزرگان زراعت میشود بحساب بزرگان سهامد ا^ر کسر و به مالک پرداخت میشود (تبصره ی ماد ۵ ی دوازدهم) .
 - سهامد ارا^ن حق استفاد^ه ی مطلق و دائم از اراضی را ب شرکت واگذار میکنند و متناسب با ارزش این حق و مقدار و موقعیت زمین و نیز متناسب با ارزش عوامل زراعی از قبیل گاو نیرو و سیله ی شخم و ماشین آلات کشاورزی تعداد ی از سهام را در ریافت مید آرند (تبصره ی ماد ۵ ی چهارم) .
 - سهامد ارا^ن میتوانند سهام خود را ب شرکت بدو^ن هیچگونه محدودیتی و به سهامد ارا^ن دیگر آن شرکت منتقل کنند* هدف این خواهد بود که سهام متعلق به هر يك از سهامد ارا^ن از سهام مربوط به بیست هکتار زمین آبی یا چهل هکتار زمین دیم تحت کشت کمتر نباشد (ماد ۶ ی نهم) .
- سند ای ایران نوین ۲۳ ی ۱۳۴۷ : * در شرکت سهامی زراعی هر زارع صاحب سهم بدو^ن نوع بهره مند میشود : یکی سود

ویژه ای که در آخر سال زراعی بین صاحبان سهام تقسیم میگردد و دیگر مزی که در ازای کار خود
در زمینهای متعلق به شرکت دریافت میکند.*

— شاه در مصاحبه با مخبران بی سی :

* این شرکتها بین سه تا هشت هزار هکتار زمین خواهند داشت ۰۰۰ اعضا علاوه بر اسناد زمین
و میزان سهمیه در مقابل کاری که انجام دادند بطور هفتگی ماهیانه و سالیانه دستمزدی
دریافت خواهند کرد.* (اطلاعات ، ۵ اسفند ۱۳۴۸)

— اطلاعات ، ۷ آذر ۱۳۴۶ : * در هر شرکت کشاورزان و خرد مالکان در بین حال صاحب سهام و کارگر شرکت محسوب
میشوند ۰۰۰ با تشکیل این شرکتهارا برای شرکت مستقیم دولت با کشاورزان و سرمایه گذاری
دولتی در امور کشاورزی باز میشود.*
(وزارت اصلاحات ارضی میتواند ارضی بایر، موات و دایر متعلق بدولت را در اختیار شرکتهای گذاشته و بهمان نسبت در ارضی
سهم شود - ماده ی سوم قانون) *

در باره ی اصل فروش سهام (ماده ی نهم قانون) - راه تبدیل عدوی کمی بصاحبان سهام بیشتر و ایجاد اقلیت مرفه بحساب اکثریت محروم

— شاه : * سهامداران میتوانند بدون هیچگونه محدودیتی سهام خود را بیکدیگر بخرند یا بیکدیگر منتقل کنند *
از این راه بتدریج این امکان بوجود خواهد آمد که هر خانواده ی روستائی بتواند لاقبل از
درآمد سالانه ی سهام مربوط به ۱۵ تا ۲۰ هکتار زمین آبی یا چهل هکتار زمین دیم استفاده
نماید.* (از پیام شاه بمناسبت ۱۹ دی سالگرد اصلاحات ارضی - اطلاعات ۲۰ دی ۱۳۴۶)

— شاه : * اگر کسی بخواهد از تعاون خارج شود میتواند آزادانه اینکار را بکند* باین وسیله افراد شرکت
میتوانند هر یک بیست تا سی هکتار زمین داشته باشند.* (مصاحبه ی مدییران نیروی پاشاه
پیغام امروز ، ۴ خرداد ۱۳۴۷)

— شاه : * اگر کشاورزان عضو از کار خود خرسند نباشند میتوانند سهم خود را بدیگر اعضای شرکت بفروشند و
از آن خارج شوند.* (مصاحبه مخبران بی سی با شاه - اطلاعات ۵ اسفند ۱۳۴۸)

برخی ارزیابیهای دیگر

— تهران اکتونویست ۱۱ خرداد ۱۳۴۷ : * نباید فراموش کرد که این شرکتهای باعث خواهد شد که بیکاری آشکار در روستاها
زیادتر و دهقانان بیشتر اوقات خود را با بیکاری بگذرانند.*

— بامشاد، ۱۷ اردیبهشت ۱۳۴۷: در این شرکتهای سهامی ۰۰۰ طبعاً تعدادی از کشاورزان که بامور فلاحی اشتغال داشتند در این رهگذر بیکار خواهند ماند.

بجز وسیله مطمئن گرفتن قسط و اجاره بها و سهم مالکانه از دهقانان (مادهی دوازدهم) و برخی مسائلی، شرکتهای سهامی زراعی وسیله ایست برای ایجاد قشر کوچکی از دهقانان ثروتمند تر متشکل در یک شرکت، بحساب ورشکست شدن و از دست دادن سهام، آواره شدن و یا تبدیل بیکارگشاورزی شدن اکثریت دهقانان منطقه ی شرکت.

در جدول زیر نتایج اجرای هدف دولت (مادهی دوازدهم) نشان داده میشود. پایهی محاسبه حد متوسط ۲۰ هکتار زمین برای خانوار سهامدار (بجز مازندران و گیلان ۲۰ هکتار) و هر خانواده پنج نفر

مشخصات هر شرکت سهامی زراعی		وضوح کنونی		عدد کافی برای هدف رژیم در صورت اجرای نقشه		عواقب اجرای نقشه دولت	
شماره	محل	نام	مساحت به هکتار	تعداد سهامداران	جمعیت	سهامداران کافی	جمعیت اضافی
۱	شمس آباد فارس	اریا	۱۲۰۰	۸۰	۹۵۰	۴۰	۴۰
۲	وزن - همدان	درگزین	۲۵۰۰	۴۱۵	۴۵۰۰	۸۳	۲۳۲
۳	گلپایگان	گلپایگان	۲۳۰۰	۱۳۶	۱۱۳۴	۷۷	۶۰
۴	دیزج آذربایجان شرقی	دیزج	۱۴۴۰	۱۲۶	۷۹۵	۴۸	۷۵
۵	سنندج - کردستان	نرج	۴۰۰۰	۳۴۰	۲۵۷۰	۱۴۰	۲۰۰
۶	ذهاب کرمانشاهان	رضا پهلوی	۲۱۴۰	۳۷۲	۱۶۴۱	۷۰	۳۰۰
۷	شیروان لرستان	شیروان	۷۸۰	۹۸	۵۸۴	۲۶	۷۰
۸	دیزباد سلفچرخ خراسان	فرحناز	۱۵۰۰	۹۶	۹۰۰	۵۰	۴۵
۹	گرسار - تهران	گرسار	۲۵۴۰	۳۹۷	۴۴۱۵	۱۱۸	۲۸۰
۱۰	باغین کرمان	کرمان (۴)		۱۱۶	۵۳۲۹		
۱۱	چالستر چهارمحال	سهناز	۲۱۰۰	۲۰۸	۵۰۰۰	۷۰	۱۳۰
۱۲	قائنات - خراسان	نیم بلوک بالا و پائین	۸۰۰۰	۱۰۵۹	۸۵۶۹	۲۸۰	۷۰۰
۱۳	فومن - گیلان		۶۲۵	۱۶۴	۱۳۹۵	۳۰	۱۳۰
۱۴	ساری - مازندران		۱۰۰۰	۳۲۱	۱۶۴۵	۵۰	۲۷۰

این جدول مربوط به ۱۵ شرکت سهامی است که در سال ۷ تشکیل شد و طبق گزارش وزارت اصلاحات ارضی ۲۷ هزار نفر در ۴۲ هزار هکتار متشکل گردید. در حالیکه این مقدار زمین طبق هدف رژیم برای ۱۴۰۰ سهامدار، یعنی باعائله برای ۷۰۰۰ نفر کافیست و حد اکثر بیاد رتخل گرفته سایر عوامل

— مالکان زارعینی را که برطبق قانون صاحب ملك شده اند يكايك به كريد ورهای عدليه ميكشند و چون زارعان از بيچ و خم قانون سرد رزمي - آوزند اغلب محكوم ميشوند و بعضی نيز بزند آن ميفاتند و بدین ترتيب رعب و وحشتی در دل زارعان بوجود آورد و اند و چه بسا سواستفادها که از اين بابت کرده اند* (بامشاد ، ۷ اسفند ۱۳۴۵) .

مهاجرت — پدیده ی جانکاه و روزافزون در روستاها :

— در جنوب شهر تهران دهاتیان تازه بشهر آمد و اصولاً غذای شب راند آرند بخورند تا چه رسد به جای خواب* (خواندنيها ۲۶ دی ۱۳۴۱)

— در جنوب فارس و منطقه ی لارستان ۲۰۰۰ از هرد و خانواده يك نفر درموتنش نيست* (تهران مصور ، ۴ اسفند ماه ۱۳۴۶) .

— مهاجرت روستائيان بشهرها ۲۰۰۰ بايك كاری در سطح خيلى پائين خطر عدد بشمار ميرود* (تهران اکتونوميست ، ۱۵ تير ۱۳۴۷) .

— كودش چرخ امور کشاورزی بگلی در قم مختل شد و بيش از ده هزار نفر از کشاورزان قم ناچار بشهرها کوچ کرده اند* (اطلاعات ۸ - ۱ - ۴۷)

— سيل مهاجرت روستائيان بطرف شهرها سرازير ميگردد . . . شرايط نامساعد زندگي در دهات يکي از عوامل موثر در مهاجرت روستائيان بشمار ميرود* (آيندگان ، ۱۰ اسفند ۱۳۴۸) .

— در دهات ايران زاندها مهاجران را بجاى اربابان سابق بجان زارعين افتاده و دهقانان دسته دسته از زمينهای خود رانده شده و بسوی شهرها پناه ميبرند* (ضميمه ی مردم — ارگان تشکيلات تهران حزب توده ی ايران — شرفنامه شماره دوم ، سال سوم) .

ثروتمندان بر اراضي جنگ مياندازند :

— اخيراً عددی زيادى از سرمايه داران و مالکان سابق روستاها در زمينه ی د امپروري شروع سرمايه گذارى کلان کرده اند و با استفاد از قانون واگذاري اراضي جنگلی شمال کشور و با تشکيل شرکتهای بزرگ با مشارکت سرمايه های خارجي دست بفعاليت بسيايقه ای زد و اند (جوانمردان نقل از خواندنيها ، ۱۳ تير ۱۳۴۴)

— جالب اينکه اغلب رجال تقاضای خريد اراضي جنگلی کرده اند تا هنگام عزل يابازنشستگي به کشاورزی مشغول شوند* (سپيد و سپاه ، ۱۱ د يام ۱۳۴۷)

— آنقسي که هم اکنون مالکيت کشاورزان را تهديد ميکند پيدايش طبقه ی خاصي است که محصول يکساله ی زمين آنها را به ثمن بخشى ميخرد و سال ديگر باز اين معامله را از سر ميگيرند تا يک خورور زمين را به قيمت نا زلي از جنگ دهقانان محتاج بد رما آورند* (خواندنيها ، ۱۱ آبان ۱۳۴۷)

— عدد ای نزول خوار از خدایي خبر بلای عظيمی برای دهقانان شد و مثل خوره بجان دهقانان افتاده اند و بيم آن ميروند که دهقانان از همستی ساقط شوند* (تهران مصور ، ۱۸ اسفند ۱۳۴۶)

— اعلامیه ی وزارت اصلاحات ارضی هفتم مرداد ماه ۱۳۴۷ :

* حد اقل واحد زراعتی راد اراضی آبی ۱۰ هکتار و در اراضی دیم ۴۰ هکتار تعیین و اعلام میکند. هر یک از زارعین میتوانند یا خرید نسق زراعتی زارعین متوفی در محل سکونت خویش مقد از نسق تحت کشت خویش رانند و برابر مساحت حد اقل تعیین شده (۴۰ هکتار آبی و ۸۰ هکتار دیم) خرید آری کنند مشروط بر اینکه جمع اراضی مورد تملک از حد نصاب مقرر در مواد هی ۱۵ آئین نامه در هر منطقه تجاوز نکنند* (آیندگان، ۸ مرداد ماه ۱۳۴۷).

واقعیت :

ادعا :

* یکی از کشاورزان ایرانی به مخیرتشریف خارجی یونایتد استیس نیوز آند ورلد ریپورت گفته است در اثر اجرای انقلاب سفید و اصلاح ارضی زندگی ماعوض شده* تا چند سال پیش همیشه نسبت به تأمین غذای بخور و نمیری برای خانواده ی خود نگران بودم ولی اکنون در قدر هشتم گسه همسرم چه رنگ قالی میخواستد برای منزل لمان انتخاب کند* (سحر، ۱۵ اردیبهشت ۱۳۴۸)



* هر سال سطح کشت پائین میآید ، اغلب مردم جلای وطن کرده اند ، دهات خالی از سکنه است ، هفته و ماهی نیست که عد های مهاجرت نکنند* در غربت در اثر فقر و بسی دوائی پدر روماد ر جلوی اطفال و اطفال جلوی چشم پدر روماد را زگر سنگی چانداد موبید هند* (آقای پردلی نمایندۀ سیستان — تهران اکتوبریست ، ۲۵ دیماه ۱۳۴۶).

— درباره ی پیام شاه بناسبت سالروز تصویب قانون :
* هیچ انقلابی در این زمینه ، در تاریخ انقلابات بزرگ سیاسی و اجتماعی همانند ارد ، نه در انقلاب کبیر فرانسه و نه در جاهای دیگر ، چه در روس اول قرن بیستم ، چه بعد از جنگ ، هیچ کجا اصلاحات ارضی بدین شکل در ماهیت اصیل خود همانند ند ارد*
(ندای ایران نوین، ۲۳ دی ۱۳۴۷)

— از سند حزب توده ایران* تحلیلی از وضع کنونی کشور و وظایف مبرم ما* :
این اصلاح ارضی* با اینکه مناسبات فئودالی زمینداری را متزلزل میسازد ، بهیچ وجه در جهت بهبود شرایط زندگی توده های عظیم دهقانی و رهاشی آنان از قیود

استثمار مالکین و رباخواران سیر نمیکنند* امتیازات و اقدانات تشویقی دولت نسبت به مالکیت بزرگ سرمایه داری ، تشکیل شرکتهای سهامی زراعی ، ایجاد واحدهای کشت و صنعت در اراضی وسیع یا شرکت سرمایه های خارجی و ... کاملاً هدف سیاست دولت راد ایجاد زمینداران بزرگ سرمایه دار و ورشکست ساختن اکثریت زارعین و ریزه مالکان بسود سرمایه داران ده و شهرنشان میدهد* (مجله دنیا شماره اول ، سال دهم ، بهار ۱۳۴۸ ، صفحه ی ۶).

سوزنش

حیف از آن زحمت وان پهل و مال
که خرج تحصیل تو شد چند سال
حقوق دانی شده ای باکمال

حیف برایت که پستاجر ی
نصه ی يك مشت عله میخوری

ای چونمگی پسر خیره سر
ما یسه ی دل ضعفه برای پدر
خیربینی تو الهی پسر

شنیده ام حزب شدی چونمگ
شعبه پروژنامه زدی چونمگ

حمایت از کارگران میکنی؟
رعایت از رنجبران میکنی؟
شکایت از مفتخوران میکنی؟

پسر حیادن بتو چه بی حیا
درتوی بازار شدم رو سیا

حاجی فلان تاجر گردن کلفت
که میزند پشت سرم حرف مفت
روی به من کرد و به تاجر گفت

اجاق این حاجی ماکورهست
چون پسرش ناخلفا نجورهست

تو پسر مثل چو من آدمی
نه نصه داری نه خیال و غمی
از خر شیطان بیا پائین کمی

کارگران راتو نکن انگو لك
چونمگن برای مساعدا كلك

عیبه، بد ه قاطسی فعله شدن
جوش برای عله هازد ن
نناه کن به پنج انگشت من

خواست خدا هست عزیز و دلیل
کار خدا نیست پندرسی دلیل

خواست خدا هست که من تاجرم
بیل و گوبن چرم و شکر میخرم
هر تومنی چند تو من میسرم

خانه خریدم ده و بساغ قشنگ
سفره ی پهناورمن رنگ رنگ

خانه ی بیلاقم درکو هسار
دامنه ی تپه لب آیشار
با دوربین منظر شهر آشکار

سایه ی بید و لب استخر آب
صفا هکی دارد یک چرت خواب

خانه شهرم د یگه بهتر از آن
مطبخ و کلخانه و حمام وان
نوکر و کلفت شو فر و باغبان

شکر که در رزند گیم نقص نیست
هست اگر زندگی، این زندگی نیست

خواست خدا هست که از گشنگی
دور تر از مطبخ ما اندکی
کناران روزنه مرده یکی

کلفت ما گفت که ده ساعت است
خفته یکی چه بی غم و راحت است

کارگری رفته بز پسر او ار
زیر بی ساختمان وقت کار
عائله اش درده چشم انتظار.

نه قاصدی رفته بده نه خیر
مراجعت نمیکنند او دیگر

آنکه شکسته شده اعضای او
بنجم ی او، بازوی او، پای او
نیست دگر هیچ کجا جای او

بما چه بدبختی بدبختها
بما چه سرسختی سرسختها

بکارگر روند ه بیخود پسر
برای ماهفتخوران شر مخر
بیجهت ایجاد بدن درد سر

کارگر هرگه شود ایران مدار
برارد از مدعیانش در مدار

وای ازان روز که این اتحاد
قوه بدست آرد و گرد د زیاد
میرود آنروز چه سررها بیاد

کاخ نشین خاک نشین میشود
در همه ی روی زمین میشود

* * *

رنجبران زحمت و کار از تو است
مفتخوری میردت مزد دست
ساکت و آسوده نباید نشست

رنجبران همه جا اتحاد
تا که شود کار جهان بر مراد

به دلیران ویت نام

تو ای نجشمان چون آهو که با حیرت نظر دوزی
براین دریای آتش، کز فراز کلبه ها خیزد.
چه بانگی وحشت افزا از نهادت میکند پرواز؟
چه بارانی زاشک از نوك مرگانت فرو ریزد؟

تو ای کودک که نعش خواهر نوزاد در آغوش
از این مرد ایسها باترس پنیان کن گذر کردی،
تو ای پیری که تنها مانده ای در روستای خویش
خموشانه به کنجی گونه را از اشک ترکردی،

تو ای بیمار کز باران بمب و شعله ی آتش
نداری قوتی اندریدن تا خویش برهائی،
تو ای سرباز آزادی که در تاریکی شبها
به سنگر، ضد خصم خونفشان، بی باك میمانی،

شما با قدرت روحی که آنرا نیست تسلیمی
عدوی غره ی کشور گشارا بینوا کردید *
بدین مرد انگلیهائی که اعجاز یست بی مانند
شما حق را و ناحق را به گیتی برملا کردید *



نغمه زمستانی يك بيكار

زمستان می آید !
طلای خورشید در آسمان رنگپریده میشود
بر بنفش کوهها فرشته ی کبود برف می نشیند
و استاد چیره دست یخ بندان
در شبی پلی از آبگینه برابگیرهای بندد

زمستان می آید !
و این الهه ی غم انگیز
با دمسردی خویش
زمین را از نثار گرم آسمانی محروم می کند .
آری گلهای رقصان برف زیباست !
ولی بام کلبه ی مرآتاپ پایگویی آنها نیست .
نسیم سرد البرز گونه های شاداب را نوازش میدهد
ولی در پیکر ناتوانم دشنه ایست زهرآگین
و منظر تنهالهای عریان شاعرانه است
(بویژه آندم که از خلال آنها افق غروب هوید است) ،
ولی دیدار آنها کودکان عریان مرا بیاد می آورد .

زمستان می آید !
و بردشمنان داعی من دشمنی تازه افزوده میشود

سرنوشت ، هر سال مرا در زاغه ی محقرم
دوبار شکنجه میکند ؛
در مردادماه ؛ در کوره ای از دوزخ
در دسامبر ؛ در دخمه ای از زمهریر



در مرداد ماه : در عطش قطره ای آب
در دی ماه : در ریخته ی ویرانگران
خواه در دهکده ی گلین
خواه در برزنیهای محقر شهر
خواه آنجا که سیلاب و زلزله ویرانش کرده
یا آنجا که بی سیلاب و زلزله ویرانست
من ،

مجسمه ی فقر و بیکاری
باشانه های استخوانی ، جامعه ی ژنده ، گونه های کبود ، گز کرده ایستاده ام
زمزمه ی غبار برگهای خشک
در گوش من نغمه ی شویی میخوانند :

زمستان می آید !
جامعه بر بنیاد تناقضی وحشیانه بنا شده :
بین آنها که کاخهای غرق در نور دارند
و آنها که شعله ی همیزی را آرزو می کنند
آنها که در خزهای معطر خزیده اند
و آنها که انگشتانشان بر آهن سرد منجمد میشود
آنها که با گرایسلر براق میگذرند
و آنها که در نور خیره کننده اش دستهای گدائی یازیده اند
آنها که هر برف تازه بهرشان جشنی است
و آنها که هر برف تازه بهرشان مانی
و در دیده ی من زمستان با آن ردای سپید
مانند کاهنی سالویی است
که با اخم تلخ از توپهای گدایان میگذرد
و با لبخند چاپلوسی در قفسور دولت مند ان کام میگذارد
و اینک این کاهن شوم
با نوزده ی یک باد وحشی
بر بام محقر کلیه ی من صیحه میکشد ،
زمستان می آید

جوانان در جوامع سرمایه داری

مبارزات جوانان انعکاسی است از بحران صیق جامعه بورژوازی معاصر. جوانان زحمتکش و در درجه ی اول جوانان کارگر که در معرض استثمار افراطی قرار دارند و در نمائی برای خود در سرمایه داری نمی بینند همواره فعالترین مبارزه ی طبقاتی می پیوندند، وارد اتحادیه ها، سازمانهای کمونیستی و دیگر سازمانهای دمکراتیک میشوند. توده ها، وسیع دانشجویان نه فقط طیف نقائص سیستم عقب ماندگی آموزش، نه فقط بخاطر حقوق تشکیل سازمانهای خویش و شرکت موثر در رهبری مراکز آموزش، بلکه همچنین طیف سیاست طبقات حاکمه مبارزه میکنند. جوانان همواره بیشتر، ملهم از مبارزه ی خلق ویتنام و دیگر توده های مبارزات قهرمانانه ی ضد امپریالیستی، در نبرد های بزرگ خلق طیف امپریالیسم و بخاطر دموکراسی و صلح و سوسیالیسم شرکت میکنند. کمونیستها ارزش بزرگی برای اعتقاد جنیش جوانان قائلند و در آن فعالانه شرکت میکنند. در عین حال آن اندیشه های سوسیالیسم طمی را اشاعه میدهند، خطر انواع اندیشه های انقلابی کاذب را که میتوانند بر جوانان تاثير کنند، توضیح میدهند، میکوشند به جوانان در یافتن راه صحیح مبارزه طیف امپریالیسم و در دفاع از جنبش انسان کمک کنند. تنها پیوند فشرده با جنبش کارگری و گرد آن پیشگام کمونیستی است که میتواند در برابر جوانان انسان افسق انقلابی واقعی بکشد.

فقط سوسیالیسم

سیستم جهانی سوسیالیسم نیروی قاطع و اساسی در مبارزه ی ضد امپریالیستی است. هر نبرد آزادیبخش از پشتیبانی بی بدل آن و در درجه ی اول اتحاد شوروی برخوردار است. انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر و ساختمان سوسیالیسم در اتحاد جماهیر شوروی، سرکوب فاشیسم آلمان و ملیتاریسم ژاپن در جنگ جهانی دوم، پیروزی انقلاب در چین و در یک رشته از کشورهای اروپائی و آسیائی، تشکیل نخستین کشورهای سوسیالیستی در امریکا - یعنی جمهوری کوبا، پدایش و رشد سیستم جهانی سوسیالیسم شامل لاکسبور تا کیرالهام بخش سوسیالیسم بر تمام جهان شرایط مقدماتی برای تسخیر ترقی تاریخی فراهم نمود، انقلابهای نوینی برای پیشرفت به جلو و پیروزی سوسیالیسم در سراسر جهان باز کرده است. سوسیالیسم افق رهایی از امپریالیسم را به بشریت نشان داد. است. نظام اجتماعی نوین مبتنی بر مالکیت اجتماعی بر وسائل تولید و حاکمیت زحمتشان قادر است رشد برنامه ای و بی بحران اقتصادی را بسود خلقها تأمین کند، حقوق اجتماعی و سیاسی زحمتکشان را تضمین نماید، شرایط برای دموکراسی واقعی، شرکت واقعی توده های عظیم مردم را در اداره ی جامعه، برای تکامل همه جانبه ی شخصیت فسرده، برای برابری حقوق ملل و دوستی فیما بین آنها را ایجاد نماید. در عمل اثبات شده است که فقط سوسیالیسم قادر به حل مسائل بنیادی است که در برابر بشریت قرار گرفته اند.



گودك

اندر

ديار

سرمایه

كودك اندر ديار سسر ما يه
بي خير از نوازش مادر
استخوان سنان بود توتش
سنگ ناسور كوچه ها بستر *

سوخته همچو شمع كافوري
در سیه چال معدني مرطوب
خم شده پشت د سنگاه غنود
از سحرگاه تا اوان غروب

گودگان دیده ام که در مرداد
بر سر تفته ريگ خفته بدرد
چون گل منجمد فتاده يخاك
بهمن بي امان چو زدم سرد

شهروده پر بود از اين اطفال
نيمه عريان و جامه ها پاره
درميان زباله گمشده رزق
جسته همچون سگان آواره *



اطلاعاتی درباره نفوذ امپریالیسم در ایران

رسوخ اقتصادی و سیاسی امپریالیسم اشکال گوناگون دارد. اثرات قبل از جنگ جهانی دوم انحصارهای خصوصی امپریالیستی صادر کنندگان عمده ی سرمایه بودند، بعد از جنگ، پیوسته در مرحله ی سوم بحران عمومی سرمایه داری، انحصارها نقش عمده رایبه عهد ه ی دولت امپریالیستی گذاردند.

در حال حاضر در اجرای وظایف ستراتژیک امپریالیسم در کشورهای رشد یابنده، شیوه ی دولتی انحصاری صد و سرمایه بشکل "گمک" مقامی مهم را اشغال میکند.

سرمایه ی انحصاری خصوصی یا واگذاری مقام نخست به "گمک" از اجرای دولتی، در واقع زمینه را برای رسوخ بعدی آماده میسازد. "گمک" صرف سرمایه گذاری در رشته های کم سود انفراسترکچر میگردد که اهمیت بزرگ برای سرمایه ی خصوصی امپریالیستی دارند. سپس سرمایه ی خصوصی انحصاری به رشته های سود آور اقتصاد سران برمیگردد. بدینسان نوعی تقسیم کار بین دو شکل صد و سرمایه بوجود میآید.

سرمایه ی دولتی انحصاری بشکل "گمک" شرایط کلی وابستگی کشور به امپریالیسم را ایجاد میکند و محیط مناسب برای صد و سرمایه ی خصوصی امپریالیستی از طریق تحکیم مناسبات سرمایه داری بوجود می آورد. سرمایه ی خصوصی امپریالیستی بنوبه ی خود تحکیم هرچه بیشتر این وابستگی را از راه استقرار نظارت به رشته های حساس اقتصادی و جلوگیری از ترقی همه جانبه ی اقتصاد ی کشور رشد یابنده، بمعهد ه میگیرد. هر دو نوع صد و سرمایه حربه ایست در دست امپریالیسم برای صد ورنظام سرمایه داری بکشورهای رشد یابنده و ایران یکی از این

کشورهاست.

نقوذ امپریالیسم در ایران از طرق مختلف "وام" و "کفک"؛ "سرمایه گذاری در صنایع نفت و صنایع تبدیلی و بانکداری و غیره" گسترش می یابد.

"وام" و "کفک" امپریالیستی

از سال ۱۳۳۰ تا اول سال ۱۳۴۸ دولت مبلغ ۱۹۹۰٫۹ میلیون دلار وامهای کوتاه و بلند مدت از خارج دریافت داشته است. طی همین مدت مبلغ ۲۵۸ میلیون دلار هم به شکل "کفک بلاعوض" وارد خزانه ی دولت گردیده است.
مبلغ وام دریافتی سال بسال روبه افزایش است. مثلا اگر از سال ۱۳۳۰ تا اول سال ۱۳۴۲، یعنی طی ۱۲ سال جمعا ۸۹۰ میلیون دلار وام از خارج دریافت شده بود، از سال ۱۳۴۲ تا اول سال ۱۳۴۸، یعنی طی شش سال مبلغ وام دریافتی به ۸ ر ۱۱۰۰ میلیون دلار بالغ گردیده است.

رقم استفاده از وامهای خارجی در شش سال (۱۳۴۱ - ۱۳۴۶) بقرار ذیل بود:

(ارقام به میلیارد ریال)

سال	۱۳۴۱	۱۳۴۲	۱۳۴۳	۱۳۴۴	۱۳۴۵	۱۳۴۸
مبلغ	۱۸۸	۲۱۸	۰٫۸	۲۳	۴۷	۱۰۱

سهم وامهای خارجی در رقم درآمد کل بودجه، بموجب پیش بینی، در دو سال اخیر بشرح ذیل است (ارقام به میلیون ریال):

سال ۱۳۴۸	سال ۱۳۴۷
۲۵۳۰۰	۳۳۱۲۰
۱۲۰۰	۴۸۰۰

مبلغ وام خارجی
بازپرداخت اصل و بهره ی وامهای سابق

شرایط وامهای امپریالیستی سنگین است. وام باینباره ۵ - ۷ درصد سالیانه پرداخت میشود. کشور وام دهنده باید طرحهایی را که وام صرف آن خواهد شد قبلا مطالعه و تصویب کند. ایران بعنوان طرف گیرنده ی وام متعهد میگردد که کلیه و یا بخش اعظم وام را صرف خرید از کشور وام دهنده کند؛ کالاهای خریداری شده را در بانک بینه متعلق به آن کشور بینه نماید، از کمپانیهای گشتیرانی آن کشور برای حمل کالاهای خریداری شده استفاده کند و یا بالآخره اجرای طرح را کلا و یا قسما بعهده ی کمپانیهای مقاطعه کار کشور وام دهنده واگذارد.
بدینسان نه تنها چگونگی انتخاب طرحهای عمرانی و صنعتی کشور، بلکه طرز اجرا و میزان سرمایه ی مصرفه هم عملا در اختیار کشورهای سرمایه داری وام دهنده قرار میگیرد.

گران‌ترین نرخ بهره موجب می‌گردد که پس از یک مدت کوتاه، همه‌ی مبلغی که از یک دست‌یچنوان وام از کشورهای امپریالیستی گرفته شده، از دست دیگر یچنوان اصل و بهره‌ی وام‌های قبلی بگذریوام دهند و مسترد شود و خالص استفاده از وام‌ها بی‌مرور زمان برقم ناچیزی تنزل نماید. مثلاً از سال ۱۳۳۷ تا سال ۱۳۴۲ دولت ایران در حدود ۴۷۵ میلیون دلار وام از خارج دریافت نموده است. در همان مدت دولت از بابت سررسید اقساط و بهره‌ی وام‌ها مبلغ ۴۵۴ میلیون دلار به دولت امپریالیستی پرداخته است. لذا در این دوره فقط ۲۱ میلیون دلار و یاسالیانه ۳۵۳ میلیون دلار صرف سرمایه‌گذاری گردیده است. از وامی که به مبلغ ۸۰۰ میلیون دلار طی ۶ سال (۱۳۴۲ تا ۱۳۴۷) دریافت شده، مبلغ ۴۵۴ میلیون دلار از بابت اصل و (۱۲۲ میلیون دلار از بابت بهره‌ی وام‌های گذشته، طی همان مدت پرداخت شده است. و باز در همان مدت تشهاد و موافقه‌ی دولتی (سازمان برنامه و شرکت ملی نفت) از بابت "خدمات" در حدود ۲۶۹٫۷ میلیون دلار صرف کرده‌اند. بدینسان در مدت ۶ سال اخیر از مجموع وام دریافتی به مبلغ ۸۰۰ میلیون دلار، مبلغ ۸۴۳٫۹ میلیون دلار به شکل اصل و بهره‌ی وام‌های سابق و "خدمات" از کشور خارج شده است.

"کک فنی و اداری" یکی دیگر از اهم‌های رسوخ امپریالیسم است در اقتصاد کشور. از سال ۱۹۵۲ تا پایان سال ۱۹۶۵ دولت ایالات متحده‌ی آمریکا - ۸۷ میلیون و ۹۱۰ هزار دلار یچنوان "کک فنی و اداری" بدولت ایران داده است. این نوع از "کک" به امپریالیست‌ها امکان آنرا میدهد که بدون سرمایه‌گذاری در موامسات صنعتی سود کلانی بدست آرند. مثلاً از سال ۱۳۴۰ تا پایان ۱۳۴۵ مبلغ ۵۷۳ میلیون دلار از کشور برای "خدمات" خارج شده است.

خاطر نشان می‌سازد که طی همان مدت وام بلند مدت دریافتی ایران از خارج ۸۰۰ میلیون دلار، بدیگر سخن، ۱۴۴۳ میلیون دلار کمتر از مبلغ صدور ارز به شکل "خدمات" بوده است.

از سال ۱۳۳۳، یعنی بعد از کودتای ۲۸ مرداد تا اول سال ۱۳۴۸ فقط وام‌های بلند مدت خارجی که رژیم دریافت داشته، بالغ بر ۱۶۹۴ میلیون دلار است. از این مبلغ ۷۶۴٫۲ میلیون دلار اصل و ۲۰۶٫۲ میلیون دلار بهره‌ی وام‌های دولتی امپریالیستی باز پرداخت شده و هنوز هم ۷۲۴٫۲ میلیون دلار از بابت اصل وام باقی مانده است. بدین طریق قوانین اقتصادی جهان سرمایه‌داری بطرز خودکار و بی‌رحمانه علیه ایران در فعالیت است و امکان آنرا میدهد که کشور از وابستگی اقتصادی و بالنتیجه سیاسی امپریالیسم شانه خالی کند.

امپریالیسم و بازرگانی خارجی ایران

بازرگانی خارجی یکی دیگر از اهم‌های تحکیم سیادت امپریالیسم است در ایران. در گذشته اساس بازرگانی خارجی ایران بر مبنای قسانون انحصار تجارت خارجی تیرماه ۱۳۱۱ استوار بود. بموجب این قانون بازرگانی خارجی در انحصار دولت بود و او میتوانست این حق را با شرایطی به موامسات خصوصی واگذر کند.

در ان ایام در بازرگانی خارجی ایران اصول تعادل پرداخت‌های خارجی و تهاتر و اصل استفاده از ارز خارجی برای گالاهای ضروری برقرار بود. ولی هم انحصار دولتی بازرگانی خارجی و هم اصول مذکور، پس از گسترش نفوذ امپریالیسم در ایران علاً از بین برده شد. در تمام سالهای بین ۱۳۱۰ تا ۱۳۳۶ هیچ نوع سیاست مشخص بازرگانی در کشور وجود نداشت. از سال ۱۳۳۶ تحت فشار امپریالیسم جهانی، هیست (۸۰)

حاکمهی ایران سیاست دروازه های بازار را در پیش گرفت. این سیاست با اندک تغییر و تبدیلی امروز نیز ادامه دارد. در نتیجه ورطه ی بیمن صادرات و واردات هر سال بیشتر و وابستگی ایران بیازارجهان سرمایه داری عمیقتر شده است.

ارقام مربوط به بازرگانی خارجی ایران نشان میدهد که طی سالهای ۱۳۳۸ و ۱۳۴۷ در حالیکه صادرات کشور از ۱۰۲٫۶ میلیون لاریه ۲۱۱٫۹ میلیون دلار افزایش یافته ، ارزش کالاهای وارده به کشور از ۶۵۰٫۵ میلیون دلار به ۱۳۸۹٫۲ میلیون دلار بالغ گردیده است. یعنی کسرموازته ی بازرگانی خارجی ایران از ۴۸ میلیون دلار در سال ۱۳۳۸ به ۱۱۷۲٫۳ میلیون دلار در سال ۱۳۴۷ و یادردود سه برابر افزایش یافته است.

بازرگانی خارجی ایران بادول امپریالیستی ناپربر، غیرعادلانه و کلا بسود انحصارهای امپریالیستی است.

از سال ۱۳۴۲ تا سال ۱۳۴۸ قیمت کالاهای وارداتی بکشور بالغ بر ۵۵۹۴ میلیون دلار بوده است. در مقابل مبلغ ارزی که از طریق صادرات کالا از ایران بدست آمده ، در همان مدت فقط ۸۶۷ میلیون دلار گردیده است. یعنی واردات ایران از خارج در حدود ۷ برابر صادرات ما بخارج بوده است.

کشورهای سرمایه داری غرب نقش عمده در واردات کالا بایران دارند. روابط بازرگانی خارجی ایران با این کشورها در سالهای ۱۳۴۶ و ۱۳۴۷ در جدول زیر آمده است :

(ارقام به میلیون دلار)

صادرات		واردات		
۱۳۴۷	۱۳۴۶	۱۳۴۷	۱۳۴۶	
۴۲٫۵	۴۰٫۱	۵۴۴٫۱	۴۷۰٫۴	کشورهای عضو بازار مشترک
۲۲٫۳	۲۰٫۶	۲۱۳٫۹	۲۱۲٫۴	ایالات متحده ی امریکا
۸٫۱	۹٫۷	۱۸۱٫۳	۱۳۹٫۴	انگلستان
۵٫۱	۳٫۶	۱۳۳٫۴	۹۱٫۷	ژاپن

کسرو ازنه ی باززگانی خارجی ایران باکشورهای نامبرده (به میلیون دلار)

سال ۱۳۴۷	سال ۱۳۴۶	
۵۰۱٫۶	۴۳۰٫۳	کشورهای عضو بازار مشترک
۲۰۱٫۶	۱۹۱٫۸	ایالات متحده ی امریکا
۱۷۳٫۲	۱۲۹٫۷	انگلستان
۱۲۷٫۸	۸۸٫۱	ژاپن
۱۰۰۴٫۲	۸۴۰٫۱	جمع کل

مقام اول رادرباززگانی خارجی ایران آلمان غربی داراست. در سال ۱۳۴۷ سهم آلمان غربی در کل واردات ایران ۲۳٪ بود. واردات ایران از آلمان غربی ظرف ۸ سال اخیر ۱۵۰ درصد افزایش یافته و از ۱۲۴ میلیون دلاریه ۳۱۱ میلیون دلار رسیده است. حال آنکه در صادرات ایران به آلمان غربی تغییرچندان محسوس محمل نیامده است. کسرو ازنه ی باززگانی ایران با آلمان غربی در سال ۱۳۴۷ به ۲۰۷ میلیون دلار بسود آلمان غربی بوده است. یعنی فقط طی یکسال انحصارهای آلمان غربی ۲۰۷ میلیون دلار به ارز ایران خارج کرده اند. در همان سال ایالات متحده ی امریکا ۲۰۱٫۶، انگلستان ۱۷۳٫۲ و ژاپن ۱۲۷٫۸ میلیون دلار از طریق تحمیل مبادله ی نابرابر باززگانی از ایران بیرون برده اند.

در سال ۱۳۴۶ از مجموع واردات ایران به ارزش ۱۱۹۰۳ میلیون دلار ۹۱۳٫۹ میلیون و در سال ۱۳۴۷ از ۱۳۸۹٫۲ میلیون دلار، مبلغ ۱۰۸۲٫۷ میلیون دلار بکشورهای عضو بازار مشترک، ایالات متحده ی امریکا، انگلستان و ژاپن تعلق داشته است. تنها طی دو سال (۱۳۴۶ و ۱۳۴۷) کشورهای نامبرده در برابر فروش ۱۹۹۵٫۶ میلیون دلار کالا به ایران، فقط هر ۱۵۲ میلیون دلار کالا از ایران خریداری کرده اند. لذا طی دو سال ۱۸۴۳ میلیون دلار از درآمد ارزی ایران به گاو و صند و قهپای انحصارهای جهان سرمایه داری غرب منتقل شده است.

امپریالیسم و صنایع نفت ایران

یکی از مهمترین رشته های صنعتی کشور که سرمایه های انحصاری امپریالیستی بر آن سیادت مطلق دارند، صنایع نفت ایران است. ذخیره ی نفت ایران که در سال ۱۹۵۴ به ۱۲ میلیارد بشکه تخمین زده شده بود، بدنیال عملیات اکتشافی و حفاری، در سال ۱۹۶۶ به بیش از ۴۰ میلیارد بشکه بالغ گردیده است.

میزان تقریبی ذخیره ی گاز ایران، طبق سرآورد رسمی، در حدود ۷۰ هزار میلیارد فوت مکعب تخمین زده میشود. این مقدار گاز مصداق

۱۰ میلیارد و ۸۵۰ میلیون بشکه نفت ارزش حرارتی دارد.
 معادن نفت ایران یکی از پرمحصولترین معادن جهان به شمار میرود. قدرت طبقات نفت در گچساران به ۴۱۰ متر میرسد. در جنوب کشور مساحت نفتی ایران در مساحتی بطول ۷۰۰ کیلومتر و عرض ۴۵ کیلومتر جای گرفته است.
 میزان ذخایر نفت جهان سرمایه داری در سال ۱۹۶۸ بالغ بر ۴۰۲ بلین بشکه برآورد شده است. از این مقدار ۳۹۳ بلین بشکه در ۷۱ میدان نفتی جهان قرار دارد که در بین آنها نیز ۱۵ میدان بزرگ نفتی از لحاظ اهمیت ذخایر شهرت جهانی دارد. و در بین این ۱۵ میدان چهارمعدن بزرگ نفت ایران به ترتیب زیر قرار دارد.

میدان	تاریخ کشف	میزان ذخیره (به بلین بشکه)
آغا جاری	۱۹۴۸	۹٫۵
گچساران	۱۹۲۸	۸٫۰
مارون	۱۹۶۴	۶٫۰
اهواز	۱۹۵۹	۶٫۰

از لحاظ تولید نفت ایران مقام اول را در خاورمیانه و نزدیک بدست آورده است

تولید نفت در برخی از کشورهای خاورمیانه و نزدیک و مقایسه آن با ایران
 (به هزار تن)

سال ۱۹۶۸	سال ۱۹۶۷	
۵۵۹ ۳۵۰	۴۹۸ ۸۵۴	خاورمیانه و نزدیک از آنجمله :
۱۴۱ ۸۰۰	۱۲۹ ۲۹۸	ایران
۱۴۰ ۰۰۰	۱۲۹ ۳۰۰	عربستان سعودی
۱۲۰ ۰۰۰	۱۱۵ ۱۶۹	کویت
۷۴ ۰۰۰	۶۰ ۱۶۵	عراق

میانگین تولید روزانه ی نفت در ایران از ۱۹۶۱ تا ۱۹۶۸ (واحد بهزار بشکه)

سال	تولید روزانه
۱۹۶۱	۱۲۰۲٫۲
۱۹۶۲	۱۳۴۴٫۵
۱۹۶۳	۱۴۹۱٫۳
۱۹۶۴	۱۷۱۰٫۷
۱۹۶۵	۱۹۰۸٫۳
۱۹۶۶	۲۱۳۱٫۸
۱۹۶۷	۲۶۰۳٫۲
۱۹۶۸	۲۸۳۲٫۵

میانگین کل تولید روزانه ی ایران در سال ۱۹۶۸ در حدود ۲۸۳۲ هزار بشکه بوده که از آن ۲۷۰۴ هزار بشکه در حوزوی قرارداد کنسرسیوم بین المللی نفت و مابقی یعنی فقط ۱۲۸ هزار بشکه از نفت شاه ، سیریب ، آپاک و لاکو بدست آمده است .

درآمد نفت ایران از سال ۱۹۵۷ تا ۱۹۶۸ (به میلیون دلار)

سال	مبلغ
۱۹۵۷	۲۱۳
۱۹۵۸	۲۴۷
۱۹۵۹	۲۶۳
۱۹۶۰	۲۸۵
۱۹۶۱	۳۰۱
۱۹۶۲	۳۳۴
۱۹۶۳	۳۹۸
۱۹۶۴	۴۷۵
۱۹۶۵	۵۳۴
۱۹۶۶	۶۰۷
۱۹۶۷	۷۴۶
۱۹۶۸	۸۳۶

میزان درآمد نفت ایران از هریشکه نفت خام و مقایسه ی آن با
برخی از کشورهای صدهای نفت خیز (سنت در هریشکه)

سال	عراق	ایران	عربستان سعودی	ونزوئلا
۱۹۵۷	۹۳٫۱	۸۶٫۸	۸۸٫۲	۱۰۳٫۰
۱۹۶۰	۷۸٫۶	۸۰٫۱	۷۵٫۰	۸۹٫۲
۱۹۶۱	۷۶٫۵	۷۵٫۸	۷۵٫۵	۹۲٫۹
۱۹۶۲	۷۶٫۷	۷۴٫۵	۷۶٫۵	۹۷٫۲
۱۹۶۳	۸۰٫۷	۷۹٫۸	۷۸٫۷	۹۸٫۶
۱۹۶۷	۸۵٫۴	۸۳٫۵	۸۴٫۲	۹۸٫۳
۱۹۶۸	۹۰٫۷	۸۶٫۳	۸۸٫۱	۱۰۴٫۷

در حال حاضر در حدود ۷۴٪ از کل درآمد ارزی ایران فقط از یک منبع، یعنی نفت تحصیل میشود. و کلیه ی منابع اقتصادی دیگر کشور از قبیل صادرات غیرنفتی و درآمدهای ارزی شرکت ملی نفت و درآمد جلب سیاحان و غیره فقط در حدود ۲۶٪ از کل درآمد ارزی را تشکیل میدهد.

صنعت نفت در تمامین رشد تولید ناخالص ملی سهم عمده را دارد. سهم فعالیتهای اقتصادی از تولید ناخالص ملی (به قیمت ثابت)، بموجب آمار رسمی دولتی بقرار ذیل است.

(درصد)

	۱۳۴۱	۱۳۴۵	۱۳۴۶
کشاورزی	۲۹٫۱	۲۵٫۵	۲۴٫۷
صنعت و معادن	۹٫۸	۱۱٫۰	۱۱٫۲
نفت	۱۳٫۰	۱۵٫۹	۱۷٫۰

سهم نفت در تولید ناخالص ملی از ۱۴٪ در سال ۱۳۴۱ به ۱۷٪ در سال ۱۳۴۶ افزایش یافته است و هنوز هم بعد از کشاورزی مقام

دوم را حائز است.

از سال ۱۹۰۳ تا ۱۹۵۱، در دوران سه دهه شرکت سابق نفت انگلیس و ایران درآمد نفت در حدود $\frac{1}{7}$ بخش درآمد بود چه ی ایران را تشکیل میداد. این وابستگی در حال حاضر بیش از پیش تشدید یافته است. درآمد نفت به سه شکل زیر در بودجه ی کل کشور در سال ۱۴۳۸ در نظر گرفته شده است.

- (۱) درآمد از کنسرسیوم بین المللی نفت،
- (۲) درآمد از دیگر کمپانیهای نفتی و بطور مشخص:

شرکت لاوان	۴۳۵	میلیون ریال
شرکت ایپاک	۲۲۵	" "
شرکت سیرپ	۴۰	" "

(۳) درآمد شرکت ملی نفت از طریق فروش مستقیم نفت در خارج مبلغ ۲۱۰ میلیون ریال. از ۱۲۴ میلیارد ریال درآمد بودجه ی عادی کشور در سال ۱۳۴۸ در حدود ۲۸ میلیارد ریال از محل درآمد نفت تأمین میشود که ۲۰٪ درآمد کل بودجه ی عادی است.

سهیم سازمان برنامه از درآمد نفت در بودجه ی سال ۱۳۴۸ به ۵۱ میلیارد ریال بالغ میشود. در حدود ۳۶٪ از کل درآمد بودجه ی کل ایران که ۲۲۱ میلیارد ریال است از محل درآمد نفت تأمین میشود. میزان استفاده بودجه های عادی و عمومی ایران از درآمد نفت در سالهای اخیر به شرح زیر بوده است (ارقام به میلیارد ریال):

سال	۱۳۴۲	۱۳۴۳	۱۳۴۴	۱۳۴۵	۱۳۴۶
مبلغ	۲۷٫۷	۳۶٫۴	۳۹٫۵	۴۷	۵۴

درآمد ناشی از نفت بطور متوسط معادل ۸٫۸ درصد از کل درآمد ملی کشور بوده که این نیز بزرگترین درصد رقم درآمد ملی را در مقایسه با نسبت سایر منابع درآمد دولت تشکیل میدهد (مراجعه شود به جدول زیر):

درصد منابع عده ی درآمد بودجه (به درآمد ملی کشور) در سال ۱۳۴۶

نفت	۸٫۸ درصد
مالیات غیر مستقیم	۸٫۴
گمرک	۳٫۰
وامهای خارجی	۲٫۴
مالیات مستقیم	۱٫۷

وابستگی اقتصادی ایران به نفت در سالهای آینده بیشتر خواهد شد. طبق برآورد برنامه ی پنجساله ی چهارم عمرانی درآمد نفت - بایستی در فاصله ی سالهای ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۱ از ۸۱۴ میلیون دلار به ۱۵۵۸ میلیون دلار بشود که این افزایش باید:

سال	درآمد نفت به میلیون دلار
۱۳۴۸	۱۰۰۴
۱۳۴۹	۱۱۶۱
۱۳۵۰	۱۳۵۰
۱۳۵۱	۱۵۵۸

وابستگی اقتصادی کشور به نفت، یعنی وابستگی به انحصارهای امپریالیستی جهان سرمایه داری، زیرا هم اکنون در هر انحصار نفتی خارجی متعلق به اکثر کشورهای رشد یافته ی صنعتی جهان سرمایه داری حاکم مطلق بر صنایع و منابع نفت ایران اند.

کامپانیهای خارجی حاکم بر منابع نفت ایران

ایالات متحده ی آمریکا

- | | |
|-------------------------------------|---------------------------------------|
| ۱- ستاند ارد اویل کمپانی اف نیوجرسی | ۲- ستاند ارد اویل کمپانی اف کالیفرنیا |
| ۳- تکزاس اویل کمپانی اینکورپوریشن | ۳- سوکونی موبیل اویل |
| ۵- کالف اویل کورپوریشن | ۶- ریچفیلد اویل کورپوریشن |
| ۷- ستاند ارد اویل کمپانی اف اوهایو | ۸- گتشی اویل کمپانی |
| ۹- سیگنال اویل کمپانی | ۱۰- اتلانتيك ریفاينينگ کمپانی |
| ۱۱- هنکوک اویل کمپانی | ۱۲- تایید و آترا اویل کورپوریشن |
| ۱۳- سان پترولیوم کورپوریشن | ۱۴- پان امریکن پترولیوم کورپوریشن |
| ۱۵- شل اویل کمپانی | ۱۶- سوپرور اویل کمپانی |
| ۱۷- سانری اویل کمپانی | ۱۸- سکلی اویل کمپانی |
| ۱۹- سیتیز سرویس کمپانی | ۲۰- مارتی کورپوریشن |
| ۲۱- اونیون اویل کمپانی اف کالیفرنیا | ۲۲- فیلیپس پترولیوم کمپانی |
| ۲۳- کنستینتال اویل کمپانی | |

انگلستان

۲۴- بریتیش پترولیوم

هلند

۲۵- رایپال داج شل

ایتالیا

۲۶- آجیب میناری

فرانسه

۲۷- کمپانی فرانسه د و پترول

۲۸- اراپ

۲۹- پتروپار

۳۰- رژی اتونوم د و پترول

۳۱- سوسیه ته تاسیونال د و پترول

آلمان غربی

۳۲- د ویچه ارد اول آ.ک

۳۳- د ویچه ساختیا و اوند تیف باوگنلشافت

۳۴- گورکشافت الورات

۳۵- وینترز هال آ.ک

۳۶- پرساک آ.ک

۳۷- کلسن دیوشنویک ورگی آ.ک

۳۸- شولفن شمی آ.ک

اسپانیا

۳۹- هیسپاین اویل

اطریش

۴۰- امی

بلژیک

۴۱- پتروفینا

جمعا ۴۱ کمپانی بزرگ و کوچک د ولتی وخصوصی و مختلط از ۹ کشور رشد یافته ی صنعتی جهان سرمایه داری بزرگ و کوچک همگن اکتون مسلط بر منابع و ذخائر نفتی ایران هستند. مساحت کل اراضی که بموجب قرارداد های مختلف د ر اختیار انحصارها و کمپانیهای نفتی مذکور گذارده شده است بالغ بر ۴۱۰ هزار کیلومتر مربع است. بد یگر سخن مساحت اراضی تحت تسلط کمپانیهای نفتی کشورهای امپریالیستی پتنبهائی بیش از مجموع مساحت ایتالیا و یونان و یابیش از مجموع مساحت آلمان و اطریش است.

د ربین کمپانیهای نامبرده کنسرسیوم بین المللی نفت نقش حاکم راد رایران ایفا میکند. خلاصه ی عملیات کنسرسیوم بین المللی نفت از سال ۱۹۵۴ تا ۱۹۶۸ د رجدول زیر آمده است :

تولید ناویژه ی نفت خام			
به میلیون تن سنگین	به میلیون بشکه	به میلیون مترکعب	
۱۳۳	۹۹۲	۱۵۸	سال ۱۹۶۸
۹۳۶	۶۹۸۵	۱۱۱۱	از ۱۹۵۴ تا ۱۹۶۸

پرداختی به دولت ایران			
به میلیون ریال	به میلیون دلار	به میلیون لیبره	
۶۰۲۹۵	۸۰۴	۳۳۶	سال ۱۹۶۸
۴۰۲۶۹۵	۵۳۷۰	۱۹۷۹	از ۱۹۵۴ تا ۱۹۶۸

سرمایه گذاری بوسیله کنسرسیوم بین المللی نفت			
به میلیون ریال	به میلیون دلار	به میلیون لیبره	
۵۰۲۵	۶۷	۲۸	سال ۱۹۶۸
۵۲۲۲۵	۶۹۷	۲۵۴	از ۱۹۶۸ تا ۱۹۵۴

حتی اگر سود انحصارهای اعضا* کنسرسیوم بین المللی نفت را برابر با سهم پرداختی به ایران فرض کنیم، کنسرسیوم نفت از سال ۱۹۵۴ تا سال ۱۹۶۸ در مقابل فقط ۶۹۷ میلیون دلار سرمایه گذاری سودی برابر ۵۳۷۰ میلیون دلار بدست آورده است* سود انحصارهای نفتی نسبت به هزینه ی تولید در ایران ۷۹٪، در عربستان سعودی ۶۶٪ و در کویت ۵۸٪ است* در سال ۱۹۶۸ از ۸ ر ۱۴۱ میلیون تن نفت تولید شده در ایران ۱۳۳ میلیون تن و از مجموع ۱۱۲ میلیون تن نفت صادراتی ۱۱۰ میلیون تن آن توسط کنسرسیوم بین المللی نفت تولید و صادر شده است* و از اینجانب نیز وابستگی ایران به انحصارهای بزرگ نفتی اعضا* کارتل بین المللی نفت که سهام کنسرسیوم را بدست دارند، بطرز بارزی نمودار میگردد* وابستگی اقتصادی ایران به نفت و انحصارهای امپریالیستی خارجی، یعنی وابستگی به نوسانات بازار جهانی سرمایه داری، یعنی وابستگی به میزان تولید نفت در داخل کشور و قیمت اعلان شده ی آن* از آنجائیکه از لحاظ تاریخی بازار فروش نفت ایران همیشه در کشورهای رشد یافته ی صنعتی سرمایه داری بوده، لذا انتظارت انحصارهای نفتی بر صنایع نفت ایران، وابستگی مجموع اقتصاد کشور را به امپریالیسم و چند انحصار

امپریالیسم و صنایع تبدیلی ایران

در آذرماه ۱۳۳۴ دولت ایران برای تشویق سرمایه گذاران خارجی قانون جلب و حمایت سرمایه گذاری خارجی را تصویب و بموقع اجرا*

گذارد. قانون مزبور به سرمایه های انحصاری خارجی حقوقی برابر با سرمایه های داخلی قائل گردید و امتیازاتی از آنجمله اجازه ی خارج ساختن اصل سرمایه و سود حاصله به سرمایه گذاران داده شد. در ماده ی سوم این قانون گفته میشود سرمایه هایی که بموجب این قانون وارد ایران خواهد شد و همچنین سود یکه در نتیجه ی سرمایه گذاری بدست خواهد آمد از حمایت قانونی دولت بهره مند خواهد بود. کلیه ی حقوق و مزایایی که بسرمایه ی خصوصی داخلی داده شده ، شامل سرمایه ها و موسسات خارجی نیز خواهد بود.

در مهرماه ۱۳۳۵ دولت آئین نامه ی اجرائی این قانون را تصویب رساند که طبق آن در صورت مصادره سرمایه ی خارجی دولت متعهد میگردد ارزش عاد لانه ی سرمایه گذاری را مسترد دارد. علاوه براین دولت متعهد میشود ارزش لازم برای صدور سرمایه و سود از ایران را در اختیار سرمایه گذار خارجی قرار دهد.

در سال ۱۳۴۱ برخی تغییرات بسود سرمایه گذاران خارجی در مواد قانون جلب و حمایت سرمایه های خارجی بعمل آمد و مسئولیت جلب سرمایه های خارجی بمعهد ه ی بانک مرکزی گذارد ه شد. در این بانک سازمانی بنام مرکز جلب سرمایه های خارجی بوجود آمد. در بهمن ماه ۱۳۴۲ د و باره بنابه پیشنهاد این مرکز تجدید نظری در قانون جلب و حمایت از سرمایه های خارجی بعمل آمد. در آذرماه ۱۳۴۶ دولت حتی مقررات اجازه ی تملك محدود بسرمایه گذاران خارجی را تصویب رساند.

رسوخ سرمایه های خصوصی انحصارهای امپریالیستی در صنایع تبدیلی ایران بویژه بعد از جنگ جهانی دوم بسرعت روبه گسترش است. در از سال ۱۳۲۵ تا ۱۳۲۹ شش شرکت بازرگانی ، د و شرکت حمل و نقل ، یعنی جمعا ۸ شرکت خارجی در ایران به ثبت رسیدند. از سال ۱۳۳۰ تعدا شرکتها و تنوع رشته های سرمایه گذاری بسرعت روبه افزایش گذارد. از سال ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۴ مجموع شرکتهای خارجی به ثبت رسید ه بشرح زیر بود:

در این دوره برای نخستین بار پس از جنگ جهانی دوم يك شرکت صنایع کارخانه ای خارجی در ایران بوجود آمد.

رشته	تعداد شرکت
استخراج معادن و حفاری	۱
صنایع کارخانه ای	۱
برق و گاز و آب	۱
خدمات	۶
ساختمان	۸
حمل و نقل و ارتباط	۸
بازرگانی	۲۲

از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۲۹ تعداد شرکتهای ثبت شده در ایران به ۱۳۵ رسید :

۳	کشاورزی
۱۱	استخراج معادن
۵	صنایع کارخانه ای
۲۷	ساختمان
۴	برق و گاز آب و خدمات بهداشتی
۲۸	بازرگانی
۱۳	حمل و نقل و ارتباط
۴۴	خدمات
۱۳۵	جمع

شرکتهای خارجی که از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۲ در ایران به ثبت رسیدند عبارت بودند از :

۱	کشاورزی و جنگلیانی
۴	استخراج معادن و حفاری
۱	صنایع کارخانه ای
۱۳	ساختمان
۲	برق و آب و خدمات بهداشتی
۴	بازرگانی
۲	حمل و نقل و انبارداری و ارتباط
۱۸	خدمات

یش

از سال ۱۳۴۲ بعد نیز تعداد زیادی شرکتهای خارجی در ایران به ثبت رسیده است. آنچه در این میان جلب نظر میکند سرعت افزای تعداد شرکتهای صنعتی مختلف است در ده سال اخیر. و اکثر اینگونه شرکتهای در آن با سرمایه ی خصوصی امریالیستی با سرمایه های محلی به هم آمیخته صنایع تبدیلی و مونتاژ ایران را هم اکنون اداره میکنند. در حال حاضر سرمایه های امریالیستی خارجی خصوصی در صنایع زیرکاراند اختسه شده است :

- | | |
|-------------------------|---------------------|
| ۱- صنایع لاستیک و باطری | ۱- صنایع مونتاز |
| ۲- صنایع شیمیائی | ۲- صنایع الکتریکی |
| ۳- صنایع پتروشیمی | ۳- صنایع آلومینیم |
| ۴- صنایع ساختمانی | ۴- صنایع غذایی |
| ۵- صنایع فلزی | ۵- تصفیه روغن موتور |
| | ۶- فعالیتهای معدنی |

تقریباً کلیه ی کشورهای رشد یافته ی صنعتی سرمایه داری در رشته های فوق سرمایه گذاری نموده اند. از آنجمله اند: ایالات متحد هی امریکا، جمهوری آلمان فدرال، انگلستان، فرانسه، هلند، بلژیک، سوئیس، ایتالیا، دانمارک، سوئد و ژاپن و غیره. برای ترمیم و وسعت رسوخ سرمایه های امپریالیستی در صنایع و معادن ایران ما عده ترین رشته هایی را که سرمایه های خصوصی خارجی بد آنها راه یافته اند برحسب کشور سرمایه گذار ذکر میکنیم:

ایالات متحده ی امریکا

- (۱) کمپانی کارخانه "ویلیمز" در "شرکت سهامی جیب ایران"
- (۲) کمپانی آمریکن موتورس در شرکت ایران ناسیونال
- (۳) کارخانه ی کامیون سازی "مک" در شرکت سهامی اتومبیل سازی کاوه
- (۴) کمپانی "المیا" در کارخانه ی مونتاژ دستگاههای گیرنده تلویزیون، رادیو و بلندگو و غیره
- (۵) کمپانی انترنشنال پ.ف.گود ریچ در کارخانه ی لاستیک سازی ایران
- (۶) کمپانی جنرال تایر امریکن در شرکت تایر اند رابیر - ایران
- (۷) کمپانی "آمریکن دین باکستر" در کارخانه ی داروسازی "تام"
- (۸) کمپانی "اولین ماتیون کیمیکال" در کارخانه ی داروسازی
- (۹) کمپانی "کلگیت پالم اولیو" در کارخانه ی صابون، خمیر دندان و لوازم آرایش
- (۱۰) کمپانی "آمریکن سیانامید" در کارخانه ی انتی بیوتیک
- (۱۱) کمپانی "پروکتراوند ڈابیل" در کارخانه ی گرد پاک کن
- (۱۲) کمپانی "بفایزر کورپوریشن" در کارخانه ی مواد شیمیائی و کشاورزی
- (۱۳) کمپانی "فیلیپس براد رز" در کارخانجات نورد آهن
- (۱۴) کمپانی "بیرس" در کارخانه ی تلخه سازی
- (۱۵) کمپانی "الکترونیک استورج باطری" در کارخانه ی باطری سازی
- (۱۶) کمپانی "دولنتی کورپوریشن" در کارخانه ی تولید مصالح ساختمانی
- (۱۷) کمپانی "فیلیپ براد رز" در کارخانه ی تولید هفتول آهنی
- (۱۸) کمپانی "فیرهرست تکنیکال سرویس انترنشنال" در صنایع چوب
- (۱۹) کمپانی "الیانس ایندوستریال کورپوریشن" در صنایع شیشه سازی
- (۲۰) کمپانی "انیدنکو" در کارخانه ی شیر
- (۲۱) کمپانی "کلاریت" در کارخانه ی چرخ گاز
- (۲۲) کمپانی "نورکو" در بهره برداری از زغالله ی تهران
- (۲۳) کمپانی "فیلیپ براد رز" در معادن شهریار و شاهین شیراز
- (۲۴) کمپانی "مالتز کلالیکس" در معادن سرب و قلع شاهکوه زنجان

- (۲۵) کمپانی "سیلیکات ورینلیق" در معادن
 (۲۶) کمپانی "آلاید کمیکال" در کارخانه ی پتروشیمی شاهپور
 (۲۷) کمپانی "آمکو" در کارخانه ی پتروشیمی خارک
 (۲۸) کمپانی "رینولدز" در کارخانه ی المونیم ایران
 (۲۹) کمپانی "آمریکن متالز کلایماس" در معادن سرب و روی مهدی آباد
 (۳۰) کمپانیهای "ایران نجتل کورپوریشن"، "پتلمس سیتی کورپوریشن"، "اف . ام . ک . انترنشنال کورپوریشن" در کنسرسیوم
 عمران بند عباس .

جمهوری فدرال آلمان

- (۱) کمپانی "زیمنس" در مونتاژ ترانسفورماتورو تابلوهای تقسیم و انشعاب فشارقوی
 (۲) کمپانی "دایملر بنز" در کارخانه ی مونتاژ اتومبیل
 (۳) کمپانی "ستاند ارد الکتریک لورنز" در کارخانه ی مونتاژ رادیو و تلویزیون
 (۴) کمپانی "زالتسکیتر ایندوستریال" در کارخانه ی قند اصفهان
 (۵) کمپانی "زالتسکیتر ماشینن"، "ا . س" - زالتسکیتر - باد" در کارخانه ی قند کرمانشاه
 (۶) کمپانی "ماشینن فابریک لیمیتد" در کارخانه ی تصفیه ی شگراهواز
 (۷) کمپانی "گرام الاک" در کارخانه ی مونتاژ گرام
 (۸) کمپانی "کنرال پلاستیک لیمیتد" در کارخانه ی تولید مواد پلاستیک
 (۹) کمپانی "فاریسن فابریکن یائوئر" در کارخانه ی تولید دارو و مواد شیمیایی
 (۱۰) کمپانی "ولآ آگمین گزلسافت" در کارخانه ی مواد شیمیایی و لوازم کوسمه تیک
 (۱۱) کمپانی "بایریشه کابل ورکه" در کارخانه ی کابل سازی
 (۱۲) کمپانی "دماک کروپ" در کارخانجات نورد آهن
 (۱۳) کمپانی "بود و اوانفرید رشتریک اند ویرکوارن فابریک" در کارخانه ی محصولات پشمی
 (۱۴) کمپانی "هوشمسته" در کارخانه ی پلی استر
 (۱۵) کمپانیهای "جیپین لیمیتد" و "گبرود رکنناوف" در کارخانه ی گیپس
 (۱۶) کمپانی "دایملر بنز" در کارخانه ی موتور دیزل
 (۱۷) کمپانی "زیمنس" در کارخانه ی تلفن سازی
 (۱۸) کمپانی "متال گزلسافت" در معادن مس

انگلستان

- (۱) کمپانی "آلن اند من پرن" در کارخانه ی داروسازی

- ۲) کمپانی ۰۱ ف ۰ کرگ اند کمپانی " درکارخانه ی قند آبگو
- ۳) گروه " روست " در صنایع مونتاز
- ۴) بانك " گالینورث بنس " درکارخانه ی تهیه ی سولفور
- ۵) کمپانی " انگلیش الکتریک " درکارخانه ی موتور دیزل
- ۶) کمپانی " روتیز موتورز ادرسی " درکارخانه ی مونتاز اتوموبیل
- ۷) کمپانی " سلچن گراف " درمعادن مس کرمان
- ۸) کمپانی " ریو - تینتو زینو کورپوریشن " درمعادن سرب و روی
- ۹) کمپانی " کینگسود " درکارخانه ی تولید کفش

از دیگر کشورهای سرمایه داری که در ایران سرمایه گذاری کرده اند، سرمایه های خصوصی امریکایی فرانسه از طریق کمپانی " سوسیته فرانسز د و راد یو - تلوزیون " درکارخانه ی مونتاز رادیو و تلوزیون، کمپانی " سیتروئن " در مونتاز اتوموبیل، " کمپاری ای انژی اتی فرانسه " درمعادن اورانیوم، شرکت ایرانیات در صنایع مصالح ساختمانی بکار انداخته شده است. علاوه بر این کمپانیها و موسسات فرانسیسی ۱۰۱۰ م. موسسات الکتریکی و مکانیکی، کمپانی مرکزی آب برای خارجه، کمپانی ژنرال ژئوفیزیک، گروه شنایدر، انترپوز، فیربال، فراقوسیر، کیسم، کلبس رلوب، سیرمات، سوگره، سومیک، پناویا، سورفو، استیسپ و غیره نیز با مستقیما و یا با مشارکت شرکت های ایرانی در رشته های مختلف صنعتی و معدنی و غیره سرمایه گذاری نموده اند.

کمپانیهای هلندی " ورکسپور سرویسز اند کنتراکشن . وی " درکارخانه ی داروسازی، " پروویسی " در صنایع غذایی، " پیترو شوئن اند زون " درکارخانه ی رنگسازی، سرمایه بکار انداخته اند. کمپانیهای سوئدی " یولیند ریمونکتل " و " فایزر " در صنایع داروشی و همچنین در ترکیب " شرکت سهام ایران - سوئد زامبار " در مونتاز ترانکتور سرمایه گذاری کرده اند.

کمپانیهای " کوزانگاز " و " دانکه فاروی - اگ لاک فابریک " از انمارک پتروبیوم درکارخانه ی اجاق گاز و صنایع رنگ، " گراویل " و " سوسیته ژنرال د منیره " از بلژیک درکارخانه ی شیشه سازی و معادن فلزات غیر آهنی، " فیات " و " له دوگا میلاند " در مونتاز اتوموبیل و داروسازی، عمران بلوچستان، " سیب آورا "، " توسییا " و غیره از ژاپن در مونتاز رادیو و تلوزیون و تولید گاز مایع سرمایه گذاری کرده اند. شش کمپانی ژاپنی در اراضی زیر سد دز در ساخت ۱۰ هزار هکتار و کمپانی " نی هون کوسی " در ۸۰۰ هکتار مزرعه ی پرورش گیلان فعالیت دارند.

امپریالیسم و بانکداری در ایران

هجوم سرمایه های خارجی امپریالیستی برای تشکیل بانک در ایران، خیلی قبل از سرمایه گذاری وسیع در صنایع تبدیلی آغاز شد.

قانون بانکداری مصوب مورخ پنجم خرداد ۱۳۲۴ زمینة مناسبی برای این پورش سرمایه های بانکی امپریالیستی بوجود آورد.

بانکهای مختلف در ایران			
نام	تاریخ تأسیس	ملیت سهامدار خارجی	درصد سهام خارجی
بانک تهران	۱۳۳۴	فرانسوی	۴۰
بانک اعتبارات ایران	۱۳۳۷	فرانسوی	۴۹
بانک بین‌المللی ایران و ژاپن	۱۳۳۷	ژاپنی	۳۵
بانک ایران و انگلیس	۱۳۳۷	انگلیسی	۴۹
بانک ایران و خاورمیانه	۱۳۳۷	انگلیسی	۴۹
بانک تجارتی ایران و هلند	۱۳۳۷	هلندی	۲۳
بانک ایران و سوئیس	۱۳۳۷	سوئیس	۴۰
بانک تجارت خارجی ایران	۱۳۳۷	امریکائی، المانگزی، ایتالیائی	۴۹
بانک ایرانیان		امریکائی	۳۵
بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران	۱۳۳۸	۱۹ بانک خارجی	۲۰

هم اکنون سرمایه ی بانکی و موسسات صنعتی تمام کشورهای کوچک و بزرگ رشد یافته ی صنعتی سرمایه داری در بانکهای فوق ، به فعالیت وسیع در رشته های مختلف اقتصاد ایران دست زده اند .

بانکها و موسسات صنعتی امریکائی سرمایه گذار در بانکهای ایران

امریکائی

1. Bank of America (International)
2. Lazare Brother and company
3. Chase International Investing Company
4. International Basic Economy Corp.

5. Boston Corporation

فرانسوی

6. Banque de Paris

7. Ottoman de Paris

8. Banque de Beirut

9. Crédit Lyonnais

10. Banque d'Indochine

11. Banque National Petrolcours

12. Banque Comptoire Nationale

13. Lazare Frère and Company

14. Banque de Paris et de Hollande

انگلیسی

15. The Chartred Bank Group

16. Eastern Bank

17. British Bank of Middle East

18. Lazare Brother Company Ltd.

19. Loyal Bank Ltd.

20. Midland Bank Ltd.

21. England Electric Company Ltd.

22. Simon Carooze Ltd.

ایتالیایی

23. Banca Commerciale Italiana

24. Banali Credito Finanze Mario

25. Montecatini

26. Fiat

آلمان غربی

27. Deutsche Bank A. G.
28. Saal, Oppenheim und Companie

هلندی

29. Nederlandsche Handel Maatschappij
30. Holland Bank Unie

بلژیکی

31. Sofina Bank

ژاپنی

32. Bank of Tokyo

علاوه بر آنچه شمردیم گروهی از سرمایه داران ژاپنی و سوئیسی نیز در بانکهای ایران سرمایه گذاری کرده اند* سرمایه ی بانکی امپریالیستی با اختلاط با سرمایه های محلی در رشته های صرافتی، بازرگانی داخلی و خارجی، هتلداری، صنایع و معادن ایران نفوذ کرده است* مثلاً ۱۹ بانک و موسسات صنعتی خارجی از ۳۲ بانک فوق در* بانک توسعه ی صنعتی و معدنی ایران* سرمایه گذاری کرده اند* هدف پیمان این بانکها توانسته اند نظارت خود را بر عهده ترین رشته های صنعتی ایران که توسط بانک توسعه ی صنعتی و معدنی ایران بوجود آمده گسترش دهند*

دولت ایران به بانک توسعه ی صنعتی و معدنی ایران حق آتراداده که شرکتهای صنعتی و عمرانی تشکیل داده، سهام آنها را منتشر ساخته و قسمتی از آنها را نیز برای خود نگاهدارد و همچنین در موسسات و شرکتهای صنعتی موجود نیز سهمی دارد*

باید دانست که طبق قانون پنجم خرداد ۱۳۳۴ سایر بانکهای ایران از چنین حقی که تا مین کنند، تسلط آنها بر اقتصاد کشور است محروم گردیده اند و چنین حقی استثنائاً به بانک توسعه ی صنعتی و معدنی ایران داده شده است* و با استفاده از این حقوق* بانک توسعه ی صنعتی و معدنی* در حال حاضر به بزرگترین سرمایه گذار در اقتصاد ایران و به عهده ترین حربه ی نو استعماری بدل گردیده است* عده ترین شرکتهای صنعتی و غیرصنعتی تحت نظارت* بانک توسعه ی صنعتی و معدنی ایران* عبارتند از:

- (۱) شرکت سهامی پیرلس ایران - کارخانه ی پمپ و لوازم آبیاری
- (۲) شرکت سهامی پشم بافی ایران ک - کارخانه ی پارچه های پشمی و کارخانه های لباس دوزی
- (۳) شرکت سهامی الیاف - کارخانه ی ساخت محصولات نایلونی

- ۴) شرکت سهامی شهید - کارخانه ی قند و شکر
- ۵) شرکت سهامی تدبیر صنعت - عملیات مهندسی مشاور
- ۶) شرکت سهامی کاغذ پارس - کارخانه ی کاغذ سازی
- ۷) شرکت سهامی درمن دیزل ایران - کارخانه ی موتور دیزل
- ۸) شرکت ترانس پیک - کارخانجات تولیدی
- ۹) شرکت سهامی قند نیشابور - کارخانجات قند
- ۱۰) شرکت سهامی شیشه ی قزوین - کارخانه ی شیشه ی جام
- ۱۱) شرکت سهامی جنرال تایر واریر ایران - کارخانه ی لاستیک توئی و روئی
- ۱۲) شرکت سهامی خاص موتورهای دیزل ایران - کارخانه ی موتورهای دیزل
- ۱۳) شرکت سهامی صنعتی توشیبا - انحصار کارخانه های اتومبیل
- ۱۴) شرکت سهامی کشتیرانی آریا - حمل و نقل دریائی
- ۱۵) شرکت دوچرخه و موتورسیکلت ایران - کارخانه ی دوچرخه و موتورسیکلت
- ۱۶) شرکت سهامی خاص پلبرینگ - کارخانه ی تولید یاتاقان ساچمه ای

در صحنه ی اجتماعی و اقتصادی لبه ی تیز یورش امپریالیسم در ایران متوجه گسترش دامنه ی استثمار خلیقه های ایران بوسیله ی * کک *
 * وامهای اسارت آور، بازرگانی نامتعادل و تبادل نابرابر، سد و سرمایه و غیره است * هدف نهائی عبارتست از تحکیم وابستگی مالی، فنی و اقتصادی
 ایران به کشورهای عده ی رشد یافته ی صنعتی جهان سرمایه داری *

نفوذ سیاسی و نظامی امپریالیسم در ایران

نخستین میسیون نظامی آمریکا در پائیز سال ۱۹۲۲ متعاقب ورود سی هزار نفر از نیروهای مسلح امریکادرد سامبرسال ۱۹۴۱ وارد ایران
 شد. این میسیون که مرکب از گروهی از افسران امریکابریاست نورمان شوارتسکیف بود برای باصطلاح تجدید سازمان ژاندارمری ایران بکشور ما آمد.
 گروه نظامی شوارتسکیف بدوین تبادل کوچکترین سند رسمی در ایران بکار آغاز نمود. یکسال بعد - ۲۷ نوامبر ۱۹۴۲ - موافقتنامه ی مربوط به
 "هیئت مستشاری برای تجدید سازمان ژاندارمری ایران" بین نخست وزیر وقت محمد ساعد و لوئیس دریفوس سفیر کبیر امریکادرایران امضا شد.
 در سپتامبر ۱۹۴۵ مأموریت میسیون شوارتسکیف در ایران پایان یافت، ولی دولت ایران مدت اقامت میسیون را برای یکسال تمدید کرد
 و پس از خاتمه ی یکسال برای بار دوم خدمت افسران امریکائی بعدت دو سال دیگر تمدید شد.
 در سال ۱۹۴۸ شوارتسکیف از ایران رفت و در تابستان همانسال سرهنگ امریکائی د. ر. پیرس بسمت رئیس جدید هیئت مستشاران
 نظامی ژاندارمری امریکادوارد ایران شد. با ورود وی برای سومین بار قرارداد تمدید گردید.
 قرارداد مربوط به میسیون نظامی آمریکا که در حال حاضر نیز اداره ی ارتش ایران را عملاً بدست دارد، ۲۴ اکتبر ۱۹۴۳ بموجب ماده *

واحد ه ای بتصویب رسید *

ریاست نخستین هیئت مستشاران نظامی امریکارا ژنرال ک * ردلی بمعهد ه داشت * وظایف محوله ی مستشاران عبارت بود از تجدید سازمان ارتش ایران ۱۰ اکتبر ۱۹۴۷ د دولت امریکا قرارداد جدیدی د یاد ولت قوام السلطنه منعقد ساخت که بموجب آن میسیون نظامی امریکا ما مور همکاری باوزارت جنگ ایران گردید * قرارداد مذکور حاوی ۴ فصل و ۲۵ ماده بود * برخی ازمواد این قرارداد ادکه ماهیت استعماری آنرا نشان میدهد درذیل آمده است :

ماده دهم (فصل سوم) — اعضای هیئت مستشاران یاد رجه ای که د ارتش ایالات متحده ه ی امریکا د ارتد انجام خدمت خواهندگرد * ولی افسران امریکائی مافوق کلیه ی افسران ایرانی که د ارای د رجه ی مشابه هستند محسوب خواهند شسد * اعضا * هیئت حق استفاد ه از همه ی مزایای د ر نظر گرفته شد ه برای افسران ایرانی همرد پفشان راد ارتد * آنها اونفورم افسران امریکائی راد ربرخواهند داشت ؛ ولی حامل علامت ویژه ای که سمت آنان راد ر ارتش ایران معین میکند خواهند بود * * *

ماده ۱۲ (فصل سوم) — رئیس هیئت مستشاران و اعضا * آن حق د ارتد برای انجام وظایف مند رجه د رمواد هفتم و هشتم کلیسه ی واحد های ارتش رابازرسی نمایند * افسران ایرانی که د ر راس این ادارات قرارداد ارتد مکلفند این بازرسی راتسهیل نمایند و مدارک و اسناد و نامه های ضروری راد ر اختیار بازسان قراردهند * * *

ماده ۱۳ (فصل چهارم) — اعضای هیئت حقوق سالیانه ی خود را بپول رایج د رایالات متحده ه ی امریکا بصورت برات یاچک ازد ولست ایران دریافت مید ارتد * مبلغ حقوق و مزایای هر یک از اعضا * هیئت پاتوافق د ولتهای ایران و ایالات متحده ی امریکامعین خواهد گردید * * * حقوقها ازهرگونه مالیاتی د رحال و آینده معاف خواهد بود و د ر صورتیکه د ر دوره ی اعتبار قرارداد مذبور مالیات جدیدی برحقوق و مزایای اعضا * هیئت تعیین شود ؛ آن مالیات را د ولت ایران باید بپرد ارتد * ازحقوق اعضا * هیئت د یناری کسرنخواهد شد *

ماده ۱۹ (فصل چهارم) — برای تکمیل وسائط نقلیه ی د ر اختیار هیئت ؛ د ولت ایران د ر صورت ضرورت وسائل لازم ازقبیل اتومبیل وهوا پیم د ر اختیار آنان خواهد گذ ارد * * * تعد اد و نوع اتومبیلها توسط وزارت جنگ امریکامعین خواهد شد * علاوه براین یک هواپیمای امریکائی و سرنشینان آن حق ورود بایران و خروج ازآنها خواهد داشت * * *

ماده ۲۴ (فصل چهارم) — د ر کلیه ی مدت اعتبار این قرارداد و یاد وره ی تمدید آن د ولت ایران نمیتواند هیچ خارجی غیر امریکائی را برای خدمت د رسازمانها و اداراتی که با ارتش زابطه د ارتد استخدام نماید ؛ مگر اینکه بین د ولتین ایالات متحده ه ی امریکا و ایران د راین مورد موافقت بعمل آید *

مواد مذکورکه ناقض حق حاکمیت و استقلال ابرانست و د رعین حال افسران امریکائی را بطور کامل بر ارتش ایران مسلط ساخته ؛ امسروز نیز بقوت خود پاتمیست * علاوه براین د رایانماه سال ۱۳۴۳ د ولت حسنعلی منصور لایحه ای رابصویب د جلسین رساند که بموجب آن مصو نیست سیاسی به مستشاران نظامی امریکا د ر ایران اعضا * گردید *

د ر نوامبر سال ۱۹۵۵ د ولت ورود ایران رایبه پیمان پخدا د (سنثو فعلی) که توسط امریکالیستهای انگلیس و امریکا سرهم بندی شد ه بود و علاوه برانگلستان ؛ پاکستان ؛ ترکیه و عراق نیز عضو آن بودند ؛ اعلام داشت *

پس از انقلاب عراق در سال ۱۹۵۸ و خروج آن کشور از پیمان، دولت ایران مذاکره با مقامات امریکائی را برای انعقاد قرارداد دو جانبه نظامی آغاز کرد. در پنجم مارس ۱۹۵۹ سفیر کبیر ایران در آنکارا سرلشکر ارفع و سفیر کبیر امریکا "ف. اوین" قرارداد دو جانبه ی نظامی ایران - امریکارا امضا نمودند. در مقدمه ی قرارداد گفته میشود:

"باتذکار اینکه در اعلامیه ی مذکور در فوق (منظور اعلامیه ی مشترک اعتضا* پیمان سنتو منتشره در لندن ۲۸ ژوئیه ۱۹۵۸ میباشد که بموجب آن دولت امریکار سماهکاری و شرکت خود را در کمیسیونهای مختلف این پیمان اعلام نمود) اعضای پیمان همکاری متقابل، بغداد تصمیم خود را درباره ی امنیت دسته جمعی خویش و مقاومت در برابر تجاوز مستقیم و غیر مستقیم تأیید نمودند. دولتین ایران و ایالات متحده ی امریکا درباره ی مطالب زیر موافقت کردند: . . ."

دولت ایران "مصمم است در مقابل تجاوز مقاومت نماید" در صورت تجاوز علیه ایران دولت ایالات متحده ی امریکا "طبق قانون اساسی خود هرگونه تدابیر لازم حتی بکار بردن نیروهای مسلح را، که با موافقت مشترک لازم تشخیص داده شده باشد، برحسب روح اعلامیه ی مشترک اتخاذ خواهد کرد (نقل از ماده ی اول قرارداد)

در ماده ی سوم دولت ایران متعهد میشود که کمک نظامی و اقتصادی دولت امریکارا برای اجرای هدفهای معین در اعلامیه ی ۲۸ ژوئیه ۱۹۵۸، یعنی برای "تأمین امنیت دسته جمعی" و مقاومت در مقابل "تجاوز مستقیم و غیر مستقیم" صرف نماید. بموجب ماده ی چهارم هر دو دولت متعهد میشوند که "با سایر دول اعتنا کنند" در اعلامیه ی مشترک لندن (۲۸ ژوئیه ی ۱۹۵۸) بخاطر تدارک تسلیحات دفاعی که متقابلاً ضرورت تشخیص داده میشود "همکاری نمایند".

با تحمیل این قرارداد امریالیستهای امریکا وسیله ی دیگری برای دخالت آزاد و آشکار در امور داخلی ایران پدید آوردند. علاوه بر هیئت مستشاران امریکائی هم اکنون کارشناسان فنی نظامی آلمان غربی که با موافقت دولت امریکا بایران آمده اند، در حال حاضر اداره ی کارخانه های نظامی ایران را بدست دارند.

دولتهای ایالات متحده ی امریکا، انگلستان، فرانسه و آلمان غربی بزرگترین فروشندگان سلاحهای تعرضی بدولت ایران بشمار میروند. و افسران ارتش و پلیس و ژاندارمری ایران تحمیلات تخصصی خود را در کشورهای نامبرده تکمیل میکنند.

امریالیسم برای توسعه ی رسوخ ایدئولوژیک و سیاسی در ایران از انواع مؤسساتی که بوجود آورده استفاده میکند. "باشگاه لاینز ایران" که ۱۵ فوروردین ۱۳۳۶ توسط حال امریالیسم امریکاد رایران تأسیس شد یکی از این مؤسسات است که رابطه ی نزدیک با سازمان جاسوسی مرکزی امریکا دارد. ایران در فهرست لاینز منطقه ی ۳۵۴ نامگذاری شده است. نام و نام فامیل اکثر اعضای "باشگاه لاینز ایران" مخفی نگاهداشته میشود. در ایران ۳۵۴ شعبه ی باشگاه لاینز در ایراست. این شعبات از طریق سه سازمان منطقه ای لاینز رایران میگردد که هر یک دارای رئیس جداگانه است. لاینز نشریه ی ارگان ویژه ای بنام "شیرنامه" منتشر میسازد. سازمانهای منطقه ای لاینز رایران دارای کمیته های ویژه ی بهداشت، عمران، استخدام، کشاورزی و مالی است. بدیگر سخن "لاینز ایران" دولتی است در داخل دولت ایران که اکثر کارمندان عالیرتبه ی دولت عضو آنند.

مؤسسه ی "انجمن تسلیح اخلاق" که در سال ۱۹۴۸ در تهران افتتاح گردید یکی دیگر از مراکزی است که امریالیستهای امریکاد در ایران پایه گذارده اند و محل تجمع حال سیاسی محلی امریالیسم است. این مؤسسه نیز مخفی است و اوایل مدله "امید" و سپس مجله ی "رنگین" (۱۰۰)

رابطه و پخش میکرد*

"روتاری کلوب ایران" از عهد ترین اهرمهایی است که تحت نظارت سازمان جاسوسی مرکزی آمریکا به عملیات خرابکارانه در ایران ادامه میدهد. شعبه ی مرکزی این سازمان امریکائی در ایران پس از کودتای ۲۸ مرداد، یعنی در سال ۱۳۳۵ افتتاح یافت. شعبات ایسین سازمان در تهران، تبریز، اصفهان، خرمشهر و شیراز نیز دایر است.*
هم "سازمان برادری جهانی" که در سال ۱۳۳۷ در تهران بنیان گذارده شد و مرکز شعبات مشابه در کشورهای خاورمیانه و نزدیک بشمار میرود و هم "دوستان امریکائی خاورمیانه" که از ۲۶ فوریه ی ۱۹۴۴ در ایران شروع بکار کرده، هر دو مانند دیگر سازمانهای مذکور، هدفشان رسوخ ایدئولوژیک و ایجاد زمینه برای گسترش نفوذ امپریالیسم در شئون اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ایران بوده و هست.* علاوه بر آنچه گفته شد مؤسسات بسیار دیگر سازمان داده شده از طرف امپریالیستهای آمریکا، آلمان غربی، انگلستان و فرانسه و غیره نیز تحت عناوین و تابلوهای گوناگون در ایران به فعالیت خرابکارانه مشغولند. از آن جمله اند:

بنگاه فرانکلن

انستیتیوی گوته

کانون ایران و آلمان فدرال

انجمن ایران و آمریکا

لژهای فراماسونری متعلق به انگلستان، فرانسه، آلمان غربی

سپاهی صلح

داوطلبان آلمانی و غیره و غیره*

تعداد افراد سپاهی صلح امریکادرایران به ۳۵۰ نفر بالغ است. این افراد در استانهای خراسان، آذربایجان، بلوچستان، کرمانشاهان، لرستان، کرمان و همچنین شهرهای همدان و بوشهر مستقرند. اداره ی مرکزی "سازمان سپاهی صلح" در تهران قرار دارد و اخیراً "کلن فیشیک" بریاست آن منصوب گردیده است.*
در حال حاضر ۴۱ نفر از "سازمان داوطلبان آلمان فدرال" نیز که بتقلید "سپاهی صلح" امریکا بوجود آمده، در شهرهای ایران بفعالیت خرابکارانه مشغولند.*
هر دو ی این سازمانها تحت نظارت سازمانهای جاسوسی آمریکا و آلمان فدرال قرار دارند.*

حمید صفری

طپش نورانی

می‌طپد در دل من باطپشی نورانی
آن امیدی که نباشد نه هوس نی پندار*
در سرم غرش طوفان دگر می ژنبد
غرش کبش نتوان یافت بطوفان بهار*

نه زبده‌ی یاران نه زکج طبعی بخت
نه زبیداد ستکاره بی‌لایه امید
گرچه هامون در و صحراگذرست این طوفان
همچو یک صخره‌ی پرهینه می باید امید*

همه نوراست دل خلق وطن ، شب گوید :
ره در این ساخت این نتوانم کردن*
خجستی هست بغرد که عیان خواهد شد
گرچه امروز برهن نتوانم کردن*

ای نهان گشته پس داغ ، سرود دل من !
ای فروزنده امید ی که بجان نوردی !
ای بتاریکی این دوره ی پر زنج و ملال
خفته رازی که به پای طلبم زور دهی !

پهل ، که برخیزم و افتاده ظم برگیرم
طبل می‌کوبد و چیش ابدی پیش رود*
کاروانی است کز آماج نخواهد رو تافت
بار بر بندد و از نوبه ره خویش رود*

ازسند تحلیلی حزب :

حزب ماود یگرا احزاب ملی و دموکراتیک

حزب توده ایران تنها برای آزادی فعالیت خود مبارزه نمیکنند. حزب توده ایران هوادار آزادی کلیه ی احزاب ، سازمانها و مطبوعات است زیرا از طرفی اعتماد کامل بقضای صحیح توده های مردم دارد و بهمین سبب از میدان رقابت سیاسی احزاب روگردان نیست و از سوی دیگر به همکاری و اتحاد با سایر احزاب و سازمانهای ملی و دموکراتیک جدا معتقد است و چنین اتحادی را برای پیشرفت بطرف هدف مشترک مردم ایران ضرور میسرمد و نیز عقیده ی راسخ دارد که استقرار و بسط دموکراسی تنها با مبارزه ی یک حزب یا یک سازمان تا مین نمیشود بلکه پیروزی در این زمینه مستلزم اتحاد واقعی کلیه ی احزاب و سازمانهای میهن پرست و ترقیخواه بر مبنای برنامه ی مشترک و واحد است. ما معتقدیم که همکاری حزب توده ی ایران با سایر سازمانها و احزاب ملی و دموکراتیک نسه تنها در این دوره ، نه تنها در این مرحله ی انقلاب ضرور است بلکه حتی برای استقرار سوسیالیسم نیز امکان پذیر خواهد بود.

ضرورت مبارزه در همه شرایط

مسلم است که سرکوب و تارومار وحشیانه ی سازمان های دموکراتیک ، ممنوعیت غیرقانونی احزاب و سازمانها و مطبوعات ملی و آزاد بخواه ، از بین بردن استقلال قضات ، تجاوز سازمان امنیت و محاکم نظامی استثنائی علیه حقوق و آزادیهای اجتماعی و سیاسی ، سلب آزادی اجتماعات و برخورد خشونت آمیز نسبت به هرگونه نسه جریان مخالف با رژیم ، شرایط بسیار دشواری برای فعالیت سیاسی بوجود آورده است ولی این دشواریها هر قدر سخت ، خشن و محدود کنند ه باشد باز نمیتواند تمام طرق مبارزه را سد کند .

مترسك

بدشت اندر یکی طوفان بنیان کن بود غرآن
مترسك باقیائی ژنده در طوفان همی جنبد
گهی دم می فشاند ، گاه دست و گاه سر ، لیکن
نباشد پایش از خارا ، نباشد جسمش از آهن
ندارد جوشن روئین ، ندارد جز تن جو بین
همی لغزان ، همی لرزان ، بطوفان در همی جنبد
بلند دست سخت باخود گاه و گاهی سخت می لافد
چه هذیانها که نزد خویش این خود گامه می یافد
همی گوید : « بتاریکی چه وحشتناک و جبارم !
بچشم عابر این دشت چون غولی پدید آرم »
گمان دارد که طوفان مهربامد از لقای او
زمین و آسمان نبود سزای اعتنای او
گمان دارد که هست از سایه اش هر چیز ترسند
نمیدانند که جز گدجشك های کم دل صحرا
ندارد هیچکس بیعی از آن ژنده قیای او
کنون طوفان بنیان کن که ازین می کند کوهی
بصد خواری برفاکنندش ، فرمالید در خاکش
فرو پاشید از هم بیکرنا چیز ناپاکش
مترسك رفت از میدان ، نمیدانست آن نادان
که طوفان زمان چون در و زد از این مترسكها
هزاران میدهد بر باد ، بی دشواری چند آن
پوز ای برطنین طوفان جنبش ! تا مترسكها
فرو افتند بر خاک سیه ، از هم فرو پاشند .

توئی تنها خدای قباد تاریخ ، در چنگت
هزاران مرغ اعجاز است ، بی بیم از مترسكها
بپرور آور اندر آسمان مرغان معجز را !

برشکن هرسد

- ۱ -

برشکن هرسد اگرخواهی آزادی
برفکن از پی نظام استبدادی
از تلاش ما ظفر یابد داد
عرصه ی ایران رهد از بیداد

برگردان: حزب مائوده را سازد پیروز
میرسد فردائی از پی امروز
از رزم است گر خلقی شد رسته از بند
از رزم است هر خلقی قدرتمند

- ۲ -

اختریزم ارائی تا آیند ه است
شیوه ی روزبه سزای هر روزنده است
مهرآزادی رسم و راه ماست
یاری مردم جان پناه ماست

برگردان: حزب مائوده را سازد پیروز
میرسد فردائی از پی امروز
از رزم است گر خلقی شد رسته از بند
از رزم است هر خلقی قدرتمند

- ۳ -

کارودانش را به تخت زرینشانیم
دیو استعمار ز خانه بیرون رانیم
توده ی زحمت پرهره ورنگوست
صاحب خاک پاک میهن اوست

برگردان: حزب مائوده را سازد پیروز
میرسد فردائی از پی امروز
از رزم است گر خلقی شد رسته از بند
از رزم است هر خلقی قدرتمند

تاریخ که بر باد رنج و سرورش

نازد بسزاوار بیه گردان غسورش
همپایه بمیدان بیه هزارو به گوروش
پرفخشد آن خلق که خسرو شد ه پورش
بشنید غم ریو سخن پر شروشورش
بی جلوه شد آن طنطنه اش پیش غورش
دشمن بوحل ماند ه همه بساروستورش
زد خنده بخصم وطن و باطن کورش
امروز جهان گل بنهد بسر سرگورش

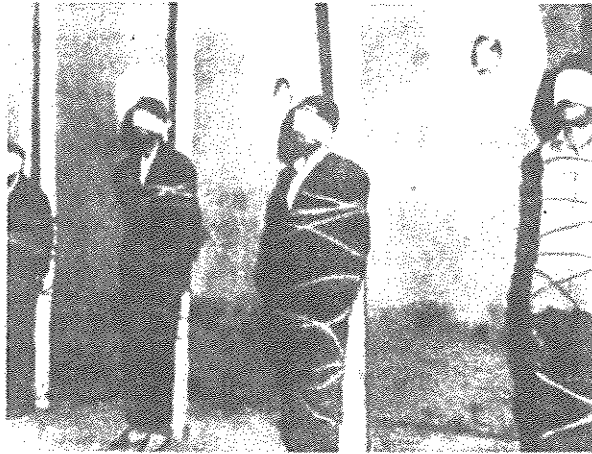
تاریخ که بر باد رنج و سرورش
یک گرد که در معبد تاریخ فنا گشت
جاوید شد آن گرد که جان بهروطن باخت
لرزید دل خصم چو از چوبه اعدام
بیمایه شد آن عیده اش نزد نهییش
او باره ی همت ز سرا بر بجهانید
او راه فنا رفت به چشمان گشاده
د بیروز غد و سینه ی او خست به پو لا د

در شهرو شهیدان بود او خسرو جاوید
تا بنده بر اطراف وطن منبع نورش



به افسران شهید

باشکوه و احتشام بی نیسازان خفته آید
سینه ها غربال از سب گداران خفته آید



ای زبان شیران که از تیغ گرازان خفته آید
کنده ناخن، سوخته مژگان، دریده حنجره

دست رازی قبه تاریخ یازان خفته آید
آنچنان کان هست سرد انرا یزازان خفته آید
جان خود از بهر عشق خویش یازان خفته آید
جامه ای از فخر بر زمین طرا زان خفته آید
بانوای جانفزای خوشنوا زان خفته آید
گر شما بشکسته پر چون شاه یازان خفته آید

پای رابرمغز خود خواهی فرو کهمیده آید
در نبرد خویشتن با خصم نامرد پلید
قلب خود در راه عشق خلق سوزان، رفته آید
لکه ای از تنگ بر ظالم نشان، بگذشته آید
فارغ از بانگ دلازار غسرا پ ارتجاع
خلق آخر بشکند متعار شوم جغتسد ظلم

زمزمه زندانی

زیر این سقف بی امید و سپاس
میرود عمر، کند پوی ، ملول .
از گرد و صدای چکده ی پاس
روز و شب میرسد بیکوش و گشون
نگه ی او ز روزن سلول
سرد و بیرحم ، میخزد به درون

تقل بردر ،
ز پشت میله ، چراغ
سایه افکنده روی هرد پیوار ،
(برتن لانتری علامت داغ)
و مرا چشم زندگی بیدار
گیرم از یاد های رفته سراغ

آه ، ده سال میشد ، اینجا
عمر می پوسد و جوانی من ،
سایه ای خامش و کدر گردد
تابش چشم آسمانی من .

آخرین بار باز پرسم گفت :
" تولوجی "

و گریه ی منم
خوب دانم که چیست درمانش :
آنکه در گنج محبس تاریک ،

ماند و پوسید و خسته شد جانش
خورد گرد سرای ایمانش *

بی سبب نیست ، گاه افسر پامن
باتیسم به من نظر دوزان ،
گویم : * با همه گرفتاری
باز هم حرفهای کهنه ؟ *

ومن
(سختم همچو شعله ای سوزان)
پاسخ دادم بود : * آری ! *

او چه پنداشت ؟
نیستم عاشق ؟
عاشقی دشت و آسمان بلند ؟
عاشقی شهر و خانه و مادر ؟
عاشقی بار و کودتک دلیند ؟
لیک عشقی دیگر ، معظم تر
اند رین محبسم کشید ه به بند *

درد گرم به زندانیان مبارز

درد به رفیق صفر قهرمانی، زندانی دلاوری که از سال ۱۳۲۱ در چنگ دژ خیمان اسیر است

درد به رفقای زندانی سروان تقی کی منش، سروان عباس حجری، ستوان یک طلی موسوی، ستوان دوم رضا شلتوکی، سروان محمد اسمعیل ذوالقدر و ستوان دوم ابوتراب باقرزاده، اعضای سازمان افسری حزب توده، ی ایران که با اراده آهنین خود پرچم خواتین افسران شهید را در اهتزاز نگه داشته اند

درد به رفقا بدرالدین مدنی و حمید قاسم نریمان که ۱۶ سال در پشت دیوارهای زندان همچنان شکست ناپذیر از آرمانهای خود دفاع میکنند

درد به رفقای شجاع، عزیز بوسفی، غنی موذیان، محمد علی پید، حمید گریبی، کازیک اوآنسی، جلیل کورانی، دکتر بنی طرّفه و مجید امین موید که سالهای متمادی است در زندانهای مختلف ایران شعله مبارزه را فروزان نگه داشته اند

درد به رفقا پرویز حکمت جو، طلی خاوری، و تقی معتمدیان که در دادگاههای نظامی سال ۱۳۴۵ از حقانیت حزب توده، ی ایران - حزب شهدای ایران دفاع کردند

درد به رفقا صابری محمدزاده و آصف رزم دید، کارکنان چاپخانه مخفی حزب توده، ی ایران در تهران که از سال ۱۳۴۶ در زندانهای رژیم رنج میبرند

درد به همه ی زندانیان توده ای، متحدی، روحانیون مترقی و دموکراتها و آزادخواهان که زندانها را به دژ مبارزان تبدیل کرده اند

گوشه ای از جنبش ملی شدن نفت ایران



جنبش ملی شدن نفت ایران دنباله‌ی منطقی و وارث مبارزات ضد امپریالیسمی و ضد استبدادی مردم ایرانست که از نیمه‌ی دوم قسرن نوزدهم آغاز شده و هنوز هم ادامه دارد. اما اولین سنگ بنای جنبش ملی شدن نفت بمعنای محدود و مشخص آن بعد از جنگ دوم جهانی گذاشته شد.

۳۰ مه‌ماه ۱۳۱۶

در مجلس شورای ملی قانونی تصویب شده که میتوان آنرا آغازی برای جنبش دانست. آن ماده‌ی قانونی که با جنبش ملی شدن نفت مربوط میشود چنین است:

" دولت مکلف است در کلیه‌ی مواردی که حقوق ملت ایران نسبت به منابع ثروت کشور اعم از منابع زیر زمینی و غیر آن مورد تضییع واقع شده است، بخصوص راجع به نفت جنوب، بمنظور استیفای حقوق مذاکرات و اقدامات لازم را بعمل آورده و مجلس شورای ملی را از نتیجه آن مطلع سازد." (۱)

" استیفای حقوق ملت ایران از نفت" که در قانون مزبور آمده مفهوم بسیار گشاداری است. حداقل معنای آن اینست که شرکت نفست انگلیس در آمد بیشتری به ایران بدهد و حد اکثر معنای آن ملی کردن صنایع نفت و طرد شرکت سابق. آنروزها هیئت حاکمه‌ی ایران هوادار کسب درآمد بیشتری از نفت بود و نیروهای ملی ایران، که هنوز به شمار ملی کردن نفت دست نیافته بودند، برای لغو امتیاز ۱۹۲۳ و طرد کمپانی نفت انگلیس مبارزه میکردند.

خرداد ماه ۱۳۲۷

اولین تماسها بین دولت ایران و شرکت سابق بمنظور آغاز مذاکرات برای اجرای قانون مزبور برقرار شد و در آخسر شهریور ماه ۱۳۲۷ گس - معاون رئیس شرکت نفت انگلیس - به تهران آمد و بی نتیجه برگشت. در این زمان در عرصه‌ی سیاست ایران و پشت پرده‌ی آن دو جریان، که بطور ارگانیک بهم مربوط بود، ادامه داشت: یکی مذاکرات با شرکت نفت انگلیس (واظرف مردم مبارزه برای طرد آن) و دیگری تحکیم دیکتاتوری دربار (واظرف مردم مبارز مطیعاً)

۱۴ آبان ماه ۱۳۲۷

راد یولندن خیرداد: «وزیر خارجه ی ایران که بطور غیر رسمی وارد لندن شده با مستر بوین (وزیر خارجه انگلیس) ملاقات کرده و از جمله راجعه تغییر قانون اساسی و مسائل مربوط به برنامه ی هفتساله ی اقتصادی ی ایران صحبت نمود.» (۲)

در تهران کمیسیونی بریاست تقی زاده برای بررسی تغییر قانون اساسی و تداریك تشكيل مجلس مؤسسان تشكيل شد و در مورد نفت نیز قرار شد مذاکرات نهایی با معرفی نمایندگان تام الاختیار آغاز شود. گلشائیان از طرف ایران و گس از جانب شرکت سابق، باین عنوان معرفی شدند. در مورد هدف مذاکرات نخست وزیر - ساعد - گفت:

* دولت من ۰۰۰ نسبت با اجرای پاره ای از مواد امتیاز نامه ی ۱۹۳۳ پافشاری خواهد کرد.» (۳)

مردم ایران با این نظر موافق نبودند و مبارزه بر ضد شرکت سابق نفت و دیکتاتوری در بار سرعت اوج میگرفت. جبهه ی واحدی وجود نداشت، اما وحدت عمل نیروهای ملی و دموکراتیک، بمعنای وسیع کلمه، پشوی تا مین میشد. حزب توده ی ایران در صفوف مقدم مبارزه بود.

۲۰ دی ماه ۱۳۲۷

عباس اسکندری دولت ساعد را بمناسبت اظهار نظر فوق استیضاح کرد. این استیضاح بیش از يك هفته طول کشید. آنروزها اقلیت مجلس از جمله آقایان مهندس احمد رضوی، حسین مکی، اسکندری و دیگران خواستار لغو قرارداد ۱۹۳۳ بودند و پیشنهاد میکردند که قانونی در این باره تصویب شود. اسکندری میگفت:

* این قرارداد تحمیلی است، باطل است و باید لغو و کان لم یکن بحساب آید.» (۴)

دوم بهمن ماه ۱۳۲۷

حزب توده ی ایران و حزب ایران متفقاً دموکراسیونی زیر شعار "لغو قرارداد ۱۹۳۳ و طرد شرکت سابق" در خیابانهای تهران براه انداختند که با برگزاری میتینگی در جلو مجلس پایان یافت. در اعلامیه ی سازمان دانشجو جوان حزب ایران که بمناسبت برگزاری این تظاهرات منتشر شد چنین میخوانیم:

(۲) روزنامه ی اطلاعات ۱۵ آبان ماه ۱۳۲۷

(۳) روزنامه ی اطلاعات ۲۱ دی ماه ۱۳۲۷

(۴) از سخنرانی عباس اسکندری در موقع استیضاح و نقل از کتاب "عباس اسکندری در خدمت مجلس یازدهم" عباس اسکندری به نمونه بر سه کسه نفت خود را ملی کرده بود اشاره کرد، اما شعار ملی کردن نفت حتی از جانب خود وی بدرستی درك نشد و گسترش نیافت.

* همه ی مادر مبارزه با این هیئت حاکمه ی نوکرسفت و فاسد ایران هم عقیده ایم . همه ی ما در برقراری دموکراسی واقعی و کوتاه کردن دست دولت‌های نالایق و بی شخصیت هماهنگی داریم . . . اکنون که موضوع نفت مطرح است همه ی ما در گرفتن این حق بزرگ ملی وحدت فکری داریم * (۵)

فشار افکار عمومی یحیی شدیدی بود که تقی زاده عاقد قرارداد ۱۹۳۳ مجبور شد از پشت تریبون مجلس بگوید :

* بنده در این کار اصلاً و ابداً دخالتی نداشته‌ام (منظور عقد قرارداد ۱۹۳۳ است) ، جز اینکه امضای من پسای آن ورقه است . . . اگر قصوری در این کار و یا اشتباهی بوده تصحیر آلت فعل نبوده ، بلکه تصحیر فاعل است * (۱)

تقی زاده رضاشاه رافاعل و مقصر اصلی در انعقاد قرارداد و تمدید مدت امتیاز معرفی کرد *

۱۵ بهمن ماه ۱۳۲۷

به شاه سوگوشه قصد شد و در چنان روزهای حساس دستاویزی شد برای اجرای توطئه هائیکه از مدت‌ها قبل تدارک دید میشد و ارتباطی به آن حادثه نداشت . حزب توده ی ایران غیرقانونی اعلام شد ، مطبوعات مرفعی تعطیل گردید ، چند تن از وکلای اقلیت مجلس از ایران بیرون رفتند ، هر نوع مخالفت با دیکتاتوری در بار و تسلط شرکت سابق جرم شناخته شد *

۲۰ بهمن ماه ۱۳۲۷

چهار روز پس از سوگوشه قصد پشاه ، مذاکرات نهایی میان نمایندگان تام‌الاختیار ایران و شرکت نفت - گلشانیان و گس - در تهران آغاز شد *

این مذاکرات دو مرحله داشت : در مرحله ی اول نمایندگان ایران تاحدودی مقاومت کرده و خواستار کسب درآمد بیشتری بودند که به نتیجه ای نرسید و مرحله ی دوم بیشتر جنبه ی فعالیت پشت پرده ی سیاسی داشت که با دخالت شاه انجام میگرفت . در این مرحله ایران از تمام ادعاهای خود دست کشید و تسلیم شد *

گلشانیان در گزارش رسمی خود به دولت مرحله ی اول را چنین تشریح میکند :

* مذاکرات را با نمایندگان شرکت آغاز نمودم و در جلسه ی اول مذاکرات به استحضار آقایان رساندم که علاوه بر کلیه ی نکاتی که در دولت سابق با نمایندگان مذاکره شده است اصولاً منظور من بطور کلی تجسد نظر در قرارداد است . . . نمایندگان شرکت آماده برای شنیدن این اظهارنشد و حتی تهدید به

(۵) - نشریه ی شماره ی ۸ حزب ایران ، صفحه ی ۱۵

(۱) - روزنامه ی اطلاعات ، نقل از مذاکرات مجلس ، ۱۱ بهمن ماه ۱۳۲۷

قطع مذاکره کردند. ۰۰۰ ولی بالاخره مذاکرات از سر گرفته شد و نمایندگان شرکت توضیح دادند که منظور از تجدید نظر در فرمولها تا ۰۰۰ در آمد بیشتری است و حاضریم با فرمول فعلی درآمد بیشتری را برای دولت تا ۰۰۰ کنیم. ۰۰۰ شرکت پیشنهادات خود را داد. ۰۰۰ که حتی برای تا ۰۰۰ حقوق ایران طبق امتیازنامه فعلی هم کافی نبود چه رسد به اینکه نسبت به امتیازنامه فعلی حقوق بیشتری را برای ایران تا ۰۰۰ مینماید. (۷) (تکیه آزماست)

پس از قطع مذاکرات در مرحله اول در دستگاه دولتی ایران تمایلی به مراجعه به حکمیت وجود داشت که کارشناسان امریکایی از جمله تورنبرگ معروف نیز آنرا تا ۰۰۰ میگردند. اما شرکت سابق بشدت مخالف حکمیت بود.

۱۹ اردیبهشت ماه ۱۳۲۸

کاپینه ی وزیران که در کابینه برورد در حضور شاه جلسه ای تشکیل داده بود تصمیم گرفت به حکمیت مراجعه نشود و موضوع در مذاکرات مستقیم حل شود.

این در پلزد مذاکرات مستقیم میان شرکت سابق و ایران نبود، بلکه بین دولت انگلیس و ایران در کانالهای سیاسی جریان داشت. به اسناد زیر توجه کنید:

تلگراف مساعد نخست وزیر به سفیر ایران در لندن:

" چون احتمال قوی میرود که با احساساتی که در مجلس شورا و در افتادار نامه است تصمیمات شدیدی از طرف مجلس اتخاذ شود لذا با وزیر خارجه ی انگلیس هر چه زودتر تماس گرفته و جریان امر را توضیح دهید و خاطر نشان نمائید که ممکن است لجاجت نمایندگان (منظور نمایندگان شرکت سابق نفت است) وضعی پیش آورده عواقب آن برای شرکت و روابط دوستانه ی دولتین غیر مطلوب باشد. " (۸)

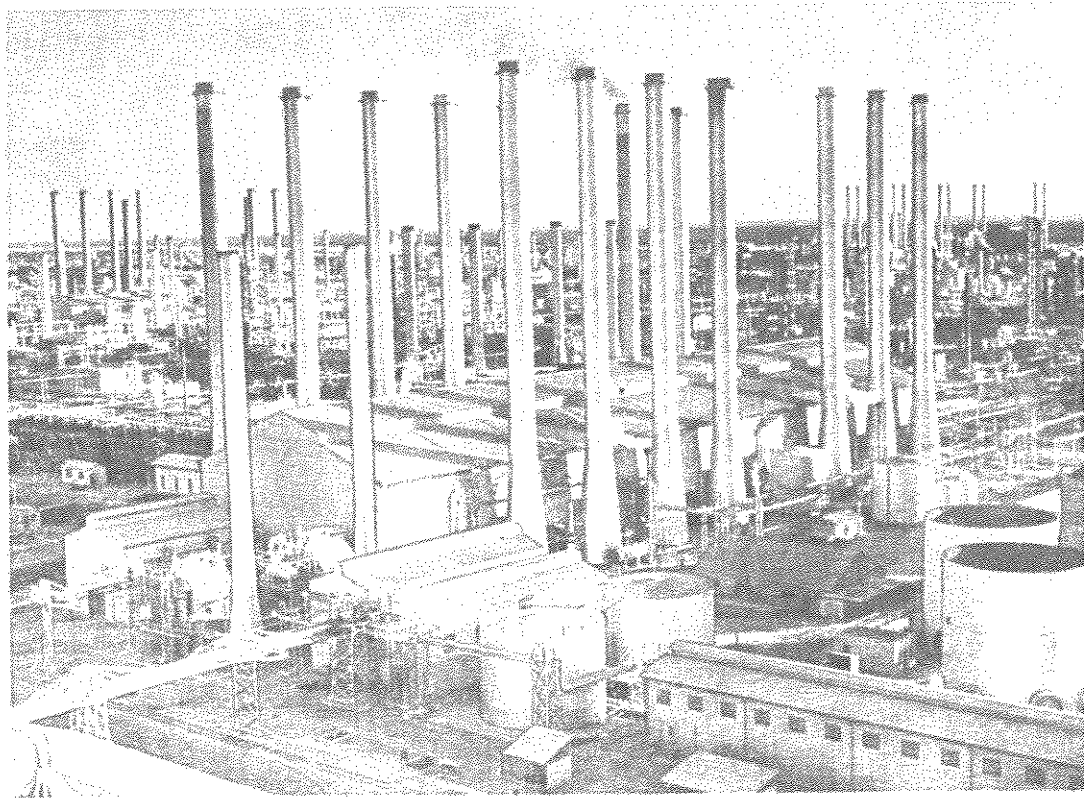
صورت جلسات هیئت وزیران حاکی است:

جلسه ی فوق العاده ی ۲۱ تیرماه ۱۳۲۸:

" ۰۰۰ وزیر خارجه اظهار داشتند که آقای سفیر انگلیس ایشان را ملاقات نموده و اظهار داشته اند که تردید در امضا طرح عمومی تا ۰۰۰ نیز در حسن روابط بین دولتین خواهد داشت. ۰۰۰ قرار شد جلسه ای تشکیل شود با حضور سفیر انگلیس و مستر گس در خدمت نخست وزیر و با مشارکت وزیر در اراضی و خارجه و آقای عدل و یکمترتبه ی دیگر

(۷) - کتاب میاه، بخشی از پرونده ی محرمانه ی نفت، صفحات ۱۷۰-۲۱۸

(۸) - کتاب میاه، صفحه ۵۳۳



نیز مذاکره شود ۰۰۰*

جلسه ی چهارشنبه ی ۲۲ تیرماه ۱۳۲۸:

* ۰۰۰ آقای وزیر اراضی گزارش این کمیسیون را داد و گفت از مذاکرات نتیجه ای بدست نیامد ۰۰۰ باز سفیر انگلیس مطالب گذشته را تجدید کرد که اگر این طرح امضا نشود تا ۰۰۰ بیرونی در مناسبات دولتین خواهد داشت ۰۰۰ هر تقاضایی شد رد کرد ۰۰۰ قرار شد آقای وزیر خارجه با آقای سفیر ملاقات کند ۰۰۰* (۹) (تکیه ازماسه)

این نوع تماسهای پشت پرده و غیرقانونی چند روز دیگر نیز ادامه یافت و از جمله فریزر به ملاقات شاه رفت و بلاخره روز ۲۸ تیرماه ۱۳۲۸ (یعنی فقط ۶ روز پس از آنکه وزیر اراضی به هیئت دولت گزارش داد که شرکت سابق و سفیر انگلیس هر تقاضایی از طرف ایران شدد رد کرد) دولت مساعد قرار داد مفصلی در باره ماده بنام قرارداد الحاقی طی ماده ی واحد و بقید فوریت به مجلس شورا تسلیم کرد ۰ این همان طرح عمومی بود که سفیر انگلیس قبول بی قید و شرط آنرا طلب میکرد ۰ در آن نه فقط تمایلات مردم ایران ، بلکه حتی تمایلات خود ساعد و گلشائیان هم منعکس نشده بود ۰ با اینحال دولت دفاع آنرا در مجلس بمسئله گرفت ۰ گلشائیان در موقع تقدیم لایحه گفت :

"جز بجز" این قرارداد مطالعه شده و محصول زحمت هشت ماهه ی دولت است ۰*

او ادعا کرد که منافع ایران تا مین شده است ۰

برای بتصویب رساندن قرارداد الحاقی تلاش زیادی شد و از جمله هژیر وزیر دربار وکلای مجلس را دسته دسته جمع میکرد و آنرا به تصویب قرارداد ترغیب مینمود (۱۰) ۰

اما قرارداد تصویب نشد ۰ سخنرانی حسین مکی ، که از جانب حزب ایران تنظیم شده بود ، تا پایان دوره ی پانزدهم طول کشید ۰ و کار نفت به مجلس شانزدهم موقوف شد ۰

در مورد احساساتی که در مجلس و در خارج از مجلس وجود داشت و ساعد بدان اشاره میکند باید به فعالیت سازمانهای مخفی حزب توده ایران که یکی از جدترین عوامل شکست حکومت دیکتاتوری پس از ۱۵ بهمن بود یاد کرد ۰ دسته ای از اعضا کمیته ی مرکزی حزب در بهار سال ۱۳۲۸ اشاره کرد ۰ نیروهای ملی و دموکراتیک ایران از تریبون این دادگاه برای مبارزه با ارتجاع و دیکتاتوری بخوبی استفاده کردند و شخصیتها نظیر دکتر شایگان در جلسات دادگاه از حزب توده ی ایران دفاع نمودند ۰

استیضاح اقلیت مجلس پانزدهم از دولت در فروردین ماه ۱۳۲۸ نیز که مستقیماً مربوط به تسلط دیکتاتوری در کشور بود قابل ذکر است ۰ انتخابات مجلس شانزدهم از مرداد ۱۳۲۸ تا اردیبهشت ۱۳۲۹ ، مدت هشت ماه جریان داشت ۰ انتخابات شهرستانها در همان تابستان پس از ارتجاع و شرکت سابق پایان یافت ۰ اما انتخابات تهران به نقطه ی گریختن تضاد های آنروز جامعه ی ایران تبدیل گشت ۰

۲۳ مهر ماه ۱۳۲۸

مصدق با گروهی از مخالفین دولت بمنظور اعتراف به جریان انتخابات برای تحصن بدربار رفتند و بعلمت رفتار

(۱۰) عبدالحسین بهنیا " پرده های سیاست "

(۹) کتاب سیاه ، صفحه ی ۵۵۰

بسیارخشن و توهمین آمیزی که شاه و وزیر در بارش هژیر با آنها کردند دست باعصاب غذا زدند و روز ۲۷ مه‌رمه
اجباراً از تحصن بیرون آمدند. اینجا هستی جیبه‌ی ملی ایران گذاشته شد.

۱۲ آبان‌ماه ۱۳۲۸

هژیر بدست سید احمد امامی بقتل رسید و یک هفته بعد انتخابات تهران ابطال شد.
بجاست یادآوری کنیم که دیپلماسی آمریکا در دوران تنظیم لایحه‌ی الحاقی و انتخابات مجلس شانزدهم بسیار فعال بود. علاوه بر
فعالیت جاری سفارت آمریکا و اقدامات پشت پرده‌ی مستشاران آمریکائی سازمان برنامه و ارتش در ۱۲ تیرماه ۱۳۲۸ در آستانه‌ی تقدیم لایحه‌
الحاقی به مجلس پانزدهم ویلیام د. گلاس قاضی معریف آمریکائی برای "کوه نوردی" به تهران وارد شد و مدت‌تهدار ایران بود. روز ۱۳ آبان ماه
— روز مرگ هژیر — ملک‌گی معاون وزیر خارجه‌ی آمریکا و ازخادمین بنام کمپانیهای نفتی آمریکا بتهران آمد و باشاه و مقامات مسئول ملاقات
نمود. پس از چند روز مسافرت طولانی شاه به آمریکا آغاز شده تا دوازدهم دیماه ۱۳۲۸ ادامه یافت.

دی ماه ۱۳۲۸

انتخابات جدید تهران آغاز شد و در فروردین ماه ۱۳۲۹ بمسود مردم پایان یافت. آقای دکتر مصدق، آقای دکتر
شایگان و جمعی دیگر از کاندیداهای ضد شرکت سابق باراً می مردم به مجلس شانزده راه یافتند و نقش بسیار
فعال و مؤثری در تصویب قانون ملی شدن نفت ایفا نمودند.

۱۵ آسفند ماه ۱۳۲۸

متحصنین در بار تشکیل "جیبه‌ی ملی ایران" را اعلام نمودند که برنامه‌اش عبارت از سه ماده بود:

۱- تجدید نظر در قانون انتخابات؛

۲- تجدید نظر در قانون مطبوعات؛

۳- تجدید نظر در اصول حکومت نظامی.

مسئله‌ی نفت در برنامه‌ی جیبه‌ی ملی ایران نبود؛ ولی رهبران اصیل آن مبارزه برای طرد شرکت سابق را در نظر داشتند و آزاد دی
د موکراسی را برای آن میخواستند که بتوانند طیه شرکت نفت و امپریالیسم و ارتجاع مبارزه کنند.
در دوران فترت میان مجلس ۱۵ و مجلس ۱۶ دولت ساعد همچنان بر سر کار بود و به تعامسهای خود با شرکت سابق ادامه میداد
اتفاقاً در همان زمان قیمت لیره تقلیل یافته و درآمد ایران از نفت بازهم کمتر شد. ه کوشش در بار و دولت این بود که شاید درآمد بی‌شرتی تأمین
شود و ترتیبی اتخاذ کرد که بتوان قرارداد الحاقی را پس از تجدید نظر از مجلس گذراند.
از آنجاکه هم‌اکنون نیز بین مقامات دولتی ایران و نمایندگان کنسرسیوم بین‌المللی نفت مذاکرات مداومی برای افزایش تولید نفت و درآمد
ایران از نفت انجام میگردد چند مسئله‌ی زیر را منتشر میکنیم تا نمونه‌های از کم و کیف این نوع مذاکرات بدست داده باشیم:

* بحسب الامر اعلی حضرت همایونی قرار شد جناب آقای ساعد شخصا به اروپا بروند و در انگلستان با وزیر خارجه و وزیر دارائی انگلیس ملاقات کنند* (۱۱) (رسماعلام شده بود که وی برای معالجه سفر کرده است) ساعد از لندن گزارش کار خود رانده به مردم و نه حتی به هیئت دولت، بلکه مستقیماً و محرمانه به شخص شاه میداد. در یکی از این گزارشها چنین میخوانیم :

* با وزیر خارجه ی انگلیس دوستانه مذاکره نمودم ... وضع صوملی کشور، خشکسالی و ... را تشریح کردم ... گفتم امید این بود که از عواید نفت تدریجاً ای وضع را اصلاح نمایم؛ ترتیباتی با شرکت دادیم ولی تنزل نرخ لیره از قیمت واقعی آن کاست (همین جمله ی "قیمت واقعی"، قرارداد الحاقی را بهتر از هر استدلالی افشا میکند - جوانشیر) ... در جواب بالحن دوستانه ای اهمیت ایران را در سیاست انگلیس اظهار کرده و وعده نمود در قیام موضوع را مطالعه کند ... وزیر دارائی را ملاقات کردم ... بسیار دوستانه و گرم بود. تمام مسائل را آزادانه حالی کردم ... گفتم این موضوع وضعیست دولت را در مقابل مجلس شورامشکل و حملات مخالفین راشدیند تر خواهد کرد. جواب داد خیلی متاسفم (!!) ، ولی موضوع از قوه ی شرکت خارج است* (۱۲)

نمایند ه ی شرکت سابق در تهران در تلگرافی که بنا بر توصیه ی وزیر دارائی ایران به لندن مخابره کرده است چنین مینویسد :

* ... از لحاظ تسهیل تصویب این لایحه در مجلس اینطور صلاح میدانم (بلی) ، وزیر دارائی صلاح میدانم (که) محرمانه با شرکت مذاکراتی در لندن پیشود و یک امتیازات بیشتری بدین اینک معلوم باشد از چه قبیل است داده شود که تصویب لایحه آسانتر شود* (۱۳)

جواب شرکت برای ابلاغ به دولت ایران چنین است :

* ... شرکت حد اکثر گذشت را کرده و دیگر موجهی برای گذشت بیشترین مینماید* (۱۴)

پس از افتتاح مجلس شانزده طرح لایحه ی الحاقی در آن مقدمه و نظر نمیرسید ، لذا مجلس در ۳۰ خرداد ماه ۱۳۲۹ کمیسیون مخصوص نفت مرکب از ۱۸ نفر تشکیل داد که پنج نفر آن از اعضا* جلسه ی ملی بودند. در اولین جلسه ی کمیسیون نفت مصدق بریاسست آن انتخاب شد (دوم تیرماه ۱۳۲۹) .

(۱۱) کتاب سیاه ، بخشی از پرونده ی محرمانه ی نفت ، صفحه ی ۵۴۷

(۱۲) کتاب سیاه ، بخشی از پرونده ی محرمانه ی نفت ، صفحه ی ۵۴۳

(۱۳) همان کتاب ، صفحه ی ۵۴۷

(۱۴) همان کتاب ، صفحه ی ۵۴۸

شاه پد و ن کسب را می تمایل مجلس رزم آرا را به نخست وزیری منصوب نمود. این نوعی کودتای نظامی بود. رزم آرا که ارتباط نزدیکی با انگلستان داشت نظرموافق امریکا را هم جلب کرد بود. وزرای کابینه ی رزم آرا بانظر سفارت امریکا انتخاب شد. بودند. مورخ الدوله سپهر که روابط بسیار نزدیک با رزم آرا داشت و فرد مطلعی است مینویسد:

"رزم آرا بانگاه الطاف ملوکانه و باطمینان معاشرت دیپلماتی امریکاد اوطلبی خویش را برای نخست وزیری اعلام نمود ۰۰۰ در باب تشکیل کابینه من میدانستم که مسترد و هو (Dooher) لیتمسی از جوانان (؟) به او داده است ۰۰۰" (۱۵)

این "جوانان" که کابینه ی رزم آرا را تشکیل دادند در واقع مشتی عناصر بی شخصیت و جاسوس صفت بودند که امثال آنانرا بیشتر در کابینه های پس از ۲۸ مرداد میتوان دید.

دهم خرداد ماه ۱۳۲۹

کمیته ی مرکزی حزب توده ی ایران طبعه رزم آرا، که هنوز نخست وزیر نشده بود ولی صدای چکمه هایش بگوش میرسید، اعلامیه ای صادر کرد که در آن از جمله چنین میخوانیم:

"۰۰۰ سفارت انگلیس، شرکت نفت جنوب، انتلیجنت سرویس انگلیس در وجود رزم آرا عضو حساس مورد نظر خود را یافته اند ۰۰۰ رزم آرا اکنون مشیرو مشار شاه، مطلع از بسیاری از اسرار وی، حاکم بر قشون بوسیله ی شبکه ی مخصوص خود، عضو انتلیجنت سرویس، ۰۰۰ گاندید د یکتاتوری آیند است ۰۰۰ ماتمام ملت را بر ستاخیز عمومی طبعه د یکتاتوری سفارت انگلیس - رزم آرا دعوت میکنیم ۰۰۰ دکتر بقائی در مجلس و خارج از مجلس خیلی به حزب توده ی ایران دشنام داده است. باشد، اینها بجای خود، ولی ما وظیفه داریم که حقایق را بازگو کنیم و دعوت میکنیم که تمام مردم طبعه د یکتاتوری متحد شوند" (۱۱)

بازرزه ی حزب توده ی ایران در تمام دوران زمانداری رزم آرا بشدت ادامه داشت و یکی از صفحات درخشان تاریخ حزب ما و نهضت ملی شدن نفت است.

(۱۵) - خاطرات مورخ الدوله سپهر، نقل از خواندنیها، شماره ۲ سوم مهرماه ۱۳۴۱

(۱۱) - فوق العاده ی روزنامه ی مردم، ۱۵ خرداد ماه ۱۳۲۹

رزم آزاده برای حل مسئله نفت روی کار آمد ه بود مدت چهار ماه سکوت کرد تا شاید امریکا وانگلیس با هم بتوافقی برسند و در آمد بیشتری بایران بدهند. اما موفق نشد. و در تاریخ ۲۶ مه ۱۳۱۹ موافقت خود را با لایحه الحاقی اعلام کرد و به امر شاه تصمیم گرفت بد عوت مجلس مختلط بسرای واگذاری حق و تو بشاه اقدام کند. در اینزمان همی نیروهای ملی هنوز زیر شعار لغو قرارداد مبارزه میکردند.

۱۵ آبان ۱۳۲۹ - طرح ملی کردن نفت پشخ زبرد شورای عالی جبهه ملی ایران تصویب شد :

* بنام سعادت ملت ایران و بمظهور کمک بتا مین صلح جهانی امضا کنندگان ذیل پیشنهاد مینعائیم که صنعت نفت در تمام مناطقی کشور بدون استثنای ملی اعلام شود یعنی تمام عسلبات اکتشاف، استخراج و بهره برداری در دست دولت قرار گیرد.* (۷) (این طرح راشاد روان حسین فاطمی بشورای عالی برده و بتصویب رسانیده ه بود)

های "طرد شرکت"، "لغو امتیاز" و امثال موفقیتهای بزرگ این سازمان و همه ملت را بموقع انجام دهد. و این بویژه برای بطور کلی شعاران است باعث نهایت تا سف

حزب ماد رفت باشعار جبهه ملی ایران بدست گسانیکه از مدتها پیش تدارک بجز هم به صف دشمنان پیوستند. (از ۱۹ ژانویه ۱۳۲۹ شعار ملی شدن رایز پرفتند در ماندند و دست عدای از آنان بقبول آغشته شد.)

مخصوص نفت به مجلس گزارش داد که کافی نمیداند و مهلت خواست که پیشنهاد که حاضر بقبول شعار ملی شدن بود نقد طرح در مجلس باشد.

لایحه الحاقی را زمینه ای بسرای میدانست و نیروهای ملی ایران بسرای



دکتر حسین فاطمی وزیر خارجه کابینه دکتر مصدق

ارتقا جبهه ملی از شعار - آن بشعار ملی شدن صنایع نفت یکی از ایرانست. حزب مانتوانست این جبهش حزب طبقه کارگر که ملی کردن صنایع است.

از آن پس چندین ماه شعای اختلاف پیدا کرد و همین بهانه ای داد اندازی در نسبت رامید بدند و بالاخره اعضا شورای عالی جبهه ملی که در ۱۳ آبان مرداد ماه ۱۳۲۹ فقط ۷ نفر بآن وفادار مصدق "تامر فقی" پخون مبارزان ملیسی ۱۹ آذر ماه ۱۳۲۹

کمیسیون لایحه الحاقی را برای تأمین حقوق ایران تنظیم کند. هنوز تعداد وکلای مجلس باندازه ای نبود که لایحه ای آن قابل هیئت حاکمه ایران رت آغاز مذاکرات جدید باشرکت متاف

ملی کردن (حزب توده ی ایران برای اعلان بطلان امتیاز شرکت نفت و ملی کردن آن) مبارزه میکردند. دایره ی مبارزه در زمستان ۱۳۲۹ بحدی اوج گرفت که کنترل آن برای دولت و دربار که خود دچار بحران بودند، مقدور نشد.

۱۹ اسفند ۱۳۲۹

کمیسیون مخصوص نفت که د پسر اعضای آن نمیتوانستند رسماً با اصل ملی شدن مخالفت کنند يك سو کمیسیون پنج نفری را برای فوریه کردن این اصل و تهیه ی گزارش برای مجلس شورا ما* مور نمود.

۱۷ اسفند ۱۳۲۹

کمیسیون مخصوص نفت به اتفاق آرا* تصمیم زیر را گرفت :

* مجلس شورای ملی ! نظر باینکه ضمن پیشنهادات واصله به کمیسیون نفت پیشنهاد ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور مورد توجه و قبول کمیسیون قرار گرفته و از آنجائی که وقت کافی برای مطالعه در اطراف اجرای اصل باقی نیست کمیسیون مخصوص نفت از مجلس شورای ملی تقاضای دو ماه تمدید مینماید* (۱۸)

این گزارش در ۲۲ اسفند ۱۳۲۹ به مجلس تقدیم شد و ۲۴ اسفند ۱۳۲۹ در مجلس شورا و ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ در مجلس سنا بتصویب رسید و جنبه ی قانونی گرفت *

امروز که این دستور را مینویسم قانون ملی شدن نفت نقض شده و تسلط کارتل بین المللی نفت بر منابع و صنایع نفت ایران برقرار شده است ولی این امر هرگز از اهمیت ضربه ای که در اسفند ۱۳۲۹ بر پیکر امپریالیسم وارد آمد نیکاهد. این زخم التیام ناپذیر است. قانون ملی شدن نفت امروز نیز، گرچه اجرای آن موقتاً تعطیل شده است، به قوت خود باقی است.

۲۰ اسفند ۱۳۲۹

شاه و زهره دربار خود حسین علا* رابه نخست وزیرى گذاشت (وزم آرا در ۱۶ اسفند بدست خلیل طهماسبی بقتل رسیده بود). علا* مخالف اصل ملی شدن و هوادار نوعی افزایش درآمد ایران بود. حزب توده ی ایران شعار سقوط علا* و روی کار آمدن حکومت ملی را میداد و بدون آن اصل ملی شدن را غیر قابل اجرا میدانست. جنبه ی ملی از علا* حمایت نمیکرد، اما از سقوط آن میترسید و امیدى به روی کار آمدن حکومت ملی نداشت.

۱۳۰ اسفند ۱۳۲۹

اعتصاب عمومی کارگران نفت جنوب آغاز شد. اعتصاب مدت بیشتر از یکماه (تمام دوران حکومت علا*) ادامه داشت.

کارگران از خود انضباط، هوشیاری و شعور طبقاتی و ملی بسپار عالی نشان دادند. این اعتصاب ضربت سنگینی بشرکت نفت و زمامداری غلام زده و بروی کار آمدن مصدق کتک کرد.

۱۴ فروردین ماه ۱۳۲۰

اولین تماس میان نمایندگان انگلیس و آمریکا در واشنگتن برای رسیدگی به مسئله نفت ایران برقرار شد. این تماس آغاز همکاری دشوار است که میان امپریالیست انگلیسی و آمریکائی، برای سرکوب نهضت ملی ایران بتقاضی اصل ملی شدن، بوجود آمد. در اولین تماس بر سر تقسیم نفت ایران، که نظراً امریکابود، توافق حاصل نشد. اما بر سر تعطیل صنایع نفت ایران و تأمین احتیاجات شرکت سابق از منابع دیگر توافق بعمل آمد. (۱۸)

در مراسم ماه فروردین مقامات رسمی دولت انگلیس ظناً ایران را تهدید پدیده تجاوز میکردند و مقامات رسمی امریکائی اعلامیه ها و اوراق کانالهای سیاسی ایران را به "اعتدال" و "تهدید نکردن" اموال شرکت دعوت میکردند. در مذاکرات پارلمان انگلستان و در یادداشت‌هایی که دولت انگلیس به ایران میداد از امکان اعزام قوا برای "حفظ جان اتباع انگلیس" سخن بمیان می‌آید و چندین کشتی جنگی از پایگاه بحرین بسوی آبادان و از جزیره ی مالت بسوی خلیج فارس حرکت کرده بودند. اما در همسایگی شوروی، و در شرایط وجود تناقض میان امپریالیستها و اوج نفست ایران، پیاده کردن قوا مقصد ورنه نبود.

۲۷ فروردین ۱۳۲۰

کمیسیون مخصوص نفت يك قانون نه ماده ای بمنظور ترتیب اجرای اصل ملی شدن به مجلس شورا پیشنهاد کرد. مواد اصلی قانون بشرح زیر است:

"ماده ۲- دولت مکلف است بانظارت هیئت مختلط (هیئتی از نمایندگان مجلسین و مافوقین دولت) بلافاصله از شرکت سابق نفت انگلیس و ایران خلع ید کند."

ماده ۳- چون از تاریخ ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ که ملی شدن نفت به تصویب مجلس سنائیز رسید کلیه ی درآمد نفت و محصولات نفتی حق مسلم ملت ایرانست دولت مکلف است بانظارت هیئت مختلط بحساب شرکت رسید نی کند و نیز هیئت مختلط باید از تاریخ اجرای این قانون تسامعین هیئت عامله در امور بهره برداری دقیقانظارت نماید.

ماده ۵- هیئت مختلط باید هرچه زودتر اسامنامه ی شرکت ملی نفت را که در آن هیئت عامله و هیئت نظارت مختلطی از متخصصین پیش بینی شده باشد تهیه و برای تصویب به مجلسین پیشنهاد کند. (۲۰)

(۱۸) المل ساتن، نفت ایران، صفحه ی ۲۶۷
(۲۰) اسناد نفت، صفحه ۵۲

در سایر مواد قانون طرق رسیدگی به ادعاهای شرکت و دعاوی حقه‌ی ایران، طرق تبدیل تدریجی کارشناسان خارجی به کارشناسان ایرانی، حق تقدم مشتریان سابق شرکت در خرید نفت ایران قید میشد. این قانون که هفتم اردی بهشت ۱۳۳۰ بتصویب مجلسین رسید، تعبیر کاملاً درستی از اصل ملی‌شدن بود.

هفتم اردی بهشت ۱۳۳۰

مجلس شورایتمایل خود رایبه نخست وزیری مصدق رسماً نخست وزیر شد و اولین دولت و شد ارتجاعی داشت بوجود آورد. ایسن

دهم اردی بهشت ۱۳۳۰

شاه قانون ملی شدن مصوب مجلسین را میگذشت) و قانون نه ماده‌ای اجرای توشیح کرد. این تا* خیر در توشیح

۲۲ اردی بهشت ۱۳۳۰

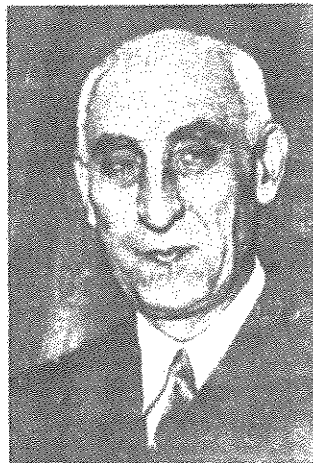
مصدق اعلام کرد که شاه و دکتر مظفر بقائی در مجلس گفت:

* اعلیحضرت فرمودند دکتر

دکتر محمد مصدق اعلام کرد و نهم اسفند ایران را که آشکارا رنگ ضد امپریالیستی موفقیت بزرگ ملت ایران بود.

(پس از یکماه و نیم که از تصویب آن آنرا بنا بدخواست دکتر مصدق یکجا تصادفی نبود.

اورا به مرگ تهدید کرده اند. مصدق



دکتر محمد مصدق - نخست وزیر

بقائی به دیپهیی نام در سازمان دولت اینطور گفته بود که فدائیان اسلام در مصدق قتل دکتر مصدق هستند. دیپهیی هم این مطلب را به ستاد ارتش اطلاع داد. از ستاد ارتش هم بمن گزارش دادند و من دیشب به شهربانی دستور دادم که شمارا حفاظت کنند.* (۲۱) از آنجاکه دهه‌ی زیادی از افراد کابینه‌ی مصدق را دربار تعیین میکرد (سرلشکرزاهدی وزیر کشور مصدق بود) و ارتش و شهربانی کاملاً در اختیار دربار بودند مصدق چاره را برای حفظ جان خود در تحصن مجلس دید. و روز ۲۲ اردی بهشت در مجلس متحصن شد. بعلاوه مصدق از تعلل مجلس در اجرای اصل ملی شدن نگران بود. مجلس حاضر نمیشد کمیسیون مختلط خلع پد را انتخاب کند. اتحاد جناح راست و ضد کمونیست جبهه‌ی ملی که از مدتها پیش آغاز شده بود روز بروز تحکیم یافت تا به کودتای ۲۸ مرداد رسید.

۴ خرداد ماه ۱۳۳۰

دکترگریدی سفیر امریکادرتهران بدنیال اقدامات مکرری که از جانب امپریالیستهای امریکایی علیه ملی شدن نفت ایران انجام شده بود تذکاریه ای به وزیر خارجه ی ایران تسلیم کرد و در آن دولت ایران را از هر نوع " لغویکجانبیهی روابط قراردادی و اقداماتی که جنبه ی ضبط و توقیف اموال داشته باشد " برخوردار داشت و مخالفت صریح دولت امریکارا با اینگونه اقدامات به اطلاع رسانید *

۱۵ خرداد ماه ۱۳۳۰

پیام ترومن به مصدق تسلیم شد که در زدن به اقدامات قطعی بر حذر رسید *

۲۰ خرداد ماه ۱۳۳۰

اولین اعلامیه ی هیئت مدیره ی خوزستان منتشر شد که در آن گفته شد ما موراجرای قانون ملی شدن نفت ۲۰ خرداد ماه در دفتر خود واتسع در خرمشهر مستقر و مشغول بکسار

۲۸ خرداد ماه ۱۳۳۰

ساعت ۸ بعد از ظهر آخرین مهلتی که شده بود پایان یافت * پیشنهاد اتسی مغایرت داشت *

۲۹ خرداد ماه ۱۳۳۰

جلسه ی مشترك هیئت دولت و کمیسیون مختلط نفت تصمیم به خلع ید از شرکت سابق گرفت بشرح زیر :
۱- تصمیمات و دستورات هیئت مدیره و یامد بر عامل شرکت سابق نفت از این بیعد قابل اجرائیهست

آن نیز دولت ایران را از دست



موقت شرکت ملی نفت ایران در میشد : « هیئت مدیره ی موقت در ساعت ۱۱ و نیم روز دوشنبه ی در صهارت مرکزی شرکت سابق نفت گردید * (۲۲)

به نمایندگان شرکت سابق داده از شرکت رسیده که با اصل ملی شدن

- مکراینگه این تصمیمات و دستورات به امضا هیئت مدیره ی موقت شرکت ملی نفت ایران رسیده باشد *
- ۲- ما مورخه برای خلع ید در قسمت نفت شاه و تصفیه خانه ی غرب در کرمانشاه تعیین شدند *
 - ۴- دستور داده شد اداری اطلاعات شرکت سابق نفت منحل شود *
 - ۵- دستور داده شد در همه جاناتم شرکت سابق نفت بنام شرکت ملی نفت ایران تبدیل گردد *
 - ۶- عواید نفت از این بیمه در همه جایاید فقط به شعبات بانک ملی ایران و بحساب شرکت ملی نفت ایران گذاشته شود ، در صورت نبودن شعبه ی بانک بصندوق اداری محل تحویل گردد *

در پایان جلسه ی هیئت دپلنت ، این تلگراف از طرف نخست وزیر به هیئت اعزامی خوزستان مخابره شد :

" هیئت مدیره ی موقت نفت ملی ایران ، بر طبق ماده ی دوم مقررات مصوبه ی هیئت مختلط هیئت مدیره ی موقت شرکت ملی ایران دارای کلیه ی اختیارات لازم برای اداره ی امور شرکت اصم از اکتشاف ، استخراج ، توزیع ، فروش و بهره برداری خواهد بود و مؤسسات تابعه ی شرکت سابق باید کلیه ی دستورات هیئت مدیره ی موقت را اجرا نمایند . نخست وزیر - دکتر محمد مصدق " (۱۴)

۳۰ خرداد ماه ۱۳۳۰

اعلامیه ی هیئت مدیره ی موقت شرکت ملی نفت ایران که در زیر به خلع ید بید صادر شد ، در آن از جمله گفته میشد :

- ۱- بموجب امر دولت بنگلیه ی کارمند ان ایرانی و خارجی شرکت سابق ابلاغ میشود که ۰۰۰ مستخدم شرکت ملی نفت ایران شناخته میشوند ۰۰۰ اشخاصی که نمیخواهند بخد مت خود ادامه دهند باید کتبا بشرکت ملی نفت اطلاع دهند تا در طریق یکماه ترتیب خاتمه ی خدمت آنها داده شود .
- ۲- هیئت مدیره تصمیم گرفت هر کسی که از دادن قبض بطور مطلق خود داری کند حق حرکت ندارد (منظور از قبض رسید قبضه ی بود که شرکت ملی در مقابل تحویل نفت دریافت میکرد تا بعد بهای آن محاسبه و دریافت شود) *
- ۳- نظر باینکه اداره ی اطلاعات شرکت سابق طبق دستور دولت منحل شده است اداره انتشارات آبادان که ناشر روزنامه های محلی میباشد و سابقا تابع اداره ی نامبرده بوده است زیر نظر هیئت مدیره ی موقت اداره خواهد شد % (۲۵)

۴ تیر ماه ۱۳۳۰

وزیر خارجه ی انگلیس مورسون در باره ی اقدامات هیئت مدیره ی موقت شرکت ملی نفت ایران به مجلس عوام

(۲۴) بموی اینده ، ۳۰ خرداد ماه ۱۳۳۰

(۲۵) اسناد نفت ، صفحه ۱۲۱ و ۱۴۲

(۱۲۱)



انگلیس گزارش داد و گفت :

« من باید به نمایندگان اطلاع دهم که پیشات‌های اخیر در قضیه نفت ایران خیلی جدی و ناگوار است. ۰۰۰ کرد ملت ایران در روش خود پافشاری کند شرکت علاجی نخواهد داشت مگر اینکه در عرض چند روز به عیال خود در آبادان پایان دهد. بی شک ممکن است وضع وخیمی در جنوب ایران پیش آید که مسئولیت آن بر عهد من دولت ایسران خواهد بود (۱۱) ». نخست وزیر ایران وقت می باید بداند که بر طبق قوانین بین‌المللی مسئول حفظ جان و مال اتباع انگلیس در ایران میباشد و اگر نتوانند این وظیفه را انجام دهند دولت اطیحضرت پادشاه انگلستان خود آنها را بعهده خواهد گرفت و برای انجام این منظور وسایل لازم را بکار خواهد برد. مجلس میتواند مطمئن باشد که ماتهیه من این کار را دیده ایم و میتوانیم سر بها اقدام کنیم.

« من میتوانم به نمایندگان اطلاع دهم که به رزمنا و موریسوس فرمان داده شده است که فورا به حومه آبادان حرکت کند ۰۰۰ بی جای تا مساف است که دولت ایران دست به اقداماتی بزند که نتیجهی مصیبت باری برای سعادت آیند من کشور ایران ببار آورد (۱۲) » (۲۶)
در پیام وزیر خارجه من انگلیس به وزیر خارجه من ایران مورخه من ۸ تیرماه ۱۳۳۰ چنین میخوانیم :

« دولت اطیحضرت پادشاه انگلستان نمیتواند باور نماید که دولت ایران در این لحظات آخر تشخیص ندهد که ناسازگاری آن دولت روش خرد مندانه من نیست » (۲۷) (تکیه از ماست)

این تهدیدهای ظنی که در تمام دوران ملی شدن نفت ادامه داشت، تو خالی نبود و امپریالیسم انگلیس اثرگسترین فرصتی مییافت که به تجاوز میزد. اما این فرصت بدست نیامد

۲۲ تیرماه ۱۳۳۰

هریمن فرستاده‌ی مخصوص رئیس جمهور آمریکا برای میانجیگری میان ایران و انگلستان وارد تهران شد. اولین توطئه‌ی کودتای مصدق نیز در همین روز به شکل خاص و غیرمستقیم انجام گرفت. موضوع اینکه پس از آغاز اجرای قانون ملی شدن نیروهای ملی ایران روز بروز بهم نزدیکتر میشدند. فاصله‌ای که در چند ماه گذشته میان حزب توده و ایران و جبهه‌ی ملی بوجود آمده بود از میان میرفت. این فاصله پس از خلع ید در ۲۹ خرداد ماه ۱۳۳۰ بسیار کم شد و حزب توده‌ی ایران حمایت از دولت مصدق را مطرح ساخت. روزنامه‌ی پستی آینده اعلام داشت که حمایت مشروط از مصدق تأمین شده است.

اتحاد نیروهای ملی خطر عظیمی برای امپریالیسم و ارتجاع بوجود می‌آورد و آنها تصمیم گرفتند ضربه‌ی دو جانبه‌ای وارد کنند، که هم مصدق را از اختیار اندازد و هم پلی را که میان حزب توده‌ی ایران و جناح مشرقی (مصدقی) جبهه‌ی ملی ساخته میشد، بشکنند. این توطئه در ۲۲ تیرماه ۱۳۳۰ بموقع اجرا گذاشته شد. در آنروز جناح کاشانی و دکتربقائی در اتحاد با دربار و سرلشکرهاهدی (که وزیر کشور کابینه‌ی مصدق بود) به تظاهرات خیابانی وسیعی که در تهران تشکیل شده بود حمله کردند. دمنستراسیون تهران از طرف "جمعیت ملی مبارزه با استعمار" بمناسبت بزرگداشت خاطره‌ی اختصاص کارگران شرکت نفت و تیرباران آنها در ۲۲ تیرماه ۱۳۲۵ تشکیل شده بود. بدستگیری سرلشکرهاهدی (وزیر کشور) و سرلشکربقائی (رئیس شهربانی) به تظاهرات تیراندازی شد و عده‌ی زیادی کشته شدند. این تیراندازی خلاف دستور بود و اطلاع مصدق بود.

در این حادثه‌ی بزرگ مصدق سقوط نکرد، ولی بهر صورت ضربه‌ی سنگینی به نیروهای ملی وارد آمد. رابطه‌ی حزب توده‌ی ایران با مصدق برای مدت طولانی گسسته شد. مصدق سرلشکرهاهدی و سرلشکربقائی را از کار برداشت، و اعلام کرد که دربار در دولت، در مجلس و خلاصه در همه جا نفوذ دارد. وی بطور تلویحی اشاره کرد که جنایت ۲۲ تیرماه محصول این نفوذ است. در این توطئه سازمان جاسوسی آمریکانقش مؤثری ایفا کرد. هدف این بود که حکومت مصدق را آنقدر ضعیف شود که مجبور به سازش گردد. اما این نتیجه حاصل نشد. هرچند با وجود اقامت طولانی در تهران و تلاش فراوان نتوانست پیشنهادات خود را به مصدق بقبولاند. انوقت‌ها هنوز میان انگلستان و آمریکا بر سر تقسیم نفت ایران توافق بعمل نیامده بود.

۱۱ مرداد ماه ۱۳۳۰

سفارت کبرای انگلیس در تهران طی یادداشتی بدولت ایران اطلاع داد که :

" دولت انلیحضرت پادشاه انگلستان از طرف خود و از طرف شرکت اصل ملی شدن صنعت نفت را در

ایران قبول مینماید* (۲۸)

این سند محصول مذاکرات طولانی ایران و انگلیس بود و امپریالیست های انگلیس امید داشتند که از این طریق راهی برای از میان بردن اصل ملی شدن و استقرار تسلط کارتل بین المللی نفت بدست آید. اما امروز امپریالیستهای واقعی بدست نیاوردند و سند فوق بعنوان يك منسند قانونی و بین المللی در تاسیس ملی شدن باقی خواهد ماند.

۲۱ شهریورماه ۱۳۳۰

دولت ایران به کارمندان خارجی شرکت سابق نفت ابلاغ کرده اگر نمیخواهند مستخدم دولت ایران باشند مدت يك هفته خاک ایران را ترک کنند. این کارمندان از مدتها قبل طبق دستور شرکت سابق از همکاری با شرکت ملی نفت ایران خودداری میکردند و در تعطیل صنایع نفت ایران میکوشیدند.

۱۱ مهرماه ۱۳۳۰

آخرین فرد انگلیسی آبادان را ترک گرفت* و ملت ایران بطور کامل تا* سیمات نفتی خویش را بدست گرفت *

* * *

آنچه در چند صفحه ای بالا آوردیم نه تاریخ ملی شدن نفت است و نه حتی گریز و فرار از حواصت مهم آن. این کار فرصت بیشتری میخواهد. ما در اینجا از توطئه های امپریالیستی و ارتجاعی علیه ملی شدن نفت، از اختلافات میان نیروهای ملی ایران و کم و کیف آن، از رقابت و اتحاد انحصارات بزرگ نفتی، از مداخلات امپریالیسم امریکا در مورد اخلای ایران، مذاکرات مفصل میان ایران و انگلیس بامیانجگیری امریکا و بطور کلی از فعالیت همه جانبه ی حکومت ملی مصدق و تلاش امپریالیسم و ارتجاع برای برانداختن آن و کوشش نیروهای ملی برای حفظ آن و بسیاری مطالب مهم دیگر سخن نگفتیم.

ما فقط خواستیم جریان تدوین و تصویب قانون ملی شدن نفت ایران و خلق یک شرکت سابق نفت را باختصار قید کرده و تذکر دهیم که اصل ملی شدن نفت ایران و قانون طرز اجرای آن بطریق کاملاً قانونی در مراجع مقننه ی ایران بتصویب رسیده و مورد حمایت کامل ملت ایران قرار گرفت *

اصل ملی شدن از جانب دولت انگلیس و شرکت سابق نفت نیز برسریت شناخته شد *

در سالهای حکومت ملی مصدق مراجع بین المللی نظیر شورای امنیت (مهرماه ۱۳۳۰)، دادگاه بین المللی لاهه (تیرماه ۱۳۳۰) و دادگاه محلی ایتالیا و زاین بسود ایران را می دادند و قانون ملی شدن نفت ایران را بازهم بیشتر تمجیل و تثبیت کردند. ایران بفروش نفت ملی خود آغاز کرد. و اگر حکومت ملی مصدق بر سر کار میماند امروز شرکت ملی نفت ایران با بازار بزرگی در دست داشت.

کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ این موفقیت‌های بزرگ را بیاد داد و فاجعه ای در تاریخ ملت ماست.

سلطه ی کنسرسیوم بین المللی نفت بر منابع و صنایع نفت ایران و قرارداد بی که با آن بسته شد بنا بر قانون ملی شدن نفت ایران بود و در شرایط غیرعادی به ایران تحویل شده و غیرقانونی است. این قرارداد منابع نفت ایران را تا سال ۱۹۹۴، یعنی تا آخر قرن بیستم، در اختیار کارتل بین المللی نفت قرار داد است.

بدون تردید ملت ایران برای احیای قانون ملی شدن نفت تا آخر قرن بیستم به انتظار خواهد نشست.

چوانشهر

ازسند تحلیلی حزب :

لزم خروج دولت از پیمانهای نظامی

با اینکه پیمان تجار و کارانه و استعماری سنتو در چار بحران جدی است معذک دولت با اتحاد و لجاج کورکورانه ای در درون این پیمان باقی ماند و حتی بصورت یگانه مدافع سرمخت بقا آن تظاهر میکنند. با اینکه خود شاه و سایر زمامداران دولت بارها اعتراف کرده اند که این پیمان دیگر "با مقتضیات دوران و روح زمان" وفق نمیدهد و نیز مکررا علت وجود نی آنرا که ظاهراً عبارت از پیشگیری در برابر اصطلاح "خطر تجاوز از شمال" بوده است، در نتیجهی بهبود مناسبات ایران با اتحاد جماهیر شوروی نفی نمود. معذک حفظ این پیمان امپریالیستی و بقا شرکت دولت ایران را در آن توأم با قرارداد و جانپوشی نظامی با امریکایی از ارکان سیاست خارجی می شمارند.

بطور کلی پیمان سنتو و قرارداد و جانپوشی نظامی یکی از اهرمهای اساسی تحکیم مواضع امپریالیسم در ایران و در سراسر خاور میانه و نزدیک و کنیه گاه مؤثری است برای تأمین منافع انحصارهای نفتی در خاور میانه و نزدیک و بی سبب نیست که سخنگویان رژیم پس از آنکه مجبور به اذعان این حقیقت شدند که خطری از سوی شمال کشور ما را تهدید نمیکند اکنون برای توجیه شرکت دولت در این پیمان به "خطری که گویا از ناحیه کشورهای عربی ایران و خلیج فارس را تهدید میکند استناد میجویند.

رژیم کنونی بجای آنکه از اوضاع بین المللی مساعدی که در سالهای اخیر بوجود آمده است بمنظور تحکیم رشته های مودت با کشورهای عربی استفاده نماید و امکاناتی بوجود آورد که کشور و مردم ایران بتوانند نقش مهم و شایسته خود را در منطقه خاور میانه ایفا نمایند بعکس با اتخاذ روشهای نادرست نسبت بکشورهای مزبور و جانبداری از نظریات امپریالیستی در مورد آنها، باتیره کردن روابط ایران و کشورهای عربی، با برانگیختن احساس کین و تمصب ملی میکوشد در چا کشور ما را مانند اسرائیل یکی از دشمنان ملت‌های عربی و یکی از پادوهای کارتل امپریالیستی نفت در خاور میانه مبدل سازد.

شغال محکوم

ای شغال تنه گنده خپله
خوب ، بد جنس جدا ندر جد دزد
پی شرافت ، بکدام استحقاق
آخر ای پی هنر و پی همه چیز
نیسه شب بهر چه آئی پاپوس ؟
پی گذرنامه و بیسی پروانه
مالک باج زمین میطلبی ؟
مرغ پی وقت مگر چیزی خواند
سیدی ، عامی ، تاخمس و زکوة
متولی دهات مائی ؟
پا گه هستی گل و مولاد رویش

باری از شرع مطهر گذریم
چوب دارستی یا جنگلبان ؟
بهر اجباری از رکن و ستاد ؟
پست امنیه فرستاده تورا
سوه پیشینه مگردا رد آن
بخشدار هستی یا فرماندار ؟
ملك الموت ملا پیر مدنی
خط مگر داری از آقای وزیر ؟

از در عدل مطلق سرنگریم
آدم ثبت ، سچل یا نوغان ؟
آمدی یسا به هوای سازاد ؟
ببیری خد متشان مرغ مرا ؟
سرد یوار پیرده حیوان ؟
شهر دار هستی یا استاندار ؟
ناخنک گفته بخرم بزنی ؟
یا که دستور شفا هستی ز امیر ؟

بلا تشبیه رئیس الوزرا
مگر از دفتر مخصوص کسی
مرگ من، حضرت آقای شغال
خود ایشان بشما خط دادند ؟
سیاست سروکار تو کجاست ؟
از سر شخم زدن تاخر من
هیچ در مدت عسرت یکبار
هیچ شدیخ کنی از سرمائی ؟
این همه پیشگفت ای نامرد

توصیه کرده به جالیزتورا ؟
بتو داده است سمت بازارسی ؟
کی گرفتی ز شهنشاه مدال ؟
یا که از جثائی رخصت دادند ؟
انگلستان است یا امریکاست ؟
شده یک دفعه کنی یاری من ؟
دست از بیل شیده آبله دار ؟
هیچ شد غش کنی از گرمائی ؟
شد بگوئی نکند دستت درد ؟

حال کرتو به وصیت داری
پوستت را کنم و گناه کنم
تنه لش، جا یگزین سرخر
رقص مطبوع کنی بر سردار
سخن بزرگتر اینجاکه رسید
نکات افسوس که بسی تدبیری

احمدی واریکو، مختاری
سر جالیز بدارت یزتم
عسرت الناس شغالان دگر
مثل بعضی وزرا* بلغار
از ته قلب شغال آه کشید
شیرموش هستی و موش شیری

دزد یک جوجه خروش حلق آویز
دزد یک خیزه اندر سردار
زالوی خسون هزاران دهقان
داشتی گر هنر و عقل و کمال

دزد ده دهکده آقا و عزیز؟
دزد صد قریه جناب سردار
حضرت اشرف و خان و اعیان
همه بودند بعرف توشغال

انوشه

ناوی از موج نمیترسد :
او، شیفته ی طوفان است
ناوی از ساخت پرنور آفتاب می آید
شفقش در جان است

برگشد چونکه شرع
قارغ از بود و نبود
عرصه اش :

عرصه ی پهنای دریا میگوید
ناخداش است که با بیم و بلا خو کرده
ای چه پس بر سر او ابر هیا هو کرده
وین زمان :

روی این ساحل اندوه زده
در کنار هم رزم ، پیش روی دژخیم ،
در تگرگی همه از سرب مذاب

همچو يك صخره بیاست

دشمن شوم کجاست ؟

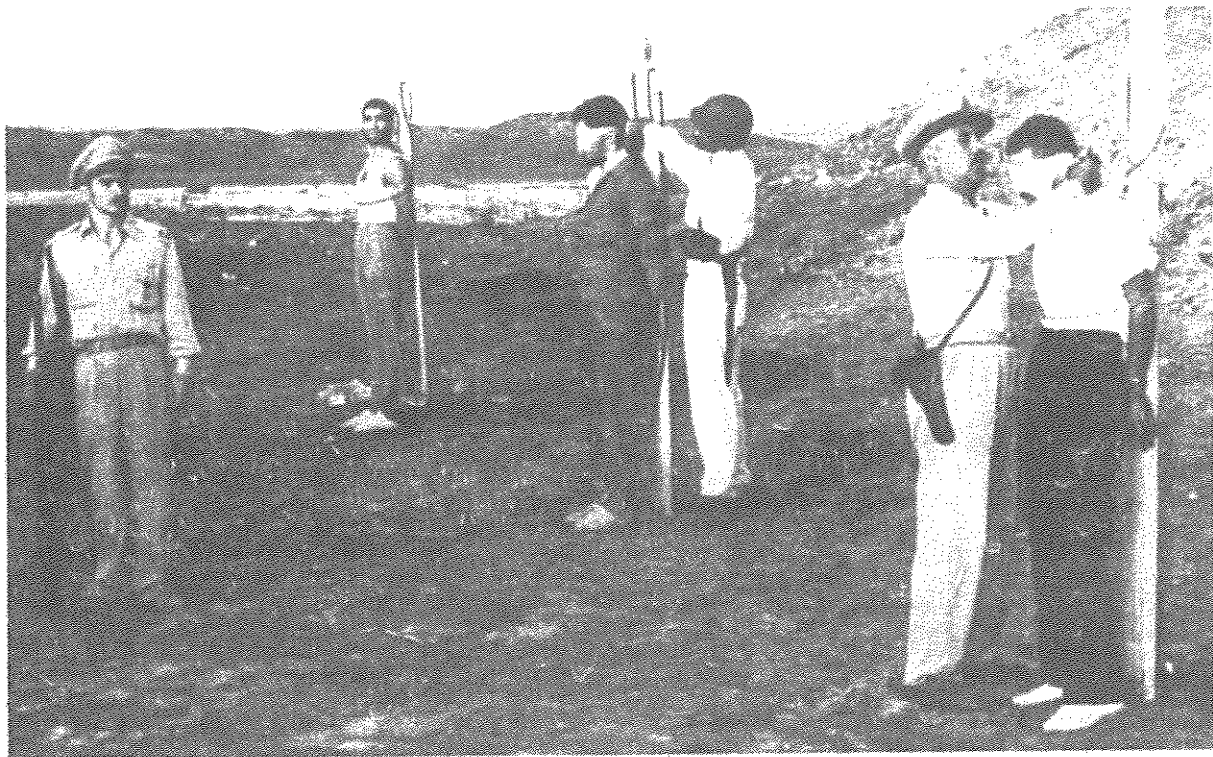
تا ببیند بد و چشم

ناوی از مرک نمیترسد :

او زنده دل از ایمان است

ناوی از ساخت پرنور آفتاب می آید

شفقش در جان است .



ناوی وظیفه هوشنگ انوشه ، مهنای دوم خیری، ناوی وظیفه گهر بار در شهر چیرماه سال ۱۳۳۲
 یعنی بلافاصله پس از کودتای ۲۸ مرداد باتهام آتش زدن ناو بیبر بازد اشت و پنج روز بعد
 در میدان تیر امیر آباد خرمشهر تیر باران شدند. از آنجهت که دستگاه انتظامی شاه از ناویان
 میترسید چوخته اعدام را که مرکب از ۱۵ نفر سرباز بود از لشکر خرم آباد آوردند. بطوریکه در عین
 دیده میشود انوشه با چشمان باز با استقبال مرک رفت و شهادت و از خود گذشتگی او بحدی بود
 که حتی در لحظه اعدام هم خنده لبان او را ترك نگفت.

میرا زیاد فراموش مکن !

گورخونین شهیدان بتو آواز دہد :
" شعلہ ای راتہ قروزان شدہ خاموش مکن !
ماہہ امید وفای تو گڈ شتیم ز جان
دوستان را میرا زیاد ، فراموش مکن ! "

تا بود گردش اوضاع وطن بر این دور :
دشمن مردم پر بہرہ و مردم ہی برک
میرا زیاد ارنی راد رحس جور !
میرا زیاد سیامک را برجوبہ ہی مرک !

ای چراغی کہ گنوں روشن و نور افشانی
نام شمعہ کہ فرو مردہ ، ز خاطر مرزا !
باہمہ ہستی خود تودہ ای صادق باش
سخن روز بہ گرد ز خاطر مرزا !

تا ز تیرہ شب میہن نہد پرتوی فجر
منہ از جادہ ہی پیتار دی پای برون
میرا زیاد ، فراموش مکن آنہمہ زجر !
میرا زیاد ، فراموش مکن آنہمہ خون !

مادر و ہمسر و فرزند عزاد اربسی است
گروفا داری از این لشکر ماتم یاد آر !
زان رفیقان کہ نشستند بہ زندان بلا
دم شادی ، دم اندوہ ، بہر دم یاد آر !

شده ای درباره
جنبش های اجتماعی
و انقلابی در ایران



خروشید وز دست بر سر ز شاه
که : « شاها ، منم کاوۀ داد خواد ،
ستم را میان و کرانه بود
همیدون ستم را بهانه بود
بهانه چه داری تو بر من ، بیار ،
که بر من سکالی بد روزگار ؟

قیام کاوه ی آهنگر طیه ضحاک ستمگر گرچه افسانه ای
 تاریخ است ولی این حقیقت را که مردم ایران زمین در برابر
 جور و ستم زبرد ریشی که نمود ارزنج و محرومیت بود هی زحمتکش
 است گرد می آیند و بهارزه میبرد ازند ، مجسم میکند . این حقیقت
 در سراسر تاریخ ایران بچشم میخورد و مادر این گاهنامه فهرستی
 از مظاهر آفرین است میدهم تا براخگر نبرد ی که زیر خاگستر
 شکست ها و ناکامیهای گذرا پنهان است نسیمی بد میم و گسیمی
 جرقه ای را که بحکم تاریخ به شعله ای تبدیل و از سوزش آن
 کاخهای ستم و ستمگران نابود خواهد شد ، تند ترکنیم . تاریخ
 نویسان ایرانی و بیثانه بانحریف و تغلیط ، بیشتر جنبشها و
 قیامها را زبرد می یابند ، ی جانبداری سیاسی و مذهبی خود پنهان
 کرد ، به آنها زمانی رنگ الحاد و زندگی و گاهی خیانت و فتنه -
 گری زد ، اند . کوشش میکنیم تا آنجا که در این گاهنامه میکند و
 درک نویسند ، اجازه میدهد حلقه های از زنجیر سرخ رنگ پایان
 ناپذیر مبارزات اجتماعی و انقلابی میهن خود را در سه قسمت پیش
 از اسلام ، بعد از آن تا آغاز قرن بیستم و سرانجام قرن معاصر ،
 از زیر خاگستر قرون و اعصار بیرون کشیم و رنگ زمان و پلیدی -
 های تاریخ سازان را از آنها بزدانیم . کوشش ما اینست که بیشتر
 آنگونه جنبش های را که در تاریخهای تاریخ پنهان شد ، ولو
 باختصار ، از زوایای آن بیرون کشید ، و یاد آنها را زنده کنیم و
 در مورد انقلابات بزرگ که در باره ی آنها تفصیل مد ارک و اسناد
 منتشر شد ، باختصار قناعت کردیم .

پیش از اسلام

در ۵۲۹ ق . م کورش پایه گذار دولت هخامنشی در جنگ
 های شمال شرقی ایران با سکاها ، کشته شد . کیوجیه جانشین او
 که شاهی ستمگر و تاحد جنون خونخوار بود ، ستم برتوید ، هسای
 مردم و اقوام تابع را که برزور کورش محکوم نظم تحمیلی او شدند ،
 بودند ، تشدید کرد . لشکر کشی او به مصر آخرین رمق کشاورزان
 و مردم مغلوب را کشید و زمینه را برای شورش «مئانی قراهم»
 (۱۲۷)



یک سرباز " جاویدان " اردوران هخامنشی

کرد * داریوش در کتیبه ی بیستون میگوید :

* بعد از رفتن او (کبوجیه) به مصر مردم از او برگشتند * * * *

شورشها آغاز شد و برد یازده بقول قابل تردید داریوش معنی شورش بود، در رعیت کبوجیه به تخت نشست و برای آرام کردن مردم مالیاتهارا بخشید و از سر بازگیری چشم پوشید * داریوش و نجیبای بزرگ همدست شدند و باتوطئه او را کشتند و داریوش با مکر و فریب به تخت نشست * شورشها بزرگ شد و حتی پارس زادگاه شاهان هخامنشی را نیز در بر گرفت * داریوش در کتیبه ی بیستون شمه ای از این قیامهارا در بند دوم چنین نقل میکند :

* زمانی که من در بابل بودم این ایالات از من برگشتند : پارس، خوزستان ، ماد ، آسور ، مصر ، پارت (خراسان) ، مرو ، گوش (افغانستان) ، سکا تیه * *

داریوش از ۹ مهرماه ۵۲۲ تا ۱۹ اسفند ۵۲۰ ق. م بسرکوبی این جنبشها مشغول بود *

سیپتامان (۲۲۷-۳۱۹ ق. م)

اسکندر رسلعه ی هخامنشیان را که از درون پیوسید به بود ، نابود کرد ، دارا را کشت ولی در حرکت خود بشرق همه جا به مقاومت های سخت برخورد از جمله سفد و باختر (BACTERIA) یکی از سرداران جنگی سیپتامان در راه جنبش همگانی مردم پیش از دو سال علیه مهساجم خارجی مبارزه ی دلورانه کرد * در این ناحیه مکرر مردم علیه ساتراپهای اسکندر قیام کردند ، گرچه سرانجام نیروهای مجهز و ورزیده ی اسکندر این جنبشهارا سرکوب کردند ولی از این تاریخ اسکندر بناچار روضر خسونت آمیز خود را به ترومش و ملاطفت بدل کرد *

جنبش مانوی (۲۷۶-۲۱۱ م)

* این جامعه راترك كن ، تو از جانبداران آن نیستی ، تو باید عادات و رسوم را منظم کنی و لذا ائذ را تحت تسلط درآوری *

این ندائی است که طبق آثار مانوی از جانب " شاه نورپهشت " که نام عالیترین " نیکی " است در سن ۱۲ سالگی به مانی رسید * مانی در سال ۲۱۷ / ۲۱۶ م * در خانواده ای مذهبی از " ادریون مفتسه " بدنیا آمد و در بابل پرورش یافت * بطور کلی جامعه ی آنروزی به بندگان و کشاورزان (آزاد) در برابر شاه و شاهزادگان ، مہان (بزرگان) ، نجیبای کوچک و دهگانان (نجیبای ده) و پیشوایان مذهبی زردشت تقسیم میشد * کشاورزان آزاد و یا بطور کلی زحمتکشان (آزاد) همواره در خطر بنده شدن بودند * هر آزاد که قادر بر پرداخت مالیات نبود و یا در جنگ اسیر میگردد فوراً به بنده تبدیل میشد و چون جنگها از دوران اشکانیان تا ساسانیان و قحط و غلامد او م بود ، سیلی از آزادان بطرف بندگان روان بود * بندگان مانند کالا بفروش میرسیدند * اختلافات مذهبی بین زردشتیان ، عیسویان ، یهودان نیز باین وضع اشتقه میافزود * این جامعه دارای دو قطب حاکم و محکوم که تضاد اصلی آنرا تشکیل میدادند ، بود * تضادهای دیگر از جمله تضاد بین شاه و نجیبا و اشراف و دستگاه مذهبی ، تضاد بادولت روم در غرب و با هیاطله در شرق ، تضاد بین شهر و ده که نتیجه ی سیرتامل جامعه بود بحران پایان حکومت اشکانی را تشدید میکرد * استخراج معادن ، توسعه ی محصولات دستی و کارهای ساختمانی در شهرها و کارهای آبیاری و راه آبیاری و نظائر آن با وضع عقب مانده ی دهات و وابستگی انسانهای دهه در تضاد بود * واکنش چنین وضعی در درون مانی ندائی است که به مانی میگوید :

* این جامعه راترك كن ، تو از جانبداران آن نیستی *

در مقابل جامعه ای چنین پرتضاد یاباید با مبارزه ی مثبت بتغییران پرداخت و یا آنکه از آن دوری هست و در هر حال بسا آن ساخت و راه مبارزه ی منفی را پیش گرفت. مانی راه دوم را برگزید. مانی پس از مسافرت به هند و آشنائی با مذهب بودائی سیستم جهانی مذہبی خود را که التقاطی از مذہب زردشتی، بودائی و عیسوی و میتولژی بود با دقت تنظیم کرد و در کتاب "شاهپورگان" اصول آنها را بیان و هنگام تاجگذاری شاهپور اول به شاه هدیه کرد. مانی اصول اخلاقی خود را بر پایه ی فلسفی ثنویت؛ روشنائی و تاریکی که ازلی و ابدی هستند؛ استوار نمود. در واقع این اصول (امتناع از قتل نفس حتی در مورد حیوانات، نخوردن شراب، دوری از زین و جمیع نکردن مال) واکنش در مقابل زندگی پرتجمل و پراز لذت طبقات حاکم و عکس العمل منفی در برابر پیرحیران اجتماعی پایان حکومت اشکانی و آغاز حکومت ساسانی است. شاهپور و هرمزد، نشر چنین مذہبی را تجویز کردند، زیرا با وجود مخالفت آن با شہوت پرستی و غارتگری و سودجویی طبقات حاکم، از جانی مردم را براه "معنویت" و "پاسیفیسم" سوق میداد و از جانب دیگر از قدرت پیشوایان مذہب زردشت میکاست. جنبش معنوی مانی بسرعت در جهان آنروز گسترش یافت و تبدیل به نیروی شد که با وجود جنبه ی منفی آن با همدقهای شاهان و نجبا و پیشرفت جامعه ی آنروزی وفق نمیداد. پیشوایان زردشتی و عیسوی که باهم دایما در نبرد بودند، متحد شدند و در دوران شاهی بهرام اول که شاهی تن آسان و شہوت پرست بود در جریان محاکمه ای مسخره او را محکوم و مقتول نمودند (۲۷۶ میلادی). از آن پس مانی کشتی آغاز شد و مغان مردم بسیاری را بنام زندک (زند بقی) کشتند. مانویان در دو جانب شرق و غرب، در آسیای میانه تا سرحد چین و در غرب تا روم پراکنده شدند. در غرب گروه های مذہبی مسیحی تحت تاثر تیرمانویت مانند البیژوا و کاتار پدید آمدند که آنها هم بعلت ناسازگاری با وضع اجتماعی موجود و یا منافع کلیسا قتل عام شدند. عناصری از افکار مانوی در ایران و بین النهرین تا زمان خلیفگان عباسی باقی ماند. بسیاری از ایرانیان روشنفکر مانند ابن العقیق یا اتهام مانیکری کشته شدند و چون مانویت حریمه ای برای مبارزه علیه خلفا زبرخونان مذہبی تلقی میشد، منصور خلیفه ی عباسی سازمانی برای نابود کردن مانویان بوجود آورد که در رأس آن "صاحب الزنادقه" قرار داشت. آثار فرهنگی مانویان از قبیل اصلاح خط، بسط و ترویج موسیقی مذہبی، نقاشی و مینیاتور و کتابهای متعدد بیاد کارمانند و اکنون نیز نگه هائی از آثار فرهنگی آنان در دست است.

مزدک

در پایان قرن پنجم و آغاز قرن ششم میلادی جنبش بزرگی جامعه ی ایران را تکان داد که بصورت قیامی واقعی سی سال (۵۲۴ - ۵۴۴ م) دوام آورد و تا تیر شگرفی در تکامل جامعه ی آنروزی ایران بخشید. در قرن پنجم میلادی بحرانی که در آغاز قرن سوم - اواخر حکومت اشکانیان - آغاز شده بود تشدید گردید. کوشش موسسان سلسله ی ساسانی نتوانست مسئله ی بحرانی را بطور قطعی حل کند، فقط بسوز یک قیام اجتماعی را که نتیجه ی منطقی وضع آنروز بود بنا خیر انداخت. در آغاز حکومت ساسانی تغییرات ذیل در جامعه ی ایران پدید آمد:

- ۱- شهرسازی بسرعت روبافزایش رفت.
- ۲- روابط قنودالی بمقیاس زیادی قزونی گرفت.
- ۳- قدرت در دربار متمرکز شد.

این سه جریان در راه تکامل خود بیوانمی جدی برخوردار گردید که از خصلت جامعه ی آنروز ناشی میشد. کعبه بود زمین مانع رشد شهرها میشد، زیرا بیشتر زمینها را اشراف و نجبا و دستگاه مذہبی در اختیار داشتند، دهاتی که کشاورزان در آنها مشترکا کار و زندگی میکردند (پس ها)



يك شاه ساسانی هنگام شکار

تضعیف شده و فتود الهها برای تصاحب آنها باکشاورزان درنبرد بودند، کوشش شاهان برای تمرکز قدرت و بالا بردن مالیاتها برای اداره امپراتوری و امور جنگی با مقاومت شدید نجیبان و دستگاه مذهبی روبرو گردید. بود. در دوران سلطنت پیروز (۴۸۴-۴۵۹ م) قحطی بزرگی آمد و وضع را بدتر کرد. شاه ناچار شد مالیاتهای تازه ای وضع و حتی انبارهای غله را بین مردم تقسیم کند.

در سال ۴۸۴ م. پیروز در جنگ با هیاطله شکست خورد و ایران مجبور به قبول خراج سالانه ی سنگینی شد. در دوران بلاش (۴۸۸-۴۸۴ م) رومی ها از پرداخت خراج به ایران سرباز زدند و کار خرابی او ضاع بالا گرفت. بناچار بلاش مالیاتهای سنگینی بر امسالک (نجیبان، اشراف، فتود الهها و دستگاه مذهبی) بست. آنها هم متحدان طایفه او قیام کردند و عزل و کتورش کردند. باین ترتیب بحرمان به او چ خود رسید. در چنین اوضاعی مزدک پسر بامدادان به تبلیغ مذهب خود که گویند موعسسه زردشت خورک یا بوندس بود، پرداخت.

عقاید مزدک برد و گانگی مانوی استوار است :

روشنائی دانا و تاریکی نادان ، بحیارت دیگر نیکی با عقل و بدی جاهل . این دو نیر و باهم درنبردند و چون روشنائی داناست سرانجام پیروز خواهد شد . وظیفه ی انسان مبارزه با بدی و کمک به روشنائی درنبرد او با تاریکی است . اهمیت مزدک در تبلیغ این فلسفه نیست ، بلکه درخشش و فروغ او در بکار بستن این فلسفه در زندگی روزانه و اجتماعی مردم است که به آن روح و زندگی میبخشد . اساس تعلیمات اجتماعی مزدک دو چیز است :

یکی برابری و دیگری دادگری .

این دو شعار منعکس کننده ی تمایلات توده های مردم آن زمانست که باعث پیشرفت مزدکیت شد * مزدک میگوید :

* آنچه مخالف روشنائی و موافق تاریکی است عارتست از خشم و نفاق و چون ثروت و زن دو عامل اصلی ایجاد اختلاف بین انسانهاست ، لذا لازم است که زنان آزاد و ثروت اجتماعی گردد *

مزدک میگوید :

* اگر کسی یا این نظامات موافقت نکرد ، او پیرو اهریمن است و باید با قهر آنچه را که باید هد از او گرفت *

(نقل از دبستان العذاهب)

مزدک میگوید اهورمزد انعمات زیادی را بطور مساوی در دسترس انسانها گذاشت و نابرابری از آنجا بوجود آمد که کسانی با قهر اموال دیگران را تصاحب کردند * مزدک مرد پرهیز کاری بود که مردم را بتقوی میخواند * اینکه اورا متهم باشتراك زنان و هرچ و مرج در جنسیت میکنند نادرست است * در آنزمان شاهان و اشراف و فئودالها هزاران زن زیبا را در حرملهای خود مدفون کرده بودند ، در حالیکه توده های مردم ظالما از داشتن يك زن محروم بودند * اشتراك در زن در مذهب مزدک آزادی زنان و بازگشت بزندگی اشتراکی (پس) هاست * گیرشمن باستان شناس برجسته ی فرانسوی میگوید :

* برنامه ی مزدک که بحق آنرا کمونیسم ایرانی باید نامید ، يك انقلاب واقعی بود * بسیاری از دانشمندان این جنبش را واکنش بندگان و نیم بندگان (کشاورزان وابسته بزمین) و همچنین عکس العمل ساکنان شهرها و حومه ی آنها که سابقا آزاد بودند ، طبعه فئودالیسم و دستگاه بنده ساز آن میدانند که بصورت مبارزه ی طبقاتی درآمد و طبعه حرمسراهای اغنیاء که در آنها زنان متعدد را محبوس بودند ، اعتراض کرد *

مردم بسیاری بسرعت پیرو مذهب مزدک شدند و انبارهای غله و ذخائر اشراف و فئودالها حتی خانواده های سلطنتی ، زمینها و حرمسراها را از چنگ استعمارگران بیرون کشیدند * قباد پادشاه ساسانی که سلطنتش در برابر بحران اقتصادی و اجتماعی جامعه متزلزل بود ، برای مدتی به مزدک و مزدکیان پادیده ی اغاض و تاحدی جانبداری نگریست ، به جبهه ی متحد اشرافی - فئودالی روی خوشی نشان نداد و مالیاتهای سنگینی بزبان آنان وضع کرد * این دو نیروی ارتجاعی باهم متحد شده قباد را بزند انداختند و بجای او برادرش (زاما سب) را برگزیدند * قباد از زندان فرار کرد و بانگ هیاطله که با او خویش بودند یاردار بگریسلطنت رسید (۴۹۹ م) و پشت از نجبا و اشراف انتقام گرفت * جنبش مزدکی در این مدت پیش میروست * اما همینکه پایه ی سلطنت قباد محکم شد و نجبا و اشراف بقدر کافی ضعیف گردیدند و به قباد تسلیم شدند ، پهنانه ای بدست آورد و در محاکمه ی مسخره ای حکم محکومیت مزدک و مزدکیان را صادر نمود * روحانیان زردشتی و مسیحی مانند دوران مانی بهم پیوستند و حکم قتل او را از شاه گرفتند * جنبش مزدکی باقتل او و پیروانش بطرز وحشیانه ای سرکوب شد ، اما افکار او اثر خود را حتی در قیامها و جنبش های مردم ایران در دوران اسلام ، باقی گذاشت *

نیم قرن بعد از مزدک افکار او الهام بخش جنبشی پرهیزی پسر خاقان ترك گردید که واحه بخارا را تصرف کرد ، اشراف و نجبا را براند و اموال آنها را تصادف و تقسیم کرد و سپس سرکوب و رهبران اعدام شد *

در آغاز قرن هشتم میلادی خوزداد برادرشاه خوارزم در راهس مزدکی را گرفت * دارا ی ثروتمندان و اشراف را بین قسرا و محرومان تقسیم کرد * این جنبش را شاه خوارزم بنگک * قتیبه * فرمانده عرب در سال ۷۱۲ م * سرکوب کرد *

شکست مزدکیت ، اصلاحات قباد و انوشیروان برای مدت کوتاهی پخران جامعه را تحفیف داد ، اما چندی نگذشت که بار دیگر پسا شدت بیشتری بروز کرد و زمینه را برای شکست در جنگ با اعراب فراهم نمود .

جنبشهای اجتماعی بعد از اسلام

اسلام به توده هابرابری و برادری عرضه میکرد ، سید قرشی و سیاه حبشی را برابر میگذاشت ، برهیزکاری رانها وسیله ی فضیلت میشمرد . این افکار در مقابل جامعه ای تبارگه یادقت ریاضی مردم را بطبقات ممتاز و محروم تقسیم میکرد ، میتوانست باسانی پیروز گردد . از نظر نظامی نیز قدرت جوانی که در رمک و زندگی سعادت و نیکبختی میدید و مسخو ر غنائی میشد که شکوه و جلال در بار و طبقات ممتاز ایران در چشم انداز او مینهاد ، میتوانست پرسازمان نظامی دولتی که سر تا پا عرق در فساد و بیعدالتی ، نفاق و شهوترانی بود ، پیروز گردد . چنین هم شد . مذهب زردشت در مقابل اسلام شکست خورد و شاهنشاهی ساسانی در برابر اعراب بیابانگرد از پای درآمد . یزدگرد آخرین شاه ساسانی در کشور خود تنهاماند و بدست یکی از اتباع خویش نابود گردید .

دیری نیامد که خلفا و فرماندهان عرب اصول صدرا سلام را زیرپا نهادند و امید توده های محروم را به یاس بدل کردند . قشرتازهای از فتودالها جانشین فتودالهای گذشته شد و خراج و جزیه و انواع تحصیلات از طرف اربابان خارجی که ممالک مفتوح را غارت و ساکنان آنها را بنده و برد میگردند ، برقرار گردید . امویان توهین و تحقیر نژادی را نیز بر این همه افزودند و بار دیگر زمینه برای انواع مقاومتها و جنبشها آماده گردید . باید گفت که تادوران انقلاب مشروطیت تقریباً تمام جنبش هارنگ مذهبیه در اردو حاکمین اصلی آنها بترتیب بندگان و کشاورزان هستند که در هفانان و نجای کهن بیاد دورانهای گذشته بد آنها میپیوندند و مبارزه ی آنها در دوران حکومت اعراب و ترکان جنبه ی ضد سلطه ی خارجی نیز دارد . اینک شمه ای از این جنبشها :

ابو لو* لو*

ابو لو* لو* اولین اسیر ایرانی بود که نتوانست رفتارنا پسند و غیر انسانی اعراب را بکودکان و اسرای ایرانی تحمل کند و او که از جور مولای خود مغیره به عمر شکایت برده و داد نستانده بود ، عمر را با کاردی و دو دم از پای د راورد . ایرانیان از او شیعه ای ساختند و او را بسه شخصیتی تاریخی تبدیل کردند ، اما در واقع او همچنان به مذهب اجداد خود باقی بود .

ایرانیان و مختار (۶۹۲ - ۶۸۳ م)

ایرانیان از آغاز بروز اختلاف در امر خلافت برای تضعیف حکومت عرب استفاده کردند ، به عباسیان طایفه حکومت اموی کمک نمودند و سپس به آل علی در برابر عباسیان پیوستند و با اشکال گوناگون دستگاه حکومتی عرب را متزلزل کردند تا آنکه قدرت آنها را بکلی برانداختند . از جمله هنگامیکه مختار بن ابوعبید ه ی ثقیفی بخونخواهی حسین بن علی برخاست موالی یعنی ایرانیان مسلمان بد و پیوستند و ضربت سختی بخلافت اموی وارد کردند . از هشت هزار تن سپاهیان مختار کمتر از عشار آنها عرب و بقیه موالی (ایرانی) بودند . قیام مختار بدست مصعب بن زبیر (۶۸۴)

سرکوب شد.

ایرانیان و ابن اشعث (۸۴-۸۱ هـ ق)

ابن اشعث یکی از سرداران عرب بود که بمک مردم کرمان و ری پرحجاج فرمانده خونخوار عرب بشورید ، بصره و کوفه را تصرف کرد و کار او بمک موالی یا لاگرفت چنانکه حجاج از عهدی او برنیامد و بسین او و ابن اشعث هشتاد جنگ اتفاق افتاد . سرانجام سپاه تازه ای از شام به مدد حجاج آمد و ابن اشعث شکست خورد . در این جنگ حجاج بدرجه ای درکشتار و بیرحمی افراط کرده حتی خلیفه ی اموی او را سرزنش نمود .

ایرانیان و خوارج

جنبش ضد عرب در ایران موجب شده که ایران پناهگاه مخالفان اموی گردد . خوارج در امر خلافت نظری دموکراتیک داشتند و بدسته های چندی تقسیم میشدند . مردمانی دلیر و بی باک ، در امر مذهب سختگیر و با ایرانیان که بیشتر طرفدار مذهب تشیع بودند اختلاف نظر داشتند . ولی همینکه در جزیره کار برانپناه سخت شد گروهی با ایران آمدند و بمک مردم علیه خلفا قیام کردند و با سرسختی با آنها جنگیدند . فقط صفاریان که ایرانی و طرفدار استقلال ایران بودند توانستند خارجیان را در جنوب ایران سرکوب کنند . از سرکردگان معروف خارجیان در سیستان حمزه و عمار خارجی هستند .

جنبش در خراسان و ماوراء النهر

اسلام گرچه در غرب ایران بسرعت پیش رفت ، اما در شرق با مقاومت سخت روبرو گردید . این منطقه بععلت دوری از مرکز قدرت اسلامی ، ابتدا مورد هجوم اعراب قرار نگرفت . مردم این سامان از آزادی نسبی برخوردار بودند . زردشتیان ، مانویان و بودائیان در کنار هم زندگی میکردند . مدتی طول کشید تا فرماندهان عرب خراسان و ماوراءالنهر را بتصرف درآوردند . پس از تسلط اعراب نیز خراسان ضعیف ترین نقطه ی کشور پهنای اسلام بود . بسیاری از نو مسلمانان فقط مسلمان ظاهری بودند و از هر موقعیتی برای بازگشت بدین خود و رهائی از حکومت عرب استفاده میکردند . خاندان علی بن ابیطالب و اعیان عباس عوی پیغمبر که داعیه ی خلافت داشتند ، چون این منطقه را برای گردآوری نیروهای ضد اموی مساعد میدیدند ، مبلغان خود را پنهانسی بداندجامیفرستادند . بدین ترتیب جبهه ای از ایرانیان و عناصر عرب ضد خلفا تشکیل گردید . قیامهای خراسان همه رنگ مذهبی داشت ، ولی آنهایکه بنام اسلام برپا شد امکان پیروزی بیشتری یافتند ، زیرا در طول زمان مذهب اسلام در ایران ریشه میدوانید و به علاوه گروهی از مسلمانان عرب رانیز با خود همراه میکرد . اینک باره ای از این جنبش ها :

قیام به آفرید

به آفرید پسر ماه فرزین از مردم زوزن از محال نیشابور خراسان بود که در عهد ابو مسلم قیام کرد . او تغییراتی در مذهب زردشت (۱۴۳)

داده و بنام دین نوی آنرا تبلیغ میکرد. میگفت ثروت هیچکس نباید از چهارصد درهم تجاوز کند، معتقد به رجعت و برای اعداد خواصی قائل بود. مردم بسیاری به او گرویدند و کارش بالا گرفت. آنها به آبادی راهها و پلها پرداختند و يك هفتم دارائی خود را در این راه صرف میکردند. پیشوایان زردشتی به ابو مسلم شکایت بردند و چون او به راهی زردشتیان نیازمند بود، جنبش به آفرید راسرکوب کرد.

قیام ابو مسلم (۹ ژوئن ۷۴۷ - ۷۵۵ م.)

* اگر توانستی عرب زبان در خراسان نگذاری چنین کن و هرکودگی که قدش به پنج وجب رسید و در باره ی او شك داشتی خونش بریز ... *

این دستور ابراهیم امام به ابو مسلم از پناهگاهش در عراق است. یادداشتن چنین دستوری ابو مسلم در خراسان قیام کرد. درباره نسب او اختلاف است. آنظر ما این امر اهمیت زیادی ندارد. آنچه ابو مسلم را در نظر مردم ایران بزرگ کرد و تاجد خدائی رساند، رهبری او از جنبش ضد عرب بود. باند پیر بین اعراب ساکن خراسان تفرقه انداخت و گروهی را بطرف خود جلب کرد. سپس بلكه توده ی مردم بنام عباسیان اعراب راسرکوب نمود. قیام او عامل مهم سقوط اموریان گردید. عباسیان بخلافت رسیدند ولی ابو مسلم در سرهواى استقلال داشت و نقطه ی اتکا او نیروهای لشکری و مردم خراسان بودند. عباسیان ایسن معناراد ریافتند و تاجانمردانه اورا کشتند. قتل ابو مسلم خود جنبش های دیگری را که در ذیل بیعضی از آنها اشاره میشود در پی داشت:

سنباد مجوس (مرگ در سال ۷۵۶ - ۷۵۵ م.)

بخونخواهی ابو مسلم ازدهات اطراف نیشابور قیام کرد، شهر "گوشی" را اشغال نمود و به خزائن ابو مسلم دست یافت و قصد خود را مبنی بر تصرف حجاز و برانداختن حکومت عرب اعلام کرد. مردم زیادی بر او گرد آمدند. مزدکیان و شیعیان بد و پیوستند. اتباع او بحد هزارتن رسید. پس از پیروزیهایی که نصیب او شد جمهور بن مرار سردار منصور اورا شکست داد و مقتول کرد. این قیام ۷۰ روز طول کشید و طبق نوشته ی "الفخری" شصت هزارتن از طرفدارانش مقتول شدند (۷۵۶ - ۷۵۵ م.).

اسحاق ترك

اسحاق یکی از افراد عامی بود که پس از مرگ ابو مسلم در ماورا* النهر قیام کرد و مدعی شد که ابو مسلم نمرده بلکه غیبت کرده و ظهور خواهد نمود. لقب ترك را به اسحاق از انبو داده اند که در ترکستان به تبلیغات خود دست زد. گروهی از جانبداران ابو مسلم بد و پیوستند، ولسی سرانجام قیام او با شکست مواجه شد.

(۱۴۴)

راوند یان

هنوز منصور خلیفه ی عباسی از قتل ابومسلم قارغ نشده بود که راوند یان پدید آمدند. این فرقه ی مذهبی بدست ایرانیان تأسیس شد. عقاید آنان ترکیبی از مذاهب کوناگون بود. از جمله به تناسخ، مظهریت و پاره ای از افکار مزدک معتقد بودند. جنبش آنها بد انجارسید که قصر خلیفه را محاصره کردند و جان او را در خطر انداختند. اگر مومن بن زائده که یکی از سرداران شجاع عرب و مغضوب خلیفه بود، از نهانگاه خود بیرون نرفته و به راوند یان نناخته بود، کار خلیفه راساخته بودند. راوند یان بشدت سرکوب شدند ولی تا مدت های اندک از آنها طرفدارانی داشت. قیام ابومسلم و طرفدارانش بقدرت مطلقه ی عرب پایان داد و گرچه با استقلال کامل ایران منتهی نشد، ولی از آن تاریخ بعد ایرانیان با اشکال کوناگون در حکومت عباسیان شرکت کردند و نفوذ اعراب در ایران متزلزل شد.

استاد سیس (۷۱۸ — ۷۶۶ م .)

استاد سیس یکی از متنفذین محلی در سیستان و هرات بود. بگفته ی " الیعقوبی " از شناسائی مهدی ی ولایت عهد منصور سر پیچید. طبری و ابن اثیر مینویسند که سیصد هزار کس بر او گرد آمدند. بر خراسان و مرو روز استیلا یافت. خود را موعود زردشت یعنی " هوشیدر " خواند. چند بار بر سرداران خلیفه پیروزی یافت. سرانجام محاصره و سرکوب گردید. (بطوریکه از جریان جنبشهای فوق معلوم میگردد سن مذهبی و قومی ایرانیان پابرجا مانده و در این جنبشها اثر خود را همواره نمایان میگردد است) .

سید جامگان — المقنع

در سال ۱۵۹ هجری قمری هاشم ابن حکیم (نقابدار خراسان) در خراسان و ماورا النهر طبعه اشغالگران عرب قیام کرد. عقاید او از راوندیه سرچشمه میگرفت. توده های کثیری از کشاورزان بدوی بودند و مسلحانه طبعه حکام عرب قیام کردند. مدت ها طول کشید تا خلفا توانستند در سال ۱۶۹ هـ ق . این جنبش را سرکوب کنند. آنها درفش و لباس سفید را در مقابل علم سیاه که علامت عباسیان بود یکار میبردند. پیروان المقنع روزگاری دراز در دو ولایت کوش و نخشب باقی ماندند. این قیام که بتمام معنی قوهی و ضد عربی بود سر آغاز پایان حکومت عرب در این منطقه و مایه ی رشد قیامهای دیگری در ایرانست.

یوسف البرم

در سالهای ۷۷۸ — ۷۷۷ م . شخصی بنام یوسف البرم در خراسان قیام کرد. قیام او کمتر معروف و احتیاج بتحقیق بیشتری دارد. (طبری ، جلد سوم — الیعقوبی ، جلد دوم)

قیام بابك پسال ۲۰۱ هـ ق . از شهر اردبیل آذربایجان آغاز و تبدیل به نهضتی وسیع و خلقی ضد عرب شد . تعلیمات بسا يك دنیاله ی تعلیمات راوندیان و المنع و شامل بسیاری از عقاید اجتماعی مزدك است . خرم دینان که فرقه ای ضد اسلام و ضد عرب در بلاد غربی و شمال غوی ایران بودند ، همواره در این مناطق علیه خلفا مقاومت میکردند . چون مرکز اولی آنها در هی بنام خرم در منطقه ی اردبیل بود به خرمی معروف بودند . بابك جانشین جاویدان بن سهل رهبر این فرقه گردید و مدت بیست سال با خلفا جنگید و منطقه ی وسیعی را بنام بلاد بسا يك متصرف شد . بابك و طرفداران او برای اولین بار در قش و جامه ی سرخ را بعنوان نمود ارقیام بکاربردند . بابكیان مردمی دلیر و سرسخت بودند که با جنگهای شیبه به جنگهای چریکی امروزی (پارتیزانی) بهترین سرداران عرب را شکست دادند . سرانجام آفشین سردار ترك نژاد ایرانی در دربار خلیفه بانی ترك و فریب بابك را بچنگ آورد و جنبش را سرکوب نمود .

سازگار

مازیار بن قارن یکی از اسپهبدان طبرستان پیشوای فرقه ای از خرمیان بود که پسودگشاورزان زمینهارا از فرخود الهیا گرفته و بین گشاورزان تقسیم کرد . در سال ۲۲۴ هـ ق . علیه خلفا قیام نمود و پس از چندی گرفتار و در شهر " سامره " مقتول گردید . در همین سال آفشین که در سرنگونی خرم دینان خدمت بزرگی به خلفای عباسی کرده بود ، در زمان خلیفه ی المعتصم زندانی و در سال ۲۲۶ مقتول گردید . گویند آفشین با مازیار و روابط و قرارهای پنهانی برای سرنگون کردن حکومت خلفا در ایران داشت .

در شکست کلیه ی قیامهای بعد از اسلام که در بالا ذکر شد و عامل مهم نقش اساسی داشت : یکی اینکه پس از نفوذ اسلام در بیسن مردم ، سلاح فکری جنبشها کهنه و زنگ زده و پراساس عقاید و افکار دوران ساسانی بود ، دیگر اینکه رهبران جنبش پس از رسیدن به قدرت در فکر بازگشت بدوران حکومت ساسانی ، توده های مردم را فراموش مینمودند و خود به اشرافیت میگراشتند و سرانجام تنهایی ماندند .

قیام زنگیان

در ماه شوان ۲۲۵ هـ ق . (۸۲۹ میلادی) قیام زنگیان آغاز شد و نزديك ۱۵ سال دوام یافت . هسته اصلی این قیام را بردگان که بقشورسیخی تبدیل شده بودند ، تشکیل میداد . رهبر این قیام که دست کمی از قیام اسپارتاگوس نداشت ، علی بن محمد بن عبد الرحیم طالقانی است . خانواده اثر از طرفداران آل علی بودند . او که در بندگان نیروی بزرگی میدید با دادن شعرا ازادی جنبش زنگیان را بوجود آورد و خود در بصره مقام گرفت . این جنبش چنان نیرومند شد که چندین بار زنگیان انقلابی بزرگترین سرداران عرب را شکست دادند . " صاحب الزنج " رهبر قیام بزنواحی اهواز ، شوش ، دست میشان و جی و چند یشاپورد ست یافت . عاقبت خلیفه عباسی - الموفق - موفق بسرکوبی این جنبش گردید . در این جنبش نیز تغییر رویه رهبران که پس از پیروزیهای اولی خود بگرد آوردن غنائم و شیوه خلیفه گری دست زدند ، عامل مهم شکست بود . ضعف دستا خلات و نفوذ ایرانیان در بیسن دستگاه مقدمه پدید آمدن حکومتهای نیم مستقل و مستقل در ایران گردید که بطور خلاصه بد آنها اشاره میشود :

طاهریان

مؤسس این سلسله که اولین حکومت مستقل اما بظاهر مطیع خلفا را تشکیل میداد ، ذلها بن حسین از خاندانی ایرانی بود که در قریه هوشند چ در قریه هرات زندگی میکرد . طاهر بخد متما مومن فرزندان هارون الرشید که از طرف ماد رابیرانی و بر سر خلافت بایراد رشامین در جدال بود ، درآمد و با استفاد از جدال بنام پشتیبانی از مومن که از کودکی بین ایرانیان بزرگ شده بود ، راه استقلال قسمتی از ایران راهموار کرد . طاهر بسر داری سپاه مأمون در سلا

۱۳۸ یا ۲۰۰ هـ. ق. بغداد را تصرف کرد و امین را کشت و ما مومن بخلافت رسید و طاهر ذوالیچنین را بحکومت خراسان منصوب کرد. حکومت نیم مستقیم طاهریان تا سال ۳۰۰ هـ. ق. دوام داشت.

صفاریان

هفتمین اولین سلسله‌ی مستقل ایرانی هستند. یعقوب پسر لیث رویگر که در جرگه‌ی جوانمردان (کسانی که ضد عربان عیارانه مبارزه میکردند) بود و در جنگ امیر سیستان با خوارج بمقام سپهسالاری در هم‌بن حسین رسید. بود، امیر عرب را برانداخت و در سیستان حکومت خود را برقرار کرد و به عمار خارجی که در این منطقه بتاخت و تاز مشغول بود چنین پیغام داد:

"خوارجی که پیش از تو در سیستان بود ندیر شد خلفا قیام میکردند و به مردم سیستان کوچکترین آزاری نرساندند. یامانند دوستان بدوستان ما پیوند و یا از اذیت سیستانیان دست بردارد." (۲۵۹ هـ. ق.)

یعقوب خراسان، طبرستان، گرگان، فارس و کرمان را تصرف در آورد و در جهت غرب تا چند یشاپور پیشرفت. رفتار جوانمردانسی یعقوب که از بین توده‌های مردم برآمده بود او را محبوب عامه کرد و خلیفه‌ی المعتمد را برحیثیت انداخت. صفاریان تا سال ۳۹۴ هـ. ق. گاه در قسمت بزرگی از ایران و گاه در جنوب در سیستان حکومت داشتند تا آنکه محمود غزنوی در سال ۳۹۲ سلسله‌ی آنها را برانداخت.

سامانیان

پیش از هجوم اعراب از حکام ماوراالنهر بودند و بعد از اسلام هر چه داشتند از دست دادند و به عیاری پرداختند. گویند از دودمان بهرام چوبین بوده‌اند. در دوران طاهر ذوالیچنین به لشگریانش پیوستند و به حکومت شهرهایی از ماوراالنهر رسیدند (۲۰۴ هـ. ق.). رفته رفته زورمند شدند و بالاستقلال حکومت خود را در ماوراالنهر و سپس در خراسان مستقر کردند. سامانیان به احیاء آداب و رسوم گذشته‌ی ایران و همچنین به ترویج زبان فارسی دری و پیشرفت فرهنگ ایرانی بسود خویش کمک بسیار کردند. آزادی نسبی مذهبی در منطقه‌ی حکومت آنان وجود داشت. تقریباً به خلفا باج ندادند و فقط بظاهر نامی از خلیفه میبردند. رویهمرفته ۱۲۸ سال حکومت کردند و کار آنها در سال ۳۹۵ بدست ترکان غزنوی پایان یافت.

اسپهبدان

طبرستان تا زمان منصور دوانقی استقلال خود را حفظ کرد. اسپهبدان که از نجیبای کهن ایرانی بودند بر این ناحیه حکومت میکردند. در زمان منصور لشکر عرب از اسپهبد خورشید اجازه گرفت تا از راه کناره عازم خراسان شود، ولی هنگامیکه اعراب بطبرستان رسیدند نا جوانمردانسه حکومت اسپهبدان را برانداختند و معلوم شد که قصد منصور تصرف طبرستان از راه خدعه و فریب بوده است.

ملوک رستمدر و طویان

پس از سقوط سامانیان در حدود سال چهارم هجری رسته‌ای از خانواده‌ی گلوپاره در ولایت رستمدر را استقلال محلی یافت. یکی از افراد این خانواده به نام بادوستان پسر خور زاد با اتفاق مازندانیان اعراب را براندادند. در دوران اسپهبد عبداله بن رستمدر حسن بن زید (۱۴۷)

طوی در طبرستان علیه خلفا خروج کرد. عبدالله بد و پیوست و با اتفاق طبرستان را از وجود اتباع خلفا مصفی کردند و تا قتل مازندران این منطقه مستقل ماند. پس از قتل مازندران و تسلط مجدد خلفا یاردر یگر حسن بن زید از اعیان امام حسن به طبرستان که از مراکز مقاومت شد عرب بود آمد و پس از او در سال ۲۷۰ هـ ق. محمد بن زید تمام طبرستان و مازندران را با کمک مردم از عمال خلفا پاک کرد. امیر اسماعیل سامانی بنام خلفا محمد بن زید را مغلوب کرد، ولی یاردر یگر ناصر کبیر در گیلان قیام نمود و حکام سامانی را که بنام خلفا در طبرستان بودند براند. وفات او در سال ۳۰۴ هجری قمری است. حکومت طویان از بهترین حکومت‌های کوچک و مستقل ایرانی است که در بهبود وضع کشاورزان و حفظ گون‌های آنها در برابر قعود آنها کوشیده است.

ملوک باوند یا جبال

آل باوند از خانواده‌های قدیم ایرانی از سال ۴۵ تا سال ۷۵۰ هـ ق. در سه مرحله در جبال مازندران و یاد تمام آن حکومت کردند و مازندران خلفا را عاجز نمودند و مکرر امرای عرب را از طبرستان اخراج کردند. در سال ۴۹۶ هـ ق. علیه سلجوقیان قیام کردند و پیروز شدند. این سلسله تا دوران حکومت چنگیزیان نیز پایرجاماند.

آل زیار و آل بویه (دیلیمان)

در غرب و مرکز ایران دو سلسله بنام آل زیار که مؤسس آن مرد اویچ زیاری است (۳۱۹ هـ ق. ۴۰۰) و آل بویه که هر دو از مناطق شمال برخاسته اند نواحی مرکزی و غربی ایران و فارس را از تصرف خلفا آزاد کردند. مخصوصا دیلمیان سخت نیرو گرفتند و مدت ۱۲۸ سال حکومت راندند و چون خلفا در برابر آنها چاره‌ای جز تسلیم ندیدند حکومت بغداد را با آنها واگذاشتند و خود به عنوان خلیفگی و احترامات ظاهری قناعت کردند. این سلسله در سال ۴۸۷ هـ ق. بدست سلجوقیان و در نتیجه اختلاف داخلی که با آل زیار و سایر امرای محلی ایرانی داشتند، منقرض شد.

جنبش قرامطه

قرامطه دسته‌ای از اسماعیلیانند که ظاهر اعمت‌دیه امامت محمد یسن اسماعیل بن جعفر صادق بودند. در سال ۲۸۶ هـ ق. ابوسعید حسین بن بهرام جنبی قرامطی در بحرین ضد خلفای عرب قیام کرد و مدتی در راز خود و خانواده اش که ایرانی بودند، عباسیان را بخود مشغول داشتند و با جنگ و گریز سرداران عباسی را شکست دادند. ابوسعید دامنه‌ی تصرفات خود را وسعت داد و در سال ۳۰۲ هـ ق. کشته شد. پس از او ابوطاهر سلیمان بریاست رسید و چنان میدان را بر عباسیان تنگ کرد که در بغداد و بصره و شام خواب راحت نداشتند. در ذی الحجه سال ۳۱۷ به مکه حمله کرد و سنگ سیاه کعبه را به احساس مرکز قرامطه برد. قرامطیان بظواهر اسلام عقیده نداشتند و ظواهر اعمال را نادانستی میدانستند تا اواخر قرن پنجم هجری مردم راشد عباسیان شوراندند. اصول عقاید اجتماعی قرامطیان تساوی حقوق مردمان، از بین بردن طبقات ممتاز و برداشتن قیود مذہبی بود. مبلغان آنها سرتاسر ایران را پیچیدند و طغرثم زجر و شکنجه‌ی حکام بدعت و تبلیغ بین توده‌ی مردم و

دانشمندان پرداختند* بیشتر طامای ایران که در آن زمان بتحقیق و تتبع میپرداختند یا قمرطی بودند و پادان متهم میشدند، زیرا قمرطیان به تعصبات مذهبی معتقد نبودند و راه تفکر و تعقل را که باعث پیشرفت دانش است باز میگذاردند. قمرطیان یحزین تا سال ۳۱۷ در سواحل خلیج فارس و منطقه ی بحرین قدرت داشتند. بسیاری از شخصیت های علمی و ادبی باتهام قمرطی بودن مخصوصا در دوران غزنویان که خود را طرفدار متعصب خلفای عباسی مینمودند، کشته شدند.*

اسماعیلیان ایران - حسن صباح

مؤسس اسماعیلیه ی ایران - حسن صباح بقول از اهالی ری بود که بانند بیرو کوشی فراوان بکمال توده ی مردم شهری و کشاورزان پایه ی قدرت اسماعیلیان ایران را، باتصرف قلاع مستحکم گذاشت. جنبش اسماعیلیان در ایران از طرفی علیه حکومت ترکان و از طرف دیگر ضد خلفای عباسی بود. حسن صباح و پیروان او چنان سازمان محکم و متینی بوجود آوردند که مدتی نزدیک به دو قرن در سرزمین ایران بخصوص در رودبار الموت (تصرف الموت در سال ۴۸۳ هـ. ق) و قهستان پایدار کرد و حکومتیهای وقت را بوحشت انداخت. اسماعیلیان کلمه ی رذیق را برای اولین بار بین خود رواج دادند و رفتار آنها نسبت بیگانه یگر رفیقانه بود. در آغاز نقطه ی اتکا* حسن و یاراناش کشاورزان و کسبه و پیشموران شهری بودند ولی بتدریج از توده ی مردم دور و تبدیل بنوعی از فتوٰه الهی شدند که در اطراف قلاع خود کشاورزان را استعمار میکردند. اسماعیلیان نیروی ضربتی ورزیده و مشهوری بوجود آوردند که در رازداری و فدکاری بهی نظیر نبود. طرز فعالیت و سازمان دادن پنهانی آنان در شرایط ترور و اختناق نمونه ای از دقت و تدبیر و سرمشقی برای کارهای مخفی است. قلاع اسماعیلیه بخصوص قلعه ی الموت در رودبار از مرکز تتبع و تحقیقات علمی در دوران خود بود، زیرا اسماعیلیان معتقد بتفسیر و توجیه و تفکر و تعقل در احکام مذهبی بودند و پابند ظواهر اعمال مذهبی نمیشدند. حتی یکی از جانشینان حسن بنام حسن بن محمد بن بزرگ امید با اعلام رسیدن قیامت کلیه ی وظائف شرعی را ملغی کرد. در سال ۵۱۸ هـ. ق. حسن صباح مرد و تا سال ۶۵۳ هـ. ق. که هلاکو خان مغول قلاع اسماعیلیه را درهم کوبید، جانشینان حسن در استکدامات متعدد خود صاحب قدرت بودند و شاهان سلجوقی و خوارزمی از آنها حساب میبردند.*

سلطان جلال الدین

جلال الدین پسر سلطان محمد خوارزمشاه که سرداری لایق ولی سیاستمداری نالایق بود، بمقاومت علیه مغولان برخاست و از سال ۶۱۷ تا ۶۲۸ هـ. ق. دلیرانه با اشغالگران مغول جنگید و مکرر قوای جنگیز خان را شکست داد. جنگیز شخصا بچنگ او شتافت و در کنار مسند او را مغلوب کرد. جلال الدین با اسب از آب سندان گذشت و پس از چندی بار دیگر با ایران باز آمد و منطقه ی بزرگی را آزاد کرد. اما عیاشی، بسی تندبیری و عدم توجه به توده های مردم سرانجام موجب شکست و نابودیش شد.*

جنبش درویشان - سریداران

باآنکه تصوف در ایران مدت ها بصورت مقاومت منفی باوضع اجتماعی موجود داشت و بهمین دلیل پس از مدتی حیات در جنب متشرعه (۱۴۹)

اینحال پس از هجوم مغول و تاخت و تاز تیموریان و هنگامیکه فقر و فاقه توده های مردم را در جامعه ی قرون وسطائی قرون هفتم و هشتم هجری از پای درمی آورد ، در او پیش در سبزوار و مازندران و آذربایجان جنبشی را که از یکطرف طایفه حکام مغول و از طرف دیگر ضد نفوذ الپها و اشراف و روحانیان بود ، رهبری کردند . در سال ۷۳۸ هـ . ق . سید اران سبزوار را به تصرف در آوردند و طایفه مغولان مگر جنگیدند و دامنه ی حکومت خود را تا مازندران و گرگان توسعه دادند . سید اران دعوی داشتند که میخواهند کاری کنند که حتی يك تاتار تا قیام قیامت خیمه در رخساک ایران ننزند . بقول مؤلف روضات الجنات این گروه را از آنجهت سید اران گویند که گفتند :

" اگر توفیق یابیم دفع ظلم ظالمان کرده باشیم و لاسر خود را برداریم ببینیم که دیگر تحمل تعدی و ظلم ندارند ."

سید اران مدت پنجاه سال در سبزوار و نواحی مجاور آن حکومت کردند .

حسروفیه

حسروفیه (صوفیانی که برای حریف خواص معینی قائل بودند) بجهت فرقه ای مذهبی که مؤسس آن فضل اله استرآبادی بود ، طایفه مغولان بفعالیّت پرداختند و در زمان شاهرخ تیموری متهم بسوء قصد علیه او شدند و بشدت تحت پیگرد قرار گرفتند و بقایائی در آنها به مملکت عثمانی پناه بردند و فرقه ی بکتاشیه را که بر بمانی عقاید آنها تأسیس شد ، بوجود آوردند .

مرعشیه

مؤسس این سلسله از دیوایش قوام الدین مرعشی است که در سال ۷۶۰ هـ . ق . در راه مرعش جنبشی توده ای قرار گرفت و حکام دست نشانده ی تاتار و خوانین محلی را از مازندران براند و حکومت مرعشی را در مازندران برقرار کرد . مرعشیه هنگام حمله ی تیمور بایران مقساومت مردانه ای کردند و پس از شکست ، تیمور آنها را به ماوراءالنهر کوچ داد . در زمان شاهرخ به مازندران بازگشتند . مردم شمس الدین غوری حاکم آن سامان را کشتند و مرعشیه را دوباره بحکومت مازندران رسیدند . نکته ی قابل توجه در تمام این جنبشها اینست که در آغاز جنبه ی توده های ازلی و ملی پس از آنکه رهبران بقدرت میرسند از طرفی مردم را فراموش میکنند و از طرف دیگر بین جانشینان آنها بر سر قدرت جنگ و جدال داخلی در میگیرند .

صفویه

آخرین جنبش مسلح و متعرض در اویش جنبش صوفیان پیرو شیخ صفی الدین اردبیلی است که از درون ان سلسله ی صفویه بیرون آمد . در زمان صفویه نیز شورشها و قیامهای بوقوع پیوسته که بعلمت تراکم مطالب از ذکر آنها در این وجیزه خود داری و فقط بذکر مختصری در باره آن جنبش نقطه به قناعت میشود .

نقطه یسه

گروهی بودند که از دین حریفیه بیرون آمدند. بقول اسکندر بیک منشی در کتاب عالم ارای عیاسی این طایفه بذهب حکما عالم را قدیم شمرده اند و اصلا اعتقاد به حشر و نشر اجساد و قیامت ندارند و مکافات حسن و قبح اعمال را در عقابت و مذلت دنیا قرار دادند و بهشت و دوزخ را همان می شمارند. بدستور شاه عباس اول در پیش خسرو قزوینی یکی از پیشوایان این طایفه و گروهی از یاران او را کشند و سپس دستور گشتار آنها در کشور داده شد. اسکندر بیک مینویسد:

* القمه از سیاست این جماعت، اگر کسی از این طبقه بود از این دیار بیرون رفت یاد رگوشه ی خمبول خیزد ه خود را بی نسام و نشان ساخت.*

یکی از اکابر این طایفه به هند وستان رفت و نزد پادشاه هند تقرب یافت.

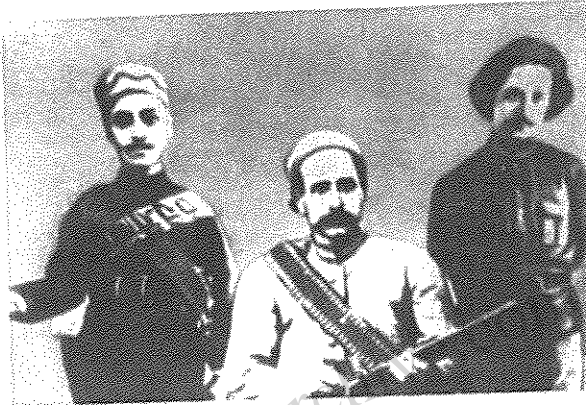
جنبش بسا بیّه

جنبشی است که در زمان سبطره ی سلسله ی قاجاریه است سید محمد علی باب شیرازی (تولد ۱۱۲۵، وفات ۱۲۶۶ هـ ق) در حدود سال ۱۲۶۰ بوجود آمد. باب و طرفداران او با توجه بوضع اجتماعی دهقانان که بیرحمانه استثمار میشدند و همچنین پیشه وران و کسبه ی کوچک زندگی رقت باری داشتند با افتاداری عقایدی نظیر دوران راوندیان و قمرطیان و شعبه های شیعه با اعلام ظهور مهدی موعود به تبلیغ بین انسان پرداختند. سید محمد علی که در آغاز خود را باب میخواند در اواخر ادعای مهدویت کرد و لقب باب را به ملا حسین پشویه ای داد که به باب - ایاب خوانده شد. سید از مقام امامت نیز پافرا تر نهاد و کتاب خود "بیان" را نسخ قرآن دانست و برای خود مقام پیامبری قائل گردید. گروه زیادی از کشاورزان و کسبه ی شهری و تجار و حتی عده ای از روحانیان به پایمان پیوستند. بابگیری از شیخی گری که نمایندگان برجسته ی آن شیخ احمد احسائی و سید کاظم رشتی هستند سرچشمه میگردد. باب در تبریز بفتوای علما تیر باران شد (ماه شعبان ۱۲۶۶). پس از او میرزا حسینعلی نوری بهابا "الله ادعای مهدویت (نقطه ی اولی) کرد و بمنوان "من یظهر الله" بیشتر پیروان باب به او گرویدند. صبح ازل نیز که از پایمان برجسته و مورد توجه باب بود ادعای نقطه بودن نمود و گروهی نیز بد پیوستند. جنبش بابی و بهائی گری آخرین واکنش طایفه استبداد و تعصب روحانیون قشری بصورت مذهبی در ایرانست و چون با شرایط زمان وفق نمیداد، سلاح کهنه ای در مقابل استبداد قاجار و روحانیان بود که طبرقم فدائاری جانبداران خود و نفوذی که بخصوص در دهستانهای یافت، از کار افتاد. بعدها این فرقه خصلت خود را از دست داد و تبدیل به گروهی کوچک شد که امروز اتباع خود را از دخالت در امور سیاسی و اجتماعی باز میدارد.

جنبشها و قیامها در قرن بیستم

انقلاب مشروطیت - پسیدگی جامعه ی ذنودال ایران که صد هاسال از عمر آن میگذشت، رشد نسبی بورژوازی تجاری و خرده بورژوازی در ایران، آشنائی گروهی از روشنفکران بافکار و زندگی مردم اروپای غربی، بیداد و غارتگری امپریالیستهای انگلیسی روسیه تزاری، مقدمات یک جنبشی ضد فئودالی و ضد امپریالیستی را در اوائل قرن بیستم در ایران فراهم میکرد. شکست روسیه ی تزاری در جنگ با ژاپن، انقلاب ۱۹۰۵ روسیه و ضد فئودالی (۱۵۱)

آشنائی عده ای از زحمتکشان ایران سوسیال دموکراسی، فشار دگانه ی تبلیغات ترقیخواهانه از طرف شب نامه ها و چرائدی که در خارج رسال ۱۹۰۶ آتش انقلاب پورژوا دامنه ی ان تا سال ۱۹۱۲ کشیده سرآغاز جنبشهای ملی در آسیاست. حزب سوسیال دموکرات روسیه بسا از د ایره ی تنگ پورژوا بیرون میگذشت شمال ایران بران میزند. انقلاب و روس، در مقابل استبداد شاهان قسمت از روحانیان که برانقلاب ایستاد و مکرر پیروز شد و گرچه بسه بهرحال منشا تحولات بزرگی در تمام انقلاب مشروطیت نشان داد که مردم روحیه ی فدکاری و از خود گذشتگی و



در این تصویر ستار خان (در وسط) با آرتزیکید زه (در سمت راست) دیده میشود

که برای کار به قفقاز میرفتند به افکار دینار فاسد قاچار و روحانیان و توسعه گروههای تجدید طلب بیسیلیسی طبع و در ایران دست بدست میگشتند. دموکراتیک ایران را برافروخت که شد. انقلاب مشروطیت ایران نشین بزرگ این انقلاب را میستاید، تمام قوا بد ان یاری میرساند و آنرا و مهر جنبش توده ای را در سر تا ایران در برابر امپریالیسم انگلیس قاجار و در ایران و رو در روی اجتماع رنگ الحاد و تقویزند، اما هدقهای نهایی خود نرسید، اما شتون زندگی مردم ایران گردید. ایران د ارای ظرفیت بزرگ انقلابی شایستگی فهم و درک مقتضیات زمان هستند و می توانند از میان خود مجاهدان بزرگی مانند ستارخان قهرمان جنبش مشروطیت ایران پرورش دهند. انقلاب مشروطیت پایان دوران بروز جنبشها برنگ مذهبی و آغاز ظهور آنتهازیرد رفش احزاب سیاسی باهدقهای مشخص و معلوم اجتماعی و طبقاتی است. مرحله ی اول این انقلاب که بنام مشروطیت خوانده میشود از ۱۹۰۶ تا ۱۹۱۱ طول کشید و مراحل دیگر آن باشکال گوناگون در جریان جنگ جهانی اول و پس از آن تا سال ۱۹۲۲ دوام یافت. انقلاب آنتیر رسال ۱۹۱۷ نیرو و خصلت و جهت تازه ای به جنبشهای انقلابی ایران داد. از درون این جنبشها نهضت کارگری ایران بیرون آمد و پیشاهنگ طبقه ی جوان کارگر کشورما، حزب کمونیست ایران، با بعرضه ی وجود و فعالیت گذاشت. مابا کمال اختصار بقیام ها و جنبشهای بعد از انقلاب "مشروطیت" ذیلا اشاره میکنیم:

قیام جنگل و انقلاب گیلان

در جریان جنگ جهانی اول که قوای متخاصم بیطرفی ایران را نقض و کشور ما را اشغال کردند جنبش وسیعی ضد نیروهای اشغالگر پدید آمد. لبه ی تیز این جنبش متوجه قوای انگلیس و روسیه ی تزاری شد و دشمن دیرین ایران و انقلاب مشروطیت بود. میرزا کوچک خان، یکی از مبارزان دوران مشروطیت در راه گروهی از آزاد پخواهان در گیلان علیه قوای تزاری بر پاخواست و سپس موازی با شرایط مساعد و یانامساعد روز بر حسب خصلت پورژوازی خود گاه بصورت انقلابی ای دوآتشه و زمانی بحال تسلیم و عقب نشینی در جنگل و اطراف رشت مستقر گردید. هنگامیکه انگلیسها مجبور به عقب نشینی از قفقاز شدند و ارتش سرخ صحنه ی قفقاز را از قوای خارجی و نیروهای ارتجاعی داخلی مصفی کرد، میرزا کوچک خان (۱۵۲)

یابنک کمونیستها و توده های مردم که از پیروزیهای انقلاب اکتبر-جنیور آمد به بودند، به رشت وارد شد. در این حکومت، کمونیستها، جنگلیها، احسان اله خان و خالو قربان که نمایندگی تشریفاتی گوناگون اجتماعی بودند، شرکت داشتند. در ۲۲ ژوئن همین سال اولین کنفرانس حزب کمونیست ایران در بندر انزلی (پهلوی) تشکیل و برنامه ی حزب را مبنی بر اخراج انگلیسها از ایران، و از نو کردن رژیم سلطنتی و فساد السی و مصادره و تقسیم بلا عوضی املاک مالکان بزرگ، تصویب و کمیته ی مرکزی خود را انتخاب کرد. حزب کمونیست ایران وارث سنن انقلابی حزب عدالت و گروههای سوسیال دموکرات و کمونیست ایران بود که با برنامه ای روشن امید آن مبارزه قدم گذاشت. دیری نپایید که هم در رهبری حزب و هم بین حزب و کوچک خان که هدفهایش در چهارچوب تنگ بورژوازی و داعیه ی شخصی محدود بود، اختلاف بروز کرد. میرزا کوچک خان، حکومت انقلابی را ترک کرد و به جنگل عقب نشست و حکومت جدید بریاست احسان اله خان تشکیل گردید. این انشعاب و اختلاف ضریب سختی بجنبش دولتی یابنک نیروهای نظامی انگلیس انقلابی که تا نزدیک قزوین پیش آمده تابند را انزلی (پهلوی) عقب کشید. کمونیست و کمک انقلاب بیان قفقاز تویست بار دیگر بدست انقلاب بیان افتاد. حید سامانی دهنده اما اختلاف ریشه دار از انگلیسها از طرف دیگر کار را با نجسا کمونیست را برای مذاکره به جنگل دعوت این ترتیب زمینه ی پیروزی قوای دولتی از پای درآمد و دیری نپایید که نیروی او هنگام فرار تابود کرد (نوامبر ۱۹۲۱ م) پراکنده گردید. تنها حزب کمونیست ایران فعالیت خود ادامه داد.



حید رصاوغلی (اشار)

تهرمان انقلاب مشروطه یکی از بنیاد گزاران حزب کمونیست ایران

مستقیم حکومت تزاری یا اعزام نیرویه تبریز قطعی سرکوب نمود. آنچه باقی ماند

تأمین اساسی و فرم حکومتی مشروطه بود، ولی نیروهای آگاه انقلاب سعی کردند از این تغییرات صوری استفاده کرده به مبارزه ی خود ادامه دهند. بدین منظور در سال ۱۹۰۹ حزب دموکرات ایران را تشکیل دادند که برنامه ای مترقی داشت (تقسیم املاک بین دهقانان، ایجاد بانک کشاورزی، ایجاد ارتش ملی، تفکیک سیاست از مذهب، برقراری تعلیمات اجباری ۷۰۰۰). این حزب توانست ۲۸ نفر نمایندگانه به دوره ی دوم مجلس شورای مقربستند و از بیستون مجلس خواستهای مردم را اعلام و طبعه دخالتهای استعمارگران ای امپریالیستهای انگلیس و روس مبارزه کند. در دوران فترت بین دوره ی دوم و سوم مجلس که بمنظور سرکوب این حزب و سایر نیروهای انقلابی بوجود آورده بودند، موفق بسرکوب این حزب نشدند. در (۱۵۳)

جنبش انقلابی از مجلس دوم تا انقلاب اکتبر

بطوریکه معلوم است دخالت انقلاب مشروطیت را در آستانه ی پیروزی

تأمین اساسی و فرم حکومتی مشروطه بود، ولی نیروهای آگاه انقلاب سعی کردند از این تغییرات صوری استفاده کرده به مبارزه ی خود ادامه دهند. بدین منظور در سال ۱۹۰۹ حزب دموکرات ایران را تشکیل دادند که برنامه ای مترقی داشت (تقسیم املاک بین دهقانان، ایجاد بانک کشاورزی، ایجاد ارتش ملی، تفکیک سیاست از مذهب، برقراری تعلیمات اجباری ۷۰۰۰). این حزب توانست ۲۸ نفر نمایندگانه به دوره ی دوم مجلس شورای مقربستند و از بیستون مجلس خواستهای مردم را اعلام و طبعه دخالتهای استعمارگران ای امپریالیستهای انگلیس و روس مبارزه کند. در دوران فترت بین دوره ی دوم و سوم مجلس که بمنظور سرکوب این حزب و سایر نیروهای انقلابی بوجود آورده بودند، موفق بسرکوب این حزب نشدند. در (۱۵۳)

مجلس سوم د میکراتها ۲۱ کرسی بد ست آوردند و توانستند عده ی دیگری از کلا ربا خود هم آواز کنند. تحمل چنین مجلسی برای امپریالیستهاگه عملا ایران را در اشغال داشتند ممکن نبود. مجلس را تعطیل کردند. جنگ بین المللی و ورود قوای متخاصم با ایران تکان تازه ای به مردم داد و در هرگسو شه ای از کشور مخصوصا در شمال و بین ایلات جنوب با مقاومتهای مسلحانه آغاز گردید. حزب د میکرات ابتدا حکومتی موقت د رقم و پس از شکست د کرمانشاه تشکیل داد و سپس اعضا* و طرفداران آن مجبور به "مهاجرت" شدند. طلبه های انقلاب کبیر اکتبر که د ایران بصورت تشکیل شوراهای سر بازان روس در شمال ایران پدیدار گردید تکان تازه ای به نیروهای انقلاب پی داد و حزب د میکرات بخصوص د تبریز نیروی تازه ای گرفت. در آستانه ی وقایع ژوئیه ی ۱۹۱۷ د روسیه، همکاری د میکرات با شوراهای سر بازان روس بد انجام رسید که سر بازان روس پسا آزاد یخواهان تبریز و د میکراتها میتینگ مشترکی بر گزار شهید ای راه آزادی تشکیل دادند و نطق های آتشینی ایراد کردند. از جمله ی ناطقان یکی شیخ محمد خیابانی بود که بنام حزب د میکرات سخن راند. شمال ایران با انقلاب کبیر اکتبر یکباره از زیر فشار امپریالیسم آزاد شد و شعله های انقلاب اکتبر سرتاسر این منطقه را بجنبش تازه ای که در سطح عالیتری از جنبش مشروطیت قرار داشت، د آورد. در جنوب انگلیسها با تمام قوا کوشش کردند که از "تاز" شیرانقلاب اکتبر د مردم بکاهند و نفوذ خود را مستحکم کنند و سپس آتش انقلاب را در شمال خاموش نمایند، اما در سرتاسر ایران مقاومت با سر سختی تمام طیه انگلیسها هدف آنها اخراج انگلیسها و تسلیم قرارداد های تحمیلی بود، تشکیل گردید.

قیام خیابانی

فراخواندن ارتش روس از که قصد تجزیه و الحاق این منطقه را به د میکراتهای آذربایجان و آزاد یخواهان سران جنبش را متوقف و تبعید کردند. قوای انگلیس از باکو و فشار دت جوان ایران منجر به بیرون رفتن نیروی عثمانی مساعدی برای جنبش د آذربایجان (۱۹۲۰) میتینگ عظیمی با گردید که با شعار "مرد به باد انگلیس" بودند. پادگان انگلیسی تبریز شهر را معمول رهبران جنبش را تحت فشار قرار رهبری حزب د میکرات آذربایجان که آن د مناطق دیگر ایران، بنام "رقه" وقوع پیوست. قیام د هفتم آوریل ۱۹۲۰ (۱۵۴)



شیخ محمد خیابانی

ایران و اشغال آذربایجان از طرف عثمانیها ترکیه داشتند شرایط نامساعد تازه ای برای بوجود آوردن عثمانیها خیابانی و عده ای از پیشرفت ارتش سرخ د رفقان، عقب نشینی شهری به عثمانیها برای تخلیه ی خاک آزاد یایجان گردید و بار دیگر شرایط فراهم آورد. در شب عید نوروز سال ۱۲۹۹ شرکت بیش از ۲ هزار نفر د تبریز تشکیل خواهند تخلیه ی ایران از نیروهای انگلیسی تخلیه و عقب نشینی کرد، ولی شهر یانی مانند داد. نتیجه ی فشار شهر یانی قیام تحت بعثت د ویرمانند ن از مرکز حزب و نایسامانی د میکرات آذربایجان نامیده شد. سه پیروز، میلادی آغاز شد و طی د روز همه ی یاد آرا.

از جمله شهروانی بدست قیامیون افتاد. ابتدا هیئتی بنام "هیئت اجتماعی" کارقیام را اداره میکرد، اما در ۲ ژوئن ۱۹۲۰ این هیئت منحل و حکومت ملی بایرنامه‌ای ذیل تشکیل گردید: برانداختن سلطنت، برقراری جمهوری، نجات کشور از قید اسارت خارجی، خودمختاری در آذربایجان، برقراری روابط سیاسی و بازرگانی با کشورهای شوروی. حکومت ملی بلافاصله دست بیک سلسله اصلاحات در زمینه‌های امور بهداشتی و فرهنگی و تأسیس ارتش ملی و نظائر آن زد و خیابانی هرروز برای روشن کردن افکار عمومی به نطقهای آتشین پرداخت که تا تیربزرگی از لحاظ فکری مردم داشت.

پیشرفت‌های حکومت ملی نمیتوانست حکومت مرکزی را بتلاش نباند از کابینه‌ی بشوق الدوله عاقد قرارداد تحت الحماکی ۱۹۱۹ با کمک انگلیسها به انواع حیل متشبث شد تا این حکومت را براندازد، ولی توفیق نیافت و خودش در نتیجه‌ی نفرت عمومی مردم ساقط گردید. شیرالدوله که تا حدی خوش نام بود سرکار آمد و مخبر السلطنه رانده از مکرهای سابق بود به استناد آری‌آذربایجان فرستاد. خیابانی به او اعتماد کرد و آزادانه وارد تبریز شد. مخبر السلطنه با استفاده از نیروی خلق سلاح نشده‌ی قزاق و خیانت فرمانده رانده آرموی خیابانی را غافلگیر کرد و این انقلاب پرشور در ۲۲ شهریورماه ۱۲۹۹ بدست قزاقان شهید شد. جنبش و قیام معروف به خیابانی در آذربایجان یکی از صفحات درخشان تاریخ حرکت

انقلابی در ایران و بخصوص در آذربایجان است.

قیام خداوردی

پس از انقلاب اکتبر جنبشهای وسیع دهقانی شمال و شرق خراسان را در گرفت. دهقانان کرد ساکن شمال خراسان برهبری خود آوردی نام که قبلاً چوپان یکی از خوانین زغرانلوه بود، قیام کرد. این جنبش در نواحی دیگر خراسان نیز تأثیر کرد. قیام از شهرشروان که مرکز آن بود تجا و کرد و نواحی قوچان و اجگیران را در گرفت. قوام السلطنه استاند ابرخاسان یاعده‌ای از سران ایلات کرد و لولج این جنبش را سرکوب کردند (اوت ۱۹۲۰ م).

قیام کلنل

کلنل محمد تقی خان پسیان عضو حزب دمکرات، افسر برجسته رانده آرموی بود که از لحاظ ایدئولوژی دارای افکار انقلابی خرد به بیوزوانسی، سیاست خارجی مخالف نفوذ انگلیسها بود. کودتای سرد ارسه که ظاهراً قرار داد ۱۹۱۹ را لغو و اشراف و کلنل را امیدوار کرد، اما با سرکار آمدن قوام السلطنه که را بقیام واداشت، کلنل با قوای مسلح خود و بیاباری اقتدار حکومت مرکزی رها نند، کمیته‌ای از نمایندگان طبقاً اصلاحات ارضی بروسنارفت، ولی دست با قدامت محلی روابط دست و ستانه داشت، آنها را علیه کلنل تحریک دلیر و بی پروا بود در رزق و خوردی با افراد شخصدار د ولتی که مدتها منتظر فرصت بودند به مشهد وارد



شدند و باین طریق قیام سرکوب گردید. کلنل که زمانی به کمک آلمانها امیدوار بود جوان ششوروی گسر دیسد و احساسات

پس از انقلاب اکتبر جانبدار جمدی حکومت بسیار د و ستانه‌ای از خ... بود در (۱۵۵)

نطق هایش نسبت به این حکومت نشان داد.

قیام لہاک خان باوند

در سال ۱۹۲۶ پادگان پنجنورد تحت فرماندهی ستوان لہاک باوند (سالارچنگ) مسلحانه قیام نمود. پشتیبان این قیام توده های دهقانی بودند که خاطره ی جنبش دهقانی خراسان و مبارزه ی خد آوردی کرد را بسیار داشتند. مهمترین شعار این قیام مصادره و تقسیم بلاعوض املاک بین دهقانان بود. شعارهای دیگر تغییر مالیاتها، بیعش ویران و کسبه ی شهرها، برقراری مالیات برعایدات، استقرار حکومت جمهوری و قطع نفوذ انگلیسها بود. این قیام از طرف دولت با کمک انگلیسها که هواپیماهای خود را بکار انداختند، در ۱۸ ژوئیه ۱۹۲۶ فرونشاندند و شد و لہاک خان به اتحاد شوروی پناہ برد.

قیام لاهوتی



ابوالقاسم لاهوتی
نخستین شاعر پرولتر ایران

ماژور (سرگرد) لاهوتی از "مهاجرت" به ترکیه رفت و پس از پایان مورد غوغا واقع و در ژانده امری تبریز با موقع رضاخان (سردار سپه) در مقام قزاق بمنظور ایجاد ارتش متحد الشكل ژانده امری و دنباله ی سیاست انگلستان علاوه بر این رفتار مستبدانه ی رضاخان قانون اساسی میسر نمود. از شرو چند نفر لاهوتی (در ماه حوت ۱۳۰۰) نقشه ی حقوقشان نرسیده بود، کشیدند. این پس از قتل خیابانی مترصد فرصت بودند، حمله ی مؤقت امیز قسمت مهمی از شهر پیروزی و قیام خود را اطلاع دادند و آنها خود مطلع نبودند. اردوی دولتی در خارج شهر و بعضی از محلات مقاومت میکرد و به حمله نمیرد اخت. سرانجام جنگ سختی بین طرفین در گرفت و بعلت عدم آمادگی افراد ژانده امری و ولتی پیروز شد و لاهوتی به اتحاد شوروی پناہند و قیام سرکوب گردید.

د میکراتهای باسابقه ای بود که در دوره جنگ و خاتمه ی جنبش خیابانی بازگشت درجه ی سرگردی پذیرفته شد. در این انحلال ژانده امری و الحاق آن به نیروی برآمد. این اقدام را بیشتر افسران برای قیسه کردن ارتش ایران میدانستند. وزیر جنگ را در مقابل مجلس بود ولت ناقص از افسران ژانده امری و از جمله آنها قیامی را بدست افراد ژانده امری که مدتها افسران ابتدا با افراد فرقه ی د میکراتکه تماس گرفته موافقت آنها را جلب و در یک تبریز رانسخیر کردند و بتمام شهرستانها را از نیات ضد استبدادی و ضد استعمار

در سال ۱۹۲۶ میلادی سربازانی که مدتها حقوقشان پرداخت نشد بود در شهر سلماس (شاهپورکونی) قیام کردند، عد ای را از میان خود برهبری انتخاب و شهرخوی را تصرف کردند. قسمتی از پادگان خوی بد آنها پیوست و هدف قیام انتفاضی حقوق تجاوز کرد و شعارهای (۱۵۶)

د هقانی موضوع اصلی قرار گرفت . دولت پس از اعزام نیروی بزرگی از تبریز و پادگانهای اطراف این قیام راسرکوب و رهبران آنرا اعدام کرد .

بدین ترتیب دفتر قیامهای مسلح و جنبشهای وسیع خلقی بسته شد و حکومت دیکتاتوری رضاشاه مستقر گردید . تنها جنبشی که بفعالیت خود ابتدا بطور نیمه ناشی و سپس مخفی ادامه داد پشاهنگ طبقه ی کارگر یعنی حزب کمونیست ایران بود . حزب کمونیست پس از شکست انقلاب گیلان مرکز خود را به تهران منتقل کرد و پیمانهای وسیع شعب خود در ولایات دست زد و تا استقرار سلطنت پهلوی از مختصر آزادی استفاده کرده به تبلیغ کارگری و مخفی پرداخت ، اتحادیه های صنعتی و کارگری بوجود آورد و در درون حزب اجتماعین دست به فعالیت سیاسی زد . روزنامه هائی وابسته به حزب و اتحادیه ها برهبری حزب منتشر گردید که نقش تبلیغاتی موثری ایفا کردند . حزب کمونیست ایران از همان آغاز عضو انترناسیونال سوم (کمینترن) گردید و از کمکهای این سازمان بهره مند شد ، ولی در این بین سردار سپه که مدتی تا حدی بدیده ی اغراض پجنشهای دیکتاتوریک مینگریست و هنوز آن نیرو را نداشت که در تمام جبهه های جنگ ، پس از پیروزی در سایر جبهه ها و رسیدن به مقام سلطنت حمله ی خود را طبق نخست کارگری ایران آغاز کرد . در جنوب ، در اصفهان ، تبریز و مشهد به اتحادیه های کارگری هجوم بردند و آنها را متلاشی کردند . عده ای از سران حزب کمونیست و اتحادیه ها توقیف گردیدند و سپس قانون کذائی ۱۳۱۰ از مجلس دستوری رضاشاه علیه جنبش کارگری تصویب رسید .

پنجاه و سه نفر

حکومت دیکتاتوری رضاشاه با بعنوان مذهبی جلوگیری نمود و هر جنبش را سرکوب کرد . شرایط فعالیت برای حزب نیروهای فعال حزب در زندانها و زندانها قرار گرفت . کار لازم بود . در این موقع است که دکتر ارانی و همکاران چند نفر از اعضای سابقه ی حزب ترتیب فعالیت تبلیغاتی و تربیت کادرهای دانشمندی عالی جنبش دانشجویی که چند حزب کمونیست ، بوجود آمد . جنبش کارگری بعضی اشتباهات سازمانی در سال ۱۳۱۶ ارانی و یاران او و عده ای از کسانی که با آنها گردیدند . دکتر ارانی که بحق از رهبران بدست پلیس در زندان آزادی در آمد و بقیه ی رضاشاه در زندانهای مناطق بداب و هو ای عده ای از آنها در جریان تشکیل حزب توده ای ایفا کردند .



دکتر تقی ارانی رهبر جنبشکشان ایران

سیستم پلیسی خود از هرگونه اجتماع و لیسو ولوهر قدر کوچک بود بازند ان واعدام کمونیست بسیار دشوار شد . قسمت مهمی از قوای تازه و متدهای نوی برای ادامه ی چند نفر دیگر از یاران او با یاران آمدند اما کمونیست دست به فعالیت زدند . بدین جوان آغاز گردید . درد انشکده ها و بار دست باعصاب زد برهبری کانون جدید میرفت رونق تازه ای بگیرد که در نتیجه ی پلیس این سازمان نو بنیاد را کشف کرد . ارتباط و آشنائی داشتند توقیف و محکوم برجسته ی نهضت کارگری ایران است یاران او تا ورود ارتش سرخ با یاران و فرار جنوب و تصرف جارد رجس ماندند و ایران در سال ۱۳۲۰ نقش قابل توجهی (۱۵۷)

از تئوری برناقص و بسیار فشرده ای که از جنبشها و قیامهای مردم ایران در جریان تاریخ دویست و پنجاه ساله آن داده شد، میتوان بخوبی دریافت که مردم سرزمین ما ایران هیچگاه از نبرد طبعی استعمار و استبداد و غارتگران و استثمارگران خارجی و داخلی از پای ننشسته اند. نیروی واقعی در تمام نبردها قطع نظر از اینکه چه طبقه و یا شخصی بقدرت رسیده، همواره توده های مردم بوده اند. توده ها نقش اساسی را در زندگی سیاسی بازی میکنند و بدون فعالیت آنها تحول جامعه و قیام از هر چیز انقلابات اجتماعی غیر قابل تصور است. قدرت اصلی محرکه ای انقلاب همیشه توده ها بوده و خواهند بود. هر حزب سیاسی که از توده های مردم برید و رابطه ای خود را با آنها از دست داد تبدیل به تفرقه ای محدود و در رسته ای میشود که وجود و عدمش یکی است. تجربه ای تاریخ بطور واضح نشان میدهد که تنها راه پیروزی انقلاب راه روشن کردن، متشکل کردن و به نبرد کشیدن توده هاست. چنین راهی هم اکنون در برابر حزب توده ای ایران قرار دارد. این راهی است پیمودنی ولی بسیار دشوار و پر پیچ و خم. این راه را باید پیمود و از تجربه ای تاریخ درس گرفت.

از سند تحلیلی حزب

مهمترین نقطه ای ضعف رژیم

عدم رعایت اصول مصحح در قانون اساسی ایران و اعلامیه ای جهانی حقوق بشر که دولت ایران خود از امضا کنندگان آنست مهمترین نقطه ای ضعف حکومت مطلقه است. به همین سبب رژیم کنونی، جمهوری است اما چنین جلوه دهد که گویا حکومت ایران طبق اصول مشروطیت و قانون اساسی اداره میشود و از نیروی هیچگاه جرئت نکرده است خلاف آنرا تصریح نماید. رژیم کنونی چه از لحاظ افکار عمومی ایران و چه از نظر جلب حیثیت و اعتبار در خارج، جمهوری است چنین موضعی اختیار کند تا بتواند سیاست ضد ملی خود لباس قانونی بپوشاند. بیهوده نیست که شاه گاه از "دیکتاتوری ارشاد" و گاه از "تدارک تدبیر زمین" و زمانی از "آزادی انتخابات و اجتماعات" و یا از "انتخابات و دولت حزبی" دم میزند و گاه نیز میکوشد ایران را نمونه ای یک کشور دیکتاتوری و پارلمانی جلوه گرزاند که گویا در آن "همه نوع آزادی هست جز آزادی خیانت". در واقع آزادی غارتگری، سرکشی سرمایه های امپریالیستی و داخلی و آزادی زورگویی و پامال حقوق حقه ای مردم برای هیئت حاکمه وجود دارد و بجز این آزادی خیانت از آزاد بهای دیگر خبری نیست. شعار مبارزه در راه تأمین آزاد بهای دیکتاتوری و استقرار اصول قانون اساسی شعاری است که مشروعیت آن نمیتواند نه در ایران و نه در افکار عمومی جهان مورد تردید قرار گیرد. علاوه بر این شعار منور چون مربوط بزندگی عموم مردم است جنبه ای عام دارد و برای همه ای طبقات و قشرهای جامعه ای ایران محسوس و قابل درک است و بنابراین شعاری است که میتواند توده های وسیع مردم را بسیج کند و به مبارزه برای بسط است آوردن حقوق سیاسی قانونی خود جلب نماید.

چه اشباحی است در گردش بر این کهسار آبی رنگ

چه اشباحی است در گردش بر این کهسار آبی رنگ ؟
گمانم از زمانی دیر می پویند و می جویند
چه می جویند ؟ از بهر چه می پویند این اشباح ؟
گمانم سایه هائی از نیاکانند در این دشت ؛
از این وادی سپاه مازیار رزمجو بگذشت ،
وز آن ره سندباد آمد ، وزین ره رفت مرد آوریچ
هم این جا کور مزدک بود و انجام کمن پایک
دی خاموش با اینک باندهائی میرسد ایدر
سرودی گرم می خوانند یارانی که با حیدر
سوی پیکار پویانند ، بشنو در ضمیر خود
نواهی جاودانی ارانی رانده میگوید :
" براه زندگی ، از زندگی بایست بگذشتن "

بر این خاکی که ایرانست نامش ، بازگ انسانی
دی پیش نهیب شوم اهریمن نشد خامش
در این کشور اگر چهارها بودند مرد مکش
از آنها بیشتر گرد آن انساند و ستا چنیدند
بناخن خارهی بیداد را ببیاک شیبیدند
فروزان مشعل اندر دست ، آوای طالب بر لب
به دژهای پورش بردند کشر بنیان بد و زخ بود
بموج خون فرورفتند ، لیکن فوج بی باکان
نترسید از بد زشتان ، نیچید از راه پاگان

ارانی بذرتزین برقرار کشوری افشانند
ارانی مرد ، بذرش کشتزاری کشت برحاصل
به زندان روح بر جولان و طیارش نشد مدقون
بزیرو سنگ سرد نور افکارش نشد مدقون
ارانی در سرود و در سخن بگشود راه خید
کنون در هر سوئی پرچم گشاید با سپاه خود
بمرد ار یک شقایق زیر پای و خشی نامیمون
شقایقزار شد ایران برغم ترسها ، شکها
درآمد عصر رستاخیز مرد م ، قهرمان خیزد
از این خاک کهن ، بنگاه مزدکها و بابکها

مقتع گفت : « کراکتون مرا بیکر شود نابود
روان من نمیمرد ، به پیکرها شود پیدا
زدانان "خلول" ایم به جسم مردم شیدا
برانگیزم یکی آتش بجان خلق آینده
مقتع شد بگور ، اما ، مقتع ها شود زنده

ستمگر بس عبت پنداشت "گشتن" هست درمانش
ولی تاریخ ، فردائی فرو گیرد گریبانش
بخواری از فراز تخت بیدادش فرود آرد
(سخن دران نمی رانم که این دم دیو و زود آرد
ولی شك نیست کاخرنیست جزاین را می و فرمانش)
سپاه پیش رفتند و تکامل این جوانمردان
سپاهی این چنین ، از وادی حرمان گذرد آرد
بسوی معبد خویشید بیمون خزار دارد
ولی هرگز از این ره رفت ، بخشی شد ز نور او
هم او گشت با فر و شکوه او ، غرور او

مجوی هموطن از ایزد تقدیر بخت خرید
طلب کن بخت را از جنبش بازوی سخت خرید !
جهان میدانِ پیکار است : بیرحمند بد خواهان
طریق رزم ناهموار و غدارند همراهان
نه آید زاسمانها هدیه ای، نی قدرتی نبیسی
برایت سفره ای گسترده اندر خانه درچیند
به خوابست آنکه راه و رسم هستی رانعی بیند
کلید گنج عالم رنج انسانی است ، آنگه شو !
دوره در پیش : یا تسلیم یا پیکار جانفرسا
ازان راه خطا برگرد و با همت بر این ره شو !

هرآن خلقی که او از کار و از پیکار رو تابد
شکستی نیست گرنه آن به بند بد نهاد آن است
اسیر و بی نصیب و در بندر بیمار و نادان است .
براه رُشد و آزاد است هر سوسند و باروئی
ز استعمار و از دربار و از زندان و از اعدام
تو گوئی هفتخوانی از بلا گسترده جادوئی
ولی بارخُش هفت برجه از این هفتخوان ، گر خود
نمیخواهی کز این دنیای رنگین بگذری ناام

ارانی گفت : « در شطی که ان چند ه تاریخ است
مشو زان قطره ها ، کاند رلجن ها برکران مانند
بشو ز امواج جوشانی که دائم در میان مانند »

قهرمانان خاموش

قهرمانان همگی نام ندارند و نشان
قهرمانی همه جا جلوه ندارد روشن
قهرمانی چه بسا در شب تاریک محن
زهراگین تیر غدا بی است که از جان گذرد
راه پیکار حقیقت که گذرگاه بلاست
راه صعوبی است ، مهندار که آسان گذرد
گاه تحقیر ، گهی خدعه و گاهی دشنام
گاه پیمان شکنی ، گاه ملائت ، گاه دام
نه همه رزم بزرگ است و همواره بنام
نه همه مایه ی فخر است و همه جاده ی فتح
قهرمانی است که در این ره پر پیچ و تلاشی
پای یفشاری و در کوشش جانانه ی خویش
یکدم از راه به بیراهه ی دشمن نیروی
از بی قدرت و القاب مطمئن نیروی
پای یفشاری و افتاده و خاموش و متین
خار این جاده بروبی و از این خاره ی سخت
راه بگشایی و گامی به جلو برداری
که ره رفته بده بار دیگر بسپاری
آن طپشها که در این جهد بجان می گوید
قهرمانی است ، شگوف است ، ولی بی نام است
وانکه این جاده ی پر خار به مزگان روید
قهرمان است ، بزرگ است ولی گمنام است

ای شما زمره ی گمنام که بی بانک و نهیب

نشده برده ی افسون شده ی جور و فریب
نه زبیداد ، نه از بیم ، نه از آرز ، نه رنج
از ره خویش نلغزیده در این عمر سنج
در همان راه که بودید بجان پی سپرد
ز شما پی خبرانند و شما با خبرید
پر شما لشکر انبوه ز ما یاد درود ا
قهرمانان خموشید ، نباشد عجبی
کس ندانست گیانید ، چه کردید ، چه اید
ز چه در بستر آرام نختید شبی
چيست اين سايه ی آژنگ به پشانيتان
اندران دم که غمینید ز آسیب و شکست
با پتابید از آن سقله که پیمان بشکست
بشما منتظران سحر عقده کشای
در شب تیره ی آندوه ز ما یاد درود ا

کارگاهی است جهان کش همه ی جلوه گری
در نهانگاه تکامل بخموشی زاید
وانچه در خانه ی اسرار جهان میگذرد
بامداد دگری پرده ز رخ بگشاید
رخته در باروی بیداد و ستم کار شماست
چشم تاریخ رصد بسته و بیدار شماست .

ناهید

درون تیرگی می تافت ناهید
چو مرغی گشده از آشیانه
چسان زنجیر شب را بر درانم؟
به رهرو، ره توانم کرد روشن؟
دل این شب، خویش هم گمراه گردم
همی برد هر می باشیست انوار
که از دنیال دارد نور خورشید
ز گنج راز یزدانی درخشا است
که بهر روز پیشاهنگ باشد

سحرگاه از فسر از چرخ جاوید
تنش لنده در مشک شبانه
بخود میقت: «نوری ناستوانم
کجا از رخنه ی این تیره جوشن
هراسانم، که تا آگساز گردم
همی گفت این سخنهای دلا زار
نمیدانست آن رخشنده ناهید
طلایه دار روز نور بخش است
بسمش این فرو این فرهنگ باشد

اطلاعات فشرده ای از رفتار رژیم ضد ملی
و ضد دموکراتیک ایران با مخالفین سیاسی
وضع زندان و زندانیان

دستگاه سرکوب مخالفین رژیم

" سازمان امنیت و اطلاعات کشور (ساواک) يك سازمان بزرگ و مجهز جاسوسی ، آدم دزدی و آدم کشی است که مخالفین رژیم و مبارزان ترقیخواه را سرکوب میکند . این سازمان اداره ی وسیعی است دارای ۱۰ هزار کارمند دائمی و عدّه ی زیادی کارمندان و جاسوسان غیردائمی ، صد ها مرکز کار ، صد ها جیب و کامیون و اتوموبیل سواری ، وسائل مخابرات ، عکس برداری سری ، ضبط صوت استتار شده ، انگشت نگاری و غیره . این سازمان از نظر اداری به شعب و دوائری تقسیم شد و هر شعبه و دایره دارای وظایف خاصی است : نظیر کنترل سفارتخانه ها ، کنترل اتباع خارجی ، کنترل امکنه ی عمومی ، وزارتخانه ها ، بانکها و مؤسسات و نیز تحت نظر گرفتن تمام سازمانها ، سند یگاها ، احزاب و در عین حال زیر نظر گرفتن تمام افرادی که با اصطلاح مشکوک اند .

بودجه ی سالیانه ی این سازمان سری است ولی موافق آنچه که اعلام میشود (که قطعا رقم به مراتب کمتری از بودجه ی واقعی است) بالغ بر ۲۵۰ میلیون ریال است ، در حالیکه تنها بودجه ی شبکه ی سازمان امنیت ایران در آلمان غربی بالغ بر پنج میلیون دلار است .

سازمان امنیت در هر بخشی از تهران و شهرهای بزرگ مراکز جاسوسی دارد و برای جاسوسی از سه نوع مأمورین : ۱- مأمورین اطلاعات که فقط گوش میدهند و خیر جمع میکنند ، ۲- مأمورین نفوذ که برای نفوذ در سازمانها هستند و خود را " مبارز " جا میزنند و ۳- مأمورین تعقیب که بطور زنجیری افراد را دنبال مینمایند ، استفاده میکند در روستاها نیز شبکه ی سازمان را توسعه داده اند و از سپاههای دانش و بهداشت



و آبادانی و غیره بعنوان پوشش فعالیت‌های جاسوسی استفاد می‌شود. مأمورین سازمان امنیت گاه حقوق کامل و گراف و گاه حقوق کمکی کوچکی که موافق برخی اطلاعات میزان آن در مواردی از ۱۵۰۰ ریال تجاوز نمیکنند دریافت می‌آیند. مأمورین سازمان امنیت در اجتماع مطلقا فاقد اعتباراند چه بسا اتفاق افتاده است که ورود آنها با سکوت همگانی رو برو شده است.

مأمورین و افسران سازمان امنیت بین افسران و درجه داران احترامی ندارند، آنها شغل پلید خود را از مادر و همسر خود نیز پنهان میکنند. رؤسای این سازمان افرادی نه تنها آدکس، بلکه دزد و رشوه بگیر نیز هستند و حتی برای گرفتن پول و رشوه برای همکاران خود نیز یا پول میدوزند. برای رؤسای ادارات و کارمندان وزارتخانه‌ها و سفارت‌های بیرونه سازی میکنند و میخواهند "امنیت و ثبات" کشور را تماما بحساب "جانبازیها"ی خود بگذارند. سازمان امنیت یا "سیا" و دیگر سازمانهای جاسوسی امپریالیستی در تماس است. زیبایی، زبانی، زمانی، بختیسار، با آمریکا آنها در تماس اند، ولی طوی کیامعاون وقت رکن دوم عامل "انگلینس سرویس" است. جانیانی مانند نصیری، زیبایی، زمانی، بختیسار، طوی کیا، امجدی، سیاحتگر، سالاری، خشایار، وزیر، عید و دیگران جانورانی هستند که نظیرشان بقول سیاحتگر در هیچ جنگلی پیدا نمی‌شود. سازمان امنیت جانشین فرمانداری نظامی است که سالها بعد از کودتا رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک ایران را نگهداری میکرد. سازمان امنیت باررشته های مرئی و نامرئی خود، اراد، ی مردم ما را در بند گرد و دسترنج آنها بچیپ خاندان پهلوی و نگران آنها ساز می‌کنند. سازمان امنیت نگهبان ارشاه و دولت‌های دست نشاندگی است. سازمان امنیت با تمام قدرت ظاهر بشر در قبال مبارزه مردم و جنبش انسان سازمانی است زبون و بی اراد و هیچگاه قادر نبود و نخواهد بود که راه مبارزان را سد کند و همه ی مبارزانی که عزم آنها برای خدمت به خلق جزم باشد میتوانند با موفقیت کامل علیه این سازمان و شیوه های آن نبرد کنند.

د ستگیری و پس از آن

د ستگیری‌های سیاسی معمولانیمه های شب انجام میگردد و یاد رساعات خلوت روز به منازل میریزند. معمولان ابتدا يك ياد و تن بالباس شخصی به پشت در می‌آیند و بیهانه های مختلف وارد منزل میشوند و سپس علامت میدهند و يك گروه چند نفری پلیس و نظامی بخانه می‌روند. بعد از ورود، تمام ساکنین خانه و مهمانان را در نقطه ای گرد می‌آورند و خود به تفتیش یعنی زیر و رو کردن اثاث منزل مشغول میگرددند و خسارات زیاد وارد می‌سازند. همانجانبهین و تحقیر نسبت به اهل منزل و بخصوص "مشم" آغاز میشود و در مواردی به کتک و شلاق میرسد. گاهی نه تنها "مشم" بلکه تمام مردان خانه و حتی مهمانان را توقیف میکنند و یا خود می‌گیرند. بعد از توقیف افراد، مأمورین چند روز در منزل میمانند و منتظر "هدستان" مشم میشوند. در این مدت منزل شبیه یکی از مراکز سازمان امنیت میشود و بارفت و آمد های بیموقع، بابکارانند آختن بی سیم و دیگر وسائل، آسایش و زندگی معمولی خانواده هارایبهم میزنند و به کودکان و بیماران نیز رحم نمیکنند. در تفتیش خانه، هر کتاب بانشریه ای که مأمور نشناسد بعنوان مدرک جرم جمع آوری میشود. گاهی مجله ای که در هر کیوسک روزنامه فروشی فروخته میشود، بعنوان "مدرک جرم" جمع آوری میگردد. یادداشت‌های خصوصی افراد، عکسهای خانوادگی و آدرس و شماره ی تلفن آشنایان نیز ضبط میشود.

آدم دزدی نیز یکی از کارهای سازمان امنیت است، آنها افراد را در خارج از منازل، در کوچه و خیابان میگیرند و بزور بد اخل اتومبیل سواری انداخته و یا چشم بسته بسوی شکنجه گاه‌ها میبرند. سازمان امنیت برای گمانیکه هنوز د ستگیری نشده اند نیز ایجاد مزاحمت میکند، طی نامه ای یا مذکره ی تلفنی آنها را بیکي از "مراکز بی‌تابلو"ی خود احضار مینماید و در آنجا علاوه بر آنکه ساعتها آنها را در انتظار میگذارد، سئوالات بی دریغی، با تهدید و دعوت به همکاری و واداشتن به جاسوسی علیه دوستان خود، ایجاد مزاحمت میکند. مأمورین امنیت از راه تلفن نیز

آسایش خانواده و هارابره هم میزنند. در مورد تمام این عملیات توصیف شده و شواهد مشخص بسیاری وجود دارد. وقتیکه فردی دستگیر شد، نامدتها و دوستان و خویشان او از او بیخبر میمانند و نمیدانند در کجاست. فقط بعد از چندین ماه تسلاتش و دوندگی میتوانند جایش را پیدا کنند و یا احیاناً او ملاقات نمایند. با آنکه در ماهی ۱۲۴ آئین داد سری کیفری قید شده است که بعد از ۲۴ ساعت طاعت توبیخ باید با اطلاع متهم برسد، ولی زندانیانی هستند که مدت‌های طولانی بلا تکلیف ماندند و اندک زندانیانی را در شکنجه گاه‌های قزل قلعه و "باغشا" روزها و هفته‌ها شکنجه دادند و اینگونه بقیه‌اند چراد دستگیر شده‌اند و از آنها چه میخواهند.

بازجویی و باز پرس

رفیق حزبی ما روبیک نواساردیان در گزارش خود به حزب درباره‌ی وضع زندان و زندانیان نوشته بود:

* سپس بازجویی از من شروع شد، در بازجویی ما غیر از قلم و کاغذ، وسائل مختلف شکنجه قرار داشت مانند شلاق، دستبند چپانی، کلاه خود آهنی، میله‌های داغ سرخ شده و ...

در این بازجویی فقط يك "قانون" وجود دارد. متهم باید اتهامی را که به او نسبت میدهند قبول کند یا بر شکنجه از پای درآید. در سالهای بعد از کودتا عده‌ی زیادی از مبارزان را بر شکنجه گذشتند، مانند رفقا: وارطان سالخانیان، محمود کوچک شوشتری، حسین حریری، ستوان منزوی و همچنین پرویز فرهمند و عده‌ی دیگری که هنوز جریان آنها قاش نشده است. (مثلاً در جریان حادثه‌ی کاخ مرمر بیش از صد نفر را دستگیر کردند که از سر نوشت عده‌ی از آنها خبری نیست).

در خیمان، وارطان سالخانیان و کوچک شوشتری را در باغ مهران (باغ متروکی که در اختیار ارتش بود) بردند و در آنجا بر شکنجه گذشتند. آنها برای مخفی کردن جنایاتشان، جنازه‌ی سالخانیان را به بیمارستان ارتش بردند و پتاهم نعمت اله همتی به ثبت رساندند و خواستند پدین ترتیب ورقه‌ی فوت درست کنند ولی چون موفق نشدند، شبانه زیباتی که روی پوش سفید پرستارها را پوشید، بعد از او را به بیمارستان آمد و نعش را در پتو پیچید و داخل آمبولانس نمود. زیباتی میخواست نعش را در ورود خانه‌ی هزار بیاندازد، ولی به علت تصادف ماشینی سراسیمه خود را به جاجرود رساندند و جسدله شده‌ی جوان مهران را به رودخانه انداختند.

مأمورین سازمان امنیت کلیا ز اخباریان عضو کمیته‌ی ایالتی تهران - حزب توده‌ی ایران را در اسفند ماه ۱۳۲۲ دستگیر نمودند و در فروردین ماه ۱۳۲۴ در یکی از شکنجه گاه‌های مخفی مغزش را، چون بقول زیباتی "نم پس نداد" با گلوله متلاشی کردند. زیباتی گفته بود طبق دستور شاه نباید گذشت کار افرادی نظیر ز اخباریان بسه دادگاه برسد، چون حرف‌های میزنند و در دنیا سروصدای بلند از آنکه اسباب زحمت میشود. این گفته‌ی شاه نیز تاکنون بارها جراشد است. آنها مائیس سرکیسیان و جهانگیر باغدانیان اعضای رهبری سازمان جوانان توده‌ی ایران را در خیابانهای تهران کشتند. در بین مردم شایع است که در برخی از "مرگها" و "خودکشیها" ی سالهای اخیر دستهای خو نیسن امنیتی‌ها دیده میشود.

در سالهای اخیر بغیر از وسائل قدیمی شکنجه از "شوک الکتریکی"، "اشعه‌ی خیره کننده"، "آمپولهای تضعیف اراده" و "دستگاه دروغ سنج" استفاده میکنند. مطابق يك اطلاع در یکی از این شکنجه گاهها از جیب کهنه‌ای که زیر آفتاب گذاشته بود تد برای زجر دادن زندانیان استفاده میکردند و آنها را در ساعات گرم روز داخل جیب میکردند تا آب بدنشان خشک شود و تشنگی شدیدی مقاومت زندانی را درهم شکند.

چند سال قبل عدّه ای را بنام اینکه میخواهند پل گاز میان رامنجرکند د سنگر ساختند و آنقدر شکنجه دادند که از سرنوشت برخی از آنها خبری بدست نیامد و چنانکه میگویند چند تن از آنها در چاراختلال عصبی شدند . از شکنجه های هولناک این دوران قاسمی بود به ارتفاع ۷۰ سانتیمتر که به سقف آن میخهایی کوبیده بودند و لحظه به لحظه آب سرد یا گرم وارد کف قفس میکردند و بیگناهی که در آن بودی اختیار خود را ندان میداد و پشتش به میخها میخورد و جروح میشد .

باید بر این شکنجه ها ، فشارهای روحی ، تحقیر و توهین و دشنام و اسلوبهای مختلف اربابی رانیز اضافه کرد . مهندسین بازرگان یکی از رهبران جبهه ی ملی در دادگاه تجدید نظر نظامی گفته است : در لشکر زرهی خرسی را آورده بودند که در حمام تارک بسراغ دخترها میفرستادند رفقای عضو سازمان آفسری حزب تودّه ی ایران را پس از دستگیری به اطاقی میردند و آفسری با هفت تیر لخت و ضامن کشیده وارد میشد و تهدید میکرد که هم اکنون او را خواهد کشت . فشارهای دیگر روحی مانند دستگیری اقوام ، نشان دادن نامه های جعلی از دستاورد وستان و رفقای حزبی که گویا به حزب خیانت میکنند یا همکاری هستند ، نیز اعمال شده و میشود .

* دادگاه و دادرسی *

دادرسی زندانیان هیچگاه طبق قوانین دادگستری و موازین قانونی انجام نمیگرفت یعنی صلاحیت دادگاهها مورد توجه نیست و متهم در دادگاهی که قانون معین کرده دادرسی نمیشود و به مقرراتی که برای هر کدام از این دادگاهها در نظر گرفته شده توجه نمیشود (مانند هیئت منصفه در محاکمات سیاسی ، حق تعیین وکیل مدافع و آزادی دفاع از جانب متهم و وکیل مدافع متهم) .

متهم را تهدید میکنند که اگر در دادگاه از شکنجه هائی که شده است حرفی بزند مجدداً شکنجه خواهد شد . در مواردی هم وکیل مدافع را بعد از دفاع از متهم بدون توجه به مصونیت قضائی او دستگیر و محکوم و بزند آن انداخته اند مانند وکلای مهندسین بازرگان و دکتر سحابی و آیت الله طالقانی (یعنی سر تیپ علی اصغر مسعودی ، سرهنگ رحیمی ، سرهنگ تقاری و دکتر سرهنگ ظمیه) . بعضی وقتها دادگاه در خود سلول زندان تشکیل میشود مانند دادگاه رفیق شهید خسرو روزبه . در دهه ۱۳۴۶ به رفاقا صابرو محمدزاده و آصف رزم دیده حتی اجازه ندادند که اوراق دفاعیه ی خود را از زندان به دادگاه بیاورند و در عرض چند دقیقه حکم حکومتی را ابلاغ نمودند . در امر محکوم کردن نیز به مقررات و موازینی که قانون برای هر جرمی در نظر گرفته است توجه نمیشود و بعد از کودتادادگاههای نظامی طبق دستور مقامات بالا متهمین را محکوم کرده اند و این محکومیتها معمولاً یا اعدام ، یا حبس ابد و یا حبسهای سنگین بوده است . در ۲۷-۱۹۶۶ - ۵۶ حکم اعدام صادر شد که ۳۸ حکم آن اجرا شده است . در همین مدت برای متهمین سیاسی احکام در حدود ۵۰۰ سال زندان صادر شده است .

در سالهای اخیر " دادگاههای ارتش " در یادگانها و مراکز نظامی کردنستان بیش از صد نفر میهن پرست کرد را محکوم به اعدام و ناپسود کرده اند . عدّه ای را در کوهها به قتل رساندند و حتی این زحمت را بخودندادند که همین " محاکمه " ی قلابی ارتشی رانیز که حکم برق آسای اعدام صادر میکرد تشکیل دهند . نام مبارزانی نظیر سلیمان معینی ، عبد الله معینی ، اسمعیل شریف زاده و ملا آواره و دیگران که بعد از شکنجه ها وحشیانه بدون رعایت هیچگونه تشریفات قانونی شهید شدند همیشه زند و خواهد ماند .

وضع زند آنها

يك رفیق حزبی در باره ی سلولی که ماهها در آن زندانی بود چنین مینویسد :

* سلولی بود بحرض یکمتر و طول یکمتر و نیم، در آن بسته و چراغ بالای سر آن خاموش بود. تخت خواب من چهارت بود از يك سكوي گلین و زیر و رویم راد و پتوی کهنه ی چو کین میاندا ختم* در شبانه روز دو بار هریار د و تکه نان، مقداری آب یا چند دانه نخود یعنیون غذا بمن میدادند و بجای روزی ده دقیقه هوا خوری در هفته يك روز انهم پنج دقیقه از هوای آزاد استفاد میگردم* در سلول خود نه قلم داشتم و نه کاغذ و نه کتاب و کسانی که میآمدند و جوایای حال من میشدند، مسئولین زندان در پاسخ انظار این اطلاعی میکردند.

ده ای از رفقای زندانی سالها در چنین سلولهایی بسر بردند. دوردیف سلولهای انفرادی "قزل قلعه" جا برای دراز کشیدن نداشتند و سقف آنها نیز بلند از ای پائین است که زندانی نمیتواند روی پا بایستد. قبلا این سلولها تخت خواب نداشتند و زندانیان بر روی توده ای از کاه می خوابیدند، ولی بعدا به زندانیان يك تشك پراز کاه و يك ملاقه و يك پتو دادند. رفیقی که به ملاقات جمعی از رفقای زندانی رفته است چنین مینویسد:

* در زندان موقت ملاقات طوری بود که آنها در پشت میله های آهنی بودند، بعد د و قدم فاصله داشت، بساز میله های آهنی بود و افراد یکه برای ملاقات آمدند بعد از پشت آن داد میدادند و جواب را هم به داد می شنیدند. رفیق زندانی میگفت مبتلا بانواع امراض شده ام، میروم بپهرداری، قرض میدهند، بچای اینکه حال بهتر شود درد هاشد بد ترمیشوند. وضع غذا اهم بد است. ظهرها آش و شیبها آبگوش و روزی دو نان و هر سه روز یکبار حمام*.

این رفیق اضافه میکند:

* در زندانهای دیگر هم وضع چنین است. ملاقات پشت میله هاست و مامورین هم مواظب گفتگوی آنها هستند. زندانیان اغلب بیمارند و وسیله ی معالجه ای هم در کار نیست. بیمارستانها و درمانگاههای داخل زندانها نیز نه تنها سودی بحال زندانی نمیرسانند، بلکه با آنها صدمه میزنند. زندانیان از کتاب و روزنامه محروم اند و حق ندارند هر کس را که مایل باشند ملاقات کنند*.

رفقای که در قطعه ی پراز جان زندانی اند، علاوه بر این محرومیتها، از گرمای فوق العاده ای آنجا نیز رنج میبرند. وقتی که گرما به ۴۰ درجه میرسد گاه زندانیان بیهوش میشوند.

در برخی از زندانها بعد از مبارزات طولانی زندانیان موفق شدند "جیره ی خشک" بگیرند و خودشان غذا برای خود بپزند. مبلغ این جیره ۱۲ ریال است که با آن میتوان يك سیر پنیر و يك نان تافتون خرید، ولی زندانیان ترجیح میدهند که با این پول خودشان غذای خود را در گوشه ی اطاق روی چراغهای نفتی درست کنند و آبگوش آلوده ی و مشکوک و آبکی زندان را نخورند. در زندان رضائیه یا بقول مبلغان رژیم "ندانگاه" رضائیه ملاقات وجود ندارد و ملاقات کنند از دفتر زندان در حضور مامورین میتواند بازندانی باتلفن گفتگو کنند!

در زندانهای ایران اکثر زندانیان بیمارند. در اثر شکنجه ها، بدی غذا، تنگی جا و نبودن نور و هوای سالم و گاهی مبارزات در بنسبتد ریج نابود میشوند. روشهای زندان و سازمان امنیت از معالجه ی زندانیان، حتی زندانیانی که در خطر مرگ اند خودداری میکنند. برخی از

زندانیان سیاسی برای آنکه بتوانند معالجه شوند، دست به اعتصاب غذا زدند.
ما مویرین امنیت گاه و بیگاه، شب و روز، وارد سلولها میشوید و ایجاد مزاحمت میکنند. آنها وسائل شخصی زندانیان از جمله لیوان، چراغ خوراک پزی، فنجان و لحاف را توقیف میکنند تا باین ترتیب بقول نصیری - این جنایتکار حرفه ای - "روزی هزار بار آنها را بکشند".

مبارزه ادامه دارد

در زندانهای "موقت"، "قصر"، "قرن قلعه"، "باشگاه"، "قلعه ی برازجان"، "قلعه ی فلك الافلاك"، "بندر عباس" و "رضاشیه" و دیگر نقاط کشور مبارزان توده ای، مصدقی، روحانیون مترقی و دیگر مخالفین سیاسی رژیم دیکتارهم در بند اند. آنها با اعتصابها و اعتراضهای جمعی و فردی، نوشتن نامه بمقامات مختلف داخلی و خارجی و مقاومت در قبال زورگوییهای پلیس، زندانها را به دژ نبرد تبدیل کرده اند. برخی از رفقای حزبی مینویسند:

"چه قبل از محاکمه، چه بعد از آن از ما خواستند که اظهارند است کنیم، ولی تابع آوای آمرانه ی وجدان حزبی خویش بودیم و زندان و مرگ را بر سر خواری و نفرت عمومی برتر داشتیم".

در این مبارزه ی مرگ و زندگی زندانیان تشنه نیستند. حزب توده ی ایران و همه ی مردم شرافتمند ایران و جهان با آنها همستند. در مقالات مطبوعات ما، در گفتارها و پرتابه های "پیک ایران"، در جزوه ی "زندگان و زندانیان سیاسی" (که از طرف حزب ما بزرگان انگلیسی و فرانسه منتشر شد) و دیگر نشریات حزب ما، در گزارشهای مخصوص تبریک عید و کارتهای اعتراضی، از این فرزندان شجاع خلق دفاع شده و جنایات رژیم و رفتار ددمنشانه ی وی نسبت به آنها افشا شده است.

در روزنامه های معتبر جهان، در جلسات سازمانهای دموکراتیک جهان، درستیوال جهانی جوانان و دانشجویان و همه و همه جدا جدا صدای ستین و روزهجویانیه ی آنها به اطلاع همگان رسیده است.

بمناسبت روز ۲۱ اردیبهشت، روز شهادت خسرو روزه قهرمان ملی ایران که روز زندانیان سیاسی ایرانست، یکبار دیگر در کشور و خارج از کشور، با اعتصابها، کنفرانسها، چاپ مقالات و بخش گفتارهای مخصوص از رادیو "پیک ایران"، تهیه کارت پستالها و جمع آوری یکروز درآمد از زندگی و مبارزه ی مبارزان در بند دفاع شد. و این مبارزه برای کمک برفقای پیکارجو، برای ستایش مبارزه ی آنها، برای همدردی با آنها و برای کمک به خانواده ی آنها و برای آزادی آنها ادامه خواهد داشت. ما مطمئن داریم که درهای زندان بدست خلق پیروزمند گشوده خواهد شد. درود آتشین ما بزندانیان سیاسی ایران!

به همسر افسران شهید

که بربلب لوزشی بودت ، به دل افسانه شویی
نظر کردی در آن چشمان که بود سر سبز کتومی

به چشم شویی خود خواندی مگر راز نهانش را
فشردی با تشنج دستهای پهلو انش را

چراغت را نهان کردند در زندان تار یکی
خبر میداد گویی از بلا و زنج نزدیک

درینجا | تاخت آوردند دیوانی نحو ست پی
همانا آسمان تیره و غمناک ماه دی

تنش سوراخ و خونین بود چون دیدی گریاژش
که حیرت زاد و خاموشی فراقی روح آزارش

بسرپ نفته خستندش پس از زجر روانگساهی
نه در چشمان ترا اشکی ، نه در سینه ترا آهسی

بمرد آن شمع اندر آرزوی پاک خورشیدی
که پیشاپیش مرگ او را نگرز انید تردیدی

چو نوری سپهرنگ افکند صبح تیره ی بهمن
براه زندگی او را چنسان امید بد روشن

کلند آورد دشمن تا زداید نام پاک و ی ،
هنوزش کینه می آید به جسم چاک چاک وی

چو گوش را بیاد عشق خود آباد میگردی
بلی خونخوار خصم او ز قسط ناجوانمردی

زهی آن زن که او جاوید باشویی وفا کرده !
که شوی قهرمانت در رهش جانراقد آئرد ه !

ترا او شوی در خور بد ، تو او را با شد در خور زن !
برو مردانه در دنیال آن اندیشه ی روشن

ای شاعری که شمع جوانیت شد خموش
در زیر آسمان غمین سپیده دم
بیشک نبود جان تو غافل ز سیرکار
روزی که هشته ای به سبیل طلب قدم

قلبی که بود منبع الهام و شعر و راز
از جور خصم شد گل پولاد ما منش
چشمی که بود پر زنگاهی زمانه سنج
آویخت مرگ پرده ی تاری ز روزش

طوفان وزید و شاخه ی نوخیز تو شکست
وز باغ عمر برک وجود تو شد جدا
رفتی بدان دیار گران بازگشت نیست
وان خاندان و خانه تهی شد ز کد خدا

پروانه ای که شیفته ی شمع روشن است
پروا ندارد آنکه بسوزد وجود خویش
شاعر که هست عاشق انوار زندگی
تاگاه مرگ سرنگشده از سرود خویش

آنکس که شور بخت تراخواند ، برخطاست
زیران بود راه سعادت سعادت است
زیبایی و جوانی و رزم تو شمرتوست
وان شعر آخرین که سرودی " شهادت " است

ای شاعری

که شمع جوانیت شد خموش

برخی تاریخ های مهم

از دوران سوسیال دموکراسی انقلابی در ایران فعالیت حزب کمونیست ایران و جنبش کارگری ایران

۱۷ اسفند ۱۲۵۹

انتشار نخستین مقاله در معرفی سوسیالیسم (بمنقل از مقاله ی روزنامه ی فارسی اخترچاپ استانبول) در
روزنامه ی نیمه رسمی "ایران" *

سال ۱۲۸۳ (۱۹۰۴ میلادی)

تشکیل گروه سوسیال دموکراسی کارگران ایران در باکو بنام گروه "همت" *

فروردین ۱۲۸۶

اتحساب ۱۶۰۰ کارمند تلگرافخانه در تهران و سایر شهرهای ایران برای دریافت اضافه حقوق و جلوگیری
از اجحافات روسا *

بهار ۱۲۸۶

اتحساب کارگران چاپخانه های تهران بعنوان هندردی بایکی از کارگران حرفه چین که از اعتماد السلطنه
(۱۷۳)

رئیس مطبوعات خوب خورد و بود. اعتصاب تابرکناری اعتماد السلطنه ازکار ادامه یافت .

تابستان ۱۲۸۶

اعتصاب کارگران چاپخانه های تهران برای تقلیل ساعات کار، مبارزه ی اعتصابی آنقدر ادامه یافت تا ساعات کار از ۱۴ ساعت به ۹ ساعت کاهش یافت .

شهریور ۱۲۸۶ (سپتامبر ۱۹۰۷)

تصویب برنامه ی سازمان مجاهدان در مشهد که خواستار برقراری آزادیهای دموکراتیک ، صادره ی املاک شاهي و خوانین بزرگ و تقسیم بلاعوض میان دهقانان ، ۸ ساعت کار، تعلیمات اجباری و غیره بود .

دی ۱۲۸۶ (ژانویه ی ۱۹۰۷)

اعتصاب کارمندان تلگرافخانه ی تبریز که خواهان پرداخت حقوق عقب افتاده ی خود بودند .

سالهای ۱۲۸۷-۱۳۸۶

تشکیل اتحادیه های کارگران چاپخانه های تهران ، کارگران واکزه های آسی ، تلگرافچیان ، قالسی باقان کرمان .

فروردین ۱۲۸۷

اعتصاب کرجی بانان لنگرود برای اضافه دستمزد .

۲۴ مهر ۱۲۸۷ (۱۶ اکتبر ۱۹۰۸)

تشکیل نخستین گروه سوسیال دموکرات در تبریز .

۷ آبان ۱۲۸۷

اعتصاب کارخانه های چرمسازی تبریز تحت رهبری سوسیال دموکراتها . خواست اعتصابیون عبارت بسود از: بالا بردن دستمزد ، پذیرش و اخراج کارگران بامواقت نمایندگان کارگران ، پرداخت و پسرانسر

دی ۱۲۸۷

دستمزد برای اضافه کار، پرداخت نصف حقوق کارگران به هنگام بیماری • اعتصاب پس از سه روز باکسرفتن اضافه دستمزد و تعهد عدم اخراج اعتصاب کنندگان پایان یافت •

اعتصاب کارگران شیلات انزلی طیبه خودسری کنتراتیجی ها - اعتصاب از طرف نیروی قزاق سرکوب شد ، ولی مجدد آذرماه در فروردین ماه تجدید گردید •

تابستان ۱۲۸۹

اعتصاب کارگران چاپخانه های تهران و کارمندان تلگرافخانه ی تهران • پس از دخالت پلیس نمایندگان اعتصابیون در مجلس متحصن شدند تا آنکه تقاضای اضافه دستمزد و آزاد ی بازداشت شدگان پذیرفته شد •

تابستان ۱۲۸۹

انتشار نخستین روزنامه ی کارگری بنام " اتفاق کارگران " که بیش از پنج شماره از آن منتشر نشد •

سال ۱۲۸۹

انتشار روزنامه ی " ایران نو " ارگان حزب دموکرات که سوسیال دموکراتها در آن نفوذ داشتند • در این روزنامه مقالاتی در زمینه ی شناساندن مارکس و مارکسیسم انتشار می یافت •

سال ۱۲۹۰ (۱۹۱۱ میلادی)

تشکیل نخستین گروه عدالت زیر رهبری اسداله غفارزاده در معادن نفت باکو •

اردیبهشت ۱۲۹۶ (مه ۱۹۱۷)

تشکیل حزب عدالت •

سال ۱۲۹۷

اعتصاب چهارده روزه ی کارگران چاپخانه های تهران که نتیجه ی آن انعقاد نخستین قرارداد دستمزد (۱۷۰)

جمعی بود که در آن هشت ساعت کار و بهبود وضع کارگران پیش بینی شد و بود.

سال ۱۲۹۷

تشکیل اتحادیه های نانواشی، آموزگاران، کارمندان پست و تلگراف، کفاشان، خیاطان - مجموعاً در این سال ۱۱ اتحادیه تشکیل شد.

پایان سال ۱۲۹۷

تشکیل شورای اتحادیه های کارگری تهران.

۱- ۳۱ تیر ۱۲۹۹ (۲۲-۲۴ ژوئن ۱۹۲۰)

نخستین کنگره ی حزب "عدالت" که به حزب کمونیست ایران تغییر نام داد در "بند رانزلی" تشکیل شد.

مرداد ۱۲۹۹ (سپتامبر ۱۹۲۰)

تشکیل کنگره ی نمایندگان ملل خاور در باکو.

مهر ۱۲۹۹ (اکتبر ۱۹۲۰)

تشکیل پلنوم کمیته ی مرکزی حزب کمونیست ایران - در این پلنوم حیدر عسواوی به صد ارت برگزید و شد.

۱۳۰۰ (۱۹۲۱)

تشکیل دفتر مرکزی برای رهبری جنبش اتحادیه ای و پذیرش اتحادیه های ایران در بین الملل اتحادیه ها (پروفیتین).

۹ دی ۱۳۰۰

انتشار نخستین شماره ی روزنامه ی "حقیقت" بعد بریت سید محمد دهقان عضو کمیته ی مرکزی که رسماً

ارگان اتحادیه های کارگری تهران ولی د رحقیقت ارگان مرکزی حزب کمونیست ایران بود.

۱۱ اردیبهشت ۱۳۰۱ (اول مه ۱۹۲۲ میلادی)

نخستین نمایش جمعی بمناسبت اول ماه مه *

سال ۱۳۰۱

انتشار روزنامه ی کارکه پس از توقیف روزنامه ی " حقیقت " وظیفه ی ارگان مرکزی را انجام میداد و روزنامه ی " پیکان " که وابسته به حزب بود.

سال ۱۳۰۱ (۱۹۲۲ میلادی)

نخستین اعتصاب در تاسیسات شرکت نفت جنوب *

بهمن ۱۳۰۱

اعتصاب ۲۱ روزه ی آموزگاران تهران برای دریافت حقوق پس افتاده که منجر به نمایشات سیاسی وسقوط حکومت قوام شد.

سال ۱۳۰۱

انتشار روزنامه ی هفتگی " خلق " که در پاورقی الفبای کمونیسم را منتشر میکرد.

سال ۱۳۰۱

انتشار مجله ی " جرعه " ارگان تشویک حزب کمونیست ایران *

شهریور ۱۳۰۳

اعتصاب کارگران پارچه بافی تهران *

سال ۱۳۰۴

تشکیل اتحادیه های کارگران نفت جنوب *

۱۲ آبان ۱۳۰۴

میرزا یحیی واعظ کیوانی (قزوینی) یکی از شخصیت‌های حزب کمونیست ایران در برابر مجلس بهنگام طرح لایحه خلع سلطنت تا جاریه بقتل رسید.

اردیبهشت ۱۳۰۶

اعتصاب صوم‌کاروندان دولت علیه تقلیل حقوق.

سال ۱۳۰۶ (۱۹۲۷ میلادی)

تشکیل کنگره‌ی دوم حزب کمونیست معروف به "کنگروه‌ی ارومیه".

آذر ۱۳۰۶

کنفرانس اتحادیه‌های کارگران نفت جنوب.

۱۴ اردیبهشت ۱۳۰۸

اعتصاب سه روزه بیست هزار نفری کارگران نفت جنوب که خواستار آزادی رهبران بازداشت شد بی‌اتحاد بودند. بین کارگران و سربازان دولتی زد و خورد شد. در نتیجه ۲۰۰ نفر از کارگران بازداشت و ۳۰۰ نفر از کارگران اخراج گردیدند. این اعتصاب مستقیماً تحت رهبری حزب کمونیست ایران بود.

تابستان ۱۳۰۸

اعتصاب ۱۲۰۰ نفر کارگر راه آهن مازندران.

پایمن ۱۳۰۸

کنفرانس کارگران نفت جنوب که خواستهای کارگران از جمله ازدیاد دستمزد، برسمیت شناختن اتحادیه، برسمیت شناختن ریز اول ماه مه، شرکت نمایندگی کارگران در تصمیم‌پذیرش و اخراج کارگران، هفت ساعت کار ریزانه برای خرد سالان و غیره را مطرح ساخت.

سال ۱۳۱۰

انتشار روزنامه‌ی "پیکار" ارگان حزب کمونیست ایران و مجله‌ی "ستاره‌ی سرخ" ارگان تئوریک حزب در خارج از ایران.

سال ۱۳۱۰

انقلاب کارگران راه آهن سرتاسری شمال که در د و نوپت انجام گرفت و ۱۵۰۰ کارگرد آن شرکت کردند. این انقلاب مستقیماً تحت رهبری حزب کمونیست ایران بود.

اردیبهشت ۱۳۱۰

انقلاب کارگران کارخانه‌ی وطن اصفهان بر رهبری حزب کمونیست. در این نخستین انقلاب اصفهان ۵۰۰ کارگر شرکت نمودند و موفق به دریافت ۲۰ درصد اضافه دستمزد و کاهش ساعات کار به ۹ ساعت در روز گردیدند.

۱۰ خرداد ۱۳۱۰

تصویب قانون ضد کمونیستی معروف به قانون سیاه که بموجب آن هر کس دسته یا جمعیتی تشکیل دهد و یا عضو دسته یا جمعیتی باشد که رویه یا مرام آن اشتراکی است به سه تا ده سال حبس مجرد محکوم میشود.

اردیبهشت ۱۳۱۳

آغاز انتشار مجله‌ی "دنیا".

پایان سال ۱۳۱۳

تجدید سازمان حزب کمونیست ایران و شناخته شدن مجله "دنیا" بعنوان ارگان حزب. (۱۷۹)

سال ۱۳۱۴

انتصاب دردانشگاه تهران و دانشکده های فنی برای بهبود وضع تدوین که توسط سازمان مخفی حزب کمونیست ایران اداره میشد.

اردیبهشت ۱۳۱۶

بازداشت ۵۳ نفر کمونیست ایرانی.

سال ۱۳۱۷

تشکیل اتحادیه ای مخفی کارگران راه آهن شمال.

سال ۱۳۱۷

محاکمه ای ۵۳ نفر.

۱۴ بهمن سال ۱۳۱۸

شهادت دکتر ترقی ارانی در زندان رضاشاه.

ازسند اصلی جلسه مشاوره احزاب پرادر

وحدت عمل نیروهای ضد امپریالیستی

وضع معاصر اجتماعی - سیاسی در جهان امکان میدهد که نبرد علیه امپریالیسم به سطح نویی ارتقا داده شود. باتشديد تعرض علیه امپریالیسم میتوان به برتری قاطع بروی دست یافت ، سیاست تجسوسی و جنگی وی را د چار شکست نمود . این امر موافدا اتخاذ تدابیر و عمل مشخص در تمام قاره ها را ایجاب میکند ، بخاطر آنکه برابریها ی دموکراتیک و مترقی ، تمام کسانیکه علاقمند به حل مسائل مهم مبتلا به بشریت اند ، علاقمند به حل مسئله ای صلح و امنیت خلقها هستند ، دورنمای روشنی نهاد شده .

احزاب کمونیست و کارگری شرکت کنند در کنفرانس با آگاهی به مسئولیت تاریخی خویش ، به تمام کونیستهای جهان ، به تمام دشمنان امپریالیسم ، به تمام کسانیکه حاضرند در راه صلح ، آزادی ، و ترقی مبارزه کنند ، خطاب کرده و آنها را بوحده عمل فرامیخوانند .

درباره‌ی این تقویم

تقویمی که از وقایع زندگی حزب بود، ی ایران در صفحات آینده بخوانندگان ارجمند ارائه میشود؛ تا آنجا که ما امید انیم کاملترین فهرستی است که از این وقایع تاکنون تنظیم شده است، ولی با اینحال مسلماً دارای نقائص متعددی است، زیرا در دسترس نبودن اسناد و مدارک کافی این وضع را ناگزیر میساخته است. علاوه بر وقایع حزب بود، ی ایران برخی از وقایع عمومی کشور و جهان نیز در متن تقویم حزب گنجانده شده است. ولی البته ما بهیچوجه قصد نداشته ایم در اینجا وقایع نامه ای از حوادث جهان و ایران طی سالهای مورد نظر تنظیم کنیم؛ عکسها و تصاویری نیز در متن تقویم چاپ شده که آن نیز در چارچوب امکانات محدود کنونی ما بوده و ملاک خاصی را در این زمینه نمیتوانستیم مراعات کنیم. از خوانندگان ارجمند این تقویم تقاضا داریم هرگاه به نقص مهمی برخوردند ما را بهر وسیله که صلاح میدانند از نظر خویش مطلع سازند تا در کارهای نظیر آتی در نظر گرفته شود.

تاریخ هائی از زندگی حزب توده ایران

سال ۱۳۲۰ - ۱۳۴۸

سال ۱۳۲۰

۳ شهریور ۱۳۲۰

ورود نیروهای متفقین به ایران و پایان دیکتاتوری بیست ساله ی رضاشاه سرسلسله ی خاندان پهلوی .

۲۸ شهریور ۱۳۲۰

آزادی عده ای از زندانیان سیاسی .

۷ مهرماه ۱۳۲۰

تشکیل جلسه ی مؤسسان حزب و انتخاب کمیته ی مرکزی موقت حزب توده ی ایران بریاست سلیمان محسن اسکندری یکی از رجال آزاد پخواه صد ر مشروطیت .

۱۰ مهرماه ۱۳۲۰

روزتاسیس حزب توده ی ایران - این روز با روز جشن باستانی مهرگان تطبیق میکند .

۲۴ مهرماه ۱۳۲۰

تصویب قانون غوغوی زندانیان سیاسی در مجلس دوازدهم .

۱۲ بهمن ۱۳۲۰

انتشار نخستین شماره ی روزنامه ی خدفاشیستی "مردم" *



نخستین میتینگ عظیم حزب بهمناسبت دومین سال شهادت دکتر ارانی رهبر زحمتکشان ایران - دکتر ارانی در تاریخ ۱۴ بهمن ۳۸ در زندان رضا شاه بشهادت رسید *

۱۴ بهمن ۱۳۲۰

دکتر ترقی ارانی رهبر زحمتکشان ایران

۳ اسفند ۱۳۲۰

انتشار روزنامه ی "سیاست" بعنوان ارگان مرکزی حزب * در نخستین شماره ی این روزنامه اصول اساسی مرام حزب انتشار یافت *

۱ اسفند ماه ۱۳۲۰

تشکیل شورای مرکزی اتحادیه های کارگران ایران *

سال ۱۳۲۱

۱۷ مهر ۱۳۲۱

اولین کنفرانس ایالتی تهران تشکیل شد. در این کنفرانس ۱۲۰ نماینده حضور داشت که ۳۳ نفر آن از شهرستانها دعوت شده بودند. در این کنفرانس علاوه بر سایر تصمیمات، ماده‌ی مربوط به لزوم تأمین حقوق سیاسی زنان در برنامه‌ی حزب گنجانده شد. کنفرانس ایالتی و کمیسیون تفتیش ایالتی تهران انتخاب گردید و قرار شد تا تشکیل کنکره‌ی اول حزب، این دو ارگان به‌مثابه ارگانهای مرکزی فعالیت کنند.

۱۰ بهمن ۱۳۲۱

نخستین شماره‌ی روزنامه‌ی "رهبر" ارگان مرکزی حزب بجای روزنامه‌ی سیاست ارگان قبلی، انتشار یافت. این روزنامه از نظر کثرت انتشار در همین روزنامه‌ی کشور بود.

سال ۱۳۲۲

اول فروردین ۱۳۲۲

تشکیل سازمان جوانان حزب توده‌ی ایران.

خرداد ۱۳۲۲

تشکیل نخستین اتحادیه‌های دهقانی در اطراف تهران و در برخی استانها بویژه آذربایجان. این اتحادیه‌ها به همت و فعالیت اعضا "حزب توده‌ی ایران" پدید شد و بزودی به نیروی دهقانی وسیع و مبارزی بدل گردید.

تیر ۱۳۲۲

"تشکیلات دموکراتیک زنان ایران" آغاز فعالیت نمود و طی زمان کوتاهی موفق شد هزاران زن را در سراسر

کشور در مبارزه برای کسب حقوق سیاسی و اقتصادی و اجتماعی خویش متشکل کند* این سازمان از پشتیبانی و راهنمایی همه ی سازمانهای دموکراتیک و مترقی و در رأس آنان حزب تودهی ایران برخوردار بود*

۲۵ مهر ۱۳۲۲

نمایش چهل هزار نفری اعضا* حزب تودهی ایران بمنظور افشای توطئه ی سیاسی سید ضیاءالدین طباطبائی*

۲۹ مهر ۱۳۲۲

تصویب موافقتنامه ی* ساعد - دیفوس* به موجب این موافقتنامه، ژاندارمری ایران برای بااصطلاح* تجدید

سازمان* در اختیار
افسران امریکائی قرار
گرفت*

۷ آذر ۱۳۲۲

تشکیل کنفرانس تهران
باشرکت سران کشور -
های متفق، استالین،
روزولت، چرچیل*

۱۶ دی ۱۳۲۱

درگذشت سلیمان
یحسن اسکندری رحل
آزاد یخواه صد روشنی
و از بنیاد گزاران و
رهبران حزب تودهی
ایران*



این کس بمناسبت دهمین سال
انقلاب اکتبر است* سلیمان میرزا
و فرخی از طرف حزب کمونیست
اتحاد شوروی دعوت شده اند*
(از راست بچپ: سلیمان میرزا،
فرخی یزدی، نفر سوم شناخته
نشده*)

آغاز فعالیت فراکسیون حزب توده ی ایران در مجلس شورا * اعضا * فراکسیون از نقاط زیر انتخاب شد * بودند:
 ۱- دکترراد منش از لاهیجان ، ۲- ایرج اسکندری از مازندران ، ۳- عبدالصمد کامبخش از قزوین ،
 ۴- ارد شیرآوانسیان از جانب ارامنه ی شمال (رضائیه) ، ۵- دکتر فریدون کشاورز از بندر پهلوی ، ۶- پروین
 کتابادی از «بهبود» ، ۷- تقی فدائکار از اصفهان ، ۸- شهاب فردوس از فردوس *

سال ۱۳۲۳

۱۱ اردیبهشت ۱۳۲۳

"شورای متحد" ی مرکزی کارگران و زحمتکشان ایران * با شرکت چهار سازمان سندیکائی تا * سپس شد *
 روزنامه ی "ظفر" به عنوان ارگان شورای متحد * ی مرکزی انتشار یافت * شورای متحد * در همان آغاز * * * * *
 نفر عضو داشت و بزودی توانست بیش از ۹۰٪ کارگران ایران را در صفوف خود متشکل کند *

۱۰ مرداد ۱۳۲۳

افتتاح نخستین کنگره ی حزب توده * ی ایران - ۱۶۴ نفر در این کنگره شرکت داشتند * کنگره برنامه و
 اساسنامه ی حزب را تصویب نمود * در روز ۲۱ مرداد پس از ۱۱ روز فعالیت پرثمر بکار خود پایان داد *

تابستان ۱۳۲۳

به ابتکار حزب توده * ی ایران و یاد عوت حزب ما ، جبهه ای از مدیران جرائد مرفقی مرکز و ولایات ، نویسند
 و نمایندگان گروهها و دسته های مرفقی بنام "جبهه ی آزاد" تشکیل شد * ۴۴ روزنامه یعنی نصف تمام
 جرائد منتشره در کشور بتدریج در این جبهه عضویت یافتند * هدف جبهه مبارزه علیه سرکوبه سیاست
 استعماری و برقراری حکومت ملی بر اساس قانون اساسی بود *

مهر ۱۳۲۳

تشکیل سازمان "اتحادیه د «قائمان" وابسته به حزب توده * ی ایران در تهران * عدد * ترین مواد مراننامه
 این اتحادیه عبارت بود از مبارزه علیه رژیم ارباب - رعیتی ، تقسیم بلا عوض زمینهای خالصه ، بازخرید و

۲۹ آذر ۱۳۲۳

تقسیم بلاعوض زمینهای اربابی • این اتحادیه در برخی شهرستانها دارای سازمانهای وسیع بود.

تصادم شدید بین کارگران شاهی و چاقوکشان حزب وطن که بکک دسته مسلح بر سر کارگران ریختند.
در این جریان عده ای از کارگران کشته و عده ای زبانی مجروح شدند.

۴ اسفند ۱۳۲۳

آتش زدن کلوب حزب تود • ی ایران توسط عناصر منتسب به سید ضیا* الدین طباطبائی *

سال ۱۳۲۴

۱۳۲۴ فروردین

یورش عمومی به سازمانهای حزب تود • ی ایران و اتحادیه های کارگری در اصفهان •

۱۳۲۴ فروردین ۱

برای نخستین بار گروهها نظامی ما* مورچلوگیری از حرکت زحمتکشان برهبری حزب تود • ی ایران بطسرف
مجلس ، از اجرای دستور فرمانداری نظامی سر باز زد و راه را برای نمایش دهندگان باز نمود.

۱۳۲۴ اسفند ۱۱

نخستین رژه ی زحمتکشان برهبری حزب تود • ی ایران و شورای متحد • ی مرکزی بمناسبت روز اول ماه مه •
در این روز در تهران ۸۰۰۰۰ نفر و در ولایات ۲۵۰۰۰۰ نفر رژه رفتند.

۱۳۲۴ اسفند ۱۸

پایان جنگ جهانی دوم - پیروزی بر فاشیسم هیتلری •

۲۲ اردیبهشت ۱۳۲۴

میتینگ ۴۰ هزار نفری حزب تودهی ایران و شورای متحد هی مرکزی بافتخار پیروزی پرفاشیسم هیتلری *

۹ خرداد ۱۳۲۴

نخستین اعتصاب کارگران نفت کرمانشاه تحت رهبری اتحادیه ی مخفی محلی شروع شد. خواستهای کارگران هشت ساعت کار در روز، یکروز مرخصی در هفته، مرخصی سالیانه یا استفاذه از حقوق، افزایش دستمزدها، برسمیت شناختن اتحادیه ها، برابری مزد و شرایط کار با کارگران خارجی شرکت نفت. اعتصاب بزور مدیران انگلیسی شرکت نفت در رهم شکست و ۴۰۰ نفر از کارگران از مجموع ۹۵۰ نفر اخراج شدند.

اول تیر ۱۳۲۴

اعتصاب کارگران قسمتی از پالایشگاه آبادان - این اعتصاب با موفقیت پایان رسید و دستمزدها کارگران از ۲۴ ریال به ۳۰ ریال و از ۳۰ ریال به ۳۵ ریال و از ۳۶ ریال به ۳۸ ریال افزایش یافت. ۵۰۰۰ کارگر پالایشگاه مشمول این اضافه دستمزد شدند.

تیر ۱۳۲۴

تشکیل حزب دموکرات ایران توسط قوام السلطنه نخست وزیر وقت. این حزب با کمک نیروهای انتظامی علیه حزب تودهی ایران دست بکار شد.

۲۶ مرداد ۱۳۲۴

تشکیل دومین کنفرانس ایالتی سازمان تهران - ۱۹۲ نفر نمایندگانی در این کنفرانس حضور داشتند. کنفرانس در تاریخ ۲۹ مرداد پایان یافت.

۲۷ مرداد ۱۳۲۴

قیام افسران خراسان و تهران - قیام شب ۲۴ مرداد در مشهد آغاز شد. کاروان افسران قیام کنندگان پس از خلع سلاح پادگان مراوتبه بسوی دشت ترکمن صحرا بحرکت درآمد. در حوالی گرگان گروه کوچکی از افسران تهران بقیام کنندگان پیوستند و با تفاق بسوی گنبد قابوس حرکت کردند، ولی واحد های زاندارم و پلیس که دستور قتل عام افسران را داشتند، باران گلوله بر سر آنان ریختند. نام شهید ۱ حادثه ی گنبد قابوس چنین است:



- ۱- سرکرد اسکندانی ۲- ستوان یکم شهبازی ۳- ستوان یکم نجدی
- ۴- ستوان یکم مینائی ۵- ستوان دوم نجفی ۶- سرچوخه بهلول
- ۷- سرباز قره وشی *

اول شهریور ۱۳۲۴

تبعید عدّه ای از افسران عضو حزب توده ایران به کرمان و زندانی کردن آنها در آنجا *

۱۲ شهریور ۱۳۲۴

تشکیل فرقه ی د مکررات آذربایجان *

۱۰ مهر ۱۳۲۴

در تظا هراتی که بمناسبت پنجمین سالگرد حزب در تهران برگزار شد ، صد هزار نفر شرکت کردند *

۱۱ مهر ۱۳۲۴

تشکیل فدراسیون سندیکائی جهانی *

۳ آبان ۱۳۲۴

تشکیل اولین کنگره ی حزب د مکررات کردستان *

۱۸ آبان ۱۳۲۴

تشکیل فدراسیون جهانی جوانان د مکررات

۲۵ آبان ۱۳۲۴

این روز ، روز بین المللی دانشجویان شناخته شد *

آبان ۱۳۲۴

شرکت فرقه ی د مکررات آذربایجان ، حزب د مکررات کردستان ، حزب جنگل و حزب سوسیالیست درجه ۱

مؤتلف احزاب آزاد یخواه *

۹ آذر ۱۳۲۴

تشکیل فد راسیون دموکراتیک بین المللی زنان — تشکیلات دموکراتیک زنان ایران و سازمان زنان ایران که
قبل از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۲۲ فعالیت پر دامنه ی منحصر بقدری در بین زنان ایران داشتند ، هر
د و عضو فد راسیون دموکراتیک بین المللی زنان هستند *

۲۱ آذر ۱۳۲۴

تشکیل حکومت ملی در آذربایجان *

۲ بهمن ۱۳۲۴

تشکیل حکومت ملی در کردستان *

۱۹ اسفند ۱۳۲۴

صدور قطعنامه ی مشترک حزب توده ی ایران و شورای متحد ه ی مرکزی علیه تصمیم مربوط به تعهد یزد
مجلس چهاردهم *

۲۶ اسفند ۱۳۲۴

اعلام گرسنگی افسران زندانی در کورمان *

سال ۱۳۲۵

۱ اردیبهشت ۱۳۲۵

دولت قوام طبق تصویب نامه ی هیئت وزیران ، قانونیت مطالبات و خصمت دموکراتیک جنبش آذربایجان را

مورد تأیید قرارداد *

۱۱ اردیبهشت ۱۳۲۵

متجاوز از ۷۰۰۰۰ نفر کارگرد رسراسر ایران در جشن اول ماه مه شرکت کردند. این بزرگترین جشن کارگری ایران بوده است. اتحادیه های کارگری خوزستان که تا آن موقع مخفی بودند علناً در جشن اول ماه مه شرکت کردند *

۲۰ اردیبهشت ۱۳۲۵

اعتصاب ۱۰۰۰۰ کارکن نفت در آغا جاری - هدف اعتصاب اضافه دستمزد، تأمین حداقل و مسائل بهداشتی، تأمین آب آشامیدنی و یخ برای کارگران بود. این اعتصاب ۱۴ روز طول کشید و با موفقیت خاتمه یافت *

۲۷ اردیبهشت ۱۳۲۵

قانون کار و نیز قانون کسر ۱۵٪ از بهره ی مالکانه بتصویب رسید *

۲۳ تیر ۱۳۲۵

در این روز ۸۰۰۰۰ کارکن مناطق خیز خوزستان و مواسسات کیمیائی سابق نفت دست به اعتصاب زدند. کارگران عزل استاند ارمزد و خوزستان، انحلال دستگاه سیاسی کیمیائی و اجابت تقاضاهای حق اقتصادی خود و از جمله اجرای کامل قانون کار و پرداخت دستمزد روز جمعه را میخواستند. اعتصاب کارگران نفت به اعتصاب همگانی شد و سایر زحمتکشان مناطق نفت خیز نیز به اعتصاب پیوستند. کیمیائی توانست با استفاده از تفنگد اران روسای قبایل، عمال حکومت نظامی و زائد ارموزی، کارگران بی سلاح را کشتار کند. در این جریان ۴۷ نفر از کارگران شهید و ۱۷۰ نفر زخمی شدند. اما کارگران قهرمان خوزستان حتی پس از این جنایت وحشیانه باز هم به اعتصاب درخشان خود ادامه دادند و تنها پس از اینکه مقامات شرکت سابق نفت بقبول تقاضاهای اقتصادی کارگران مجبور شدند اعتصاب خاتمه یافت *

۱ مرداد ۱۳۲۵

شرکت نمایندگان جبهه ی مؤلف در دولت ائتلافی قوام - از حزب توده ی ایران؛ ابرج اسکندری وزیر اقتصاد، دکتر فریدون کشاورز وزیر فرهنگ و دکتر یزدی وزیر بهداشت - از حزب ایران الهیار صالح وزیر - دادگستری *

۱۵ مرداد ۱۳۲۵

مسافرت لوتی سایان دبیر سند یگای جهانی کارگران * به ایران ، شناسائی شورای متحد ه ی مرکزی * از طرف " سند یگای جهانی " بعنوان یگانه سند یگای واقعی زحمتگشان ایران *

۲۳ مرداد ۱۳۲۵

اعضا * قراردادی در ۱۵ ماده بین دولت مرکزی و جنبش د مکراتیک آذربایجان *

۲۴ مهر ۱۳۲۵

تصمیم به خروج نمایندگان جبهه ی مو* تلف از دولت و استعفای آنان *

۹ آذر ۱۳۲۵

شهادت سرهنگ محمود قاضی اسد الهی در سنگرمبارزه بایانند ضد انقلابی ذوالفقاری در جریان جنبش د مکراتیک آذربایجان *

۲۱ آذر ۱۳۲۵

سرکوب جنبش د مکراتیک در آذربایجان و کردستان ایران — هزارهائفر در شهرها و روستاهای آذربایجان بوسیله ی ما* مورین انتظامی و اویاش بقتل رسیدند و دههاتس از مبارزان نهضت د مکراتیک تیرباران یا بدار آورخته شدند و از آنجمله اند : نوراله یگانی ، خلیل آذربادان ، داداش تقی زاده ، فریدون ایبراهیمی ، میرزارسیح کبیری ، محمد امین آزاد وطن ، قربانعلی (قلی) سبحی نوری ، میرایوب شکلیا ، غلامرضا جاو پسدان ، حسین نوری ، محمد طلی رامتین *

۲۹ آذر ۱۳۲۵

جلسه ی مشورتی کادرهای مرکزی حزب برای تصمیم د رباره ی رفع بحران حزب و رد هرگونه روش فرانسویونی

۱۳ دی ۱۳۲۵

تشکیل جلسه ی مشترک اعضا گمته ی مرکزی ، کمیسیون تفتیش کل و کمیسیون ایالتی تهران * از میان اعضا *

این جلسه شورای حزب و هیئت اجرائیه ی موقت انتخاب شدند *

۱۰ دی ۱۳۱۵

اعدام جمعی افسران در تبریز - اینها افسران عضو حزب تودهی ایران بودند که به جنبش دمکراتیک آذربایجان پیوستند و پس از شکست جنبش بدست حکومت شاه گرفتار و تیرباران شدند. تعداد این افسران ۳۳ نفر بود، از آنجمله اند: سرهنگ عظیمی، سرهنگ مرتضوی، سرگرد الهی، سرگرد جودت، سرگرد جعفر سلطانی، سرگرد حبشی، سرگرد قاسمی، سروان دبیرنیا، سروان سخائی، ستوان سنائی، سروان غاریان، ستوان کیانی.

۱۵ دی ۱۳۱۵

هیئت اجرائیه موقت تصمیم گرفت روزنامه "مردم" بجای روزنامه "رهبر" بعنوان ارگان مرکزی حزب منتشر گردد.

سال ۱۳۲۶

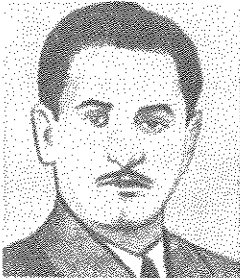
روز شهادت قهرمانان و رهبران جنبش کردستان، قاضی محمد، صدر قاضی و محمد حسین سیف قاضی. جنبش کردستان خواهان تأمین حقوق دمکراتیک خلق کرد در کنار سایر خلقهای ایران بود. جنبش کردستان در شرایطی که موج ترور سراسر کشور را فرا گرفته بود سرکوب و رهبران آن بدستور شاه اعدام شدند. نام ارجمند شهید ای نهضت کردستان پیوسته الهام بخش آزاد پخواهان و میهن پرستان ایرانی خواهد بود.



قاضی محمد

۱۰ فروردین ۱۳۲۱

اول خرداد ۱۳۲۱



در این روز جلادان شاه، فریدون ابراهیمی عضو حزب تودهی ایران و یکی از رهبران جنبش دمکراتیک آذربایجان را در تبریز اراویختند.



(۱۹۳)

۱۱ تیر ۱۳۲۱

تشکیل سومین کنفرانس ایالتی تهران



د رگښت شاد روان میرجعفرپیشه وری یکی از رهبران جنبش دموکراتیک آذربایجان و حزب کمونیست ایران

امضا* قرارداد نظامی بین ایران و امریکا * این قرارداد داد یک هیئت نظامی افسران امریکائی را در امور نظامی ایران دخالت داد و تمام اسرار و اطلاعاتی را که برای اجرا* ما* موریت افسران امریکائی ضروری بود در اختیار آنها میگذارد * امضا* این قرارداد با مخالفت شدید عناصر ملی و قبل از همه حزب توده ی ایران روبرو شد *

شاد روان میرجعفر پیشه وری

گروه خلیل ملکی از حزب توده ی ایران انشعاب نمود *

اعلامیه ی گروه انشعابی خلیل ملکی و انورخامه* مبنی بر انحلال خود *

تشکیل نخستین کنگره ی سازمان جوانان توده ی ایران *

سال ۱۳۲۷

اقدام حزب برای جمع آوری نیروهای شرقی و مبارزه ی مشترک علیه دیکتاتوری * نتیجه ی این اقدام تشکیل

۲۰ تیر ۱۳۲۱

۱۳ مهر ۱۳۲۱

۱۳ دی ۱۳۲۱

۲ بهمن ۱۳۲۱

سال ۱۳۲۱

فروردین ۱۳۲۷

* جبهه مطبوعات ضد دیکتاتوری * بود که در مدت قلیلی ۴۷ روزنامه در آن عضویت یافتند *

۵ اردیبهشت ۱۳۲۷

دومین کنگره ی حزب تشکیل گردید * در کنگره ۱۱۸ نماینده از کلیه ی سازمانهای حزبی بغیر از آذربایجان و کردستان شرکت داشتند * در برنامه و اساسنامه ی حزب تغییراتی بعمل آمده که از جمله افزایش تعداد اعضا * کمیته ی مرکزی بود * کنگره ۱۹ نفر را برای عضویت اصلی و ۱۶ نفر را برای عضویت مشاور کمیته ی مرکزی انتخاب نمود *

۱ اردیبهشت ۱۳۲۷

پنجم اول کمیته مرکزی حزب بود * ی ایران *

۱ خرداد ۱۳۲۷

پنجم دوم کمیته ی مرکزی حزب بود * ی ایران *

۲۲ مهر ۱۳۲۷

پنجم سوم کمیته ی مرکزی حزب بود * ی ایران (قطعنامه های پنجمهای سه گانه در مجله ی * مسائل حزبی * نشر یافته است) *

۱۵ بهمن ۱۳۲۷

تیراندازی به شاه در صحن دانشگاه توسط ناصر فخرآرایی *

۱۶ بهمن ۱۳۲۷

حکومت دیکتاتوری شاه بیسپاسه ی " سو " قصد طبع شاه * باصد و تصویب نامه ای حزب بود * ی ایران را غیر قانونی اعلام نمود و متعاقب آن تعرض عمومی ارتجاع طبع حزب بود * ی ایران ، سازمانها و اعضا * آن آغاز گردید * عد * ای از اعضا * کمیته ی مرکزی و صد هائفر از اعضا * حزب بازداشت شدند *

۱۹ آذر ۱۳۲۷

تصویب اعلامیه ی حقوق بشر در مجمع عمومی سازمان ملل متحد *

۱۲ اسفند ۱۳۲۷

آغاز محاکمه ی ۱۴ نفر سران حزب تود * ی ایران که ۶ نفر آن عضو کمیته ی مرکزی و ۸ نفر از فعالین حزبی بودند

سال ۱۳۲۸

۱ اردیبهشت ۱۳۲۸

تشکیل مجلس مؤسسان در دوم بهمان شاه * این مجلس برخلاف قانون اساسی حق انحلال مجلسین را به شاه تصویب نمود و تغییرات دیگری به سود شاه در قانون اساسی بعمل آورد.

تیرماه ۱۳۲۸

امضا قرارداد معرفی * گس - گلشائیان * این قرارداد مکمل قرارداد اد نفث ۱۹۳۳ بود.

۱۰ امهر ۱۳۲۸

انتشار دومین دوره ی روزنامه ی مردم پس از غیرقانونی شناخته شدن حزب در بهمن ۱۳۲۷ - انتشار روزنامه * مردم * واقعه ای بود که در سراسر کشور طنین انداخت * خیرانتشار روزنامه ی مخفی * مردم * تقریباً در تمام جرات مرکز درج گردید.

دی ۱۳۲۸

امضا * قرارداد ایران و امریکا درباره ی باصطلاح "کک متقابل بمنظور دفاع" *

۱۵ بهمن ۱۳۲۸

نخستین شماره ی * رزم * ارکان کمیته ی مرکزی سازمان جوانان تود * ی ایران در دوران مبارزه ی مخفی پس از ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ انتشار یافت.

سال ۱۳۲۹

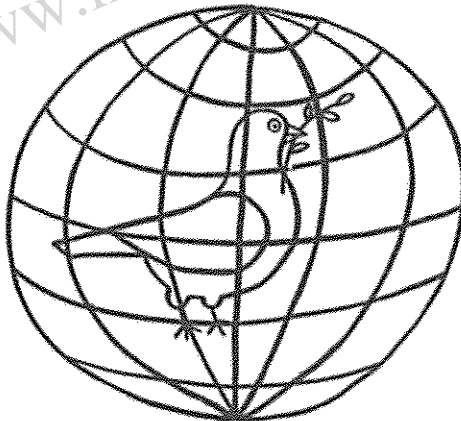
۱۳۲۹ اردیبهشت

اعتصاب کارگران کارخانه ی نساجی شاهی * این نخستین اعتصاب پس از بهمن ۱۳۲۷ بود * اعتصاب از طرف دولت غیرقانونی اعلام شد و به زد و خورد با نیروهای انتظامی انجامید * پنج نفر از کارگران بدست مأموران فرمانداری نظامی به قتل رسیدند *

۱۳۲۹ اردیبهشت

اعتصاب دانشجویان دانشکده ی پزشکی دانشگاه تهران - سایر دانشکده ها هائیز برای همبستگی با اعتصاب کنندگان اعتصاب نمودند *

تشکیل جمعیت ایرانی هواداران صلح - در رایش این جمعیت ملك الشعراء بهار شاعر و ادیب و سیاستمدار معروف ایران قرار داشت * وی با وجود بیماری تالپا یان عمر مجدانه از امر صلح دفاع نمود * جمعیت ایرانی هواداران صلح از پشتیبانی همعی سازمانهای دمکراتیک و مترقی و در رایش آنان حزب توده * ی ایران برخوردار بود *



۱۳۲۹ اردیبهشت

۱۳۲۹ آذر

فرار اعضا * کمیته ی مرکزی حزب توده * ی ایران و رفیق خسرو روزبه از زندان قصر *

آذر ۱۳۲۹

نمایش دانشجویان و انتشار اعلامیه ای از طرف سازمانهای دانشجویی در تهران مبنی بر تقاضای خروج استعمارگران انگلیس از ایران *

دی ۱۳۲۹

تشکیل "جمعیت ملی مبارزه با شرکت استعماری نفت جنوب" * در کنگره ای اول این جمعیت که در آخردی - بهشت سال ۱۳۳۰ تشکیل شد نام آن به "جمعیت ملی مبارزه با استعمار" تبدیل گردید * این جمعیت روزنامه ای "شهباز" را ارگان مرکزی خود قرار داد * "جمعیت ملی مبارزه با استعمار" از پشتیبانی همسازانها در مکزیک و مرفی و درراس آنان حزب توده ای ایران برخوردار بود *

۱۷ بهمن ۱۳۲۹

نخستین میتینگ "جمعیت ملی مبارزه با استعمار" با شرکت دهها هزار نفر در تهران تشکیل شد *

۱۴ اسفند ۱۳۲۹

امضا * قرارداد دو جانبه ای ایران و امریکا *

اسفند ۱۳۲۹

رزم آرا * بدست خلیل طهماسبی قتل رسید *

۲۹ اسفند ۱۳۲۹

تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت *

۲۹ اسفند ۱۳۲۹

اعتصاب ۸۰۰۰ کارگر بندر معشور برای جلوگیری از کاهش دستمزدها *

سال ۱۳۳۰

فروردین ۱۳۳۰

تشکیل "کانون جوانان دمیکرات ایران"

فروردین ۱۳۳۰

انتشار نخستین شماره روزنامه "ظفر" مخفی ارگان شورای متحده مرکزی

۹ فروردین ۱۳۳۰

صادق هدایت نویسنده و محقق دانشمند در پاریس خودکشی کرد. آثار هدایت هم در ادبیات ایران و هم در ادبیات جهان جای پرچشمه ای دارد.

۴ آفروردین ۱۳۳۰

اعتصاب ۴۰۰۰ کارکن نفت آبادان. این اعتصاب ۱۲ روز طول کشید. بسیاری از سازمانهای کارگری و دانشجویی در تهران و شهرستانها با اعتصابیون همدردی کردند. این اعتصاب در امر ملی کردن صنعت نفت نیز نمود.

۱ اردیبهشت ۱۳۳۰

ملك الشعرا* بهار شاعر و سیاستمدار معسوف
ایران و رئیس جمعیت هوا داران صلح
درگذشت. فعالیت بهار در سالهای آخر
زندگیش در جنبش صلح او را بحق مورد احترام
مردم قرار داد.

(۱۹۹)



۹ اردیبهشت ۱۳۳۰

تشکیل دولت ملی دکتر مصدق و تصویب قانون خلع ید از شرکت استعماری نفت.

۱۳۰ اردیبهشت ۱۳۳۰

تشکیل "سازمان زنان ایران" - این سازمان که از پشتیبانی همه ی سازمانهای دموکراتیک و مرفقی و در رأس آنان حزب توده ی ایران برخوردار بود در اندک مدتی توانست قشرهای مختلف زنان را در صفوف خود متشکل کند. سازمان زنان ایران بخصوص در زمینه ی تغییر قانون انتخابات و لزوم شرکت زنان در انتخابات فعالیت درخشانی کرد.

اردیبهشت ۱۳۳۰

تشکیل د مؤستراسیون صلح - این د مؤستراسیون با شرکت دهها هزار نفر از مردم تهران تشکیل شد.

۷ خرداد ۱۳۳۰

نمایش زحمتکشان ایران بر رهبری حزب توده ی ایران و جمعیت ملی مبارزه با استعمار بناسبت هیچد مین سال قرارداد اننگین ۱۹۳۳ - ایسمن نمایش در تمام شهرهای ایران با استثنای خوزستان که در آن حکومت نظامی اعلام شده بود انجام شد. در تهران ۱۰۰۰۰ نفر شرکت کردند.

۲۹ خرداد ۱۳۳۰

تصمیم به خلع ید از شرکت غاصب نفت از طرف جلسه ی مشترک هیئت دولت و کمیسیون مختلط نفت.

۷ تیر ۱۳۳۰

میتینگ عظیم ضد استعماری مردم تهران به پشتیبانی از مبارزه علیه شرکت غاصب نفت.

۱۲ تیر ۱۳۳۰

هریمن مشاور مخصوص ترومن رئیس جمهور آمریکا برای با اصطلاح حل مسئله ی نفت به ایران آمد. جمعیت

ملی مبارزه با استعمار به مناسبت پنجمین سال فاجعه ی ۲۳ تیر ۱۳۲۵ و برای اعتراض به ورود هریمین دلال نفت نمایش عظیمی ترتیب داد. نیروهای انتظامی به تظاهرات مسالمت آمیز مردم حمله بردند و تظاهرات بخون کشیده شد. عده ی زیادی مقتول و مجروح شدند.

۱۴ آذر ۱۳۳۰

تظاهرات وسیع دانشجویان و دانش آموزان که منجر به قتل عده ای از دانشجویان وسیله ی نیروهای انتظامی و اقدامات غارتگرانه و تخریبی اوپاش درباری بسرکردگی شعبان جعفری گردید.

۱۸ دی ۱۳۳۰

تمدید قرارداد نظامی ایران و امریکا *

۲۶ دی ۱۳۳۰

امضا قرارداد ادباصطلاح * کمک * فنی بین ایران و امریکا * بموجب این قرارداد بازارهای ایران در اختیار دولت امریکا قرار گرفت.

۱۵ اسفند ۱۳۳۰

تشکیل کنفرانس * جمعیت ایرانی حمایت کودک * این جمعیت از پشتیبانی همعی سازمانهای دموکراتیک^۲ متری و در رأس آنان حزب توده ی ایران برخوردار بود.

سال ۱۳۳۰

تشکیل فستیوال ملی جوانان و دانشجویان *

سال ۱۳۳۱

۸ فروردین ۱۳۳۱

در این روز تظاهراتی از طرف * کانون جوانان دموکرات * انجام گرفت که منجر به کشته شدن ۸ نفر از جوانان (۲۰۱)

گردید (*)

۷ خرداد ۱۳۳۱

اجرا* قانون خلعید بدست حکومت ملی دکترمصد قی *

۱۲ خرداد ۱۳۳۱

تشکیل نخستین "کنگره ملی صلح" درتهبران * ازسراسرکشور دراین کنگره شرکت جستند *

۹ تیر ۱۳۳۱

اعتصاب غذای زندانیان سیاسی شیراز - این اعتصاب ۱۳ روز بطول کشید * هدف اعتصاب اعتراض به دخالت دولت درانتخابات فارسی بود *

۲۶ تیر ۱۳۳۱

استعفای دکترمصد قی بمنظوراعتراض به عدم موافقت شاه باواگذاری تصدی وزارت جنگ *

۲۷ تیر ۱۳۳۱

صدورفرمان نخست وزیری قوام ازجانب شاه *

۲۸ تیر ۱۳۳۱

انتشار اعلامیه ی "جمعیت مبارزه بااستعمار" درمخالفت باحکومت قوام *

۳۰ تیر ۱۳۳۱

دراین روز مردم ضد استعمارایران قطع نظر از اختلافات مسلکی، بقصد واژگون کردن دولت قوام و طبعاً مداخلات غیرقانونی شاه دوشر بدوش هم بمیدان آمدند. کشتاری که درهمه جا منجمله درتهبران از مردماز

(*) تنها از میان شهیدانام رفیق شهید قازار سرکسیان برای ماروشن است * ازخوانندگان گرامی تقاضا داریم نام ۷ نفر شهید دیگر را برای ما بفرستند *
(۲۰۲)

جان گذشته شد از صفحات سیاه تاریخ سلطنت محمد رضا شاه است اما شرکت متحد و مشترک تمام محافل ضد استعماری و ملی در این نبرد و پیوستن عده ای از افسران آزاد پخواه به مردم ، شاه راناکز بر به عقب نشینی نمود . دولت قوام السلطنه سقوط کرد و دکتر مصدق مجددا بر سر کار آمد .

۳۰ مرداد ۱۳۳۱

تصویب لایحه ی اختیارات دکتر مصدق در مجلس سنا .

۲۴ مهر ۱۳۳۱

دولت دکتر مصدق با انگلستان قطع رابطه ی سیاسی نمود .

۴ آبان ۱۳۳۱

در این روز ، جشن تولد شاه در امجدیه به صحنه ی نبرد بین مردم و نیروهای انتظامی مبدل شد . از کنار جایگاه شاه و در سراسر میدان فریاد " مرگ بر شاه " بگوش میرسید . صد ها نفر در این جریان مجروح و کشته شدند . این تظاهرات از جانب حزب توده ی ایران سازمان داده شده بود .

۱۹ اسفند ۱۳۳۱

توطئه ی شاه و مرتجعین داخلی و امپریالیستهای دکتر مصدق - این توطئه به طاعت هشجاری حزب توده ایران و اعلام آن شکست خورد .

سال ۱۳۳۲

اردیبهشت ۱۳۳۲

اولین کنگره ی ملی زنان ایران به ابتکار سازمان زنان در تهران تشکیل شد . در این کنگره قریب ۱۰۰۰ نفر (۲۰۳)

از سراسر کشور شرکت کردند. در این کنگره قطعنامه ای بتصویب رسید که مهمترین بخش آن تصریح لزوم تأمین حق انتخاب کردن و انتخاب شدن برای زنان بود.

۲۹ خرداد ۱۳۳۲

میتینگ بزرگی در بابل برای اعتراض به دخالت شاه و دربار در امور کشور برگزار شد. در این جریان عددهای مقتول و مجروح شدند.

۶ تیر ۱۳۳۲

بیست هزار نفر کارگران کوره پزخانه های تهران دست به اعتصاب زدند. خواست کارگران ۲۵ درصد اضافه دستمزد و اجرای لایحه ی بیمه های اجتماعی بود. این اعتصاب ۱۰ روز طول کشید و با پیروزی کارگران پایان رسید.

۱۹ تیر ۱۳۳۲

تشکیل "فستیوال ملی جوانان ایران" - در این فستیوال هزاره نامیاند و جوانان سراسر کشور شرکت کردند.

۱۲ مرداد ۱۳۳۲

در این روز رفراندوم دولت دکتر مصدق بمنظور انحلال مجلسی که نمایندگان مرتجع و طرفدار امپریالیسم در آن کمین کرده بودند در تهران انجام شد. در این رفراندوم حزب توده ی ایران فعالانه شرکت جست و دهها هزار نفر از مردم تهران را در این امر بسیج نمود. این رفراندوم از سه پاره ترین اقدامات دکتر مصدق طی سه اختیارات نامحدود شاه و ضربه ی بزرگی بر قدرت وی بود که انحلال مجلس را حق خود میدانست.

۱۹ مرداد ۱۳۳۲

در این روز میلیونها نفر از مردم شهرستانها در رفراندوم دکتر مصدق شرکت کردند و به انحلال مجلس رأی دادند.

۲۲ مرداد ۱۳۳۲

صد و فرمان نخست وزیری زاهدی و عزل دکتر مصدق از طرف شاه.

۲۵ مرداد ۱۳۳۲

کودتای ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ علیه دولت ملی دکتر مصدق باشکست روبرو شد. نمایندگی شاه (سرهنک نظیر) که ما مورابلاغ عزل نخست وزیر قانونی بود توقیف گردید. شاه که توطئه اش آشکار شد بود از بیم مردم سراسیمه از کشور گریخت.

۲۸ مرداد ۱۳۳۲

در این تاریخ مرتجعترین محافل حاکمهی ایران بسرکردگی شاه با پشتیبانی امپریالیسم آمریکا و انگلیس علیه نهضت ملی ایران دست به توطئه زدند. کودتای تحت نظر آلن دالس رئیس سازمان جاسوسی آمریکا انجام شد. نقش اساسی را در این توطئه هندرسن سفیر آمریکا برعهده داشت و شاه و زاهدی عوامل پست اجرایی آن بودند. این کودتای نتیجه ی بند و بست قبلی شرکت های نفتی آمریکا و انگلیس بود. متأسفانه مجلس است برآکنده کی نیروهای ملی کودتاگران توفیق یافته، حکومت قانونی دکتر مصدق سقوط نمود و نهضت ملی ایران سرکوب شد.

۱۱ مهر ۱۳۳۲

برای نخستین بار پس از کودتا بازار بود انشگاه بایک احتصاب هم آهنگ متفق تظاهرات ضد کودتاگران را آغاز کردند. تظاهرات و میتینگ های موضعی که در بعضی از آنها بیش از ۱۰۰۰ نفر شرکت کردند در نقاط مختلف تهران برگزار شد. تمام دکا کین بازار و قسمتی از مغازه های سایر نقاط شهر تعطیل شد و صد ها هزار تیراکت به پشتیبانی از مصدق و علیه شاه خائن و دولت زاهدی پخش گردید. در این تظاهرات همه ی نیروهای ملی و در رأس آنان حزب تودگی ایران و جبهه ی ملی شرکت داشتند. نیروهای انتظامی به تظاهرکنندگان حمله بردند. عده ی زیادی مجروح و چند نفر مقتول شدند.

۲۰ مهر ۱۳۳۲

اعضا قرار داد با آمریکا به موجب آن دولت ایالات متحد هی آمریکا از پرداخت حقوقی که در عوارض و مالیات در مورد کالاهایی که با اصطلاح برای شعب خود در ایران وارد میکند معاف گردید. است.

۱۷ آبان ۱۳۳۲

آغاز محاکمه ی آقای دکتر محمد مصدق در دادگاه نظامی.

۱۶ آذر ۱۳۲۲



قندچی



شریعت رضوی



بزرگ نیا

پس از کودتای خائنانه ۲۸ مرداد، شاه گروه‌های مسلح خود را بدانشگاه فرستاد. دانشجویان میخواستند دانشگاه از نیروهای مسلح تخلیه شود. روز ۱۱ آذر روزتظاهرات دانشجویان طایفه این تجاوز مسلحانه بود. اما شاه بتقاضای منطقی دانشجویان باکلوله پاسخ گفت. دانشجویان را در کلاسهای درس کلوله میکنند. در نتیجه سه نفر از دانشجویان انشکند. فنی - بزرگ نیا، شریعت رضوی و قندچی مشاهدات رسیدند. خاطره‌ی این دانشجویان که اعضا حزب بود. ایران و جبهه ملی بودند پیوسته گرامیست.

۱۲ اسفند ۱۳۲۲

شهادت کریم پور شیرازی مدبر روزنامه‌ی "شورش" و از مبارزان نهضت ملی ایران. وی پس از کودتا توسط نظامیان شاه دستگیر و در زندان سوزانده شد.

سال ۱۳۳۳

۱۲ اردیبهشت ۱۳۳۳

کوکچک شوشتری عضو سازمان جوانان حزب توده. ی ایران که باتفاق وارطان سالخانیان دستگیر شده بود، در شکنجه گاه سازمان امنیت بقتل رسید.

۱۸ اردیبهشت ۱۳۳۳

رفیق وارطان سالخانیان عضو سابقه‌ی حزب توده. ی ایران بر اثر شکنجه‌های وحشیانه ی سازمان امنیت به بیمارستان انتقال یافت و در بیمارستان درگذشت. ما مومنین سازمان امنیت با شرکت مستقیم زبانی برای اختفای جنایت خود جنازه ی وارطان را به رودخانه ی جاجرود انداختند. اما چند روز بعد جنازه ی وارطان کشف شد و پاره از این جنایت وحشیانه برگرفته شد.

۲۲ اردیبهشت ۱۳۳۳

حکومت شاه و زاهدی بزند ان رشت پورش بردند. در این جریان پنج نفر زندانی بنام محمد تقی احمد ام

دوست ، طی بلندی ، هرمز نیک راه ، سبزی محمد پور ، محمد تقی محبوب کار بیقتل رسیدند و عدّه ای دیگر مجروح شدند .

۶ خرداد ۱۳۳۳

انقلاب کلیه ی زندانیان سیاسی زندانیهای تهران بعنوان اعتراض به کشتار پنج نفر از زندانیان سیاسی رشت و قتل وارطان سالخانیان و کوچک شوشتری .

۲۹ خرداد ۱۳۳۳

این روز را مردم تهران بمناسبت سومین سال خلع یدید عوت حزب ما و " نهضت مقاومت ملی " به روز تظاهراتیه رژیم شاه - زاهدی و تظاهرات اراده ی خودیه حفظ پیروزیهای گذشته تبدیل کردند . در نقاط مختلف تهران با وجود اشغال پلیس تظاهرات پرشوری طیه کنسرسیوم و کودتاجیان از طرف مردم انجام گرفت .

۲۸ شهریور ۱۳۳۳

امضا قرارداد اد نفت با کنسرسیوم توسط دکتر امینی وزیر دارائی کابینه ی زاهدی .

مرداد سال ۱۳۳۳

کشف سازمان افسری حزب توده ی ایران .

۲۷ مهر ۱۳۳۳

در این تاریخ نخستین گروه از افسران عضو حزب توده ی ایران همراه با یکه شاعر جوان ، بهرمان شاه جلاد تیرباران شدند . رفقای شهید عبارت بودند از :

۱- سرهنگ سیامک ۲- سرهنگ میشی ۳- سرهنگ عزیزی ۴- سرگرد عطار ۵- سرگرد دکتروزیریان
۶- سروان مدنی ۷- سروان واعظ قائمی ۸- سروان شفا ۹- ستوان افراخته ۱۰- مرتضی کیوان .

۷ آبان ۱۳۳۳

تصویب قرارداد اد با کنسرسیوم نفت ، رژیم کودتای امضا* این قرارداد خیانت عظیمی به مصالح ملی خلقهای ایران نمود .

۸ آبان ۱۳۳۳

گروه دوم افسران عضو حزب توده ی ایران مرکب از رفقاً :
۱- سرگرد بهنیا ۲- سروان بیانی ۳- سروان گلالی ۴- سرگرد مجیبی ۵- سروان کلهری ۶- سروان
مهدیان تیرباران شدند.

۱۷ آبان ۱۳۳۳

گروه سوم افسران عضو حزب توده ی ایران مرکب از رفقاً :
۱- سرهنگ ۲ کاظم جمشیدی ۲- سرهنگ ۲ امیر افشاربکشلو ۳- سرهنگ محمد جلالی ۴- سرگرد
جعفرکیلی ۵- ستوان یکم محمدباقر واله بدست دژخیمان شاه تیرباران شدند.





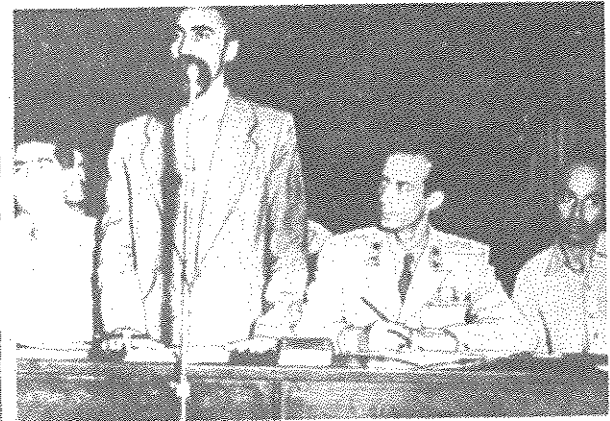
۱۹ آبان ۱۳۳۳

شهادت دکتر حسین فاطمی وزیر امور خارجه ی دولت آقای دکتر مصدق *

سال ۱۳۳۴

۲۶ مرداد ۱۳۳۴

۶ نفر از افسران عضو حزب توده ی ایران رفقا : ۱- سرگرد هوشی رحیم بهزاد ۲- سرگرد هوشی ارسلو پروشیا (مهم‌تر)



۳- سروان هوائی اسمعیل محقق زاد - ۴- ستوان یکم هوائی منوچهرمختاری - ۵- ستوان یکم هوائی حسین مرزوان - ۶- ستوان ۳ هوائی اسداله نصیری بفرمان شاه جنایتکار تیرباران شدند.

آذر ۱۳۳۴

تصویب قانون جلب و حمایت از سرمایه های خارجی *

۱۹ مهر ۱۳۳۴

اعلام پیوستن ایران به پیمان بغداد از طرف دولت علا *

دی ۱۳۳۴

اعدام رهبران جمعیت فدائیان اسلام *

۱۵ بهمن ۱۳۳۴

ستوان منزوی عضو سازمان افسران حزب توده «ی ایران» در جریان خروج از ایران در بیروت دستگیر و به ایران عودت داد شد. وی پراثر شکنجه در زندان بقتل رسید.

۴ اسفند ۱۳۳۴

شرکت ایران در پیمان بغداد بتصویب مجلس ایران رسید.

سال ۱۳۳۵

۴ اردیبهشت ۱۳۳۵

فد راسیون بین المللی جوانان در مکررات این روز را روز مبارزه ی جوانان جهان علیه استعمار و در راه صلح (۱۳۱۱)

تعمین نمود*

سال ۱۳۲۶

۱۳۲۶ اول خرداد

کمیسیون دادگستری مجلس، حزب ایران را بعلت همکاری و ائتلاف با حزب تود* ی ایران در سال ۱۳۲۵، غیرقانونی اعلام نمود*

۱۳۲۶ تا ۲۶ تیر

پنجم چهارم وسیع کمیته ی مرکزی - این پنجم حوادث زندگی هشت ساله ی حزب را مورد بررسی قرار داد و یک سلسله قطعنامه های انتقادی و تحلیلی مهم بتمویب رساند و هیئت اجراییه ی جدیدی انتخاب کرد*

۱۳۲۶ ۱۵ تیر

رفیق خسرو روزبه پس از نبود یکساعته با اماماموران مسلح شاه دستگیر شد*

۱۳۲۶ ۱۶ مرداد

جلسه ی مشورتی نمایندگان حزب تود* ی ایران بانمایندگان فرقه ی دموکرات آذربایجان*

۱۳۲۶ تا ۱۰ دی

تشکیل کنفرانس همبستگی ملل آسیا و آفریقا در شهر قاهره *

۱۳۲۶ آذر

رادیو پیک ایران شروع بکار کرد*

۱۷ بهمن ۱۳۳۶

انتشار نخستین شماره ی روزنامه ی "صبح امید"

۱۷ اسفند ۱۳۳۶

تشکیل پنجم پنجم کمیته ی مرکزی حزب تود * ی ایران *

سال ۱۳۳۶

ابوالقاسم لاهوتی شاعر تود * ای ایران در رسن هفتاد سالگی در مسکو درگذشت *

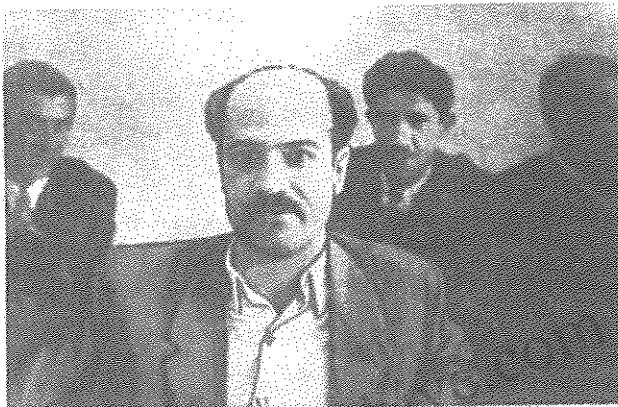
سال ۱۳۳۷

۲۳ فروردین ۱۳۳۷

۱۲۰۰۰ تاکسی ران تهران دست به اعتصاب زدند * این اعتصاب عظیم در شمار نخستین تظاهرات عظیمه رژیم کودتایید و بر ثبات و آرامش ادعائی رژیم ضربت شدید وارد آورد *

۲ اردیبهشت ۱۳۳۷

رفقا آرسن آوانسیان و هوشنگ رضوانی اعضا * حزب تود * ی ایران تیرباران شدند *



۱۳ اردیبهشت ۱۳۳۷

قهرمان ملی ایران رابیع خسرو روزبه عضو کمیته مرکزی حزب تود * ی ایران بفرمان شاه تیر باران شد * مرگ دلیرانه ی او ، عشق به پیکار و پایداری را در مردم فزونی بخشید *

۱۳ مهر ۱۳۳۷

اعتصاب کارگران بندر شاهپور برای اضافه دستمزد * این اعتصاب تا ۲۳ مهر طول کشید و با موفقیت پایان یافت * کارگران موفق شدند روزانه ۲۰ ریال اضافه دستمزد دریافت دارند *

۲ دی ۱۳۳۷

پرتاب نخستین موشک کیهان پیم از طرف دانشمندان شوروی *

۱۷ اسفند ۱۳۳۷

دولت اقبال قرارداد نظامی دو جانبه با آمریکا را امضا کرد * این قرارداد در تحقیقت برای حفظ رژیم شاه در

قبال جنبش روز افزون مردم به امضا رسید.

سال ۱۳۳۸

۱۳۳۸ فروردین

خروج عراق از پیمان بغداد - آزان پس این پیمان ، پیمان سنتو یعنی " سازمان پیمان مرکزی " نام گرفت .

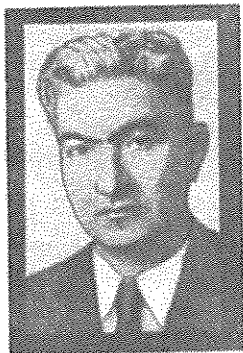
۱۳۳۸ فروردین

انتشار نخستین شماره ی دوره ی پنجم روزنامه ی " مردم " ارگان مرکزی حزب تود ه ی ایران پس از چهار سال که زبان حزب ما بحالت بازداشتها ، شکنجه ها و تیرباران عد ه ای از فعالین حزب خاموش مانده بود .

۲۸ فروردین ۱۳۳۸

تشکیل کنفرانس باند و ننگ - د ر این کنفرانس که با شرکت کشورهای آسیای و افریقائی تشکیل شد پنج اصل زیر مبنای مناسبات بین دول شرکت کنند ه قرار گرفت :

- ۱- احترام متقابل به تمامیت ارضی و حاکمیت یکدیگر ،
- ۲- عدم تعرض و تجاوز ،
- ۳- عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر ،
- ۴- مراعات تساوی حقوق متقابل ،
- ۵- همزیستی مسالمت آمیز .

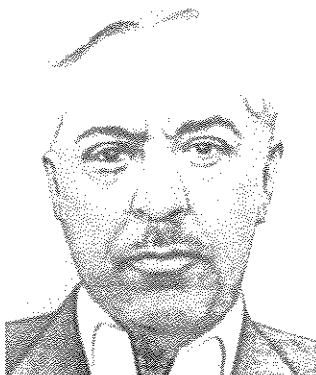


* شاعر یکتا جوی توده ای *

خانه های تهران برای تأمین و اجرای بیمه های اجتماعی دست به اعتصاب همگانی
برین انتظامی و نیروهای امدادی شهرستانی و سازمان امنیت برای سرکوب آنان وارد
تهران کشتار بیرحمانه ای نمودند. پنجاه نفر کشته و صد و بیست و نه نفر زخمی شدند.

بیمان مرکزی * نام گرفت.

* ی ایران پس از چهار
ن حزب : * موش مانسد *



۲۵ خرداد ۱۳۲۸

اعدام رفیق طوی عضو هیئت اجرائیه ی کمیته ی مرکزی حزب توده ی ایران *

۱۲۲-۱۷ شهریور ۱۳۳۸

پنجم ششم کمیته ی مرکزی حزب توده ی ایران *

۱۵ آبان ۱۳۳۸

اعتصاب کارگران کارخانه ی شهباز - زنان کارگر تقاضای اضافه دستمزد و سایر کارگران خواهان اجرای قانون کار بودند * عد * ای از کارگران اخراج و عد * ای تبعید شدند *

۲۰ آدی ۱۳۳۸

دانش آموزان تهران دست به اعتصاب زدند * مرد ۳ تهران به علامت همدردی گروه گروه به تظاهرات کردند *

۱۰ اسفند ۱۳۳۸

تصویب موافقتنامه ی تأسیس بانک توسعه ی صنعتی و معدنی ایران بعنوان پایگاه مهم اقتصاد آمریکا ^{لیسم} امریکاد رایران *



سال ۱۳۳۹

۱۳ فروردین ۱۳۳۹

دومین کنفرانس همبستگی ملل آسیا و آفریقا در کناکری تشکیل شد *

۲ اردیبهشت ۱۳۳۹

۹۰ سالگی تولد نین پیشوای داهی زحمتکشان جهان



ایوب گلانداری

اعدام پنج تن از رفقای مبارز ماز رتیریز (رفقا گلانداری، فروغی، زهتاب، جهانیان، عظیم زاد) *

در آوریل ۱۹۶۰ نمایندگان سازمانهای دانشجویی در اروپای غربی "کنفدراسیون دانشجویان ایران در اروپا" را تشکیل دادند. در ۱۹۶۰ دانشجویان مشرقی اسرائیل در ایالات متحد و آمریکا نیز موفق شدند سازمان دانشجویان ایرانی در آمریکا را بیک سازمان ملی و مستقل دانشجویان ایرانی بدل کنند. در ژانویه ۱۹۶۳ تشکیل "کنفدراسیون جهانی" حاصلین و دانشجویان ایرانی رسمیت و قطعیت یافت.

۱۴ اردیبهشت ۱۳۳۹

۱۳۳۹ اردیبهشت

۱۳۳۹ خرداد

برگزاری چهارمین سالگرد تأسیس حزب کمونیست ایران - احزاب برادر یابین مناسبت نامه های تهنیت به کمیته مرکزی حزب توده ی ایران ارسال داشتند.

۳۰ تیر تا ۷ مرداد ۱۳۳۹

تشکیل پنجم هفتم وسیع *

۱۰ - ۱۱ مرداد ۱۳۳۹

تشکیل کنفرانس وحدت حزب توده ی ایران و فرقه ی دمکرات آذربایجان * این کنفرانس طرح آئین نامه و برنامه ی حزب را تصویب نمود.

۱۱ مرداد ۱۳۳۹

تشکیل پنجم هشتم (اول) کمیته مرکزی (پس از وحدت) *

۱۴ بهمن ۱۳۳۹

"پاتریس لوموبا" نخست
وزیر قانونی کنگو پسند ست
مزدوران امپریالیسم بقتل
رسید. وی مظهر پایداری
دلاورانه ی مردم آفریقا در
برابرا امپریالیسم است.

سال ۱۳۴۰

۱ فروردین ۱۳۴۰

اعتصاب کارگران کارخانه ی
"نختاب" و "شهنساز"
اصفهان. اعتصاب کنندگان
خواهان اضافه دستمزد
بودند و به اخراج رفقهای
کارگر خود اعتراض داشتند.

۲۲ فروردین ۱۳۴۰

بوری گاکارین "کیهان"
نورد شوروی برای نخستین بار
با سفینه ی کیهانی "وستک"
زمین را دورزد.



اتحاد شوروی بدین مناسبت پیامی خطاب به مردم جهان منتشر نمود که در آن گفته می‌شود :

* ما این پیروزی را در خدمت تمام خلقها، در خدمت ترقی، خوشبختی و رفاه مردم جهان میگذاریم. ما موفقیتها و اکتشافات خود را خدمتگزار جنگ نمیکنیم، بلکه در راه صلح و امنیت خلقها بکار میبریم.*

۱۲ اردیبهشت ۱۳۴۰

تظاهرات فرهنگیان در برابر مجلس - ۱۲۰۰۰ نفر آموزگاران دبیران تظاهرات شرکت نمودند. دکتر خانعلی دبیر دبیرستانهای تهران بدست ما موران شاه بقتل رسید. این تظاهرات موجب سقوط دولت دکتر شریف امامی گردید.

۱۴ اردیبهشت ۱۳۴۰

اتحساب کارگران نفت مسجد سلیمان *

۱۹ اردیبهشت ۱۳۴۰

اعتراض مردم به انتخابات تقلبی، شاه را مجبور کرد که مجلس بیستم و نیز مجلس سنار منحل اعلام نماید.

۱۳ خرداد ۱۳۴۰

اتحساب کارگران چهار کارخانه ی سماجی اصفهان - کارگران پرداخت حقوق معوقه ی خود را طلب میکردند

۳۰ تیر ۱۳۴۰

دولت امینی تظاهرات مردم را بمناسبت روز تاریخی ۳۰ تیر به گلوله بست، کلوب جبهه ی ملی در تهران اشغال شد و صد ها نفر از مردم پیکارچو و عده ای از سران جبهه ی ملی دستگیر شدند.

۱۹ تا ۲۵ شهریور ۱۳۴۰

تشکیل پنجم نهم (دوم) کمیته ی مرکزی حزب توده ی ایران *

۲۵ مهر ۱۳۴۰

بیست و دومین کنگره ی حزب کمونیست اتحاد شوروی تشکیل شد *

دی ۱۳۴۰

تظاهرات ۳۰۰۰ نفر از بیکاران بند رمعشور *

۲۰ دی ۱۳۴۰

اعتصاب کارگران کارخانه ی حیربافی اصفهان *

اول بهمن ۱۳۴۰

توطئه ی هجوم به دانشگاه — کماندوهای شاه چون ارتش مهاجم به دانشگاه حمله بردند و دانشجویان را مورد حمله و تعرض وحشیانه قرار دادند. در این جریان ده ی زیادی از دانشجویان پسر و دختر شدا پیدا مجروح شدند *

۲ بهمن ۱۳۴۰

قتل مهدی کلهر دانش آموز دبیرستان علمیه در جریان تظاهراتی که از طرف دانشجویان و دانش آموزان طیه پورش به دانشگاه انجام گرفت *

سال ۱۳۴۱

۲۹ فروردین ۱۳۴۱

پلنوم دهم کمیته ی مرکزی حزب توده ی ایران *

۱۸ مرداد ۱۳۴۱

امضا موافقتنامه ی بازرگانی ایران و شوروی — طلبیه ی بهبود روابط ایران و شوروی *

۲۴ شهریور ۱۳۴۱

انتشار یادداشت‌های متبادله بین ایران و شوروی - بموجب این یادداشت‌ها دولت ایران اطمینان داد که اجازه‌ی احداث پایگاه موشکی در ایران به هیچ کشوری نخواهد داد.

۳۰ بهمن ۱۳۴۱

حسین خیرخواه هنرپیشه‌ی ایرانی در شهر برلین درگذشت. وی یکی از قدیمیترین اعضای حزب توده‌ی ایران بود.

اسفند ۱۳۴۱

بیانیه‌ی کمیته‌ی مرکزی حزب توده‌ی ایران درباره‌ی موضع بین‌المللی حزب انتشار یافت.

سال ۱۳۴۲

۱۳ فروردین ۱۳۴۲

حمله‌ی ماموران شاه به مدرسه‌ی فیضیه‌ی قم - در این روز کماندهای شاه بفرماندهی سرهنگ مولسوی رئیس سازمان امنیت تهران بالباس شخصی به مدرسه‌ی فیضیه‌ی قم حمله بردند و بانکد ماموران انتظامی بجان مردم و طلاب افتادند.

۱۹ فروردین ۱۳۴۲

در این روز ۱ نفر از زندانیان سیاسی قزل‌قلعه که بتوقیف غیرقانونی خود اعتراض داشتند اعدام شدند.

۲۵ اردیبهشت ۱۳۴۲

این روز، روز آفریقا اعلام شد.

۱۵ خرداد ۱۳۴۲

بزرگترین تظاهرات ضد رژیم در سالهای پس از کودتا از طرف هزاران نفر از مردم تهران، قم و برخی نقاط دیگر برگزار شد. اپوزیسیون راست در برابر انداختن این تظاهرات ابتدا مخالفت داشت و کوشید از این جریان بسود خود استفاده کند. تظاهرات مردم از طرف نظامیان شاه وحشیانه بخون کشید. شد. قریب ۲۰۰۰ نفر در این تظاهرات بقتل رسیدند.

۱۱ آبان ۱۳۴۲

تیرباران دو نفر از متهمین واقعه ی ۱۵ خرداد. محاکمه ی متهمین واقعه ی ۱۵ خرداد در تاریخ ۱۳ مرداد همین سال در دادگاه نظامی آغاز شد.

۲۵ آبان ۱۳۴۲

مسافرت رفیق لئونید برزنتف صد رشورای عالی اتحاد جماهیر شوروی به ایران.

۲۵ آبان ۱۳۴۲

اعتصاب کارگران کارخانه ریسندهی و بافندگی زاینده رود اصفهان. کارگران کارخانه را اشغال نمودند و از خروج کالا از کارخانه جلوگیری نمودند. آنها تقاضای پرداخت حقوق معوقه ی خود را داشتند.

سال ۱۳۴۳

۲۲ تیر ۱۳۴۳

رفیق ستوان قباد یکی از افسران عضو حزب تود* ی ایران بدست دروغیان شاه تیرباران شد. ستوان قباد (۲۲۳)

بنیاد اطمینانهای مکرر سفارت ایران و بیعت باور باین اطمینانهای محیلانه از مهاجرت بایران رفت و چون پس از مراجعت نخواست الت دست رژیم شاه قرار گیرد در ادگاه نظامی محاکمه و به شهادت رسید.



اختصاب کارگران کارخانهی صنایع پشم اصفهان - کارگران خواهان پرداخت ۲۰٪ سود بودند.

۱۱ خرداد ۱۳۴۳

"والنتینا ترشکوا" نخستین زن کیهان نورد جهان در عرصهی کیهان سپرواز آمد.

۲۶ خرداد ۱۳۴۳

۴ آبان ۱۳۴۳

تصویب قانون اعطاء مصونیت سیاسی به مستشاران امریکائی که در حقیقت یک نوع احیا کاپیتولاسیون است.

۱۳ آبان ۱۳۴۳

تعمید آیت اله خینی از ایران بمناسبت مبارزه علیه کاپیتولاسیون.

اول بهمن ۱۳۴۳

منصور نخست وزیر شاه هنگامیکه به مجلس شورامیرفت مورد اصابت گلولهی محمد بخارائی قرار گرفت و مقتول شد.

سال ۱۳۴۴

۲۱ فروردین ۱۳۴۴

یکی از افراد گارد سلطنتی بنام رشاد شمس آبادی در کاخ مرمر بموسی شاه تیراندازی نمود. این نمونه ی دیگری از طغیان خشم مردم علیه رژیم شاه بود.

۲۶ خرداد ۱۳۴۴

اندام ۴ تن از مشهین قتل نخست وزیر منصور *

تیر ۱۳۴۴

تشکیل جبهه ی ملی سوم *

۱۴ مرداد ۱۳۴۴

۶۰ سالگی انقلاب مشروطیت ایران *

۱۴ مهر ۱۳۴۴

آغاز محاکمه ۱۴ نفر مشهین حادثه ی کاخ مرمر *

۲۹ مهر تا ۲ آبان ۱۳۴۴

برگزاری یادبود سی امین سالگشت کنگره هفتم کمیسرین در شهر پراگ * در این جلسه نماینده ی حزب توده ایران نیز شرکت نمود *

۳ آبان ۱۳۴۴

انتصاب غذای دانشجویان ایرانی مقیم خارج از کشور بمناسبت سد و احکام حکومت ۱۴ نفر مشهین حادثه ی کاخ مرمر *

آذر ۱۳۴۴

سد و اعلامیه از طرف کمیته ی مرکزی حزب توده ایران درباره فعالیت گروه انشعابی قاسمی، فروتن، سفدانی

۱۷ بهمن ۱۳۴۴

آغاز محاکمه ی ۵۵ نفر از اعضای حزب ملل اسلامی برهبری محمد کاظم موسوی رجشوردی *

۳۰ دی ۱۳۴۴

تشکیل پلنوم یازدهم کمیته ی مرکزی حزب توده ی ایران *

۱۳ تا ۲۵ دی ۱۳۴۴

تشکیل کنفرانس هاوانا — مظهرهه بستگی مبارزان ضد استعمار آسیا، افریقا و امریکای لاتین *

اول اسفند ۱۳۴۴

امضا * موافقتنامه با امریکاهه بموجب آن صدور "مازاد" محصولات کشاورزی امریکاهه ایران مجاز است *

سال ۱۳۴۴

شهادت سرهنگ حمیدی و یارانش *

سال ۱۳۴۵

۲ فروردین ۱۳۴۵

اعتصاب غذای دانشجویان ایرانی مقیم آلمان غربی برای اعتراض به احکام اعدام پرویز حکمت جو، عطسی خاوری و محمد کاظم بجنوردی *

۹ تا ۱۹ فروردین ۱۳۴۵

تشکیل کنگره ی بیست و سوم حزب کمونیست اتحاد شوروی — ۸۶ کشور در این کنگره شرکت کردند *

اول تیرماه ۱۳۴۵

صدور احکام محکومیت رفقا خاوری و حکمت جو و اتن دیگران مبارزان توده ای — رفقا خاوری و حکمت جو به

اعدام و سایرین به محکومیت زندان از ۱۸ ماه تا ۷ سال محکوم شدند. بر اثر مبارزات وسیعی که برای نجات جان رفقا حکمت جو و خاوری در سراسر جهان انجام شد، احکام اعدام آنان به حبس ابد تبدیل شد.



بهروز حکمت جو



علی خاوری

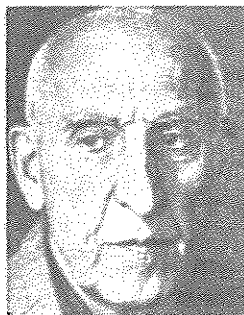
۱۷ آبان ۱۳۴۵

شهادت بهمن بهادری قشقایی در شیراز.

۱۴ اسفند ۱۳۴۵



درگذشت دکتر مصدق نخست وزیر ایران در دوران جنبش ملی کردن نفت.



۱۳۴۶

راثریوارزات وسیعی که برای نجات
بان رفقا حکمت جو و خاوری در
راسرجهان انجام شد ، احکام
نام آنان به جس ابدتید پس

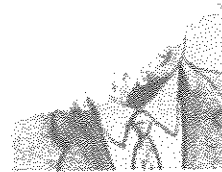
• و آصف رزم دیده ، کارگران عضو حزب توده ی ایران - این رفقا بترتیب به ۷ و
ادگاه نظامی محکوم شدند .



ملیسان و عبد اله معینی
دو نفر از شهیدان کردستان



صابر محمد زاده



آصف رزم دیده

خرداد ۱۳۴۶

یورش ارتجاع به کردستان و قتل بسیاری از رزمندگان کرد .

رژیم مطلقه شاه

شاه که تارگردان اصلی رژیم است با ستناد تفسیراتی که بد لخواه خود پس از کودتای ۲۸ مرداد در قانون اساسی وارد کرده قدرت مطلقه را در کشور مابعدی بسط داده است که در واقع کلیهی قوای دولتی در دست شخصی او متمرکز گردیده است.

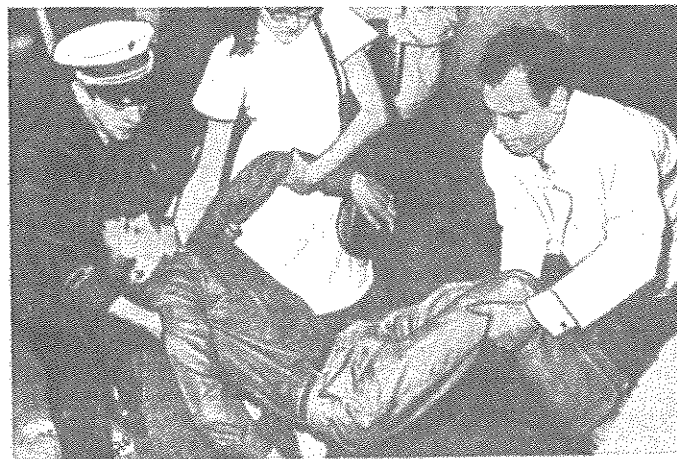
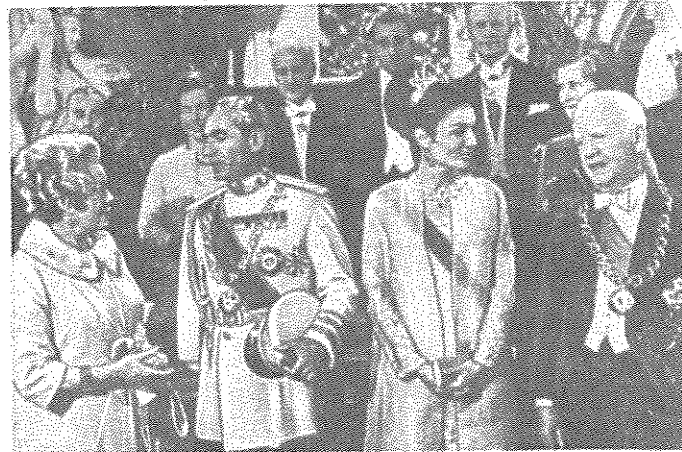
مجلسین بصورت اداری ثبت * منویات ملوکانه * درآمده اند ، استقلال قضایی بکلی از میان برداشته شده و دادگاهها عملاً به آلت اجراء نظریات دولت تبدیل گردیده اند . حق رسیدگی به محاکمات سیاسی و جراثیم مربوط به مطبوعات برخلاف نص صریح قانون اساسی از مراجع دادگستری سلب شده و به دادگاههای استثنائی نظامی محول گردیده است . محاکم در رستهی نظامی که هیچ قانون و مقرراتی جز فرمان شاه نمیشناسند بکسک سازمان امنیت دسته دسته میهن پرستان و آزاد یخواهان را بزند آنها و مید انهای اعدام میفرستند . تار بجسائی رسیده که حتی صورت ظاهر اصول محاکمات رعایت نمیشود . امری که مکرراً از جانب حقوقدانان خارجی که امکان شرکت در برخی از محاکمات اخیر را یافته اند تصریح شده است . سازمان امنیت که برخلاف کلیهی اصول قضائی جانشین قضاوت تحقیق شده است را * سابدون اتکا * بهیچ قرار یا حکمی مخالفان رژیم را بازداشت نموده در زندانها بقتل میرساند و یا تبعید و نفی بلد میکند .

در کلیهی شئون دولتی و اجتماعی فرد پرستی و ستناد بد ستور و فرمان شاه جانشین نظارت دموکراتیک در امور دولتی و اصول حکومت پارلمانی گردیده است . نخست وزیر و وزرا * نیز که تنها بفرمان شخصی شاه عزل و نصب میشوند برای خود در برابر مجلسین هیچگونه مسئولیتی قائل نیستند و حتی علناً و بی پروا خود را جری اوامر شاه اعلام میدارند . خصلت ضد دموکراتیک و بجزو کراتیک رژیم روز بروز در تمام امور دولتی و اجتماعی بسط مییابد و کوچکترین مخالفت یا مقاومتی از طرف مردم با شدت و بی پروائی خاصی سرکوب میگردد .

احزاب و اجتماعات کماکان ممنوعند و حق هرگونه مخالفت نسبت بسیاست دولت از مطبوعات سلب گردیده است .

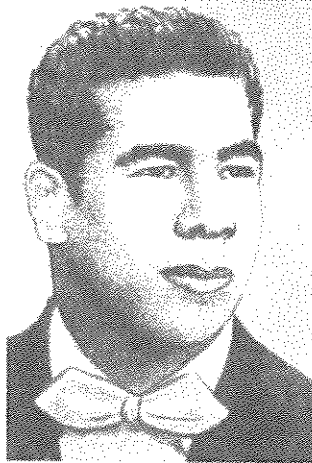
مسافرت شاه به آلمان غربی -

دانشجویان ایرانی در سراسر آلمان غربی به تظاهرات وسیعی علیه شاه دست زدند. دانشجویان خارجی و بویژه دانشجویان آلمان غربی و برلن غربی نیز به عنوان مخالفت با استبداد شاه در این تظاهرات شرکت نمودند. در نمایش عظیمی که در برلن غربی از طرف دانشجویان هنگام ورود شاه به "ایرا" علیه وی انجام شد ابتدا اماثوران سازمان امنیت ایران با جوب و چماق به دانشجویان حمله نمودند و سپس پلیس آلمان غربی با گاز اشک آور، با فشار آب ماشینهای آتش نشانی و با باتون به دانشجویان یورش برد. چون دانشجویان به تظاهرات ادامه دادند، پلیس کشور آلمان غربی به تظاهراتکنندگان تیراندازی نمود و در نتیجه دانشجویی ۲۶ ساله ای بنام "بنوا نه زورگ" از برلن غربی به قتل رسید. در جریان این تظاهرات صدهای مجروح و جمعی بازداشت شدند. نام "بنوا نه زورگ" در کنار سایر قربانیان رژیم ثبت است.



برگزاری پنجاهمین سالگرد انقلاب کبیرا کثیر در سراسر جهان * باین مناسبت از طرف حزب تود * ی ایران کتاب "انقلاب اکتبر و ایران" متضمن سخنرانیهایی که در سمینارهای علمی سه گانه شد * بود ، نشر یافت *

درگذشت تلا مرزاتختی قهرمان ورزش ایران و عضو شورایی عالی
جبهه ی ملی - تختی در دوران کوتاه حیات خود موفق بد ریافت
۴ مدال طلا و ۶ مدال نقره در مسابقات جهانی المیک شد *
روشن سیاسی و حمایت او از جنبش ملی ایران و دکتر ممدق او را
بسی از محبوبترین ورزشکاران ایران بدل کرد * بود * تختی مورد
گینیه ی دربار بود و بهمین جهت مردم تهران در شایعهی
خودکشی او تردید نمودند *



از سند اصلی جلسه مشاوره احزاب برادر

ضرورت مبارزه در راه صلح

حلقه ی اصلی عمل مشترک نیروهای ضد امپریالیستی همچنان
مانند گذشته عبارتست از مبارزه بخاطر صلح جهانی ، طبقه
خطر جنگ جهانی هسته ای ، خطری که خلقها را به امحسا *
تود * ای تهدید مینماید * با مساعی مشترک کشورهای
سوسیالیستی ، طبقه ی کارگر بین المللی ، جنبش آزاد بخش
ملی ، تمام کشورهای صلح طلب ، سازمانهای اجتماعی و
جنبشهای تود مای میتوان از جنگ جهانی جلوگیری کرد *

سال ۱۳۴۷

۷ فروردین ۱۳۴۷

نخستین کیهان نورد جهان سرهنگ یوری گاگارین در یک سانحه ی هواشی درگذشت.

۱۲ اردیبهشت ۱۳۴۷



شهادت شریف زاد و یارانشر بدست نظامیان شاه. شریف زاد هنگامی که دانشجوی دانشگاه تهران بود مبارزه ی خود را علیه رژیم کودتا آغاز نمود و بعداً در کردستان ایران دست به مقاومت مسلحانه علیه رژیم زد.



۱۳ اردیبهشت ۱۳۴۷

صد و پنجاهمین سالگرد تولد مارکس در سراسر جهان برگزارگردید و هیئت نمایندگی حزب توده ایران در جلسه ی سالگرد منعقد در برلین دموکراتیک شرکت جست.

۲۳ اردیبهشت ۱۳۴۷

تشکیل کنفرانس جهانی حقوق بشر در تهران -
پنجاهمیت تشکیل این کنفرانس کمیته ی مرکزی حزب توده ی ایران نامه ی سرگشاده ای در افاضات اقدامات ضد دموکراتیک رژیم ایران به کنفرانس ارسال داشت.

۱۶ خرداد ۱۳۴۷

تشکیل پنجم دوازدهم کمیته ی مرکزی حزب توده ی ایران *

مهر ۱۳۴۷

برگزاری صدمین سالگرد تولد ستارخان سردار ملی *

سال ۱۳۴۸

۱۵ تا ۱۷ خرداد ۱۳۴۸

تشکیل کنفرانس بین المللی احزاب کمونیستی و کارگری در مسکو — در این کنفرانس ۷۵ حزب و از آن جمله هیئت نمایندگی حزب ما شرکت کردند * سند عددی کنفرانس تحت عنوان : « وظایف کنونی مبارزه علیه امپریالیسم و وحدت عمل احزاب کمونیستی و کارگری و همه ی نیروهای امپریالیستی » بتصویب رسید *

۶ تا ۱۱ آذر ۱۳۴۸

تشکیل پنجم سیزدهم کمیته مرکزی حزب توده ی ایران *

۱۴ بهمن ۱۳۴۸

سی امین سال شهادت دکتر ترقی ارانی رهبر زحمتکشان ایران — دکتر ارانی در تاریخ ۱۴ بهمن سال ۱۳۱۸ د رزند ان رضاشاه درگذشت * بیاد بود سالگرد شهادت ارانی ویژه نامه ی مجله ی « دنیا » انتشار یافت *

تظاهرات وسیع مردم تهران برای اعتراض به گران‌بهای بلیط اتوبوس. این تظاهرات سه روز بطول انجامید و قشرهای مختلف مردم در آن شرکت جستند. مردم در این مبارزه پیروز شدند و دولت مجبور به عقب نشینی شد. در جریان تظاهرات ده‌ای از دانشجویان بازداشت و زندانی شدند.

کرد آورنده و تنظیم کننده: م. مینو

ازسند تحلیلی حزب:

ضرورت و حدت عمل

حزب توده‌ی ایران معتقد است که یکی از عمده‌ترین علل پابرجا ماندن رژیم حکومت مطلقه پراکندگی و عدم هماهنگی بین نیروهای میهن پرست است و به همین سبب است که کوشش در راه ایجاد چنین اتحادی را وظیفه‌ی مرکزی و مستمر خمش تلقی میکند. حزب ماکلیهٔ مساعی لازم را بکار خواهد برد تا در اطراف مسئلهٔ مرکزی مبارزه در راه آزاد بهای دموکراتیک و طبقه حکومت پلیسی ترور و اختناق همهٔ نیروها را، صرف نظر از تحلیلهای و تفسیرات و عقاید مختلفه مجتمع سازد.

اتحاد عمل در پیرامون مسائل روزانه از قبیل اقدامات مشترک برای دفاع از این یا آن زندانی سیاسی، مبارزه‌ی متحد در راه آزادی همهٔ زندانیان سیاسی، مبارزه‌ی مشترک برای افشا* جنایات و اعمال خلاف قانون سازمان امنیت و محاکم نظامی، مبارزهٔ متحد برای ارجاع محاکمات سیاسی به محاکم دادگستری، مبارزهٔ مشترک برای تصویب قانون غوغوی زندانیان و پناهندگان سیاسی، مبارزه‌ی مشترک برای آزادی اجتماعات و احزاب و تصویب قانون اجتماعات و غیره - بهترین وسیله برای ایجاد زمینه‌ی چنین اتحادی است. اقدامات مشترک باید در رجا باین نتیجه انجامد که زمینه‌ی اتحاد بر مبنای برنامه‌ی مشترک عمل را فراهم سازد. تجارب سالهای اخیر اثربخشی وحدت عمل را در عرضه‌های گوناگونی با اثبات رسانده است. حزب ما به پیروی از این روش در فعالیت روزمره‌ی خود با تمام قوا از حقوق مردم ایران و گروههای سیاسی میهن پرست و آزاد بخواه، صرف نظر از آنکه عقاید و مشی آنها با ما موافق باشد یا نه، دفاع کرده میکند.

* خد اوند بزرگ اورمزد که این بوم آفرید ، که آن
آسمان آفرید ، که شادی آفرید مردم را.*
(از سنگبشته ی "استخر")

شادی

دیدم این پندگرا نعاپه براستخرکهن ؛
که خد اوند چو درجاده ی ایجاد افتاد
چارچیز است کز آغاز پدیدار آورد ؛
آسمان و زمی ، آدمی است و شادی است
که از آن خانه ی جان بهره ور از آبا دیمت*
شادی از "چارنخست" است که ایزد اراست ،
گرچه اهریمن آلود جهان را بارنج ،
ورچه آزرده روانیم در این دیر سینج ،
لیک خوش بینی و شادی ره پایسته ی ماست*
اند رین رزم نرانیم دمی خنده ز لب
نیست در خورد پشیر شیون غم ، بانک تعب*
گر نیایشگر شادی جهان آرائیم
هر گره راکه بلا در فکند ، بشکشائیم*

گفت زرتشت به یستا ؛ مکش آوای دریغ !
مویه کردن نسزد مردم یزدانی را
آفریننده ی مرک است و ستم اهریمن
هر که از مرک و ستم چهره نماید پرچین
پیش اهریمن افکند سپر ، سوده جبین*
زندگی ، شادی ؛ این دودش است از هر مز
شاد باشیم ، نموشیم ، بشادی بزئیم !
نشانیم سرشک از الم و ناکامی !
وند رین رزم که بالشگر جور است پدید ،

ای غم اگر وی شوی پیش منت یار نیست
درشکرینه ی یقین سرکه ی انکار نیست
ای غم اگر ز شوی یا همسه شکر شوی
بند م لب گویمت ؛ خواجه شکر خوار نیست
(مولوی)

نگزینم ره ناکسی وید نامی !
پیش اهریمن د وون جیبهه نسائیم ، که نیست
درخور انسان این پستی و بدفرجامی *

الحق این نکته که در دفتر ایام کهن
ثبت گردیده ، یکی نکته ی پند آموز است *
کیشها جمله نوای المی جانسوز است
لیک زرتشت یکی نغمه ی خوش ساز کند ،
و ندرین مرحله رازی دگر آغاز کنند *
شادی هستی ؛ این سرخوشی و مستی نیست
بی خبرماندن از راه بالاخیز جهان
غافل و سرخوش و لاقید ، زمان پیمودن ،
یک چنین شیوه بجز سفلگی و پستی نیست *
شادی درخور ما شادی رزم است و طلب ،
شادی قدرت و امید و تکاپو و تلاش ،
شادی آنکس کس نیست بوجدان گردی ،
شادی آنکس کو گفت ؛ نمائدم بیکار
تا درخت طلب من ثمر آورد بیبار *
هرچه کان نیک بد و والا - فرمان کردم ،
هرچه کان رنج بد و حرمان - درمان کردم ،
هرچه کان زشت بد و سفله - براندم از راه
نهراسید روانم نه ز دار ، نه ز بند
نه ز دژخیم تهبگسار و نه زندان سیاه *

نگزینم ره ناکسی وید نامی !
نفسانیم سرشک ازالم و ناکامی !
درخور انسان این پستی و بدفرجامی *

اندرین رزم که با لشکرچور است پدید
شادباشیم و نموئیم ویشادی بزئیم !
پیش اهریمن د وون جیبهه نسائیم که نیست

مسئولیت ملی و بین المللی احزاب برادر

شرکت کنندگان در کنفرانس معتقدند که اثر بخشی سیاست هر حزب کمونیست بستگی به کامیابیهای آن حزب در کشور خویش و کامیابیهای دیگر احزاب برادر و درجه همکاری آنها با یکدیگر دارد. هر حزب کمونیست مسئول فعالیت خویش در برابر طبقه ی کارگر و خلق کشور خویش و در عین حال در برابر طبقه ی کارگر جهانی میباشد. مسئولیت ملی و بین المللی هر حزب کمونیست و کارگری تفکیک ناپذیر است. مارکسیست لنینیست ها در عین حال هم میهن پرستند و هم انترناسیونالیست. آنها هم تنگ نظری ناسیونالیستی، هم نفی مصالح ملی و کم بها دادن به آنها و هم گرایش بسوی هژمونیک را مطرود میدانند. احزاب کمونیست یعنی احزاب طبقه ی کارگر و تمام زحمتکشان پرچمداران مصالح واقعی ملی در برابر طبقات مرتجع خائن به این مصالح اند. بزرگترین خدمت به امر سوسیالیسم و انترناسیونالیسم پرولتری از جانب احزاب کمونیستی که در کشورهای سرمایه داری میزمنند عبارتست از تصرف قدرت حاکمه توسط طبقه ی کارگر و متحدین وی.

بنیاد مناسبات متقابل احزاب برادر

شرکت کنندگان در کنفرانس نظر مشترک خود را تا آنجا که بنیاد مناسبات متقابل بین احزاب برادر عبارت از اصول انترناسیونالیسم پرولتری، همبستگی و کمک متقابل، احترام به استقلال و برابری، عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر است. رعایت دقیق این اصول، شرط ضروری برای رشد همکاری رفیقانه ی احزاب برادر و تحکیم وحدت جنبش کمونیستی است.

گیاه معجزه

آنکه که ترس و ننگ کشد پرده ای سیاه
بر جلوه های سعی و تلاش ستکشان ،
دل‌های پاک را نبود هیچ شک که عشق
باز آید و کرامت خود میدهد نشان *

این آن گیاه معجزه باشد که هر دمش
پیراستند ، شاخ گشکن داد ، برگ داد
طوفان برف برتن آن هشت قشر مرک
لیکن گمان میرده روان را به مرک داد *

ایام تیره است و ستم اُشْتَلُمُ کنان
طبل ظفر بکوبد و فریاد می کند
شمشیر زهرگین بلا را ز قسط غیظ
در قلب خلق خسته زبیدان میکند *

لیکن زمان که در کف معجز نمون خویش
دارد قوای خلقت و اسباب انهدام ،
طبق شرایطی که بود ذاتی حیات
برهم رتد ز بیخ و بن این بد شگون نظام

در پیچ جاده ایم و پس پیچ منظر یست
کاندردون سینه بود آرزوی آن
از پامیفت و با همه ی جان و دل بکوش
خواهی اگر طراوت روی نکوی آن *

قطعات اشعاری که در این مجموعه آمد
(بجز قطعات رفیق فقید افراسنه) سرود
۰۱ سپهر است.

ک. ا. ط. / اصنامی

www.iran-archive.com

تذکره فنی این سالنامه به یاری رفقا
ص. شیواد و ر. پیمانگرا انجام گرفته است
(۲۳۹)

YEARBOOK OF TOUDEH

On the occasion of the 50th anniversary of the Communist Party of Iran

and

the 30th anniversary of the foundation of the Tudeh Party of Iran

Price: 1.5 \$

Druck: Leipziger Druckhaus, Grafischer Großbetrieb

سالنامه ی توده

به مناسبت پنجاهمین سالگرد حزب

کمونیست ایران و سی امین سالگرد

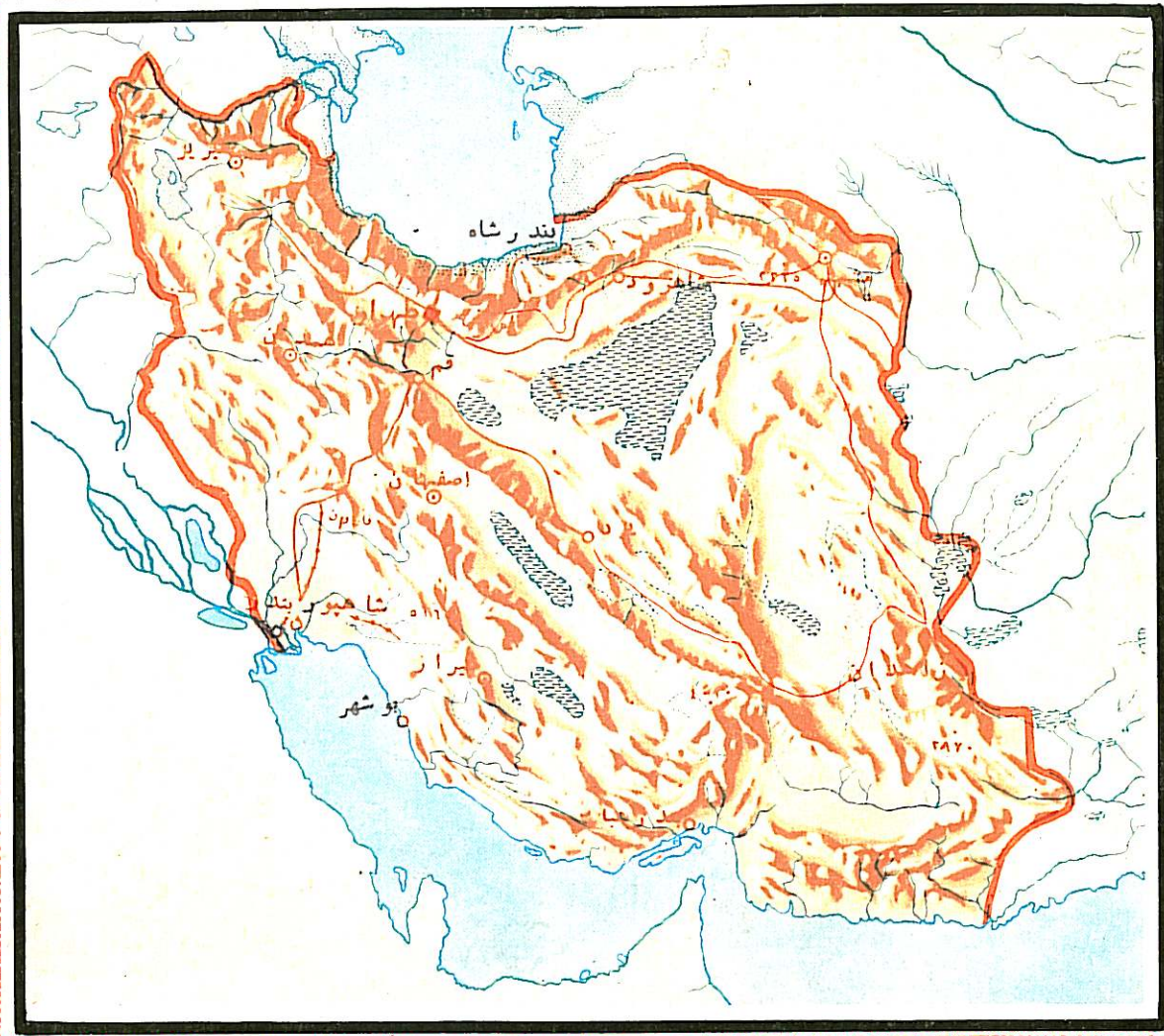
حزب توده ی ایران

سال ۱۳۴۹

چاپخانه ی "زالتس لاند" ۳۲۵ شتا سفورت

بهدارایران ۱۲۰ ریال

در خارج معادل ارزی هفتمین مبلغ



از انتشارات حزب توده ایران